امامت

جلد ۱



علامہ محمد باقر مجلسی

بسم الله الرحمن الرحیم

امامت

نویسنده:

محمدباقر بن محمدتقی علامه مجلسی

ناشر چاپی:

اسلامیه

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

مشخصات کتاب

سرشناسه : مجلسی ، محمد باقربن محمدتقی ، ۱۰۳۷ - ۱۱۱۱ق.

عنوان قراردادی : بحار الانوار .فارسی .برگزیده

عنوان و نام پدیدآور : ترجمه جلد هفتم بحارالانوار: امامت / تالیف محمدباقر مجلسی ؛ مترجم موسی خسروی .

مشخصات نشر : تهران : کتابفروشی اسلامیه ،۱۳۶۳.

مشخصات ظاهری : ۵ ج.

شابک : دوره ۸-۰۹۸-۴۸۱-۹۶۴ : ؛ ۲۰۰۰۰۰ ریال : دوره، چاپ چهارم ۵-۰۹۸-۴۸۱-۹۶۴-۹۷۸ : ؛ ج. ۱ : -۴۸۱-۹۶۴ X-۱۸۱ ؛ ج. ۲ : ۸-۱۸۲-۴۸۱-۹۶۴ ؛ ج. ۲، چاپ چهارم ۱-۱۸۲-۴۸۱-۹۶۴-۹۷۸ : ؛ ج. ۳ : ۶-۱۸۳-۴۸۱-۹۶۴ ؛ : ج. ۳،چاپ چهارم ۸-۱۸۳-۴۸۱-۹۶۴-۹۷۸ : ؛ ج. ۴ : ۴-۱۸۴-۴۸۱-۹۶۴ ؛ ج. ۴، چاپ چهارم ۵-۱۸۴-۴۸۱-۹۶۴-۹۷۸ : ؛ ج. ۵ ، چاپ چهارم ۲-۱۸۵-۴۸۱-۹۶۴-۹۷۸ : ؛ ج. ۵ : ۲-۱۸۵-۴۸۱-۹۶۴

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : ج. ۱ (چاپ اول؟: ۱۳۵۷).

یادداشت : ج. ۲ - ۵ (چاپ چهارم: ۱۳۸۷).

یادداشت : عنوان عطف: بحارالانوار.

یادداشت : کتابنامه .

مندرجات : ج. ۵. امامت

عنوان عطف : بحارالانوار.

موضوع : احادیث شیعه -- قرن ۱۱ق.

موضوع : امامت

شناسه افزوده : خسروی ، موسی ، ۱۳۰۴ - ، مترجم

رده بندی کنگره : BP۱۳۵ /م۳ ب۳۰۴۲۱۲۷۵ ۱۳۶۳

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۲۱۲

شماره کتابشناسی ملی : م ۷۰-۵۲۱۹

جلد اول

مقدمه مؤلف

بنام خداوند بخشنده مهربان

ستایش خداوندی را سزاست که شاهراه های زندگی را با آیات درخشان و چراغهای فروزان هدایت روشن نمود آن راهنمایان محمّد مصطفی صلی اللّه علیه و آله است که تمام ملل بشارت ظهورش دادند و خاندان پاکش که گنجینه های کرم و سرور عرب و عجم و پایداری آنها موجب بقای عالم است درود بر آنها باد تا آنگاه که شب و روز ادامه دارد.

اینک جلد هفتم بحار الانوار است که تألیف بنده خطا کار محمّد ابن محمّد تقی مشهور بباقر است و در اختیار شما است امید است نامه عمل من و پدرم را در روز رستاخیز بدست راستمان بدهند.

این جلد

مشتمل بر احوال ائمه گرام علیهم السلام و دلائل امامت آنها و فضائل و مناقب و کارهای شگفت انگیز و معجزات ایشان است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ

بخش اول ضرورت احتیاج بحجت و اینکه زمین نباید خالی از حجت باشد

آیات قرآن

: سوره رعد: إِنَّما أَنْتَ مُنْذِرٌ وَ لِکُلِّ قَوْمٍ هادٍ- آیه «۸».

سوره قصص ۲۸: وَ لَقَدْ وَصَّلْنا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ یَتَذَکَّرُونَ- آیه «۵۱».

تفسیر آیات

طبرسی در مورد آیه إِنَّما أَنْتَ مُنْذِرٌ وَ لِکُلِّ قَوْمٍ هادٍ مینویسد در تفسیر این آیه چند قول است:

۱- تو بیم دهنده و هادی تمام جهانیانی.

۲- بیم دهنده حضرت محمّد صلّی اللَّه علیه و آله و سلم و هادی خدا است.

۳- معنی آیه اینست: ای محمد تو بیم دهنده هستی و هر گروه و طایفه ای را پیامبری است که آنها را هدایت و راهنمائی میکند.

۴- منظور از (هادی) در آیه هر کسی است که دعوت بحق کند.

از ابن عباس روایت شده: وقتی این آیه نازل شد پیامبر اکرم صلّی اللَّه علیه و آله و سلم فرمود من منذر و بیم دهنده هستم و علی پس از من هادی است. علی جان بوسیله تو راهنمائی می شود هدایت جویان.

ابو القاسم حسکانی در شواهد النزیل از ابو برده السلمی نقل میکند که پیامبر اکرم آب خواست و وضو گرفت علی علیه السّلام در خدمت آن جناب بود در این

موقع دست علی را گرفت و بر سینه خود چسبانیده فرمود: «إِنَّما أَنْتَ مُنْذِرٌ» بعد دست خود را بر روی سینه علی علیه السّلام گذاشت فرمود: «لِکُلِّ قَوْمٍ هادٍ» و اضافه نمود یا علی تو مشعل فروزان عالم و پرچم هدایت و سرور پیروان قرآنی، من گواهی میدهم که این منصب ها و موقعیت ها اختصاص بتو دارد «۱».

بنـا بر سه قول اخیر هـادی نهـاد و مبتـداء می شود و «لِكَلِّ قَوْمٍ» خبر و گزاره است بنا بر قول سـیبویه و اما بعقیـده اخفش مرفوع است بوسیله ظرف.

توضیح:

اخبـار ایـن بخش شاهـد بر معنی اخیر آیه است و همین معنی از آیه بهـتر فهمیـده می شـود بـدلایلی که بر خردمنـدان پوشـیده نیست.

ترجمه روایات

اختصاص: حضـرت رضا علیه السّـلام از حضـرت صادق علیه السّـلام نقل کرد که فرمود حجت خدا بر مردم تمام نمیشود مگر بوسیله امام زنده ای که شناخته شود.

بصائر: از حضـرت باقر علیه السّـلام نقل کرد در مورد تفسیر آیه إِنَّما أَنْتَ مُنْذِرٌ وَ لِکُلِّ قَوْمٍ هادٍ فرمود پیامبر اکرم منذر است و در هر زمانی یک هادی و راهنما از ما خانواده هست که آنها را راهنمائی میکنـد بدسـتورات پیامبر، هادیان بعـد از پیامبر اکرم عبارتند از علی بن ابی طالب علیه السّلام سپس جانشینان و یکی پس از دیگری.

بصائر: فضـیل گفت از حضـرت صادق علیه السّلام در مورد آیه إِنَّما أَنْتَ مُنْذِرٌ وَ لِکُلِّ قَوْمٍ هادٍ پرسیدم فرمود هر امامی هادی و راهنمای قرن خویش است برای مردمی که در آن قرن زندگی میکنند.

بصائر: عبـد الریم قصـیر از حضـرت باقر علیه السّـلام در باره آیه إِنَّما أَنْتَ مُنْذِرٌ وَ لِکُلِّ قَوْمٍ هادٍ نقل کرد که فرمود پیامبر اکرم منذر است و علی هادی است بخدا قسم این آیه در باره ما خانواده است و تا قیامت راهنمایان از ما خانواده خواهند بود.

امامت، ج ۱، ص: ۵

بصائر الدرجات: ابو بصـیر گفت از حضـرت صادق علیه السّلام پرسیدم از معنی آیه إِنَّما أَنْتَ مُنْذِرٌ وَ لِکُلِّ قَوْمٍ هادٍ فرمود پیامبر اکرم منذر و علی هادی است بگو ببینم امروز هادی از میان ما خانواده وجود دارد.

عرضکردم: بلی یا بن رسول اللَّه پیوسته هادیان از شما خانواده بوده یکی پس از دیگری تا منتهی بشما شده

است.

فرمود خدا ترا رحمت کند اگر این آیه فقط در مورد یک شخص باشد و آن شخص بمیرد در نتیجه دستوری که در آیه داده شده و خود احکام قرآن از بین رفته است.

اما چنین نیست، بلکه پیوسته در هر زمان امامی است زنده و معنی این آیه همان طور که برای مردم گذشته وجود داشته برای آیندگان نیز خواهد بود.

بصائر: حمران از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد که در مورد آیه وَ مِمَّنْ خَلَقْنا أُمَّةٌ یَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ یَعْدِلُونَ از میان مردم گروهی راهنمای بحق هستند و مردم را متوجه حقیقت می کنند فرمود آنها ائمه کرامند.

اکمال الدین: ص ۳۷۵- محمّد بن مسلم از حضرت باقر علیه السّلام در مورد آیه إِنَّما أَنْتَ مُنْذِرٌ وَ لِکُلِّ قَوْمٍ هادٍ نقل کرد که فرمود امام همان هادی و راهنمای مردم است در زمان خودشان.

اکمال الدین: برید عجلی گفت بحضرت باقر علیه السّلام عرضکردم معنی آیه إِنَّما أَنْتَ مُنْذِرٌ وَ لِکُلِّ قَوْمٍ هادٍ چیست فرمود منذر پیامبر اکرم و علی هادی است و در هر زمان از ما خانواده امامی وجود دارد که مردم را راهنمائی به دستورات پیامبر اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلم مینماید.

اکمال الدین و امالی صدوق: اعمش از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که آن جناب از پدر بزرگوارش از حسین بن علی علیه السّلام فرمود:

ما پیشوای مسلمانانیم و حجت خدا بر جهانیان و سرور مؤمنین و رهبر

امامت، ج ۱، ص: ۶

سفید چهرگان و مولای مؤمنین.

ما موجب امان و آسایش مردمیم در روی زمین همان طور که ستارگان موجب امان اهل آسمانند خداوند بواسطه ما آسمان را نگهداشته که بر

زمین فرو نریزد مگر باذن و اجازه او و بوسیله ما زمین را نگهداشته که اهلش را تکان ندهد باران بواسطه ما می بارد و رحمت بواسطه ما گسترش می یابد و زمین نعمتهای خود را خارج میکند.

اگر نباشد راهنمائی از ما خانواده زمین اهلش را فرو می برد.

از زمانی که خداوند آدم را آفرید زمانی از حجت خالی نبود یا حجتی آشکار و مشهور و یا غائب و مستور و تا روز قیامت از حجت خالی نخواهد بود اگر چنین نبود خدا پرستش نمیگردید.

سلیمان گفت: بحضرت صادق علیه السّلام عرضکردم چگونه مردم از حجت غائب و مستور بهره مند میشوند و استفاده می برند فرمود همان طوری که از خورشید بهره میبرند هنگامی که در پس پرده های ابر پنهان است.

اکمال الدین و امالی صدوق: یونس بن یعقوب گفت گروهی از اصحاب حضرت صادق علیه السّلام خدمت آن جناب بودند که هشام بن حکم و حمران بن اعین و مؤمن طاق و هشام ابن سالم و طیار از آن جمله بشمار می آمدند هشام بن حکم هنوز جوانی بود.

حضرت صادق علیه السّلام باو فرمود هشام جریان مناظره خود را با عمرو بن عبید برایم نقل نمیکنی که چگونه او را مجاب کردی؟! عرضکرد: آقا من از شما خجالت میکشم و در مقابل شما نمیتوانم زبان درازی کنم عظمت مقام شما مرا مانع است از سخن گفتن.

حضرت صادق فرمود هر گاه دستوری بشما میدهیم در انجام آن تأخیر روا ندارید.

هشام گفت شنیدم عمرو بن عبید در مسجد بصره می نشیند و مردم را گرد

خود جمع میکند و آنها را گمراه می نماید خیلی بر من دشوار آمد بالاخره بجانب بصره

رهسپار شدم و روز جمعه ای بود که وارد بصره شدم و به مسجد رفتم.

گروه زیادی در مسجد اجتماع داشتند عمرو بن عبید که پارچه ای پشمین و سیاه رنگ بر کمر بسته بود و یک پارچه نیز بر شانه داشت در میان جمع نشسته بود مردم از او سؤال میکردند.

من جمعیت را گشوده پیش رفتم دو زانو در یک کنار نشستم بعمرو بن عبید گفتم آقای دانشمند من مردی غریبم اجازه میفرمائی یک سؤال از تو بکنم گفت بگو.

گفتم تو چشم داری.

عمرو بن عبید گفت: این چه سؤالی است.

هشام- سؤالهای من همین طوری است.

عمرو- بپرس گر چه سؤالی احمقانه باشد.

هشام- جواب مرا بده.

عمرو- سؤال کن.

هشام- چشم داری؟

عمرو- آری.

با چشم چه میکنی؟

عمرو- رنگ ها و اشخاص را می بینم.

هشام- بینی داری؟

آری؟

هشام- با آن چه میکنی.

عمرو- بوئی ها را با آن استشمام میکنم

امامت، ج ۱، ص: ۸

هشام- زبان داری؟.

عمرو- آری.

هشام- با آن چه میکنی.

عمرو- طعم و مزه اشیاء را میچشم.

گوش داری؟

آری.

با آن چه میکنی.

صداها را میشنوم.

آیا دست داری؟

آری.

با دستهایت چه میکنی؟.

اشیاء را میگیرم و خشونت و زبری آنها را تشخیص میدهم.

تو پا هم داری؟

آری.

با دو پایت چه میکنی؟

بوسیله آن ها از این مکان بمکان دیگر میروم.

هشام- مغز و مخ داری؟

آری.

هشام- با آن چه میکنی.

عمرو- هر چه بر این اعضا و جوارح و حواس وارد می شود بوسیله او تشخیص می دهم.

هشام- مگر این اعضا و جوارح و حواس نمیتوانند ترا از مخ و مغز بی نیاز کنند.

عمرو- نه.

امامت، ج ۱، ص: ۹

هشام- چرا با اینکه همه صحیح و سالم هستند.

عمرو- حواس و جوارح هر گاه در مورد چیزی تردید داشته باشند آن را می بویند یا می بینند و یا میچشند و یا میشنوند و یا لمس میکنند آنگاه

بمغز میدهند مغز یقین را بوجود می آورد و شک را از میان بر میدارد.

هشام- پس خداوند قلب را برای رفع تردید و شک جوارح قرار داده.

عمرو- آری.

هشام- اگر مغز نباشد کار حواس و جوارح کامل نمیشود؟

عمرو- صحیح است.

هشام- پس معلوم می شود خداوند عزیز اعضا و حواس ترا وانگذاشته برای آنها راهنمائی قرار داده که تصحیح مطالب را نماید و یقین را بوجود آورد و تردید را از میان ببرد.

اما بعقیده تو این مردم را در سرگردانی و شک و اختلاف واگذاشته و امام و پیشوائی قرار نداده که رفع تردید و اختلاف از آنها بنماید.

اما برای اعضا و جوارح تو راهنما قرار داده که رفع شک و تردید نماید.

عمرو- سکوت کرد و هیچ نگفت پس از چند دقیقه رو بجانب هشام نموده گفت تو هشام هستی؟

هشام- نه.

عمرو- با او نشسته ای و مصاحبت داشته ای.

هشام- نه.

پس تو اهل کجائی.

هشام- از اهالی کوفه هستم.

تو همان هشام هستی.

در این موقع مرا پیش برد و در جای خود نشاند تا وقتی من آنجا نشسته بودم سخن نگفت:

امامت، ج ۱، ص: ۱۰

حضرت صادق علیه السّلام از شنیدن جریان خندیده فرمود چه کسی بتو این مطالب را آموخت، عرضکردم بزبانم جاری شد.

فرمود: هشام بخدا قسم این مطالب در صحف ابراهیم و موسی نوشته است.

احتجاج: ص ۱۹۸: یونس بن یعقوب گفت خدمت حضرت صادق علیه السّلام بودم مردی از شامیان وارد شده گفت من مردی صاحب سخن و دارای علم فقه و فرائض دینی هستم برای مناظره با شاگردان شما آمده ام.

حضرت صادق علیه السّلام فرمود: گفتار تو از سخنان پیامبر اکرم صلّی اللَّه علیه و آله و سلم است یا از خودت، گفت مقداری

از پیامبر و مقداری از خودم.

فرمود: پس تو شریک پیامبری.

شامی- نه.

فرمود: بتو از جانب خدا وحی شده!؟

شامی- نه.

فرمود: اطاعت تو لازم است همان طور که اطاعت از پیامبر اکرم واجب شده؟

شامی- نه.

در این موقع حضرت صادق علیه السّلام روی بجانب من نموده فرمود یونس! این مرد قبل از مناظره کردن خود را مجاب ساخت و ادعای خویش را باطل کرد اگر تو اهل کلام و مناظره بودی با او ببحث میپرداختی.

عرض کردم افسوس که من وارد نیستم اما فدایتان شوم از شما شنیده ام که از مناظره نهی میکردی و میفرمودی وای بر اهل کلام میگویند این مطابق فهم ما است و آن بسلیقه ما صحیح نیست این جور در می آید و آن دیگری ناجور است این را عقل ما می پذیرد و آن دیگری را نمی پذیرد.

فرمود من گفتم: وای بر اهل کلام که سخن مرا واگذارند و باستدلال خود متکی شوند اکنون برو بیرون ببین از متکلمین کسی را می بینی بگو بیاید.

یونس گفت خارج شدم. حمران بن اعین که مردی متکلم بود و محمّد بن

امامت، ج ۱، ص: ۱۱

نعمان احول که او نیز در کلام مهارت داشت و هشام بن سالم و قیس ماصر که هر دو از متکلمین بشمار می آمدند یافتم بنظر من قیس ماصر از همه آنها در کلام قدرت بیشتری داشت او علم مناظره را از علی بن الحسین زین العابدین علیه السّلام آموخته بود تمام آنها را خدمت حضرت صادق علیه السّلام آوردم. آن جناب داخل خیمه ای قرار داشت در دامنه کوه کناره راه حرم و کعبه، هنوز چند روز بایام حج باقی بود.

در این موقع که همه میان خیمه نشسته بودند حضرت

صادق علیه السّلام (مثل کسی که انتظار شخصی را داشته باشد) دامن خیمه را کنار زده و دامنه افق را تماشا کرد. شتر سواری از دور می آمد یک مرتبه امام صادق علیه السّلام فرمود: (هشام و رب الکعبه) بخدای کعبه قسم هشام می آید.

ما خیال کردیم آن هشامی است که از اولاد عقیل است و خیلی بحضرت صادق علاقه دارد اما بعد معلوم شد که هشام بن حکم است هشام جوانی بود که هنوز موی بر صورتش نروئیده و از همه کوچکتر بود.

تا وارد شد حضرت صادق علیه السّلام برایش جایی گشوده فرمود یار و ناصر ما با قلب و دست و زبان آمد در این موقع رو بحمران نموده فرمود با این مرد مناظره کن.

حمران بر او پیروز شد. امام به محمّد بن نعمان رو کرده فرمود طاقی تو با او بحث کن محمّد بن نعمان نیز پیروز شد.

رو بهشام بن سالم نموده فرمود با این مرد مناظره کن آن دو به بحث پرداختند تا هر دو حریف یک دیگر را شناختند بعد بقیس ماصر فرمود تو صحبت کن، قیس شروع بمناظره کرد حضرت صادق از سخنان و جواب و سؤال آن دو لبخند میزد مرد شامی چون جوجه خوار و ذلیل در دست قیس قرار داشت.

در این موقع رو بشامی نموده فرمود: با این پسرک صحبت کن (هشام بن حکم) شامی قبول کرده بهشام گفت در مورد امامت این شخص از من چیزی سؤال کن.

امامت، ج ۱، ص: ۱۲

هشام از سخن مرد شامی چنان خشمگین شد که رگهای گردنش بر آمد (چون او با تحقیر اشاره بامام علیه السّلام کرد).

متوجه مرد شامی شده گفت: بگو

ببینم خداوند بهتر صلاح مردم را میداند یا مردم خودشان.

شامی- خدا بهتر صلاح مردم را میداند.

هشام- خداوند بصلاحدید خود برای مردم در مورد دین چه انجام داده؟

شامی- آنها را مکلف بدستوراتی نموده و برای ایشان دلیل و راهنمائی قرار داده تا حجت بر آنها تمام شود و ایراد و اشکالی نداشته باشند.

هشام- آن دلیل و راهنما بعقیده تو کیست؟

شامی- پیامبر اکرم صلّی اللَّه علیه و آله و سلم.

هشام- بعد از حضرت رسول صلّی اللَّه علیه و آله و سلم چه کسی راهنما است.

شامی- کتاب خدا و سنت پیامبر صلی اللَّه علیه و آله.

هشام- آیا کتاب و سنت در مورد اختلافات ما کاری می توانند انجام دهند و رفع اختلاف نمایند و ما را متفق گردانند.

شامی- آری.

هشام- پس چرا من و تو با هم اختلاف داریم تو از شام باینجا آمده ای و با ما در عقیده اظهار مخالفت میکنی و عقیده ات اینست که راه شناخت دین رأی و نظر است با اینکه خود میدانی دو نظر مختلف نمیتواند یکی باشد.

شامی- سکوت ... فکر ....

حضرت صادق علیه السّلام فرمود: چرا حرف نمیزنی.

شامی- اگر بگویم ما باهم ما اختلاف نداریم ادعای بیجا کرده ام اگر مدعی شدم که کتاب و سنت رفع اختلاف از ما میکنند باز سخن بیهوده ای گفته ام زیرا کتاب و سنت میتوانند چند احتمال داشته باشند اگر بگویم ما اختلاف داریم و هر یک از ما دو نفر ادعای واقعیت میکنیم. آشکارا میبینم که کتاب و سنت

نمیتواند رفع اختلاف از ما بنماید اما من همین سؤال را از او میکنم.

حضرت صادق علیه السّلام فرمود: بپرس او را مردی وارد و پرمایه خواهی یافت.

شامی- چه کسی

صلاح مردم را بهتر میداند خدا یا خود مردم؟

هشام- خدا.

شامی- آیا خداوند صلاحی دیده است که موجب رفع اختلاف شود و حق را از باطل تشخیص دهند.

هشام- آری.

شامی- آن شخص کیست.

هشام- در ابتدای اسلام پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله پس از پیامبر دیگری است.

شامی- آن دیگر کیست که جانشین او است در حجت بودن.

هشام- منظورت در این زمان کیست یا قبل از این زمان.

شامی- منظورم هم اکنون زمان خودمان.

هشام- اشاره بطرف حضرت صادق علیه السّلام نموده گفت این آقا که نشسته است کسی است بارهای گران از هر طرف بر در خانه اش برای کسب فیض فرود می آید و از وقایع آسمان ما را بوراثت از آباء و اجداد خود مطلع میکند.

شامی- من از کجا بدانم ادعای تو صحیح است.

هشام- هر چه میل داری از او بپرس.

شامی- بهانه مرا قطع کردی اینک مجبورم من سؤال کنم و آزمایش نمایم.

در این موقع حضرت صادق علیه السّلام رو بمرد شامی کرده فرمود من ترا از پیدا کردن سؤال بی نیاز میکنم از سیر و سفرت اطلاع میدهم فلان روز حرکت کردی و از فلان راه آمدی و بفلان جا گذشتی و فلانی با تو بر خورد کرد. شامی گوش میداد تمام گفتار امام علیه السّلام را میگفت بخدا همین طور است.

ناگهان مرد شامی گفت: اکنون اسلام آوردم. حضرت صادق فرمود: نه حالا تو ایمان آوردی «زیرا قبلا مسلمان بودی» اسلام جلوتر از ایمان است

امامت، ج ۱، ص: ۱۴

بوسیله اسلام ازدواج با یک دیگر میکنند و از هم ارث میبرند اما با ایمان بدرجات عالی بهشت و ثواب نائل میشوند.

شامی گفت: صحیح میفرمائید اکنون من گواهی بیگانگی خدا و

رسالت حضرت محمّد صلّى اللّه عليه و آله ميدهم و گواهم بر اينكه شما وصى اوصياء و امام خلقى.

حضرت صادق عليه السّلام رو بجانب حمران نموده فرمود: تو سخن بر طريق صحيح و راهيكه بايد مخالف را رد كرد، ميكنى بهدف هم ميرسى.

هشام بن سالم فرمود: تو در جستجوى راه و طريق هستى اما آن را تشخيص نميدهى بجانب احول متوجه شده فرمود:

قياس پرداز حيله گرى هستى با مطلب باطلى ادعاى باطلى را درهم مى شكنى جز اينكه باطل تو قوى تر است.

پيغمبر ما فرمود تو مناظره كن اما هر وقت استشهاد از سخنان پيغمبر ميكنى ناصحيح و نادرست نقل ميكنى حق و باطل را بهم مى آميزى اما مختصرى از حق ما را بى نياز ميكند از كمك بباطل زياد، تو و محمّد بن احول از آن استادان حيله بازيد.

يونس گفت: من با خود خيال كردم حالا بهشام نيز سخن شبيه آنچه به آن دو فرمود ميفرمايد امام صادق عليه السّلام رو بهشام بن حكم كرده فرمود:

هشام گاهى نزديك مى شود بزمين بخورى اما پاها را بهم ميچسبانى و يك فشار ميدهى پرواز مينمائى بايد مانند تو با مردم به بحث و مناظره پرداز و از لغزش بپرهيز «۱» شفاعت از پى آن نصيب تو خواهد شد.

علل الشرائع: ص ۷۵- صفوان بن يحيى از ابن حازم نقل كرد كه بحضرت صادق عليه السّلام عرضكردم من با چند نفر مناظره كرده بآنها گفتم: مگر شما نميگوئيد پيامبر اكرم حجت خدا در ميان مردم است وقتى پيامبر اكرم از دنيا رفت چه كسى حجت خدا است بعد از او؟

امامت، ج ۱، ص: ۱۵

گفتند: قرآن. من دقت كردم ديدم در مورد آيات قرآن مرجئه «۱»

و خـوارج و طـبیعی مـذهبان اختلاف میکننـد و بـه بحث و انتقـاد میپردازنـد یکی بر دیگری پیروز می شـود فهمیـدم که قرآن نمیتوانـد حجت باشـد مگر بوسـیله امـام و رهبری دیگر هر چه در قرآن فرموده است حق است (امـا تشـخیص معنی آن احتیـاج بمفسر معصوم دارد) بآنها گفتم چه کسی راهبر و راهنمای قرآن است.

جواب دادند عبد اللَّه بن مسعود و عمر و حذیفه از قرآن اطلاع داشتند. گفتم:

بتمام قرآن وارد بودند گفتند: نه.

کسـی را نیافتم که بگوینـد همه قرآن را میداند جز علی بن ابی طالب علیه السّـلام وقتی قرآن میان آنها باشد این یکی میگوید نمیـدانم آن دیگری نیز اظهار بی اطلاعی کنـد سومی هم بگویـد نمیدانم چهارمی نیز وارد نباشد پس در این صورت من یقین میکنم و گواهی میـدهم که رهبر خلق و راهنمـای آنهـا علی بن ابی طـالب است که نگهبان قرآن است و اطاعت از او واجب و حجت خدا است پس از پیامبر اکرم صلّی اللَّه علیه و آله و سلم و هر چه او در باره قرآن بفرماید صحیح است.

فرمود خـدا تو را رحمت کنـد. من پیشـانی امام را بوسـیده گفتم علی بن ابی طالب از دنیا نرفت مگر اینکه حجتی بعـد از خود بجای گذاشت مثل پیامبر اکرم که جانشـین تعیین کرد و امام حسن علیه السّـلام جانشـین علی علیه السّـلام است گواهی میدهم امام حسن حجت خدا و اطاعت او لازم است فرمود خدا رحمتت کند. سـر مبارک امام را بوسـیده گفتم من گواهی میدهم که امام حسن از دنیا نرفت مگر اینکه جانشینی برای خود تعیین نمود مانند پیامبر و پدر بزرگوارش و حجت بعد

از ایشان حضرت امام حسین علیه السّلام است و اطاعت او لازم.

فرمود خدا رحمتت کند سرش را بوسیده گواهی میدهم که امام حسین از دنیا نرفت مگر اینکه حجتی قرار داد و جانشین او حضرت زین العابدین علیه السّلام

امامت، ج ۱، ص: ۱۶

است. فرمود خدا ترا رحمت کند.

سرش را بوسیده گفتم حضرت علی بن الحسین از دنیا نرفت مگر اینکه حجتی قرار داد و جانشین او حضرت باقر علیه السّلام است که اطاعتش واجب است فرمود خدا ترا رحمت کند.

گفتم خدا خیر و صلاح را پیشاپیش شما قرار دهد سر مبارکتان جلو بیاورید ببوسم. سر آن جناب را بوسیده گفتم پدر شما از دنیا نرفت مگر اینکه شما را بجانشینی خود معین کرد و شما حجت خدا هستید و اطاعت شما لازم است.

فرمود سکوت کن (از نظر تقیه) گفتم آقا سر خود را جلو بیاورید ببوسم امام علیه السّلام خنده اش گرفت فرمود هر چه مایلی بپرس دیگر بعد از این چیزی از تو پوشیده نمیدارم و ترا از شیعیان خود میشمارم. «۱»

علل الشرائع: ص ۵۲- جابر از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد که پرسیدم بچه جهت مردم احتیاج بپیامبر و امام دارند. فرمود بجهت برقراری نقشه و صلاح جهان. زیرا خداوند عذاب را از اهل زمین بر طرف میکند وقتی در میان آنها پیامبر یا امام باشد خداوند در قرآن کریم میفرماید:

ما کانَ اللَّهُ لِیُعَذِّبَهُمْ وَ أَنْتَ فِیهِمْ خداوند هرگز آنها را عذاب نمیکند تا وقتی تو (پیغمبر) میان آنها باشی.

امامت، ج ۱، ص: ۱۷

پیغمبر اکرم نیز فرمود:

«النجوم امان لاهل السماء و اهل بیتی امان لاهل الأرض فاذا ذهبت النجوم اتی اهل السماء ما یکرهون و

اذا ذهب اهل بیتی اتی أهل الارض ما یکرهون»

ستارگان سبب آرامش و آسایش اهل آسمان هستند و اهل بیت من سبب آسایش اهل زمین وقتی ستارگان از میان بروند اهل آسمان دچار ناراحتی میشوند وقتی اهل بیت من نیز از میان بروند اهل زمین دچار ناراحتی خواهند شد.

منظور پیامبر از اهل بیت ائمه علیهم السّلام هستند که اطاعت از آنها را قرین و همراه اطاعت خود قرار داده در این آیه فرموده: یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا أَطِیعُوا اللَّهَ وَ أَطِیعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِی الْأَمْرِ مِنْکُمْ ای مؤمنین! خدا و پیامبر و صاحبان امر را اطاعت کنید.

آنها پیشوایان معصومی هستند که گناه و معصیت از ایشان سر نمیزند و مؤید و موفق و مورد پشتیبانی خدا هستند. ببرکت آنها خدا به بندگان روزی میدهد و جهان را آباد میکند و باران از آسمان می بارد و زمین برکتهای خود را خارج میکند، بواسطه آنها معصیت کاران را مهلت داده و تعجیل در کیفر و عذاب آنها نمیکند، پیوسته مؤید بروح القدس هستند از قرآن جدا نمیشوند قرآن از آنها جداشدنی نیست درود خدا بر تمام آنها باد.

علل الشرائع: نعمان رازی گفت من و بشیر دهّان خدمت حضرت صادق علیه السّلام بودیم فرمود وقتی مدت نبوت آدم پایان یافت و عمرش بپایان رسید خداوند باو وحی کرد که ای آدم عمرت پایان یافته دقت کن هر چه در نزد تو از دانش و ایمان و میراث نبوت و آثار علمی و اسم اعظم است در اختیار فرزند خود هبه اللّٰه قرار ده من زمین را خالی دانائی که راهنمای بندگی و دین من باشد نمیگذارم او سبب نجات پیروان

خود خواهد بود.

تفسیر قمی: ص ۳۳۶- ابو نصیر از حضرت صادق نقل کرد که فرمود:

منـذر پیـامبر اکرم است و هـادی امیر المؤمنین علیه السّلام و امامان بعـد از او، این معنی آیه وَ لِکُلِّ قَوْمٍ هادٍ است در هر زمانی باید امامی وجود داشته باشد که راهنما

امامت، ج ۱، ص: ۱۸

و مفسـر باشد این آیه رد میکند کسانی را که انکار میکنند لزوم وجود امام را در هر عصـر و اینکه زمین خالی از حجت نیست چنـانچه امیر المؤمنین علیه السّلام می- فرمایـد زمین خـالی از قائم بحجت خـدا نیست یا ظاهر و آشـکار و یا ترسان و پنهان تا موجب باطل شدن دلائل و حجتهای خدا نگردد.

علل الشـرائع: ابو اسـحاق همدانی گفت یکی از دوستان مورد اعتمادم نقل کرد که از حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام شنیدم میفرمود بار خـدایا زمین را خالی از راهنما و حجت بر مردم نکن یا ظاهر و آشـکار باشـد و یا ترسان و پنهان تا دلائل و براهین تو باطل نگردد.

علل الشـرائع: ص ۷۶- یعقوب سـراج گفت: بحضـرت صادق علیه السّلام عرضـکردم زمین پایـدار میماند بدون عالمی زنده و آشکار که مردم باو پناه برند در حلال و حرام خود فرمود اگر چنین باشد خدا پرستش نخواهد شد.

علل الشـرائع: ابو بصـیر از حضـرت صادق علیه السّلام نقل کرد که فرمود خداوند زمین را خالی از عالمی که عارف بزیادی و نقصـان باشـد نمیگـذارد اگر مؤمنین چیزی بـدین بیفزاینـد آنهـا را متوجه نمایـد و اگر چیزی کم کننـد بر ایشان تکمیل نمایید فرمود دین را کامل بگیرید اگر این طور نبود امر بر مؤمنین مشتبه می- گردید و فرقی بین

حق و باطل نمیگذاشتند.

علل الشرائع: ابو حمزه گفت بحضرت صادق عرضکردم آیا زمین بدون امام پایدار میماند؟ فرمود اگر یک ساعت بدون امام باشد زمین اهلش را فرو میبرد.

علل الشرائع: کرام نقل کرد که حضرت صادق علیه السّلام فرمود اگر تمام مردم منحصر بدو نفر شوند یکی از آن دو نفر امام خواهد بود و فرمود آخر کسی که از دنیا میرود امام است.

تا کسی نتواند بر خدا اعتراض کند که او را بدون حجت و راهنما قرار داده.

علل الشرائع: عبد الکریم از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که فرمود: جبرئیل بر حضرت محمّد صلّی اللّٰه علیه و آله و سلم نازل گردید و از خداوند پیغام آورد که خدا میفرماید:

امامت، ج ۱، ص: ۱۹

ای محمّد زمین را خالی از دانشمندی که عارف بفرمان و دستور و راهنمائی باشد نگذاردم او وسیله نجات مردم است در فاصله مرگ پیامبری تا ظهور پیامبر دیگر من نخواهم گذاشت که شیطان مردم را گمراه کند در صورتی که روی زمین حجتی نباشد که مردم را براه من بخواند و راهنمای ایشان بوده عارف بامر من باشد من برای هر گروهی یک راهنما قرار داده ام که بوسیله او رستگاران را هدایت می کنم و هم او حجت است برای اشقیاء.

علل الشرائع: ابو حمزه از حضرت باقر نقل میکند که فرمود بخدا قسم از زمان مرگ آدم تاکنون خداوند زمین را خالی از امامی که موجب هدایت مردم شود نگذارده که حجت خدا است بر بندگان و در آینده نیز خالی از حجت نخواهد بود. «۱»

علل الشرائع: ابو جعفر علیه السّلام فرمود: خداوند زمین را خالی از امام قرار نمیدهد چه

ظاهر باشد و چه پنهان.

علل الشرائع: ابو حمزه ثمالی نقل کرد که خداوند از وقتی آسمانها و زمین را آفرید آن را خالی از امامی عادل تا روز قیامت قرار نخواهد داد که او حجت خدا است بر مردم.

علل الشرائع: احمد بن عمر حلال از حضرت ابو الحسن علیه السّلام نقل کرد که عرضکردم آیا زمین بدون امام خواهد بود، چون ما روایت داریم از حضرت صادق علیه السّلام که فرموده است هرگز زمین خالی از حجت نخواهد بود مگر خداوند خشم بر مردم بگیرد فرمود: نه خالی نخواهد بود اگر چنین باشد زمین از هم می پاشد.

علل الشرائع: ابو بصیر از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که فرمود: خداوند زمین را خالی نخواهد گذاشت از عالمی که عارف بزیادی و نقصان باشد هر گاه مؤمنین چیزی در دین بیافزایند آنها را متوجه آن زیادی میکند و ایشان را بر میگرداند

امامت، ج ۱، ص: ۲۰

و اگر چیزی را کم کنند آن را درست و کامل میکند میفرماید: دین را کامل و تمام بکار بندید اگر چنین نباشد آنها در مسائل دینی باشتباه می افتند و فرقی بین حق و باطل نخواهند گذاشت. «۱»

علل الشرائع: محمّد بن فضیل از حضرت رضا علیه السّلام نقل کرد که بآن جناب عرض کردم: موقعی بوده که در روی زمین امامی نباشد. فرمود اگر چنین می بود زمین اهلش را فرو برد. «۲»

علل الشرائع و عیون اخبار الرضا: سلمان بن جعفر جعفری گفت از حضرت رضا علیه السّلام پرسیدم آیا زمین خالی از حجت می شود فرمود اگر دنیا یک چشم بهمزدن خالی از حجت باشد زمین اهلش را فرو میبرد.

تفسیر قمی: در تفسیر

آیه وَ إِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلا فِیها نَذِیرٌ می نویسد:

هر زمانی امامی خواهد داشت.

همان تفسیر در مورد آیه أَ فَنَضْرِبُ عَنْکُمُ الذِّکْرَ صَفْحاً یعنی شما خیال میکنید شما را بخود وامیگذاریم نه هرگز! حجت را بوسیله پیامبر و امام و حجت های دیگر بر شما تمام خواهیم کرد.

قرب الاسناد: ص ۳۷- ابن صدقه از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که آن جناب از آباء گرام خویش از پیامبر اکرم نقل کرد که فرمود در هر گروه از امت من که پس از من می آیند یک نفر از خاندان من در میان ایشان خواهد بود که تغییرات منحرفین و یاوه سرائیهای گمراهان و تأویل و توجیه های نادانان را از میان میبرد ائمه و پیشوایان راهبر و راهنمای شما هستند که با آنها به پیشگاه پروردگار خواهید رفت دقت کنید چه کسی را برای رهبری و راهنمائی خود

امامت، ج ۱، ص: ۲۱

می پذیرید در دین و نماز خود.

قرب الاسناد: ص ۱۵۳- بزنطی از حضرت رضا علیه السّلام نقل کرد که فرمود:

حجت خدا بر مردم تمام نمی شود مگر بوسیله امام زنده ای که او را بشناسند.

تفسیر قمی: یونس بن یعقوب از حضرت صادق در باره آیه وَ لَقَدْ وَصَّلْنا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ یَتَذَکَّرُونَ فرمود منظور امامان است که یکی پس از دیگری برهبری خلق قیام دارند.

توضیح: شاید منظور از آیه اینست که حق را بیان کردیم و مردم را متوجه نمودیم و شرایع را تبلیغ کردیم بوسیله امامی پس از امام دیگر یا اعتقاد بولایت امامی پس از امام دیگر منظور از این آیه توجه بآیه ایست که میفرماید:

إِنِّی جاعِلٌ فِی الْأَرْضِ خَلِیفَةً یعنی این وعده و برنامه بیکدیگر تا روز قیامت پیوسته

و متصل است.

بیضاوی در تفسیر آیه میگوید: یعنی آیات را یکی پس از دیگری انزال کردیم تا تذکر و توجه بهم پیوسته باشد یا در نظم بهم پیوسته باشد تا دعوت و حجت ثابت گردد و پند و اندرزها بوعد و وعید و نصایح بعبرتها متصل گردد.

صاحب مجمع البیان مرحوم طبرسی میگوید: یعنی یک آیه پس از آیه دیگر آوردیم و بیان بعد از بیان و آنها را متوجه زندگی انبیا و امتهای ایشان که بهلاکت رسیدند کردیم.

عیون اخبار الرضا: ص ۲۴۹- فضل بن شاذان از حضرت رضا علیه السّلام میپرسد چرا خداوند اولی الامر را قرار داد و دستور داد که از آنها اطاعت کنند.

حضرت رضا علیه السّلام در جواب او فرمود بواسطه علتهای زیادی از آن جمله اینکه چون مردم باید طبق یک برنامه معین زندگی کنند و از حدودی که تعیین شده تجاوز نکنند چون موجب ناراحتی و زیان ایشان می شود. این مطلب ثابت نمی شد و دوام نمی یافت مگر باینکه امینی در میان آنها راجع بمسائل دینی قرار دهد تا شاهد انجام کارهای لازم ایشان باشد و جلوگیری کند آنها را از کارهائی

امامت، ج ۱، ص: ۲۲

که منع گردیده اگر چنین نبود هیچ کس منفعت و لذت خود را برای زیان و ناراحتی دیگری رها نمیکرد بهمین جهت در میان آنها نگهبانی قرار داد تا جلوگیری از فساد نماید و حدود و احکام را بپای دارد.

علت دیگر اینکه هیچ یک از ملتها و اقوام نیستند مگر اینکه دارای سر پرست و رئیسی هستند چون در امور دینی و دنیوی چاره ای جز این ندارند.

پس خداوند حکیم نیز نباید مردم را واگذارد و چیزی که

ناچار احتیاج بآن دارند برای آنها تعیین نکند و زندگی ایشان بآن بستگی دارد زیرا بوسیله آن امام و پیشوا با دشمنان خود نبرد میکند و غنائم و درآمدها را تقسیم می نمایند و نماز جمعه و جماعت را بپای میدارد و دفاع از مظلوم میکند.

دلیل دیگر اینکه اگر امام و پیشوا و امین و نگهبان و امانت داری را قرار ندهد ملت و دین از بین میرود و سنت و روش پیامبر و احکام بدست تغییر سپرده می شود.

گروهی بدعت گذار در آن می افزایند و کافران از دین میکاهند و مسلمانان را باشتباه می اندازند زیرا ما مشاهده میکنیم که مردم کامل نیستند و با هم اختلاف دارند و هر یک دارای خواست و آرزوی مخصوصی بود حالات مختلفی دارند اگر خداوند ایمن و نگهبانی قرار ندهد آداب و شرایعی که پیامبر آورده از میان میرود و احکام و ایمان نابود می شود که این خود بضرر تمام جهانیان است.

قصص الأنبياء: ص ۲۹- عبد الحمید بن ابی دیلم از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که فرمود نوح پس از خارج شدن از کشتی مدت پانصد سال زندگی کرد بعد جبرئیل بر او نازل شد و گفت مدت نبوت تو پایان یافته و عمرت تمام شده خداوند میفرماید ودایع علمی و آثار نبوت را که در اختیار تو است بفرزندت سام بسپار زیرا من زمین را خالی از عالمی که راه و روش مرا بمردم بیاموزد نمیگذارم که او وسیله نجات مردم است در فاصله مردم پیامبری تا مبعوث شدن

امامت، ج ۱، ص: ۲۳

پیامبر دیگر و آنها را بدون راهنما و حجت و رهبر و آشنا بدستورات خود نمیگذارم.

من

چنیـن مقرر کرده ام کـه هر قـوم و ملـتی رهـبری داشـته باشـند کـه هـدایت جویـان را براه من آشـنا نمایـد و هم او صـحبت بر شقاوتمنـدان باشـد و نوح تمـام آن آثار را بفرزنـد خود سام سپرد ولی حام و یافث بهره ای از علم نداشـتند نوح آنها را بظهور خود بشارت داده گفت از هود پیروی کنید و دسـتور داد در هر سال یک مرتبه وصیتنامه او را بگشایند و آن را بدقت ملاحظه نمایند و آن روز برای آنها عید باشد چنانچه آدم همین دستور را داده بود.

اکمال الدین: ص ۹۶- یعقوب بن شعیب گفت حضرت صادق علیه السّلام فرمود:

فاصـله بین عیسـی و حضـرت محمّـد صـلّی اللّه علیه و آله و سـلم پانصـد سـال بود که دویست و پنجاه سال آن پیامبر و عالمی آشکارا وجود نداشت.

عرض کردم پس مردم چه می کردند فرمود پیرو دین عیسی بودند. گفتم در چه حال بودند فرمود مؤمن سپس اضافه نمود: که زمین هیچ گاه خالی از عالم و راهنما نیست.

اکمال الدین: زکریای مؤمن و ابن فضال از ابی هراسه نقل کردند که حضرت ابو جعفر علیه السّلام فرمود اگر امام یک ساعت در روی زمین نباشند زمین ساکنان خود را فرو میبرد همان طور که دریا انسان را از امواج خروشان غرق مینماید.

اکمال الـدین: زراره از حضـرت صادق علیه السّـلام نقل کرد که آن جناب در ضـمن گفتاری در آخر آن فرمودند اگر نباشـد روی زمین حجت خـدا آنچه بر روی زمین است به طپش و لرزش می افتنـد و همه را پرت میکند، زمین ساعتی خالی از حجت نیست.

اکمال الدین: ص ۱۸۷ ابراهیم بن محمود گفت حضرت رضا علیه

السّلام فرمود ما حجت خدا هستیم در روی زمین و خلیفه او در میان بندگان و امین اسرار خدا و کلمه

تقوی «۱» و دستاویز محکم و گواهان خدا و نشانه های او در میان مردم. بواسطه ما خداوند آسمانها و زمین را از ریزش نگه میدارد بواسطه ما باران می بارد و رحمت خدا پراکنده می گردد زمین خالی از رهبری از ما خانواده نخواهد بود چه ظاهر و آشکار باشد یا پنهان و ترسان اگر یک روز خالی از حجت باشد اهلش را فرو می برد مانند دریا.

اکمال الدین: حسن بن زیاد گفت از حضرت صادق علیه السّلام شنیدم میفرمود زمین هرگز خالی از حجت دانائی نیست دوام و بقای زمین بهمان حجت است و مردم را جز این صلاح و چاره ای نیست.

اکمال الدین: حمزه بن الطیار از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که فرمود اگر در روی زمین بیش از دو نفر باقی نماند یکی از آن دو حجت خواهد بود یا فرمود: آنکه باقیمانده حجت است تردید از راوی حدیث است.

اکمال الدین: حضرت صادق علیه السّلام فرمود خداوند تبارک و تعالی زمین را خالی از عالم نمی گذارد.

اگر چنین بود فرقی بین حق و باطل گذاشته نمی شد.

اکمال الدین: زراره گفت بحضرت صادق علیه السّلام عرضکردم آیا ممکن است امام از دنیا برود با اینکه فرزندی نداشته باشد فرمود نه چنین چیزی امکان ندارد عرضکردم ممکن است روی زمین امام وجود نداشته باشد فرمود نه مگر خداوند بخواهد بر مردم خشم بگیرد و طومار زندگی آنها را در هم نوردد.

اکمال الدین: عمرو بن ثابت از پدر خود نقل کرد که حضرت ابو جعفر علیه

السّلام فرمود اگر زمین یک روز خالی از امامی از خانواده ما باشد اهلش را فرو می برد و خدا مردم را ببدترین عذاب شکنجه می کند خداوند ما را حجت در روی زمین قرار داده و امان برای اهل زمین هستیم تا وقتی ما در میان آنها

امامت، ج ۱، ص: ۲۵

باشیم از فرو بردن در امان هستند.

اگر خدا تصمیم بگیرد که مردم را هلاک کند و مهلت بایشان ندهد ما را از میان آنها بر میدارد و بلند می کند آنگاه آنچه بخواهد و دوست داشته باشد انجام می دهد.

اکمال الدین: ص ۱۲۸- عمار گفت حضرت صادق علیه السّلام فرمود زمین از ابتدا خالی از حجت عالم و دانائی نبوده که احیای دستوراتی که مردم بدست فراموشی سپرده اند و از بین رفته بنماید بعد آن جناب این آیه را تلاوت نمود:

یُرِیدُونَ لِیُطْفِؤُا نُورَ اللَّهِ بِأَفْواهِهِمْ وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ لَوْ کَرِهَ الْکافِرُونَ.

اکمال الدین: ص ۱۲۸- خلف بن حماد از ابان بن تغلب نقل کرد که حضرت صادق علیه السّلام فرمود حجت قبل از مردم و با مردم و بعد از مردم خواهد بود.

محمّد بن مسلم نیز همین روایت را نقل نموده و در بصائر الدرجات ص ۱۴۳ نیز از از خلف بن حماد نقل شده است.

اکمال الدین: ص ۱۲۸- احمد بن اسحاق گفت خدمت امام علی النقی علیه السّلام رسیدم فرمود: احمد! این حیرت و سرگردانی و شکی که در مردم است راجع به تشخیص امام و حجت خدا شما در این مورد چگونه هستید.

عرضکردم: آقا! همین که نامه بما رسید تمام زن و مرد ما حتی بچه هائی که دارای تمیز و تشخیص بودند معتقد بحق شده بامامت

شما اعتراف نمودند.

فرمود احمد مگر نمیدانی زمین نباید خالی از حجت باشد من همان حجت خدا هستم یا فرمود من حجتم.

اکمال الدین: احمد بن اسحاق گفت در ضمن فرمایشی که حضرت امام حسن عسکری با یکی از اصحاب داشت فرمود هیچ یک از آباء و اجدادم مانند من گرفتار شک مردم در امامتشان نشده اند اگر شما معتقد بامامتی شده اید که محدود و موقتی است و تا یک وقت معین این امامت خواهد بود میتواند شک در امامت من داشته باشید و اما اگر امامت دوام دارد تا آخر دنیا خواهد بود (باید زمین هیچ گاه خالی از امام و حجت نباشد) پس این شک موردی ندارد (زیرا من از هر نظر شایسته امامت و منصوب باین مقام هستم).

امامت، ج ۱، ص: ۲۶

اکمال الدین: ص ۱۲۹- حسین بن ابی حمزه ثمالی از پدر خود نقل کرد که گفت از حضرت باقر علیه السّلام شنیدم می فرمود: زمین خالی از وجود امامی از ما خانواده نیست که معرف حق و واقعیت باشد هر گاه مردم چیزی در دین بیفزایند او اعلام می کند و اگر بکاهند باز مردم را متوجه خواهد نمود اما در صورتی که مطابق واقع انجام دهند آنها را تصدیق میکند اگر چنین ننمود حق از باطل تشخیص داده نمی شد.

عبد الحمید بن عواض طائی گفت: قسم بپروردگاری که جز او آفریننده ای نیست عین این حدیث را من خودم از حضرت باقر شنیدم بخداوند یکتای بیهمتا همین حدیث را از آن جناب شنیدم.

اکمال الدین: ابان بن عثمان از محمّد بن مسلم نقل کرد که حضرت باقر علیه السّلام فرمود علی علیه السّلام عالم این امت است و علم

بارث واگذار می شود هیچ یک از خانواده ما نیست مگر اینکه جانشینی دارد که باندازه او یا آنقدر که خدا بخواهد دارای علم است.

اکمال الدین: فضیل بن یسار گفت: از حضرت صادق و حضرت باقر علیه السّلام شنیدم فرمودند علمی که با آدم بزمین آمد از بین نرفته و بارث واگذار می شود هر علم و آثاری از پیامبران و انبیاء منحصر باین خانواده است و دیگری اگر مدعی شود باطل خواهد بود.

علی بن ابی طالب علیه السّلام عالم این امت است و هیچ یک از ما خانواده نخواهد مرد مگر اینکه جانشینی از خود باقی می گذارد که باندازه او یا آنچه خداوند بخواهد عالم است.

اکمال الدین: ص ۱۲۹- حارث بن مغیره گفت از حضرت صادق علیه السّلام شنیدم میفرمود زمین را از عالمی که اطلاع از حلال و حرام و نیازهای مردم داشته باشد خالی نمیگذارند.

عرضکردم: فدایت شوم چگونه علمی است. فرمود: علمی که بارث از پیامبر اکرم و علی مرتضی علیه السّلام باو رسیده.

امامت، ج ۱، ص: ۲۷

اکمال الدین: حسن بن زیاد گفت: بحضرت صادق علیه السّلام عرضکردم: آقا ممکن است زمین بدون امام باشد فرمود: هرگز، پیوسته در روی زمین امامی هست که عارف بحلال و حرام و احتیاجات مردم است.

اکمال الدین: جعفر بن ابراهیم و حسین بن زید هر دو از حضرت صادق علیه السّلام نقل کردند که فرمود امیر المؤمنین علیه السّلام فرموده است پیوسته در میان فرزندان من خواهد بود آن شخصیتی که مورد اطمینان و ملجا و پناه مردم است (یعنی امام).

اکمال الدین: ص ۱۳۳- ابو عبیده گفت بحضرت صادق علیه السّلام عرضکردم فدایت شوم سالم بن ابی حفصه هر

وقت مرا می بیند میپرسد مگر شما روایت نمی- کنید که هر کس بمیرد و امام زمانی نداشته باشد بمانند مردم جاهلیت از دنیا رفته است. میگویم چرا.

سؤال میکند پس بگو: بعد از مرگ ابو جعفر (حضرت باقر علیه السّلام) امام شما کیست؟

من در جواب او نمیخواهم بگویم حضرت صادق جعفر بن محمّد علیه السّلام اما می- گویم امام و پیشوایان ما از آل محمّد هستند.

میگوید اعتقاد صحیحی نداری و کاری از پیش نبرده ای حضرت صادق علیه السّلام فرمود وای بر سلام بن ابی حفصه خدایش لعنت کند آیا او میداند امام دارای چه منزلت و موقعیتی است. مقام امام بسیار بالاتر است از آنچه سالم بن ابی حفصه و مردم معتقدند هرگز از ما خانواده کسی نخواهد مرد مگر اینکه کسی را بجانشینی خود دارد که دارای علم او است و مانند او رفتار میکند و بهمان راهیکه او مردم را دعوت میکرد دعوت می نماید کسی جلو خدا را نگرفته که آنچه بداود داد بسلیمان که پسر او بود بهتر از آن عنایت کند.

اکمال الدین: ص ۱۳۳- عبد اللّٰه بن سلیمان عامری از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که فرمود: پیوسته زمین دارای حجت و امامی است از جانب خدای بزرگ که عارف بحلال و حرام است و مردم را براه خدا دعوت میکند و هیچ وقت زمین

بدون حجت نخواهد بود مگر چهل روز قبل از برپا شدن قیامت وقتی حجت از روی زمین برداشته شد دیگر در توبه بسته می شود و اگر کسی قبلا ایمان نیاورده باشد بعد از آن دیگر ایمان آوردن برایش سودی نخواهد داشت. چنین مردمی بد

ترین خلق خدا هستند و قیامت بر همین مردم بپا می شود.

در بصائر الدرجات همین روایت از ربیع بن محمّد سلمی نقل شده است ص ۱۴۱.

اکمال الدین: بزنطی از عقبه بن جعفر نقل میکند که بحضرت رضا علیه السّلام عرضکردم آقا شما باین سن رسیده اید با اینکه دارای فرزندی نیستید.

فرمود عقبه صاحب مقام امامت از دنیا نمیرود مگر اینکه فرزند خود امام بعد از خویش را می بیند.

اکمال الدین: ابو بصیر از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که فرمود خداوند بزرگتر و کریمتر است از اینکه زمین را خالی از پیشوای عادل و امام بگذارد.

اکمال الدین: ابن ابی یعفور گفت حضرت صادق علیه السّلام فرمود: یک روز زمین خالی از امامی که از ما خانواده است نخواهد بود که امت در گرفتاریهای خود باو پناه برند.

اکمال الدین: عبد الرحمن بن سلیمان از پدر خود نقل کرد که حضرت ابو جعفر از حارث بن نوفل نقل کرد که علی علیه السّلام بپیامبر اکرم عرضکرد آیا راهنمایان از ما خانواده هستند یا از خانواده دیگری.

پیامبر اکرم فرمود: نه از ما خانواده هستند تا روز قیامت، خداوند بواسطه ما خانواده آنها را از بت پرستی نجات بخشیده و بواسطه ما نیز از گمراهی فتنه نجات خواهد بخشید، بوسیله ما پس از گمراهی برادر یک دیگر میشوند.

اکمال الدین: معلی بن خنیس گفت: از حضرت صادق علیه السّلام سؤال کردم که از زنان نوح آیا پیوسته میان مردم امامی وجود داشته که مأمور باطاعت از او بوده اند، فرمود: آری اما بیشتر مردم ایمان نداشته اند.

اکمال الدین: حمزه بن حمران از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که فرمود

اگر در روی

زمین فقط دو نفر باشند یکی از آن دو حجت و امام است اگر یکی از دنیا برود امام باقی میماند.

اکمال الدین: هشام بن سالم از یزید کناسی نقل کرد که حضرت باقر علیه السّلام فرمود ابا خالد هرگز زمین یک روز خالی از حجت خدا بر مردم نیست و از روزی که آدم را خدا در زمین جای داده خالی نبوده است.

اکمال الدین: عبد اللّه بن خراش از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که مردی از آن جناب پرسید آیا ممکن است زمین ساعتی خالی از حجت باشد، فرمود: زمین خالی از حق و (راهنما نیست).

اکمال الدین: ابن بشار گفت: من در خدمت حضرت رضا علیه السّلام بودم که حسین ابن خالد گفت آیا ممکن است زمین خالی از امام باشد، فرمود: نه.

اکمال الدین: معروف بن خرّبوذ گفت از حضرت ابو جعفر شنیدم که میفرمود پیامبر اکرم فرموده است مثل اهل بیت من مانند ستارگان آسمانست هر گاه ستاره ای پنهان شود ستاره ای دیگر میدرخشد.

اکمال الدین: حدیث زیر را به پنج طریق از کمیل بن زیاد نقل میکند.

عاصم بن حمید از ثمالی و او از عبد الرحمن از کمیل بن زیاد نقل میکند (الفاظ حدیث از فضیل بن خدیج است) کمیل بن زیاد گفت امیر المؤمنین علیه السّلام دست مرا گرفت و از کوفه خارج کرد همین که داخل بیابان شد آهی کشیده فرمود کمیل! این دلها گنجینه دانشند بهترین آنها دلی است که جاگیریش بیشتر باشد آنچه بتو می آموزم بخاطر بسپار: مردم سه دسته هستند: ۱- عالم ربانی ۲- دانشجوئی که در راه رستگاری است ۳- گروهی که احمق و نادانند همچون پشه های

ریز که بر سر و گوش چارپایان اجتماع دارند بهر صدائی گوش فرا داده پیروی میکنند و با هر بادیکه بوزد تغییر جهت میدهند از نور دانش بهره ای نبرده اند که موجب هدایت آنها شود و به پایگاهی استوار پناه نیاورده اند تا نجات یابند.

کمیل! علم و دانش بهتر از مال است زیرا دانش ترا نگهبان و حافظ است

امامت، ج ۱، ص: ۳۰

و اما تو باید مال را نگهبانی کنی مال با بخشش کم می شود اما دانش با آموزش افزون میگردد. کمیل! علاقه بعلم و دانش از لوازم دین و آئین خدا است که بوسیله آن انسان کسب طاعت میکند و بهترین ارمغانها را برای آخرت ذخیره می نماید.

ارزش مال با از دست دادن آن از بین میرود. کمیل! گنجوران در حال زندگی مرده اند ولی دانشمندان تا دامنه قیامت زنده و پایدارند گرچه پیکر آنها از میان رفته است اما قیافه آنان در دلها همیشه هست.

دقت کن در اینجا (اشاره بسینه خود نمود) انبوهی گران از دانش است که اگر کسی را بیابم شایسته تعلیم باشد باو می آموزم. آری پیدا میشوند اما کسانی هستند که بآنها اطمینان نیست دین را در راه هوسهای دنیا بکار میبرند و با نعمت خداداد خود را بر دیگران برتری میدهند و دلائل و حجت های خدا را در راه نابودی دوستان خدا بکار میبرند ممکن است تا حدودی پیرو حق باشند اما بینش و بصیرتی در بکار بردن آن ندارند یا شیفته و فریفته غرائز و لذتها است که اسیر شهوت است و یا گرفتار جمع مال و بر هم انباشتن زر و سیم است که لیاقت رهبری دین را ندارد بسیار شباهت دارند

بچارپایان چه اگر باین دلیل علم از میان میرود بواسطه نبودن کسانی که شایستکی حمل آن را داشته باشند.

اما نه خـدایا! هرگز زمین خالی از حجت نیست که قیام با دلائل برای خدا نماید یا ظاهر و آشـکار باشد و یا پنهان و بیمناک تا حجت و دلائـل خـدا باطل نشود اما چقـدر هسـتند آنها و کجاینـد. بخـدا قسم تعـداد آنها از همه کمتر است و مقامشان از همه بالاـتر، بوسـیله ایشـان خـدا دلائل و براهین خود را حفظ میکنـد تا به شخصـیت هائی نظیر خود بسـپارند و در دل مردمی پاک سرشت بذر آن را بکارند.

دانش آنها را بواقع بینی و بینش حقیقی رهنمون شده است چنانچه دارای روح یقین شده اند آنچه را تبهکاران دشوار می بینند بنظر آنها بسیار ساده است

امامت، ج ۱، ص: ۳۱

و از هر چه نادانان گریزانند ایشان بآن انس و علاقه دارند همآهنگ مردم دنیایند اما با روح هائی که دلبسته بعالم بالا است.

کمیل! این گروه خلفای خداینـد در زمین و دعوت کننـدگان مردمنـد بدین خدا آه! آه! چقدر علاقمندم بدیدار آنها از خدای آمرزش می خواهم برای خود و شما.

بدنبال این فرمایش در روایت عبد الرحمن بن جندب است که فرمود: اینک هر جا مایلی برو.

این روایت بطریق مختلف با مختصر اختلافی در الفاظ نقل شده که چند طریق آن در همین کتاب با اختلاف کمی در عبارت نقل گردید.

اکمـال الـدین: حضـرت صـادق از آباء گرام خود نقل کرد از امیر المؤمنین علیه السّـلام که روزی در خطبه خود در منبر کوفه فرمود: بار خدا بناچار باید در روی زمین امام و رهبری از جانب تو برای مردم باشد که راهنمای دین تو است

و دانش بآنها می آموزد تا موجب باطل شدن حجت تو نگردد و دوستان خود را که هدایت کرده ای بوسیله او گمراه نشوند یا آشکارا خواهد بود نه مورد اطاعت یا پنهان و یا انتظارش را دارند اگر شخص او از نظر مردم پنهان باشد در آن هنگام که مقرر است چنین خواهد شد.

علم و آداب و روش مذهبی در دلهای مؤمنین ثابت است و بآن عمل مینمایند.

بصائر الدرجات: ص ۱۴۳- ذریح محاربی گفت حضرت صادق علیه السّلام فرمود در روی زمین پیوسته عالمی وجود دارد مردم را چاره ای جز این نیست.

بصائر الدرجات: ص ۱۴۳- حارث بن مغیره گفت: از حضرت صادق علیه السّلام شنیدم می فرمود زمین را خالی از عالمی که احتیاجات مردم را بر طرف کند نمیگذارند او بمردم نیازی ندارد دارای علم حلال و حرام است.

بصائر الدرجات: حسین بن ابی العلا گفت بحضرت صادق علیه السّلام عرض کردم: آیا زمین بدون امام می شود فرمود نه گفتیم ممکن است در روی زمین

امامت، ج ۱، ص: ۳۲

دو امام باشد.

فرمود: نه مگر امامی که خاموش باشد و مأموریت سخن گفتن ندارد آن امام که مأمور است و مقدم بر اوست سخن میگوید.

بصائر: محمّد بن عماره از حضرت رضا علیه السّلام نقل میکند که حجت برای خدا تمام نمیشود مگر بوسیله امامی که شناخته شود.

بصائر الدرجات: یعقوب بن سراج گفت بحضرت صادق علیه السّلام عرضکردم ممکن است زمین خالی از عالمی زنده از شما خانواده باشد که مردم در حلال و حرام باو پناه برند فرمود: نه. یا ابا یوسف این مطلب در کتاب خدا کاملا آشکار است:

فرموده یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صابِرُوا که امر به

شکیبائی و صبر مینماید با دشمنانشان از مخالفین شما وَ رابِطُوا دستور ارتباط با امام خود میدهد وَ اتَّقُوا اللَّهَ از خدا بپرهیزید در مورد واجبات و دستوراتی که داده است «۱».

غیبت نعمانی: یعقوب بن شعیب گفت: از حضرت صادق علیه السّلام شنیدم میفرمود بخدا قسم هرگز خدا وانخواهد گذاشت مسأله امامت را مگر اینکه کسی را عهده دار آن مقام خواهد نمود تا روز قیامت.

غیبت نعمانی: موسی بن بکر از مفضل نقل کرد که حضرت صادق علیه السّلام در مورد آیه إِنَّما أَنْتَ مُنْذِرٌ وَ لِکُلِّ قَوْمٍ هادٍ فرمود: هر امامی هادی و راهنمای قرنی است که در آن قرن زندگی میکند.

غیبت نعمانی: ابو اسحاق سبیعی گفت از یکی از اصحاب مورد اعتماد امیر المؤمنین علیه السّلام شنیدم که حضرت علی علیه السّلام در ضمن خطبه طولانی که در کوفه نمود، فرمود: بار خدایا ناچار باید حجتی در روی زمین داشته باشی که مردم را بدین راهنمائی کند و بآنها علم ترا بیاموزد تا مبادا پیروان و اولیائت متفرق

امامت، ج ۱، ص: ۳۳

شوند یا آشکار است بی آنکه اطاعت شود و یا پنهان و ترسان است که انتظارش را دارند.

اگر شخص او از ایشان غائب باشد در حال مغلوب بودن در دولت باطل هرگز از ایشان پنهان نخواهد بود و دانش او پراکنده است و آداب و روش او در دل مؤمنین ثابت است و بآن آداب و روش عمل میکنند علاقه و انس دارند آنچه موجب نفرت دروغ پردازان و بی اعتنائی مسرفین است سخنی است که بدون پرداخت پولی بشما می گویم هر کس بشنود با عقل خود درک میکند و از آن پیروی می نماید و

آن راه را از پیش می گیرد و به همین وسیله نجات می یابد.

بعـد فرمود بهمین جهت علم از میان رفته است چون کسـی را نمی یابنـد آن طوری که از امام شـنیده حفظ نمایـد و همان طور تحویل دهد.

بعـد در بین سـخنان خود در همین خطبه طولانـی فرمود: بار خـدایا من از پنهان اطلاع دارم که تمام دانش از میان نرفته و بطور کلی نابود نشـده زیرا تو زمین را خالی از حجتی بر مردم نمیگذاری یا آشـکار و مورد اطاعت باشد «۱» و یا ترسان و پنهان که از او اطاعت نکنند وجود امام موجب می شود که حجت تو تکمیل گردد و دوستانت پس از هدایت گمراه نشوند.

غیبت نعمـانی: عبـد اللَّه بن سـلیمان از حضـرت صـادق علیه السّـلام نقل کرد که فرمود پیوسـته در روی زمین حجتی هست که اطلاع از حلال و حرام خدا دارد و مردم را بسوی او دعوت میکند.

امامت، ج ۱، ص: ۳۴

بخش دوم اتصال خلفا و اوصیا از زمان آدم تا آخر دنیا

ترجمه روایات

امالی صدوق: ص ۲۴۲- مقاتل بن سـلیمان از حضـرت صادق علیه السّـلام نقل کرد که حضـرت رسول صلی اللَّه علیه و آله و سلم فرمود: من سرور انبیاء هستم و جانشین من سرور اوصیاء است و جانشینان من بهترین جانشینانند.

حضرت آدم از خداوند درخواست کرد برایش وصی و جانشین خوبی قرار دهد.

باو وحی کرد که من انبیاء را بوسـیله نبوت گرامی داشـته ام بعـد از میان مردم بهترین آنها را انتخاب کردم و ایشان را وصـی و جانشین پیامبران قرار داده ام.

سپس خداوند باو وحی کرد که شـیث را جانشـین خود قرار ده آدم شیث را بجانشینی تعیین کرد او همان هبه اللَّه بن آدم است شیث پسرش شبان را وصی و

جانشین خود قرار داد.

او پسر همان حوریه ایست که خداوند او را از بهشت برای آدم فرستاد و آدم آن حوریه را بازدواج فرزندش شیث در آورد.

امامت، ج ۱، ص: ۳۵

شبان محلث را وصی کرد و محلث محوق را و محوق عمیشا و عمیشا با خنوخ تحویل داد که همان ادریس پیامبر است.

ادریس ناحور را تعیین کرد و ناحور به نوح تحویل داد و نوح سام را جانشین خود کرد و سام به عثامر و عثامر به رعیثاشا و رعیثاشا به یافث و یافث به بره و بره بجفیسه و جفیسه به عمران و عمران بابراهیم خلیل و ابراهیم وصی خود فرزندش اسماعیل را قرار داد.

اسماعیل اسحاق و اسحاق به یعقوب و یعقوب به یوسف یوسف به ثیریا و ثیریا به شعیب و شعیب به موسی بن عمران حضرت موسی به یوشع بن نون و یوشع بداود سپرد و داود سلیمان را وصی خود قرار داد و سلیمان آصف بن برخیا را و آصف به زکریا و زکریا به عیسی بن مریم و عیسی شمعون بن حمون صفا را وصی خود قرار داد و شمعون یحیی بن زکریا را و یحیی منذر را جانشین خود تعیین کرد و منذر بسلیمه سپرد و سلیمه به برده.

پیامبر اکرم فرمود برده بمن واگذار کرد و من بتو یا علی میسپارم و تو نیز بجانشین خود میسپاری و او بجانشینان تو از فرزندانت یکی پس از دیگری تا بالاخره وامیگذارد به بهترین فرد روی زمین پس از تو، امت در باره تو راه خلاف را می پویند و اختلافی شدید خواهند نمود کسی که دست از تو برندارد چون کسانی است

که با من بوده اند آنها که از تو بر گردند و منحرف شوند در آتش خواهند بود آتش جایگاه کافرین است.

توضیح- از این خبر چنین استفاده می شود که یحیی پسر زکریا بعد از زکریا زنده مانده است.

با اینکه بر خلاف مشهور است و منافات دارد با خبرهائی که فوت یحیی را قبل از عیسی تعیین کرده اند. بعضی گفته اند دو یحیی بوده این نیز بسیار بعید است.

در تفسیر عیاشی است از حبیب سجستانی که حضرت ابو جعفر علیه السّلام فرمود

امامت، ج ۱، ص: ۳۶

وقتی دو پسر آدم قربانی کردند و از یکی قبول شد و از دیگری مقبول نیفتاد.

از هابیل قبول شد و قربانی قابیل را قبول نکردند.

این مطلب موجب رشک و حسد قابیل شد و کینه برادر در دل گرفت پیوسته در کمین او بود تا بالاخره در جای خلوتی دور از چشم آدم او را پیدا کرد و با یک حمله برادر خود را کشت داستان آنها را خداوند در قرآن کریم نقل کرده که قبل از کشتن با هم چه گفتگو کردند.

آدم وقتی از کشته شدن هابیل اطلاع یافت بسیار اندوهناک شد و خیلی گریه و زاری کرد و شکایت بخدا نمود.

خداوند باو وحی کرد که من بجای هابیل بتو فرزندی خواهم داد که جانشین تو باشد پسری پاک و پاکیزه از حوا متولد شد که روز هفتم آدم او را شیث نام گذاشت.

خداوند باو وحی کرد که این پسر هبه و بخشش من است نام او را هبه اللّه بگذار بهمین جهت آدم او را هبه اللّه نامید.

هنگام مرگ آدم که رسید خداوند باو خبر داد که بزودی در فلان روز تو از

دنیا خواهی رفت و روح ترا بجانب خود می برم بهترین فرزند خود را جانشین قرار ده همان هبه اللّٰه را. او را وصی خود گردان و آنچه بتو تعلیم کرده ایم از اسماء و اسم اعظم باو بسپار آنها را درون صندوقی بگذار من چنین مایلم که روی زمین خالی از عالمی که اطلاع از علم من دارد نباشد که بحکم من قضاوت نماید و او را حجت بر خلق خود قرار دهم.

آدم تمام فرزندان خود از زن و مرد را جمع نمود بآنها گفت خداوند به من وحی نموده که روح مرا بجانب خود خواهد برد و دستور داده که بهترین فرزند خود را جانشین قرار دهم، و او هبه اللّٰه است که خدا او را برگزیده است بجانشینی من برای شما، از دستورش سرپیچی نکنید او وصی و جانشین من میان شما خواهد بود.

تمام گفتند مطیع او خواهیم بود و هرگز مخالفت نخواهیم کرد. دستور داد

امامت، ج ۱، ص: ۳۷

صندوق را ساختند.

آثار علوم خود را با اسماء و وصیت در آن نهاد و در اختیار هبه اللّٰه گذاشت.

آنگاه روی بجانب او کرده گفت پسرم متوجه باش وقتی من از دنیا رفتم مرا غسل ده و کفن کن و بر پیکرم نماز بخوان و مرا دفن نما چهل روز که از فوت من گذشت تمام استخوانهایم را جمع کن و در صندوق بگذار و نزد خود نگه دار به هیچ کس در این کار اطمینان مکن.

وقتی هنگام وفات خودت رسید و احساس مرگ کردی بهترین فرزند خویش را وصی قرار ده کسی که بیشتر در مصاحبت تو بوده و از همه شایسته تر است همین وصیت ها که من

بتو کردم باو بکن نباید زمین خالی از عالمی از خانواده ما باشد.

پسرم! خدا مرا در زمین فرود آورد و خلیفه خویش و حجت بر مردم قرار داد من سفارش و دستور خدا را بتو ابلاغ کردم و ترا حجت بر مردم قرار دادم مبادا از دنیا بر وی مگر اینکه حجتی تعیین کنی و وصی برای خود قرار دهی و همان صندوق را باو بسپاری با محتویاتش همان طوری که من بتو سپردم.

باو بگو از فرزندان من مردی بنام نوح خواهد آمد که در زمان پیامبری او طوفان می شود و مردم غرق میگردند.

هر که سوار کشتی او شود نجات می یابد و هر کس تخلف جوید هلاک می شود.

بجانشین خود سفارش کن صندوق را حفظ کند او نیز هنگام وفات بهترین فرزند و شایسته ترین آنها را جانشین قرار دهد و صندوق را با آنچه در آن است بوصی خود بسپارد باید هر وصی وصیت خود را در همان صندوق بگذارد و این سفارش را بیکدیگر بنمایند.

امامت، ج ۱، ص: ۳۸

هر که نبوت نوح را درک کرد با او سوار کشتی شود و صندوق را با محتویاتش در کشتی گذارد مبادا از نوح تخلف ورزند.

پسرم تو و تمام فرزندانم از قابیل ملعون و فرزندانش بر حذر باشید دیدید با برادر شما چه معامله کرد با آنها آمیزش و ازدواج نداشته باشید تو و برادران و خواهرانت در بالای کوه مسکن بگیرید و قابیل و فرزندانش را پائین کوه جای دهید.

روزی که خدا خبر داده بود که آدم خواهد مرد خود را آماده مرگ کرد و یقین نمود بالاخره ملك الموت بر او وارد شد و آدم از او

درخواست کرد که اجازه بده من شهادت به یگانگی خدا دهم و او را بستایم بواسطه لطف و عنایتی که بمن فرموده.

گفت: اشـهد ان لا اله الا اللّه- گواهی میـدهم که من بنده خدا و خلیفه او در زمین هسـتم مرا مشـمول لطف خویش قرار داد و بدست خود آفرید جز من کسی را بدست خود نیافرید و از روح خود در من دمید و مرا زیبا آفرید و بصورت من کسی را قبل از من نیافریده بود ملائکه را بسجده من دستور داد و تمام اسماء را بمن آموخت.

با اینکه ملائکه را از اسـماء اطلاع نـداد مرا در بهشت خود جای داد آنجا را قرارگاه و وطن من قرار نـداده بود مرا آفرید تا در زمین که مقـدر نموده بود سـاکن نمایـد اینهـا تمـام برنامه هائی بود که قبل از آفریـدن من تعیین کرده بود من در راه تقـدیر و دسـتور او بزنـدگی خود ادامه دادم بعـد بمن دسـتور داد که از آن درخت نخورم من مخـالفت نموده از آن درخت میـل کردم موجب لغزش من شد، از خطای من گذشت او را می سـتایم بر تمام نعمت هائی که به من عنایت فرموده آن چنان ستایشی که رضایت او را موجب گردد.

ملک الموت مأموریت خود را انجام داد و روح آدم صلوات اللّه علیه را قبض نمود.

امامت، ج ۱، ص: ۳۹

حضـرت ابو جعفر علیه السّـلام فرمود جبرئیـل برای آدم کفن آورد بـا حنوط و بیل نیز با خود آورده بود، با جبرئیل هفتاد هزار ملک بودند تا شرکت در تشییع جنازه آدم کنند.

هبه اللّه و جبرئیل او را غسل داده و آدم را کفن و حنوط نمودند

بعد جبرئیل بهبه اللّٰه گفت بر پدر خود نماز بخوان.

هبه اللّٰه بیست و پنج تکبیر گفت، تابوت آدم را نهادند هبه اللّٰه پیش ایستاد جبرئیل طرف راست و ملائکه پشت سر او نماز خواند و بیست و پنج تکبیر گفت.

جبرئیل با ملائکه برای آدم بوسیله بیل قبر کندند.

و او را دفن کردند، جبرئیل بهبه اللّٰه گفت نسبت بمردگان خود بعد از چنین معامله کنید سلام و درود خدا بر شما خاندان باد.

حضرت ابو جعفر علیه السّلام فرمود هبه اللّٰه با فرزندان آدم شروع بانجام دستورات آدم نمودند اما فرزندان قابیل ملعون کناره گیری کردند.

هنگام وفات هبه اللّٰه که رسید فرزند خود قینان را وصی قرار داد صندوق و استخوانهای آدم را باو سپرده، گفت اگر نبوت نوح را درک کردی از او پیروی نما و صندوق را با او در کشتی بگذار مبادا از او کناره گیری کنی چون در نبوت او طوفان و غرق خواهد بود هر که در کشتی نشیند نجات می یابد و هر که تخلف ورزد غرق می شود.

قینان وصیت هبه اللّٰه را در مورد برادران و فرزندان پدر خود بکار بست هنگام وفات او که رسید مهلائیل را وصی خود قرار داد و صندوق و محتویات آن را با وصیت باو سپرد مهلائیل نیز بدستور و روش او عمل کرد هنگام وفات مهلائیل که رسید پسرش بر در اوصی قرار داد صندوق محتویات و وصیت نامه را باو سپرد برد بفرزند خود اخنوخ که همان ادریس است وصیت کرد و صندوق و تمام محتویاتش را با وصیت نامه باو داد اخنوخ وصیت برد را انجام داد هنگام مرگ، خدا باو وحی کرد که من

تو را بآسمان می برم و در آسمان روحت را می گیرم.

امامت، ج ۱، ص: ۴۰

فرزندت حرقاسیل را وصی خود قرار ده.

حرقاسیل وصیت اخنوخ را انجام داد هنگام وفات بفرزند خود نوح وصیت کرد- صندوق و محتویاتش را با وصیت نامه باو سپرد و در نزد نوح بود تا با خود در کشتی نهاد.

نوح بفرزند خود سام وصیت کرد و صندوق را باو سپرد با آنچه در آن بود باضافه وصیت نامه.

حبیب سجستانی گفت: سخن حضرت ابو جعفر در این جا قطع شد.

تفسیر عیاشی: ج ۱ ص ۳۰۹- ابو حمزه ثمالی از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد که فرمود وقتی آدم از درخت ممنوع خورد بزمین فرود آمد. هابیل و خواهرش دو قلو برای او متولد شد بعد از آن دو قابیل و خواهرش دو قلو متولد شدند.

آدم بهابیل و قابیل دستور داد قربانی کنند. هابیل گوسفند دار بود و قابیل زراعت کار هابیل یکی از بهترین گوسفندهای خود را برای قربانی آورد.

اما قابیل از زراعت خود مقداری ناپاک آورد.

قربانی هابیل قبول شد ولی از قابیل نپذیرفتند این آیه قرآن اشاره به همین جریان است.

وَ اتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنَيْ آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبا قُرْباناً فَتُقُبِّلَ مِنْ أَحَدِهِما وَ لَمْ يُتَقَبَّلْ مِنَ الْآخَرِ.

قربانی وقتی قبول می شد که آتش می گرفت. از آن پس قابیل آتش خانه ای بنا کرد و او اول کسی بود که آتشکده ساخت. گفت آنقدر این آتش را میپرستم تا قربانی مرا قبول کند.

بعد شیطان که مانند خود در رک انسان می تواند نفوذ کند پیش قابیل آمده گفت چون قربانی هابیل قبول شد و از تو رد گردید اگر چاره ای برای این کار نکنی دارای فرزند خواهد

شد و فرزندان او بر فرزندان تو فخر می کنند می گویند ما اولا کسی هستیم که قربانیش قبول شد و شما فرزند کسی که

امامت، ج ۱، ص: ۴۱

قربانی او را نپذیرفتند صلاح اینست که او را بکشی تا دارای فرزندی نشود و بر فرزند تو فخر نمایند قابیل او را کشت وقتی پیش آمدم آمد از او جویای هابیل شد گفت بروید بگردید همان جائی را که قربانی کردیم.

وقتی آدم جستجو کرد هابیل را کشته یافت آدم گفت نفرین بر تو زمین که خون هابیل را قبول کردی چهل شبانه روز بر او گریه کرد بعد از خدا خواست فرزندی باو عنایت کند.

پسری برایش متولد شد که او را هبه اللَّه نام نهاد.

زیرا خداوند او و خواهرش را بآدم بخشید.

از اینجا دنباله روایت مانند روایت قبل مربوط بوصیت آدم است تا اینکه میگوید آدم بشارت ظهور نوح را بهبه اللَّه داده گفت خداوند پیامبری را بنام نوح مبعوث می نماید و بین آدم و نوح ده پشت فاصله بود که تمام آنها پیامبر بودند بهبه اللَّه گفت هر کدام از شما او را درک کردید ایمان بیاورید و پیروی کنید و تصدیق نمائید چون او موجب نجات از غرق می شود.

آدم مریض شد همان بیماری که بمرگ او منتهی گردید.

بهبه اللَّه گفت اگر جبرئیل یا سایر ملائکه را دیدی سلام مرا باو برسان و بگو پدرم از شما تقاضای میوه بهشت نموده.

هبه اللَّه پیغام آدم را رساند جبرئیل باو گفت پدرت از دنیا رفت و ما برای نماز او آمده ایم بر گرد پیش او برو.

وقتی هبه اللَّه آمد دید آدم از دنیا رفته جبرئیل باو یاد داد چگونه آدم

را غسـل دهـد، غسـل داد موقع نمـاز بجبرئيـل گفت بر آدم نمـاز بخوان. جبرئيـل در جواب او گفت خداونـد مـا را مأمور كرد پدرت آدم را سجده كنيم موقعى كه در بهشت نبود شايسته نيست براى ما كه امامت بر فرزندان او نمائيم، هبه اللَّه پيش رفته بر پـدر نمـاز خوانـد و جبرئيل پشت سر او ايسـتاد با ساير ملائكه سـى تكبير گفت جبرئيل دسـتور داد بيست و پنـج تكبير را بلند بگويد كه امروز در بين ما پنج

امامت، ج ۱، ص: ۴۲

تكبير معمول است، بر اهل بدر نه تكبير و بيست تكبير گفته شده.

پس از اينكه هبه اللَّه پـدر خود آدم را دفن كرد قابيل پيش او آمـده گفت پـدرم آدم بتو مزيتى از نظر علم داده كه بمن نـداده آن مزيت همان بود كه برادرت هابيل خواند و قربانيش قبول شد من او را كشـتم تا فرزندى نداشـته باشد بر فرزندان من افتخار كنند كه ما فرزند كسى هستيم كه قربانيش قبول شد و شما فرزندان كسى هستيد كه قربانى او رد شد.

اگر تو هم از علمى كه پدرت در اختيارت گذاشته اظهار كنى كشته خواهى شد مثل هابيل.

از آن روز هبه اللَّه و فرزندانش پس از او علم و ايمان و اسم بزرگ و ميراث نبوت و آثار علم پيامبرى را پيوسـته مخفى داشتند تا نوح مبعوث شـد وصـيت هبه اللَّه آشـكار شد وقتى نگاه كردند بوصـيت آدم ديدند بشارت ظهور نوح را به پيامبرى داده باو ايمان آورده تصديق نمودند و پيروى كردند.

آدم بهبه اللَّه دستور داده بود كه اين وصيت نامه را در هر سال يك بار ملاحظه كنند و آن

روز را عیـد قرار دهنـد پیوسـته سـخن بعثت نوح و زمـان ظهورش بود همچنین در وصـیت هر پیامبری اجرا می شـد تا خـداوند حضرت محمّد صلی اللَّه علیه و آله و سلم را مبعوث کرد.

هشام بن حکم گفت: حضـرت صادق علیه السّـلام فرمود وقتی خدا بآدم دستور داد وصیت بهبه اللَّه کند امر کرد این جریان را مخفی بدارد از آن ببعد قرار بر کتمان و پنهان داشتن شد.

باو وصیت کرد و کتمان نمود

امامت، ج ۱، ص: ۴۳

بخش سوم امامت با تعیین و نص امکان دارد، لازم است هر امامی امام بعد از خود را تعیین کند

آیات

قصص: «آیه ۲۸» وَ رَبُّکَ یَخْلُقُ ما یَشاءُ وَ یَخْتارُ ما کانَ لَهُمُ الْخِیَرَهُ سُبْحانَ اللَّهِ وَ تَعالی عَمَّا یُشْرِکُونَ.

زخرف: «آیـه ۴۳» وَ قـالُوا لَوْ لا نُزِّلَ هـذَا الْقُرْآنُ عَلی رَجُـلٍ مِنَ الْقَرْیَتَیْنِ عَظِیمٍ أَ هُمْ یَقْسِـمُونَ رَحْمَتَ رَبِّکَ نَحْنُ قَسَـمْنا بَیْنَهُمْ مَعِیشَتَهُمْ فِی الْحَیاهِ الدُّنْیا وَ رَفَعْنا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجاتٍ لِیَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضاً سُخْرِیًّا وَ رَحْمَتُ رَبِّکَ خَیْرٌ مِمَّا یَجْمَعُونَ.

تفسیر آیه: در این آیه که می فرماید: «و یختار» یعنی خداوند هر که را بخواهد برای نبوت و امامت انتخاب می کند.

مفسـرین روایت کرده اند که معنی آیه اینست که خداوند هر کس بخیر و صـلاح مردم باشد بر می گیرند بنا بر وجه اول خیره در آیه بمعنی تخییر است مانند طیره که بمعنی تطیر است.

در هر دو صـورت آیـه شاهـد است بر اینکه انتخـاب امـامی که ریـاست دین و دنیـا را دارد بـا رأی مردم نمی شـود چنـانچه بر منصف پوشیده نیست.

امامت، ج ۱، ص: ۴۴

دو قریه ای که در آیه ذکر شـده است منظـور یکی از دو قریه است که مکه و طـائف است منظور از عظیم یعنی از نظر مقـام و ثروت عظیم باشد مانند ولید ابن مغیره و عروه

بن مسعود ثقفی.

أَ هُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ بیضاوی میگوید: از این نسبت بجهل میدهد و تعجب میکند از تحکم مردم منظور از رحمت نبوت است نَحْنُ قَسَمْنا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَياةِ الدُّنْيا یعنی مردم که عاجز از تدبیر معیشت خویش هستند در مسائل زندگی چنین مردمی چگونه می توانند در مسأله نبوت که عالی ترین مناصب انسانیت است تدبیر نمایند وَ رَفَعْنا بَعْضَهُمْ یعنی ما تفاوت در میان آنها در رزق و سایر چیزها قرار دادیم لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضاً سُخْرِيًّا یعنی در احتیاجات زندگی بعضی بعض دیگر را بگمارد تا بین آنها ارتباط و همگرائی بوجود آید و نظام زندگی بهم نخورد نه از جهت اینکه ثروتمند موقعیتی در نزد خدا داشته و یا فقیر و مستمند مورد توجه خدا نباشد.

آنها را اعتراضی در این تغییر و تفاوت از نظر ثروت بر ما نیست چگونه اعتراض و اظهار نظر می توانند بکنند در چیزی که مهمتر از مال و امور زندگی است وَ رَحْمَتُ رَبِّكَ یعنی نبوت و مقام های تابع آن خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ بهتر است از زر و زیور دنیا و موقعیت و عظمت برای کسی است که دارای آن مقام باشد نه ثروت بر هم انباشته کند.

توضیح: هر دو آیه صریح دلالت دارند که رزق و مقام های دنیوی بسته بتقدیر خداست در این صورت مقام های معنوی و اخروی مانند نبوت و امامت که از امتیازات مادی بسیار بالاتر است چگونه در اختیار مردم خواهد بود البته خداوند تعیین خواهد کرد و بمردم واگذار نمی نماید و نیز وقتی اندیشه مردم در تقسیم امتیازات مادی قاصر باشد قطعا از تعیین مقامی که شانس ریاست دین و دنیا باشد

عاجزتر است این مطلب از هر دو آیه کاملا آشکار است که جای شک و تردیدی نیست.

امامت، ج ۱، ص: ۴۵

ترجمه روایات

قرب الاسناد: ص ۱۶۶- بزنطی گفت در قادسیه خدمت حضرت رضا علیه السّلام رسیدم. گفتم فدایت شوم می خواهم سؤالی از شما بکنم و جلالت شما مرا مانع از این پرسش است با اینکه سؤال با اهمیتی است منظورم اینست که خود را از آتش جهنم نجات بخشم امام علیه السّلام متوجه شد که اشگهایم جاری است فرمود:

هر چه مایلی بپرس.

عرضکردم فدایت شوم در همین موضع از پدرت سؤال کردم که خلیفه بعد از شما کیست مرا راهنمائی کرد بمقام و امامت شما چند سال است با اینکه فرزندی نداشتید همین سؤال را از شما کرده ام میفرمودید امامت متعلق به پسر من است خداوند اینک که بشما دو فرزند عنایت کرده بفرمائید امامت متعلق به کدام یک از آنهاست فرمود این سؤالی که می کنی وقت آن حالا نیست.

عرضکردم فدایت شوم مشاهده کردی چه گرفتاری در باره پدرت برای ما پیش آمد من اطمینانی از پیش آمدها ندارم فرمود نه چنین نیست اگر آنچه می ترسی احتمال وقوع داشته باشد من باید دلیلی داشته باشم که بر تو یا دیگران استدلال نمایم و حجت را تمام کنم مگر نمی دانی که بر امام لازم و واجب است اگر مرگ خود را فهمید در مورد جانشین خویش بمردم اطلاع دهد و حجت را بر آنها تمام کند خداوند در قرآن کریم می فرماید: وَ ما كانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ قَوْماً بَعْدَ إِذْ هَداهُمْ حَتَّى يُبَيِّنَ لَهُمْ ما يَتَّقُونَ پس آسوده خاطر باش هم تو و هم دوستانت که انشا اللّه آشکار خواهد

شد و آنچه باعث بیم و ترس شما شده وقوع نخواهد یافت.

قرب الاسناد: بحضرت رضا علیه السّلام عرضکردم امام وقتی کسی را بجانشینی خود تعیین می کند و امر امامت را باو می سپارد هر کس را بخواهد می تواند تعیین کند یا دارای خصوصیاتی است فرمود نه کسی را تعیین می کند که خدا دستور داده. عرضکردم از جد شما چنین نقل شده که فرموده است خیال میکنید تعیین امام باختیار ما است بهر کس بخواهیم وامی گذاریم نه بخدا و این عهد و قراردادیست از پیامبر اکرم نفر به نفر با نام فرمود. فرمود آنچه من نیز بتو گفتم از همین

امامت، ج ۱، ص: ۴۶

جهت بود.

احتجاج: ص ۲۵۹- سعد بن عبد اللّه قمی گفت از حضرت صاحب الزمان که آن وقت در دامن پدر نشسته بود پرسیدم بچه دلیل مردم نمی توانند برای خود امام انتخاب کنند.

فرمود: امام خوب یا بد گفتم امام خوب و شایسته.

فرمود امکان دارد انتخابی که می کنند بجای خوب بد از کار در آید با اینکه هیچ کس اطلاع از دل دیگری ندارد که چه چیز بخاطرش می گذرد فکر خوب یا فکر بد گفتم آری ممکن است فرمود همین موجب نداشتن چنین اختیاریست که با دلیلی برای تو توجیه کردم که عقلت بپذیرد تصدیق کردم.

فرمود بگو ببینم پیامبرانی که خداوند آنها را برگزیده و کتاب آسمانی بر آنها نازل کرده و ایشان را به وحی ممتاز نموده و عصمت بخشیده چون برجسته- ترین افراد مردمند و از همه بهتر می توانند انتخاب نمایند اگر بایشان اختیار بدهند از جمله این پیمبران موسی و عیسی نیز هستند. با کمال عقل و دانشی که این دو داشتند آیا ممکن

است انتخاب آنها در مورد کسی که خیال می کردند مؤمن است منافق از کار در آید.

گفتم: نه. فرمود همین موسـی با کمال عقل و دانشی که داشت و باو وحی میشد از میان قوم خود برای میقات خدا هفتاد نفر را انتخاب کرد با اینکه یقین داشت مؤمن و مخلص هستند این انتخاب بر خلاف تصور او بر منافقین قرار گرفت.

خداوند در این آیه بهمین مطلب اشاره می کند: وَ اخْتارَ مُوسى قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا لِمِيقاتِنا. «۱»

وقتی انتخاب پیامبری که خدا او را برگزیده بر شخص فاسدی قرار گیرد با اینکه او خیال می کرد صالح است می فهمیم اجازه انتخاب بکسی که از راز دلها و افکار پنهان و آینده اشخاص خبر ندارد داده نشده بعد از اینکه پیامبران

امامت، ج ۱، ص: ۴۷

انتخابشان صحیح از کار در نیاید.

خصال: ص ۱۴۹- صباح مزنی از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که فرمود:

پیـامبر را صـد و بیست مرتبه بمعراج بردنـد در هر مرتبه خداونـد سـفارش می کرد به پیـامبر در مورد ولایت علی بن ابی طالب علیه السّلام و امامان بعد از او بیشتر از آنچه در باره واجبات سفارش می کرد.

قرب الاسـناد: علی از برادر خود موسـی علیه السّلام نقل کرد که آن جناب یک سال قبل از اینکه گرفتار شود هر وقت بستگان و خویشاونـدان اطرافش جمع میشدنـد می فرمود: خداونـد سـفارش نکرد و تأکیـد ننموده در باره چیزی باندازه تأکیدی که در باره اقرار بامامت نموده و مردم چیزی را باندازه امامت انکار ننموده اند.

خصال: مفضل گفت: بحضرت صادق علیه السّلام عرضکردم چه شد که امامت در فرزندان امام حسین علیه السّلام قرار گرفت و فرزندان امام حسن امام نشدند با

اینکه هر دو پسر پیامبر و نواده او و سرور جوانان اهل بهشتند.

فرمود موسی و هارون هر دو پیامبر و رسول و برادر بودند خداوند نبوت را در نژاد هارون قرار داد نه موسی هیچ کس نمی تواند بگوید چرا چنین کرد امامت همان خلافت خدا است کسی نمی تواند بگوید چرا خداوند در فرزندان امام حسین قرار داد و بفرزندان امام حسن نداد زیرا در کار خود حکیم است از او نمیتوان پرسید چرا چنین کردی مردم مورد بازخواست قرار می گیرند در کارهای خود.

اکمال الدین: عمرو بن اشعث گفت از حضرت صادق علیه السّلام شنیدم می فرمود:

خیال می کنید اختیار تعیین امام بدست ما است هر کس را بخواهیم انتخاب می- کنیم این قراریست از پیامبر اکرم نفر به نفر تا منتهی شود بصاحب خود. «۱»

بصائر الدرجات: عمر بن ابان گفت حضرت صادق علیه السّلام نام ائمه را برد من از اسماعیل نام بردم فرمود نه بخدا این اختیار بما داده نشده فقط خداوند تعیین می کند

امامت، ج ۱، ص: ۴۸

یکی یکی آنها را معین می نماید.

بصائر الدرجات: ابو بصیر از حضرت صادق نقل کرد که فرمود از خداوند تقاضا کردم و در خواست نمودم و التماس نمودم که امامت را باسماعیل بدهد خداوند امتناع کرد فقط فرمود باید ابو الحسن موسی بن جعفر امام باشد.

بصائر الدرجات: ص ۱۴۰- عبد الرحمن خزاز از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که فرمود اسماعیل پسر ابراهیم فرزند صغیری داشت که او را خیلی دوست می داشت و مایل بود آن فرزند بمقام خلافت برسد. اما خداوند از این کار امتناع داشت باو وحی کرد که جانشین تو فلان کس است هنگام مرگ اسماعیل که

رسید وصی او آمد اسماعیل گفت پسرم وقتی مرگ تو هم فرا رسید همین کار که من کردم بکن. بهمین جهت هیچ امامی نخواهد مرد مگر اینکه خدا باو خبر میدهد بکه وصیت نماید.

بصائر: حمران گفت حضرت صادق علیه السّلام فرمود: از ما خانواده امام و پیشوائی نخواهد مرد مگر اینکه باو اطلاع می دهند بکه وصیت کند.

بصائر: حسن صیقل گفت حضرت صادق علیه السّلام فرمود از ما خانواده کسی نمیمیرد مگر اینکه میشناسد ولی و امام بعد از خود را.

بصائر: معلی بن خنیس گفت حضرت صادق علیه السّلام فرمود امام می شناسد امام بعد از خود را و باو وصیت می کند. «۱»

مناقب: محمّد بن سنان از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که فرمود در باره آیه يَخْلُقُ ما يَشاءُ وَ يَخْتارُ خداوند محمّد صلّى اللَّه علیه و آله و سلم و اهل بیت او را برگزید.

علی بن جعد از شعبه او از حماد بن مسلمه از انس نقل کرد که پیامبر اکرم فرمود خداوند آدم را از گل بهر طور خواست آفرید.

سپس فرمود: «و يختار» خداوند من و اهل بیتم را بر جمیع مردم انتخاب کرد.

امامت، ج ۱، ص: ۴۹

ما را برگزید بمن مرتبت نبوت داد و علی بن ابی طالب را وصی نمود آنگاه فرمود: ما كانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ یعنی اختیار انتخاب را بمردم نداده اند. ولی من بر می گزینم کسی را که میخواهم پس من و اهل بیتم برگزیده و امتیازدار از میان مردمیم بعد فرمود: منزه است خدا از آنچه مشرکین مکه بر او شریک می گیرند.

بعد فرمود: ای محمّد! پروردگارت می داند چه در دلهای خود پنهان کرده اند از کینه برای تو و خانواده ات و

چه در زبان آشکار می کنند از علاقه بشما.

مناقب: ابن جریر طبری گفت: پیامبر اکرم نبوت خویش را بر قبائل عرب عرضه می داشت تا به بنی کلاب رسید آنها گفتند ما با تو بنبوت بیعت می کنیم مشروط بر اینکه جانشینی تو متعلق بما باشد. فرمود اختیار دست خدا است اگر او بخواهد در شما خواهد بود و گر نه در دیگری آنها از بیعت صرف نظر کرده رفتند. می گفتند ما نمی آئیم با شمشیرهای خود در جنگ هائی که تو می خواهی پیکار کنیم بعد دیگری را بر ما امیر و فرمانروا کنی.

ماوردی: در اعلام النبوه می نویسد: عامر بن طفیل که قصد داشت پیامبر اکرم را بفریبد گفت اگر من اسلام اختیار کنم چه امتیازی خواهم داشت.

فرمود: هر امتیازی که اسلام دارد بنفع تو است اگر اسلام آوردن موجب زیانی باشد آن زیان متوجه تو خواهد بود.

گفت: مرا فرمانروا بعد از خود نمی گردانی. فرمود این مقام بتو و فامیلت نمیرسد اما می توانی فرمانده سپاهی شوی و در راه خدا بجنگ بپردازی ...

مناقب: ابو ذر از پیامبر اکرم نقل کرد که فرمود هر کس فردی را بر گروهی فرمانروا کند با اینکه در میان آن گروه کسی هست که خدا از او بیشتر خشنود است چنین کسی خیانت بخدا کرده.

ابو الحسن رفاء به ابن رامین فقیه گفت وقتی پیامبر اکرم از مدینه خارج شد آیا کسی را بجانشینی خود تعیین نکرد. جوابداد چرا علی را بجانشینی خویش

امامت، ج ۱، ص: ۵۰

معین کرد.

گفت پس چرا باهل مدینه نگفت خودتان انتخاب کنید چون شما هرگز راه اشتباه نخواهید رفت در جواب گفت ترسید اختلاف و فتنه ای برپا شود.

ابو الحسن گفت اگر اختلافی

بوجود می آمد بعد از برگشتن از جنگ خودش اصلاح می کرد. در جواب او گفت این کار که علی را تعیین کرد موجب اطمینان خاطر بیشتری بود.

در این موقع ابو الحسن گفت پس در هنگام وفات آیا کسی را بجانشینی خود تعیین کرد؟ جواب داد: نه.

ابو الحسن گفت مرگ از یک مسافرت مهمتر است چگونه آنچه در یک مسافرت موجب تشویش خاطرش می شد در سفر مرگ اطمینان داشت که پس از مرگش اختلاف و فتنه ای برپا نمی شود. ابن رامین در جواب فرو ماند.

غیبت نعمانی: ص ۲۳- عمرو بن اشعث گفت ما در حدود بیست نفر میان اطاق خدمت حضرت صادق علیه السّلام بودیم رو بجمعیت نموده فرمود شما خیال میکنید در مسأله امامت، امام می تواند هر کس را که بخواهد بجانشینی خود تعیین کند.

بخدا قسم این قراردادی است از جانب خدا که به پیامبر ابلاغ کرده و مردان معینی را با نام و نشان یکی پس از دیگری مشخص نموده تا منتهی بصاحب آن شود.

امامت، ج ۱، ص: ۵۱

بخش چهارم لزوم شناختن امام و اینکه عذری پذیرفته نخواهد بود در ترک ولایت و امام شناسی

ترجمه روایات

محاسن برقی: ص ۱۵۳- بشیر دهان از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که پیامبر اکرم فرمود: (من مات و هو لا یعرف امامه مات میته جاهلیه) هر کس بمیرد در حالی که امام خویش را نمی شناسد بمانند مردم جاهلیت کافر و بی اعتقاد بمبانی دینی از دنیا رفته.

سعی کنید فرمانبردار باشید شما ملاحظه کردید یاران علی را که چگونه بودند شما پیرو کسی هستید که عذر احدی را در نشناختن او نمی پذیرند، آیات نفیس قرآن در باره ما است خداوند اطاعت و فرمانبرداری از ما را بر مردم واجب نموده غنائم در اختیار ما است و نعمت پاک

دنیا بما تعلق دارد.

محاسن: ابو الیسع عیسی بن سری گفت: حضرت صادق علیه السّلام فرمود زمین جز با امام برقرار نخواهد بود هر کس بمیرد در حالی که امامش را نمی شناسد همانند مردم جاهلیت مرده مهمترین موقعی که احتیاج بمعرفت امام دارید وقتی است که جان شما باینجا برسد در این موقع اشاره بسینه خود کرد. آن وقت خواهد گفت به به چقدر اعتقاد خوبی داشتم.

امامت، ج ۱، ص: ۵۲

محاسن برقی: حسین بن ابی العلا گفت از حضرت صادق علیه السّلام راجع باین فرمایش پیامبر اکرم پرسیدم

«من مات لیس له امام مات میته جاهلیه»

فرمود صحیح است.

اگر مردم پیرو علی بن الحسین میشدند و عبد الملک بن مروان را رها میکردند هدایت می یافتند گفتم آیا کسی که با نشناختن امام بمیرد مرگ در حال کفر است فرمود: نه مرگ در حال ضلال و گمراهی است.

توضیح: امام علیه السّلام کفر را نفی کرد زیرا سئوال کننده خیال میکرد احکام کفر در دنیا بر چنین شخصی جاری است بهمین جهت فرمود: نه او گمراه است در دنیا و به بهشت نخواهد رفت در آخرت و هرگز راهی به بهشت ندارد این خبر منافی با اخبار دیگری که اثبات کفر می کند نخواهد بود زیرا آن اخبار ناظر باین است که چنین افرادی در آخرت در حکم کفارند.

محاسن: عثمان بن مغیره گفت: حضرت صادق از علی بن ابی طالب علیه السّلام نقل کرد که پیامبر اکرم فرمود:

«من مات بغیر امام جماعه مات میته جاهلیه»

حارث بن مغیره گفت بعد که خدمت حضرت صادق علیه السلام رسیدم این جریان را پرسیدم فرمود آری ما پرسیدیم آیا مرگ او مرگ مردم جاهلیت است فرمود آری

مرگ کفر و ضلال و نفاق.

محاسن: فضیل گفت از حضرت ابو جعفر علیه السّلام شنیدم میفرمود هر کس بدون امام بمیرد مرگ او چون مردن مردم جاهلیت است هرگز عذر مردم را در شناختن امام نمی پذیرند، کسی که با شناختن امام بمیرد، او را زیانی نخواهد رسید چه جلوتر از ظهور امام بمیرد یا بعد از آن و کسی که با عرفان امام از دنیا برود مانند کسی است که با قائم عجل اللّه فرجه در خیمه او بوده.

اکمال الدین: ص ۳۷۵- محمّد بن اسماعیل از حضرت رضا علیه السّلام نقل کرد که فرمود هر کس بمیرد با آنکه امامی نداشته باشد بمرگ جاهلیت مرده عرض

امامت، ج ۱، ص: ۵۳

کردم هر کس چنین بمیرد مرگ جاهلیت داشته؟ فرمود: آری کسی که توقف دارد کافر است و ناصب مشرک است.

غیبت نعمانی: یحیی بن عبد اللّه از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد فرمود یحیی هر کس شب را بسر برد با نشناختن امام زمان خود به مرگ جاهلیت مرده.

غیبت نعمانی: از حضرت ابو الحسن نقل می کند در باره آیه وَ مَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَواهُ بِغَیْرِ هُدیً مِنَ اللَّهِ. فرمود: یعنی کسی که دین خود را از ائمه هدی علیهم السّلام نگیرد.

غیبت نعمانی: محمّد بن سنان از راوی خود نقل می کند که حضرت صادق فرمود کسی که شریک قرار دهد شخصی را که از جانب خدا بامامت منصوب نشده با امامی که از جانب خدا تعیین شده است مشرک خواهد بود.

غیبت نعمانی: ابن ابی یعفور گفت بحضرت صادق علیه السّلام عرضکردم مردی شما را دوست می دارد و از دشمنتان بیزار است حلال شما را حلال و حرامتان

را حرام میداند و قبول دارد که امامت متعلق بشما است و دیگری حق امامت ندارد جز اینکه می گوید این خاندان در میان راجع بشخص امام اختلاف دارند با اینکه آنها پیشوا و رهبر هستند.

اگر همه خانواده پیامبر اتفاق نمایند و بگویند فلانی از ما خانواده امام است، ما هم میگوئیم هم او امام است.

امام علیه السّلام فرمود اگر بر این اعتقاد بمیرد بمانند مردم جاهلیت مرده.

در خبر دیگر آخر آن میافزاید قرآن دارای تأویلهائی است که در حال جریان است مانند شب و روز و حرکت خورشید و ماه وقتی زمان یکی از آنها برسد اتفاق خواهد افتاد و بعضی بعدها بوقوع می پیوندد.

توضیح: منظور از تأویل قرآن شاید این باشد که بطون و تأویلهای قرآن تدریجی و منوط بوقت و زمان مخصوصی است از آن جمله اجتماع مردم

امامت، ج ۱، ص: ۵۴

بر یک امام در زمان حضرت قائم عجل اللّه فرجه خواهد بود که حالا موقع آن نیست یا منظور اینست که قرآن دلالت دارد که باید در هر زمان امام می باشد بعضی از ائمه زمان آنها گذشته و بعضی خواهند آمد.

تفسیر قمی: ص ۵۷۹- ابو حمزه گفت حضرت باقر علیه السّلام فرمود: خداوند روز قیامت عذر احدی را نمی پذیرد که بگوید خدایا من نمی دانستم که فرزندان فاطمه زهرا علیها السّلام رهبر و امام بر تمام مردمند، در باره شیعیان اولاد فاطمه علیها السلام فقط این آیه نازل شده:

یا عِبادِیَ الَّذِینَ أَسْرَفُوا عَلی أَنْفُسِهِمْ لا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَهِ اللَّهِ «۱».

قرب الاسناد: بزنطی از حضرت رضا علیه السّلام نقل کرد که حضرت باقر علیه السّلام فرمود: هر که مسرور می شود از اینکه بین او و خدا

حجابی نباشد تا خدا را ببیند و خداوند او را مشاهده کند باید آل محمّد علیهم السلام را دوست بدارد و از دشمنانشان بیزار باشد و پیرو امام از این خانواده گردد.

اگر چنین بود خدا را می بیند و خدا نیز او را می بیند.

توضیح: این دیدن منظور دیدن کرامت و لطف خدا است یا دیدن اولیاء خدایا به نهایت رسیدن درجه معرفت است باندازه قدرت و نیروی بشری.

عیون اخبار الرضا: تمیمی از حضرت رضا نقل کرد که پیامبر اکرم صلّی اللَّه علیه و آله و سلم فرمود: هر کس بمیرد با اینکه امامی از فرزندان من نداشته باشد بمثل جاهلیت مرده و از او مؤاخذه و بازخواست می شود نسبت بکر داری که در جاهلیت انجام داده و آنچه در اسلام عمل کرده امالی شیخ: ص ۱۶۲- ابو سعید همدانی از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد که در باره آیه إِلَّا مَنْ تابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صالِحاً فرمود بخدا قسم اگر توبه کند و

امامت، ج ۱، ص: ۵۵

ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد ولی راه بولایت و محبت ما نداشته باشد و فضل و مقام ما را نشناسد توبه و ایمان و عمل صالح او برایش سودی نخواهد داشت.

توضیح: این آیه در چهار جای قرآن نقل شده:

۱- در سوره مریم إِلَّا مَنْ تابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صالِحاً فَأُولئِکَ یَدْخُلُونَ الْجَنَّهَ.

۲- در سوره طه وَ إِنِّی لَغَفَّارٌ لِمَنْ تابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صالِحاً ثُمَّ اهْتَدی .

۳- در سوره فرقان إِلَّا مَنْ تابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ عَمَلًا صالِحاً فَأُوْلئِکَ یُبَدِّلُ اللَّهُ سَیِّئاتِهِمْ حَسَناتٍ.

۴- در سوره قصص فَأَمَّا مَنْ تابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صالِحاً فَعَسی

أَنْ یَکُونَ مِنَ الْمُفْلِحِینَ.

با خبری که ذکر شد فقط آیه اول و دوم مناسبت دارد. اشکال می شود که آیه اول دارای لفظ «ثُمَّ اهْتَدی » نیست آیه دوم نیز اولش با خبر مطابقت ندارد زیرا در خبر نقل شده:

إِلَّا مَنْ تابَ ولی در قرآن هست لِمَنْ تابَ وَ آمَنَ شاید خبر نیز در اصل لِمَنْ تابَ بوده که راویان یا نسخه برداران باشتباه تغییر داده اند.

علل الشرائع: حنان بن سدیر گفت بحضرت صادق علیه السّلام عرضکردم بچه دلیل باید حتما امامهای بعد از پیغمبر را بشناسم ولی امام های قبل از پیامبر را الزامی نیست، فرمود بواسطه اختلاف شرایع.

معانی الاخبار: ص ۱۱۲- سلیم بن قیس هلالی گفت بحضرت امیر المؤمنین علیه السّلام عرضکردم کمترین چیزی که موجب گمراه شدن شخص می شود چیست؟

فرمود اینکه نشناسد خداوند دستور داده اطاعت از چه کسی بکند و ولایت او لازم شده و حجت در روی زمین و گواه بر خلق است.

عرضکردم آنها کیانند یا امیر المؤمنین فرمود! کسانی که اطاعت آنها را خداوند در قرآن قرین اطاعت خویش قرار داده در این آیه یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا أَطِیعُوا اللَّهَ وَ أَطِیعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِی الْأَمْرِ مِنْکُمْ.

امامت، ج ۱، ص: ۵۶

گفت پیشانی آن جناب را بوسیده عرضکردم برایم واضح کردی و عقده دلم را گشودی و هر شک و تردیدی در دلم بود از بین بردی.

علل الشرائع: سلمه بن عطا از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که فرمود:

حضرت حسین علیه السّلام در میان اصحاب خود فرمود: اصحاب من! خداوند مردم را آفرید تا او را بشناسند وقتی شناختند او را می پرستند وقتی او را پرستیدند از پرستش دیگران دست میکشند.

مردی عرضکرد یا ابن

رسول اللّه پدر و مادرم فدایت معنی معرفت خدا چیست؟

فرمود همان معرفت و شناخت اهل هر زمانی است امام زمان خود را.

صدوق در توضیح اینخبر می نویسد: اهل هر زمان باید بشناسند و بدانند که خدا ایشان را وانگذاشته و زمین را خالی از امام معصوم ننموده کسی که بپرستد خدائی را که حجت برای مردم قرار نداده او خدای واقعی را نپرستیده دیگری را پرستش نموده.

توضیح: شاید امام علیه السّلام که معرفت خدا را معرفت امام دانسته منظورش اینست که معرفت خدا حاصل نمی شود مگر از طرف امام یا بجهت اینکه شرط انتفاع از معرفت خدا معرفت امام است که اگر خدا را بشناسد ولی امام شناسی نداشته باشد خداشناسی او برایش سودی ندارد و توضیحی که صدوق نیز داده است بی مناسبت نیست.

تفسیر قمی: ابان بن تغلب گفت حضرت صادق علیه السّلام فرمود: ابان! خداوند از مشرکین زکات مالشان را نخواسته در حالی که مشرک باشند چنانچه در این آیه می فرماید وَ وَیْلٌ لِلْمُشْرِکِینَ الَّذِینَ لا یُؤْتُونَ الزَّکاهَ وَ هُمْ بِالْآخِرَهِ هُمْ کافِرُونَ عرضکردم آقا! فدایت شوم این مطلب را برایم توضیح بدهید.

فرمود وای بر مشرکین که شرک آوردند در مورد امام اول آنها در مورد ائمه دیگر هم کافرند. ابان! خداوند مردم را دعوت بایمان بخود کرده وقتی ایمان بخدا و پیامبر آوردند واجبات بر آنها لازم می شود.

امامت، ج ۱، ص: ۵۷

توضیح: امام علیه السّلام مشرک را در آیه تفسیر نموده بکسی که شریک قرار دهد با امام واقعی دیگری را و لفظ آخرت را بائمه دیگر تفسیر نموده این یکی از بطون آیه است، این خبر دلالت دارد که مشرکین ملزم بانجام فرائض نیستند ولی

مخالفین مکلف بآنها هستند با اینکه مفاد آن بر خلاف مشهور بین دانشمندان شیعه است.

ممکن است بگوئیم منظور اینست که وادار کردن کسانی که ایمان بخدا و رسول ندارند بایمان مقدم است بر تکلیف نمودن ایشان را بدستورات نه اینکه مکلف بدستورات اصلا نباشند.

عیون اخبار الرضا: یک جمله از نوشته حضرت رضا علیه السّلام برای مأمون در شرایع دین این بود: «

من مات لا یعرف ائمته مات میته جاهلیه

. ثواب الاعمال: ص ۷: ابو سعید خدری گفت: روزی پیامبر اکرم صلّی اللَّه علیه و آله و سلم نشسته بود چند نفر از اصحاب نیز خدمت آن جناب بودند از آن جمله علی بن ابی طالب علیه السّلام حضرت رسول صلّی اللَّه علیه و آله و سلم فرمود هر کس بگوید: لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ داخل بهشت می شود.

دو نفر از اصحاب عرضکردند ما میگوئیم لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ فرمود شهادت لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ از این و شیعیانش پذیرفته می شود آن کسانی که خداوند پیمان آنها را گرفته آن دو گفتند ما میگوئیم لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ در این موقع پیامبر اکرم صلّی اللَّه علیه و آله و سلم دست روی سر علی علیه السّلام نهاده فرمود علامت اینکه شیعه او باشید اینست که پیمانش را نشکنید و جای او را تصاحب نکنید و گفتارش را تکذیب ننمائید.

ثواب الاعمال: عیسی بن سری گفت بحضرت صادق علیه السّلام عرضکردم پیامبر اکرم صلّی اللَّه علیه و آله و سلم فرموده است:

«من مات لا یعرف امامه مات میته جاهلیه»

حضرت صادق علیه السّلام فرمود مهمترین موقعی که شخص احتیاج بشناختن امام خود دارد آن موقعی است که جانش باینجا برسد

اشاره بسینه خود نمود. تو بر راه و طریقی شایسته هستی.

ثواب الاعمال: ابو ذریح از ابو حمزه نقل کرد که امام صادق علیه السّلام فرمود:

امامت، ج ۱، ص: ۵۸

از ما خانواده است امامی که فرمانبرداری از او واجب است هر کس منکر او شود یهودی یا نصرانی میمیرد. بخدا سوگند خداوند از روزی که آدم را قبض روح کرده زمین را خالی از امامی که راهنمای مردم بسوی خدا باشد نگذاشته، هم او حجت بر مردم است هر که ترک او کند هلاک می شود و هر که پیرو او باشد نجات می یابد و خداوند چنین ملتزم شده است.

بصائر: ابو عبیده حذاء گفت: ما در زمان حضرت باقر که از دنیا رفت مثل گوسفند بدون چوپان سرگردان بودیم- روزی سالم بن ابی حفصه مرا دید پرسید امام تو کیست گفتم امام من آل محمّد هستند گفت پس در این صورت خود را نابود کرده ای و دیگران را نیز بنابودی کشیده ای. مگر من و تو با هم خدمت حضرت باقر نبودیم که فرمود

«من مات و لیس علیه امام مات میته جاهلیه»

گفتم چرا خدا مرا بمعرفت امام راهنمائی کند. همین سخنان را برای حضرت صادق علیه السّلام نقل کردم که سالم بن ابی حفصه بمن چه گفت.

فرمود یا ابا عبیده هر یک از ما ائمه بمیرد جانشینی برای خود قرار میدهد که مثل او عمل کند و روش او را از پیش گیرد و مردم را بهمان راه دعوت کند.

ابا عبیده- اشکالی ندارد که خداوند آنچه بداود داده بسلمان نیز بدهد پیغمبر فرمود یا ابا عبیده زمانی که قائم آل محمّد صلّی اللَّه علیه و آله و سلم قیام

کند حکم میکند مانند داود و سلیمان و از مردم شاهد نمیخواهد.

محاسن برقی: محمّد بن مسلم گفت از حضرت باقر علیه السّلام شنیدم میفرمود هر کس خدا را بپرستد و خویشتن را بزحمت اندازد با عبادت اما بدون اعتقاد بامام عادل که از جانب خدا تعیین شده تمام رنج و کوشش او نامقبول است و گمراه و سرگردان خواهد بود؟ او چون گوسفندی است که از جلو چوپان گم شده است و روز خود را تنها میان بیابان بسرگردانی تمام کند همین که تاریکی شب برسید از دور چشمش بگله ای بیافتاد بهمراه چوپانی. خود را بآن گله برساند آن شب را در خوابگاه این گله بخوابد. سحرگاه که چوپان گله را بحرکت در آورد متوجه شود که

امامت، ج ۱، ص: ۵۹

این نه آن گله و نه آن چوپان است در سرگردانی و تحیر پا بفرار گذارد بدنبال گله و چوپان خود متحیر و سرگردان.

از دور گله ای دیگر را می بیند خود را بآن گله میرساند و نزدیک می شود اما چوپان فریاد میزند برو گله خود را پیدا کن تو سر گردان و متحیری و از چوپان خود گم شده ای باز با ترس پا بفرار میگذارد کسی نیست که او را راهنمائی بچراگاه خود کند او را بگله برگرداند در همین هنگام گرگ از فرصت استفاده میکند و او را از هم میدرد و میخورد همین طور هر کس از این امت دارای امام عادلی که منصوب از جانب خداوند است نباشد سرگردان و متحیر است اگر بر چنین حالتی بمیرد مرگ کفر و نفاق نموده. بدان ای محمّد بن مسلم که ائمه حق و پیروانشان بر دین و

آئین خدایند ...

در غیبت نعمانی همین حدیث نقل شده تا آنجا که می فرماید ائمه حق و پیروان آنها بر دین خدایند و پیشوایان ستمگر از دین خدا و حق منحرفند خود گمراهند و دیگران را نیز گمراه کرده اند اعمالی که انجام میدهند مانند خاکستری است که در مسیر تند بادی سخت در یک روز طوفانی قرار گیرد نتیجه ای از کار خود نمیبرند این یک گمراهی بسیار سختی است.

توضیح: وجه تمثیل آشکار است زیرا کسی که پیرو یکی از ائمه هدی علیهم السّلام بوده و گمراه شده است و بهر یک از پیشوایان ستمگر که بپیوندد هر خلافی که از آن پیشوا ببیند موجب نفرت و انزجارش می شود و پیشوا نیز وقتی مشاهده کند او بر خلاف نظرش رفتار میکند طردش می نماید و او را میراند، مبادا پیروانش را از گرد او پراکنده کند بالاخره همین طور سرگردان است تا شیطان بر او غلبه نماید یا بکلی از دین خارجش کند و یا تابع یکی از پیشوایان زور و ستم شود.

اکمال الدین: سلیم بن قیس هلالی گفت از سلمان و ابی ذر و مقداد شنیدم که پیامبر اکرم صلّی اللّٰه علیه و آله و سلم فرموده است:

«من مات و لیس له امام مات میته جاهلیه»

امامت، ج ۱، ص: ۶۰

این حدیث را بر جابر و ابن عباس عرضه داشتم گفتند: صحیح است، راست گفته اند ما نیز خود شاهد بودیم و شنیدیم از پیامبر اکرم. سلمان گفت: یا رسول اللّٰه شما فرمودید هر کس بمیرد و امامی نداشته باشد بمرگ جاهلیت مرده آن امام کیست؟ فرمود او از اوصیاء من است هر کس بمیرد از امت من و امامی

از اوصیاء مرا نشناسد بمرگ جاهلیت مرده اگر او را نشناسد و دشمن بدارد مشرک است اما اگر نشناسد ولی دشمنی با او نداشته باشد نادان است ولی مشرک نیست.

اکمال الدین: ص ۲۳۰- مروان بن مسلم از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که فرمود امام واسطه بین خدا و خلق است هر که او را بشناسد مؤمن است و هر که منکرش باشد کافر است.

اکمال الدین: از فضیل نقل کرد که حضرت باقر علیه السّلام فرمود:

«من مات و لیس له امام مات میته جاهلیه»

و مردم معذور نیستند از شناختن امام خود.

غیبت نعمانی: ص ۶۳- محمّد بن مسلم گفت بحضرت باقر علیه السّلام گفتم: اگر کسی منکر امامی از شما خانواده باشد حالش چگونه خواهد بود.

فرمود هر کس منکر امامی که از جانب خدا تعیین شده بشود و بیزار از او و دینش باشد کافر و مرتد است چون امام از جانب خدا است و دین او دین خدا است کسی که از دین خدا بیزار باشد خونش در آن حال مباح است مگر اینکه توبه کند و از عقیده خود بر گردد.

رجال کشی: ابو الیسع گفت: بحضرت صادق علیه السّلام عرضکردم برایم توضیح بفرمائید استوانه های اصلی اسلام که بر آن پایه گذاری شده است و هیچ کس را یارای آن نیست که کوتاهی در شناخت آنها داشته باشد چیست؟ و اگر کوتاهی کند دینش و تباه شده و عملش قبول نمی شود و هر کس آنها را بشناسد و عمل کند دینش درست است و عملش مقبول و جهل و ندانستن بعضی از امور زیانی برایش نخواهد داشت.

فرمود: شهادت بیکتائی خدا و ایمان بپیامبر اکرم صلّی

اللّٰه علیه و آله و سلم و اقرار بآنچه از جانب

خدا آورده، سپس فرمود: زکات در اموال و ولایت نسبت بائمه حق که دارای نشانه و علامت هستند برای کسی که بخواهد آنها را بشناسد.

پیامبر اکرم فرمود:

«من مات لا یعرف امام زمانه مات میته جاهلیه»

و خداوند در این آیه می فرماید: یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ. «۱»

اولی الامر علی بن ابی طالب علیه السّلام بود، گروهی مدعی شدند نه، معاویه است. بعد از علی علیه السّلام امام حسن و امام حسین بودند باز گروهی گفتند یزید بن معاویه است نه دیگری.

فرمود: مایلید توضیح بیشتری بدهم. چند نفر عرضکردند بفرمائید فرمود بعد از آنها علی بن الحسین علیه السّلام بود، پس از آن جناب حضرت باقر. شیعیان قبل از ایشان حلال و حرام خود را نمیدانستند، مگر اینکه در این مورد از مردم اطلاع بگیرند تا زمان حضرت باقر علیه السّلام که درهای علوم را گشود و برای آنها توضیح و تشریح کرد از آن ببعد مردم برای کسب علم بشیعیان مراجعه میکردند با اینکه قبلا بدیگران نیازمند بودند.

جریان بهمین وضع خواهد بود زمین پایدار نیست مگر بوسیله امام هر کس بمیرد و امام خود را نشناسد بمرگ جاهلیت مرده و مهمترین موقعی که احتیاج بشناسائی امام داری وقتی است که جانب باینجا برسد، اشاره بحلق خود نمود و از دنیا دست بکشی آن وقت خواهی گفت به به چه عقیده خوبی داشتم.

ابو الیسع عیسی بن سری گفت: ابو حمزه که در آن مجلس حضور داشت در دنباله خبر میگفت حضرت صادق علیه السّلام اضافه نمود

که حضرت باقر واقعا امامی بحق و شایسته بود.

اختصاص: ص ۲۶۸- عمر بن یزید گفت از ابو الحسن اول علیه السّلام شنیدم میفرمود هر کس بمیرد بدون امام بمرگ جاهلیت مرده امام زنده ای که او را بشناسد

امامت، ج ۱، ص: ۶۲

عرضکردم: آقا! من از پدرتان نشنیدم جمله امام زنده را بفرماید. فرمود بخدا قسم این حرف را پیامبر اکرم فرموده است.

آن جناب فرمود هر که بمیرد بدون امامی که از او بشنود و مطیعش باشد بمرگ جاهلیت مرده.

اختصاص: حلبی گفت: حضرت صادق فرمود هر که بمیرد بدون داشتن امام زنده و آشکار بمرگ جاهلیت مرده.

اختصاص: ابو الجارود گفت: از حضرت صادق علیه السّلام شنیدم فرمود هر کس بمیرد بدون امام زنده آشکار بمرگ جاهلیت مرده عرضکردم: آقا! امام زنده؟

فرمود امام زنده آری امام زنده.

کنز الفوائد کراجکی: حضرت رضا علیه السّلام از آباء گرام خود از پیامبر اکرم نقل کرد که فرمود هر که بمیرد بدون امامی از فرزندان من بمرگ جاهلیت مرده و بازخواست می شود از او آنچه در جاهلیت و اسلام انجام داده.

در حدیث از طریق اهل سنت از عبد اللَّه بن عمر بن خطاب آمده است که پیامبر اکرم فرمود:

«من مات و لیس فی عنقه بیعه امام او لیس فی عنقه عهد الامام مات میته جاهلیه»

هر کس بمیرد در حالی که بیعت امامی (یا پیمان) بر گردنش نباشد بمرگ جاهلیت مرده. بسیاری از اهل سنت روایت کرده اند که فرمود هر کس بمیرد در حالی که امام زمان خود را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده.

این دو خبر مطابقت دارند با معنی آیه شریفه: يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُناسٍ بِإِمامِهِمْ فَمَنْ أُوتِيَ كِتابَهُ بِيَمِينِهِ فَأُولئِكَ يَقْرَؤُنَ كِتابَهُمْ

وَ لا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا.

اگر مخالفین مدعی شوند که امام در این آیه همان کتاب است بآنها جواب میدهیم این سخن مخالف ظاهر آیه است و باید از معنی ظاهری آن بدون دلیل و برهانی انصراف نمائیم.

زیرا ظاهر آیه چنین میفهماند که امام کسی است که پیشوا است در کارها

امامت، ج ۱، ص: ۶۳

و دستور او را در امر و نهی پذیرفته است کتاب و نامه را نمی توان بچنین امتیازی اختصاص داد جز اینکه از بابت مجاز گفته شود با اینکه حمل کلام را بظاهر آن بهتر است جز در مواردی که مجبور باشیم از ظاهر دست بکشیم.

دیگر اینکه یکی از دو خبر متضمن بیعت و پیمان امام است ما میدانیم که کتاب و نامه بیعتی بر گردن مردم ندارد و صحیح نیست بگوئیم کتاب بر گردن مردم پیمانی دارد از توضیح گذشته معلوم می شود که تفسیر امام را بکتاب سخن صحیح نیست.

اگر بگویند شما منکر نیستید که امام در این آیه خود پیامبر باشد جواب داده می شود.

پیامبر اکرم با مرگ از امت جدا شده در یکی از دو خبر می گوید امام زمان. مضمون خبر شاهد است بر اینکه امام باید زنده و سخن گو و موجود در زمان باشد کسی که از دنیا رفته باشد نمی گویند امام است مگر بهمان تقریبی که در مورد کتاب گفتیم از روی مجاز اگر می شد شخص فوت شده را پیشوا دانست باید ابراهیم خلیل را امام زمان خود بدانیم، زیرا ما بدین و شریعت او ملتزم و عامل هستیم، این سخن صحیح نیست مگر از روی استعاره و مجاز.

ظاهر سخن پیامبر اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلم

«من مات

و هو لا یعرف امام زمانه»

دلیل بر اینست که هر زمانی امامی دارد که باید باو مراجعه نمود و از او پیروی کرد این مطلب واضحی است و از آن جمله این سخن پیامبر است که تمام مسلمانان بر آن اجماع دارند فرمود:

«انی مخلف فیکم ما ان تمسکتم به لن تضلوا: کتاب اللّه و عترتی اهل بیتی و انهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض»

من میان شما چیزی را میگذارم که اگر چنگ بآن بزنید گمراه نمی شوید کتاب خدا و عترتم، این دو از یک دیگر جدا نخواهد شد تا در حوض کوثر بر من وارد شوند.

امامت، ج ۱، ص: ۶۴

پیامبر اکرم اطلاع میدهد که در میان مردم از عترت و خاندان خود کسانی را گذارده که از کتاب جدا نمی شوند و پیوسته با هم خواهند بود در این فرمایش نیز دلیلی است که زمان خالی از امام نیست.

از آن جمله این فرمایش پیامبر است که مشهور بین روات احادیث شده فرموده است: در هر زمانی پیشوائی واقعی از میان خاندان من هست که تحریف و تغییر ستمگران و سخن یاوه سرایان که در دین بوجود آورده اند از بین می برد امامان رهبر و راهنمای شما بسوی خدایند دقت کنید با چه پیشوائی به پیشگاه خدا وارد می شوید.

امامت، ج ۱، ص: ۶۵

بخش پنجم کسی که یکی از ائمه علیهم السّلام را انکار کند منکر همه ی آنها شده

ترجمه روایات

اکمال الدین: ابن مسکان از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که فرمود هر کس یکی از امامان زنده را منکر شود منکر امامان فوت شده گردیده.

اکمال الدین: ابان بن تغلب گفت بحضرت صادق علیه السّلام عرضکردم کسی که امامها را بشناسد ولی امام زمان خود را نشناسد آیا مؤمن است؟ فرمود: نه گفتم مسلمان است فرمود.

آری.

شیخ صدوق رحمه اللّٰه علیه: گفته است اسلام اقرار بشهادتین است که موجب احترام جان و مال مسلمان می شود و امام ثواب و پاداش بوسیله ایمان است.

پیامبر اکرم صلّی اللّٰه علیه و آله و سلم فرموده است هر کس گویای شهادت لاـ إِلهَ إِلَّا اللَّهُ و محمّد رسول اللّٰه باشد مال و جانش محفوظ است مگر کاری کند که موجب از بین رفتن احترام مال یا جانش گردد و حساب او بر خداوند است.

اکمال الدین: عبد الرحمن بن ابی لیلی گفت در یک حدیث طولانی حضرت صادق علیه السّلام در آخرش فرمود:

چگونه هدایت می یابد کسی که بینا نیست و چگونه بینا می شود کسی که

امامت، ج ۱، ص: ۶۶

او را برحذر نداشته اند پیرو فرمایش پیامبر اکرم باشید و اقرار بآنچه خداوند نازل کرده بنمائید پیرو نشانه های هدایت باشید که این پیروی علامت امانت و پرهیزگاری است.

متوجه باشید هر کس عیسی بن مریم را برسالت نپذیرد اما تمام پیامبران دیگر را قبول داشته باشد ایمان نیاورده، بوسیله مشعلهای فروزان هدایت راه را پیدا کنید و از پناه پرده های ضخیم جستجوی پیشوایان و ائمه خود را بنمائید تا دینتان کامل شود و ایمان بخدا پیدا نمائید.

اکمال الدین: محمّد بن فضیل از حضرت رضا علیه السّلام نقل کرد که آن جناب از آباء گرام خود که پیامبر اکرم فرمود یا علی تو و ائمه از فرزندانت حجت های خدا در میان مردم و شخصیت های برجسته بین آنها هستید هر کس یکی از شما را منکر شود انکار مرا کرده و هر که با یک نفر از شما مخالفت کند با من مخالفت نموده هر که بیکی از شما ستم کند بمن

ستم کرده و کسی که بشما احترام گذارد بمن احترام گذارده و هر که از شما اطاعت کند از من اطاعت کرده، کسی که شما را دوست بدارد مرا دوست داشته و دشمن شما دشمن من است.

زیرا شما از من هستید و از سرشت من آفریده شده اید و من از شما هستم.

غیبت نعمانی: محمّد بن تمام گفت بحضرت صادق علیه السّلام گفتم فلان کس که از ارادتمندان شما است سلام رسانده و تقاضا دارد که ضمانت شفاعت او را بنمائید فرمود از موالیان ما است؟ عرضکردم آری.

فرمود مقامش بالاتر از این حرفها است عرضکردم آقا او ولایت علی علیه السّلام را قبول دارد ولی بقیه امامها را بعد از ایشان نمی شناسد فرمود او گمراه است.

عرضکردم اگر همه امامها را قبول داشته باشد ولی امام آخری را نشناسد فرمود مثل کسی است که اعتراف به نبوت عیسی دارد ولی حضرت محمّد صلّی اللَّه علیه و آله و سلم را پیامبر نمی داند یا اقرار به محمّد صلّی اللَّه علیه و آله و سلم دارد و عیسی را پیامبر نمی داند پناه بخدا می برم از جرم کسی که یکی از حجج خدا را قبول نداشته باشد.

امامت، ج ۱، ص: ۶۷

صاحب غیبت نعمانی در ذیل این حدیث می نویسد: هر کس این حدیث را خواند و این کتاب را دید باید جدا بپرهیزد از اینکه انکار یکی از امامان را نماید که با این اعتقاد خود را هلاك نموده و مانند کسی شده است که منکر نبوت حضرت محمّد صلّی اللَّه علیه و آله و سلم و یا عیسی شده یا نبوت هر دو.

غیبت نعمانی: محمّد بن مسلم گفت: به حضرت صادق

علیه السّلام عرضکردم مردی بمن گفت من امام آخر را قبول دارم اما دیگر زیانی متوجه من نخواهد شد اگر امام اول را قبول نداشته باشم.

فرمود خداوند او را لعنت کند من از او بیزارم و او را نمی شناسم مگر میتوان امام آخر را شناخت جز با شناختن امام اول.

امامت، ج ۱، ص: ۶۸

بخش ششم مردم جز بوسیله امام هدایت نمی یابند و ائمه وسیله بین آنها و خدایند هر کس امام شناس باشد داخل بهشت می شود

ترجمه روایات

امالی صدوق: مفضل گفت: حضرت صادق علیه السّلام فرمود گرفتاری مردم زیاد است اگر آنها را دعوت کنیم نمی پذیرند و اگر رها کنیم جز بوسیله ما هدایت نمی یابند.

امالی صدوق: نصر عطار باسناد خود گفت پیامبر اکرم به علی بن ابی طالب علیه السّلام فرمود سه چیز را قسم میخورم که واقعیت است تو و جانشینانت عارف هستید خدا را نمیتوانند بشناسند مگر از راه معرفت شما و داخل بهشت نمی شود مگر کسی که شما را بشناسد و شما او را بشناسید و داخل آتش نمیگردد مگر کسی که منکر شما است و شما منکر او هستید.

علل الشرائع: ص ۹۳- اسحاق بن اسماعیل نیشابوری گفت حسن بن علی علیه السّلام برای او نوشت: خداوند که بفضل و رحمت خویش واجبات را برای شما

امامت، ج ۱، ص: ۶۹

تعیین نمود نه از جهت احتیاج بانجام آن بود. این بواسطه رحمت بود تا پاک از ناپاک شناخته شود و دلهایتان صفا یابد و قلبهای شما روشن گردد و برحمت خدا بر یک دیگر سبقت گیرید و مقام های شما در بهشت افزون گردد.

حج و عمره و نماز و زکات و روزه و ولایت را بر شما واجب نمود و برای شما دری قرار داد که بوسیله آن درهای فرائض را بگشائید و کلیدی برای راه خود نهاد اگر

محمّد و جانشینان او از فرزندانش نبودند شما مانند چهارپایان سرگردان بودید هیچ یک از فرائض را نمیدانستید مگر میتوان داخل قریه ای شد از غیر در آن.

وقتی خداوند منت نهاد بر شما به تعیین ائمه علیهم السّلام فرمود امروز دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نموده و اسلام را بعنوان دین برای شما خواستم.

برای امامان حقوقی بر شما لازم نموده و دستور داده است که آن حقوق را ادا کنید تا زناشوئی و اموال و خوردن و آشامیدن شما حلال باشد و وعده برکت و افزایش و ثروت بشما داده تا ببیند چه کسی در پنهانی مطیع اوست در قرآن فرموده است: قُلْ لا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبى .

توجه داشته باشید هر که بخل ورزد بر ضرر خود اقدام کرده خدا بی نیاز است شما نیازمند باو هستید اینک هر چه مایلید انجام دهید عمل شما در پیشگاه خدا و پیامبران و مؤمنین است بعد بجانب خدای دانا خواهید رفت و شما را از نتیجه اعمال و رفتارتان مطلع میکند. ستایش خدای جهانیان را سزا است.

معانی الاخبار: ص ۱۴- سعد بن طریف از حضرت ابو جعفر علیه السّلام نقل کرد که پیامبر اکرم فرمود یا علی روز قیامت من و تو و جبرئیل بر صراط مینشینیم هیچ کس از آن عبور نخواهد کرد مگر نوشته ای داشته باشد که در او برات ولایت تو باشد.

امامت، ج ۱، ص: ۷۰

امالی شیخ: محمّد بن مثنی ازدی گفت از حضرت صادق شنیدم که میفرمود:

ما سبب و واسطه بین شما و خدا هستیم.

امالی شیخ: کثیر بن طارق گفت از زید بن علی بن الحسین

علیه السّلام تفسیر آیه:

لاٰ تَدْعُوا الْیَوْمَ ثُبُوراً واحِداً وَ ادْعُوا ثُبُوراً کَثِیراً را پرسیدم. فرمود تو مردی صالحی و متهم نیستی میترسم موجب هلاکت تو شود. وقتی پیروان هر پیشوا و امام ستمگری را بطرف جهنم ببرند آنها امام خود را بنام صدا میزنند میگویند فلان کس که موجب هلاکت ما شدی بیا حالا ما را نجات بخش از این بدبختی، آن وقت شروع بناله و فریاد وا ویلا و مرگ بر ما یاد میکنند. در این موقع بآنها میگویند یک مرگ نخواهید مرگهای زیادی بخواهید.

آنگاه زید بن علی فرمود پدرم علی بن الحسین از پدر خود حسین بن علی نقل کرد که پیامبر اکرم فرمود: یا علی تو و پیروانت در بهشت هستید.

احتجاج طبرسی: ص ۱۱۰- عبد اللّٰه بن سلیمان گفت خدمت حضرت باقر علیه السّلام بودم مردی از اهل بصره بنام عثمان اعمی باو گفت حسن بصری میگوید کسانی که علم را کتمان میکنند از بوی گند شکم آنها اهل جهنم ناراحتند.

حضرت باقر فرمود اگر این حرف درست باشد مؤمن آل فرعون هلاک شده با اینکه خداوند در قرآن او را میستاید همیشه علم مکتوم بود از زمان بعثت نوح حسن بصری بهر طرف از چپ و راست میخواهد برود علم را نخواهد یافت مگر در اینجا. آن جناب میفرمود رنج مردم برای ما زیاد است اگر دعوتشان کنیم نمی- پذیرند اگر رها نمائیم آنها را هدایت نمی یابند جز بوسیله ما.

بصائر الدرجات: حضرت باقر علیه السّلام میفرمود بوسیله ما خدا پرستش شده و بوسیله ما شناخته گردیده و بوسیله ما مردم بیکتائیش اعتراف نموده اند محمّد صلّی اللّٰه علیه و آله و سلم واسطه

بین مردم و خدا است.

امامت، ج ۱، ص: ۷۱

تفسیر عیاشی: مسعده بن صدقه از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که امیر- المؤمنین علیه السّلام در خطبه ای فرمود خداوند در قرآن میفرماید: اتَّبِعُوا ما أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ وَ لا تَتَّبِعُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِياءَ قَلِيلًا ما تَذَكَّرُونَ در پیروی دستورات خداوند رستگاری عظیم است و در ترک پیروی خطای آشکار است.

بشاره المصطفی: ص ۱۱۹- ۱۱۷- محمّد بن اسماعیل از ثمالی نقل میکند از حضرت باقر علیه السّلام که علی بن الحسین فرمود هر که خدا را بوسیله ما بخواند رستگار است و هر که بغیر از ما بخواند هلاک می شود و بهلاکت میکشاند.

بشاره المصطفی: ص ۱۵۶- محمّد حلبی گفت حضرت صادق علیه السّلام بمن فرمود هر کس دین خود را از کتاب خداوند بگیرد از کوههای استوار پابرجاتر است و هر که با نادانی در کاری وارد شود بنادانی خارج می شود.

گفتم: این مطلب در کدام آیه قرآن است فرمود این آیه ما آتاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ ما نَهاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا و آیه مَنْ يُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطاعَ اللَّهَ و این آیه يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ و این آیه إِنَّما وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكاةَ وَ هُمْ راكِعُونَ و این آیه فَلا وَ رَبِّكَ لا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيما شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجاً مِمَّا قَضَيْتَ وَ يُسَلِّمُوا تَسْلِيماً و این آیه يا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ ما أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَما بَلَّغْتَ رِسالَتَهُ وَ اللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ.

از آن جمله این فرمایش

پیامبر اکرم صلّی اللَّه علیه و آله و سلم در مورد علی علیه السّلام است:

«من کنت مولاه فعلی مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه و انصر من نصره و اخذل من خذله و احب من احبه و ابغض من ابغضه»

. هر که من امیر و فرمانروای اویم علی فرمانروای اوست خدایا دوست بدار دوست علی را و دشمن بدار دشمن علی را کمک کن بکسی که علی را کمک کند و خوار کن کسیرا که علی را خوار کند دوست بدار هر که او را دوست بدارد خشم بگیر بر کسی که با علی خشم دارد.

امامت، ج ۱، ص: ۷۲

بخش هفتم فضائل اهل بیت علیهم السلام و تصریح بامامت آنها بطور عمومی

ترجمه روایات

بشاره المصطفی: ص ۴۶- ابو هریره گفت: بهترین شما کسی است که خیر خواه ترین آنها باشد نسبت بخانواده ام پس از من.

بشاره المصطفی: جابر بن عبد اللَّه گفت پیامبر اکرم فرمود هر خانواده ای از جانب پدر فرزندانشان بآنها نسبت داده می شود مگر فرزندان فاطمه علیها السّلام که من ولی آنها و مرکز نژادی ایشان هستم و آنها فرزندان من هستند که از سرشت من خلق شده اند وای بر آن کسانی که فضل و مقام آنها را تکذیب کنند. هر کس آنها را دوست بدارد خدا او را دوست خواهد داشت و هر که با ایشان دشمنی بورزد خدا با او دشمنی میورزد.

بشاره المصطفی: رافع غلام ابی ذر گفت: ابا ذر را دیدم در حالی که حلقه در خانه خدا را گرفته بود میگفت هر که مرا میشناسد میداند که من جندب غفاری هستم و کسی که مرا نمیشناسد بداند من ابو ذر غفاریم از پیامبر اکرم شنیدم

امامت، ج ۱، ص: ۷۳

که فرمود هر که

بـا مـا بجنـگ برخاست در ابتـدای اسـلام و با اهل بیت من بجنگ پردازد در مرحله دوم خـدا او را محشور میکنـد در آینـده با دجال.

مثل اهل بیت من در میان شـما چون کشتی نوح است هر که سوار آن شـد نجات یافت و هر که تخلف نمود غرق شـد و چون درب حطه است هر که داخل گردید نجات یافت و کسی که داخل نشد هلاک گردید. «۱»

بشاره المصطفی: ص ۱۳۰- حسـین بن زیـد از جعفر او از پـدرش از علی یا حسن ابن علی علیه السّلام که فرمود خداونـد پنج چیز را واجب نموده و هر چه واجب نمایـد نیکو و ارزنـده است نمـاز، زکـات، حـج، روزه، ولایت ما اهل بیت مردم بآن چهار چیز عمل کرده اند ولی نسبت به پنجمی کوتاهی مینمایند بخدا قسم انجام آن چهار چیز کامل نیست مگر بوسیله پنجمی.

بشاره المصـطفی: حبه عرنی گفت از امیر المؤمنین علیه السّلام شنیدم میفرمود ما نجبائیم و فرزندان ما فرزندان انبیائند حزب ما حزب خدا و گروه ستم پیشه حزب شیطانند هر که بین ما و آنها برابری قائل باشد از ما نیست.

کنز الفوائد جامع: ص ۴۹- مینویسد که ابو جعفر طوسـی در کتاب مصـباح الانوار باسناد خود از حضرت صادق از پدر خود و آن جناب از جدش نقل کرد که پیامبر اکرم فرمود من ترازوی علمم، علی دو کفه آن و امام حسن و امام حسـین بندهای ترازو و فاطمه علیها السّلام قسـمت اتصال دهنـده دو کفه است امامان بعد از آنها وزن میکنند محبین و مبغضـین و دشـمنان ما را که لعنت خدا و لعنت کنندگان بر آنها باد.

طرایف: ابو

سعید خدری گفت پیامبر اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلم فرمود من در میان شما دو چیز گران گذاشتم تا وقتی که بآن دو چنگ بزنید بعد از من گمراه نمیشوید هر کدام از دیگری بزرگتر است و کتاب خدا که ریسمان متصل از آسمان بزمین

امامت، ج ۱، ص: ۷۴

است و عترتم که اهل بیت من هستند متوجه باشید از یک دیگر جدا نمیشوند تا پیش من آیند در حوض کوثر روایت شده که ابا بکر گفت: علی عترت پیامبر است.

مغیره بن ربیعه گفت: زید بن ارقم را دیدم که پیش مختار میرفت یا از پیش او خارج میشد باو گفتم از پیامبر اکرم نشنیده ای که فرمود:

«انی تارک فیکم الثقلین»

گفت چرا از آن جمله احمد بن حنبل در مسند خود باسناد خود بزید بن ثابت می- رساند که گفت پیامبر اکرم فرمود من میان شما دو چیز گرانبها میگذارم، کتاب خدا که ریسمان آویخته است از آسمان بزمین و عترتم که اهل بیت منند آنها از یک دیگر جدا نمیشوند تا در حوض بر من وارد شوند.

از آن جمله حدیثی است که مسلم در صحیح خود نقل میکند که از چند طریق.

یزید بن حیان گفت من و حصین بن سیره و عمر بن مسلم رفتیم پیش زید بن ارقم همین که نشستیم حصین باو گفت چقدر استفاده عالی برده ای پیامبر اکرم را دیده ای و حدیث از آن بزرگوار شنیده و با او جنگ کرده ای و پشت سرش نماز خوانده ای واقعا چه بهره بزرگی برده ای اکنون برای ما حدیث کن از آنچه از پیامبر اکرم شنیده ای گفت پسر برادر! مسن شده ام و اجلم نزدیک شده

فراموش کرده ام بعضی از چیزهائی که از پیامبر اکرم شنیده ام هر چه از آن جناب نقل میکنم بپذیرید و هر چه در باره اش سخن نمیگویم مرا وادار نکنید. آنگاه گفت روزی پیامبر اکرم در آبگیری بنام خما بین مکه و مدینه خطبه ای ایراد کرد.

پس از حمد و ثنای پروردگارم پند و اندرز داد آن گاه فرمود مردم من بشری هستم که هر آن ممکن است پیک پروردگارم بیاید و او را اجابت کنم. میان شما دو چیز گران میگذارم اولی آنها کتاب خدا است که در او نور است چنگ بزنید بکتاب خدا و از آن بهره گیرید.

امامت، ج ۱، ص: ۷۵

تشویق و ترغیب نمود نسبت بقرآن آنگاه فرمود اهل بیتم: شما را بسیار سفارش میکنم راجع باهل بیت خود خدا را بیاد آرید در مورد اهل بیتم شما را تذکر میدهم در باره اهل بیت خود «۱».

از صحیح ابی داود کتاب سنن و از صحیح ترمذی باسناد خود از پیامبر اکرم که فرمود من میان شما دو چیز گران میگذارم تا چنگ بآنها بزنید بعد از من، گمراه نخواهید شد یکی از دیگری بزرگتر است کتاب خدا است که ریسمان آویخته از آسمان بزمین است و عترت من اهل بیتم از یک دیگر جدا نمی شوند تا در حوض کوثر بر من وارد شوند دقت کنید چگونه با اهل بیت من رفتار میکنید.

عبد المحمود گفت این حدیث را از طرق زیادی نقل کرده ام و بیست روایت آن را با همین مضمون واگذاردم تا کتاب طولانی نشود تمام آنها مستند هستند از رجال چهار مذهب، شخصیت هائی که مشهور بعلم و زهد و دیانت هستند.

عبد المحمود گفت چگونه

منظور پیامبر اکرم از لفظ اهل بیت بر کسانی که حضور داشته اند مخفی مانده با اینکه آنها را جمع نمود در زیر کساء موقعی که آیه تطهیر نازل شد و آنها علی و فاطمه و حسن و حسین بودند و فرمود بار خدایا اینها اهل بیت من هستند از ایشان پلیدی را دور کن.

اهل بیت خود را که یادگار خویش قرار داد با کتاب خدا چنین توصیف می نماید.

آنها از کتاب خدا جدا نمی شوند در پنهانی و آشکار و خشم و خشنودی

امامت، ج ۱، ص: ۷۶

و ثروت و فقر و خوف و امن، اینها کسانی هستند که خداوند بایشان اشاره نموده در آیه تطهیر.

باسناد خود از ابن ابی الدنیا نقل میکند از کتاب فضائل القرآن که پیامبر اکرم فرمود من میان شما دو چیز گران میگذارم کتاب خدا و عترتم اهل بیت من و خویشاوندانم گفت آل عقیل و آل جعفر و آل عباس.

از آن جمله نیز باسناد خود نقل میکند که پیامبر اکرم فرمود من جلوتر از شما بحوض کوثر میروم وقتی شما را دیدم از دو یادگار گران خود میپرسم چگونه با آن دو معامله کردید.

این مطلب بر ما گران شد که نمی دانستیم منظور از دو یادگار گران چیست بالاخره مردی از مهاجرین از جای حرکت کرده گفت: یا رسول اللّٰه پدر و مادرم فدایت دو یادگار گران چیست؟ فرمود آن یکی که بزرگتر است کتاب خدا است که یک طرف بدست خدا و طرف دیگر در دست شما است محکم بآن بچسبید مبادا بلغزید که گمراه میشوید و کوچکتر از آن دو عترت من هستند هر که قبله مرا پذیرفته و دعوتم را اجابت

نموده با آنها جنگ نخواهد کرد من از خداوند لطیف درخواستی کردم بمن عنایت نموده آن دو بر من وارد خواهند شد مثل این دو انگشت اشاره بانگشت شهادت و میانی نمود، یاری کننده آن دو یاری کننده من و خوارکننده آن دو خوارکننده من است دشمن آن دو دشمن من هیچ امتی قبل از شما نابود نشده است مگر اینکه هواپرستی را اختیار کرده و پیامبر خود را مقهور نموده و کسانی که راهنمای به نیکی بوده اند از میان برده اند.

عبد المحمود میگوید: اینکه ملاحظه نمودید احادیث زیادی است که تمام آنها را کسانی نقل نموده اند که صحت گفتار آنها گواهی شده است که همه آن احادیث لفظ کتاب و عترت را دارا است.

انصاف دهید و دقت کنید آیا آن طور که پیغمبر دستور داده باین دو تمسک

امامت، ج ۱، ص: ۷۷

جسته اند و آیا دقت کرده اند مسلمانان اهل بیت پیغمبر که از کتاب خدا جداشدنی نیستند چه اشخاصی هستند؟!.

آیا در فکر این احادیث که شاهدند کتاب خدا و عترت جانشین پیامبر و یادگار او هستند شده اند هیچ خانواده پیامبری را باندازه خاندان محمّد صلی اللّه علیه و آله و سلم ستم نکرده اند بعد از این احادیثی که اتفاق نموده اند بر صحت آنها آیا پیامبر یا خلیفه ای و یا پادشاهی از پادشاهان روی زمین این قدر مبالغه در حفظ و احترام جانشینان خود نموده است بعد از فوت خویش. پیامبر ما نیز همدرد است و تأسی میجوید بسایر پیامبران قبل که مردم با آنها مخالفت نمودند و نیز تأسی می جوید به خدائی که در خدائی او اختلاف کردند بعد از این احادیث متفق علیه از نظر صحت.

از آن جمله

روایت است که جار اللّٰه فخر خوارزم ابو القاسم محمود بن عمر زمخشری باسناد خود نقل میکند از محمّد بن احمد بن علی بن شاذان که پیامبر اکرم فرمود فاطمه مایه آرامش دل من است و دو فرزندش میوه دلم و شوهرش نور چشمم و پیشوایان از فرزندان او امنای پروردگار و ریسمان متصل بین خدا و خلقند هر که چنگ بآنها زند نجات می یابد و هر که تخلف ورزند بیچاره است.

از آن جمله حدیثی است که شیخ مسعود سجستانی در کتاب خود از ابن زیاد مطرف نقل میکند که گفت از پیامبر اکرم شنیدم می فرمود هر که مایل است بزندگی من زنده باشد و بمرگ من بمیرد و داخل بهشتی که خدایم وعده داده بشود که جنت خلد است علی بن ابی طالب و فرزندانش را بعد از او دوست بدارد هرگز آنان موجب خارج شدن از هدایت و داخل شدن در گمراهی نمی شوند.

در روایت دیگری سجستانی از زید بن ارقم نقل می کند که پیامبر اکرم

امامت، ج ۱، ص: ۷۸

فرمود هر که مایل است دست بیاندازد بشاخه یاقوت احمری که خداوند آن را در بهشت کاشته در جنت عدن چنگ بزند بحب علی بن ابی طالب و ذریه طاهرین او علیهم السّلام.

از آن جمله مسعود بن ناصر سجستانی از ربیعه سعدی نقل می کند که گفت پیش حذیفه بن یمان در مسجد پیامبر اکرم رفتم گفت تو که هستی؟ گفتم ربیعه سعدی گفت: به به برادری که نامش را شنیده بودم ولی او را تاکنون ندیده بودم چه کار داری؟

گفتم برای غرض دنیوی نیامده ام من از عراق می آیم از پیش گروهی که به پنج دسته شده اند.

حذیفه

گفت سبحان اللّٰه چه موجب شده که اختلاف نمایند امر واضح و آشکار است چه میگویند.

گفتم گروهی معتقدند که ابا بکر شایسته خلافت است و او از دیگران مقدم است چون پیامبر اکرم صلّی اللّٰه علیه و آله و سلم او را صدیق نامیده و در غار همراه آن جناب بوده است.

بعضی میگویند عمر شایسته است چون پیامبر فرموده است خدایا دین را عزت بخش بابی جهل یا بعمر بن خطاب. حذیفه گفت خداوند دین را بوسیله محمّد صلّی اللّٰه علیه و آله و سلم عزت بخشیده نه بوسیله دیگری.

گفتم بعضی نیز میگویند ابا ذر غفاری زیرا پیامبر اکرم فرموده است آسمان سبز سایه نافکنده و زمین برنداشته سخن گوئی را که از ابا ذر راستگوتر باشد.

حذیفه گفت رسول اکرم راستگوتر و بهتر از ابی ذر بوده آسمان بر او سایه افکنده و زمین او را برداشته.

گفتم گروهی نیز سلمان فارسی را شایسته میدانند چون پیغمبر در باره او فرموده است سلمان علم اول و علم آخر را درک کرده دریائی خشک نشدنی است

امامت، ج ۱، ص: ۷۹

و او از ما خانواده است. دیگر سکوت نمودم.

حذیفه گفت چرا دسته پنجم را نگفتی. گفتم چون من خود از دسته پنجم هستم من آمده ام که تو در این مورد حکومت کنی با خدا پیمان بسته اند که از گفته تو سر نپیچند و هر چه تو گفتی بپذیرند.

حذیفه گفت اینک از من بشنو و حفظ کن و نگهدار و بمردم برسان از جانب من، من خودم پیامبر اکرم را دیدم که حسین بن علی علیه السّلام را بروی شانه خود داشت و از پشت او را نگه داشته بود میفرمود:

مردم ایـن حسـین از کسـانیست که حجت من است بر اشـقیاء بعـد از من کسـانی که ولایـت علی بن ابی طـالب را رهـا کردند متوجه باشـید ترک کنندگان ولایت علی بن ابی طالب از دین من خارجند. مردم! حسین بن علی از همه مردم برجسته تر است از نظر جد و جده. زیرا جدش محمّد مصطفی است که بهترین فرزند آدم است و جده اش خدیجه کبری است که از همه زنان جلوتر ایمان بخـدا و رسول آورده حسـین از همه مردم بهتر است از لحاظ پدر و مادر پدرش علی بن ابی طالب وصـی پیامبر و وزیر او و پسر عمویش و مادرش فاطمه دختر محمّد است.

عمه و عموی حسـینم از عمه و عموی همه مردم بهتر است عمویش جعفر بن ابی طالب است که خداونـد او را با دو بال مفتخر نموده بهر جای بهشت که بخواهد میرود و عمه اش ام هانی دختر ابی طالب است. حسـین من بهترین خاله و دائی را دارد دائی او قاسم پسر پیامبر و خاله اش زینب دختر پیغمبر است آنگاه او را از شانه خود بزمین گذاشت جلو پیامبر شروع براه رفتن کرد.

فرمود: مردم جـد و جـده این حسـین و پدر و مادرش و عمو و عمه و خاله و دائیش و خودش در بهشت هسـتند برادرش نیز در بهشت است فرمود مردم بهیـچ یک از فرزندان پیامبران قبل، مزایای حسـین علیه السّـلام را نداده اند و نه یوسف بن یعقوب بن اسحاق پسر ابراهیم خلیل.

مردم جد حسین بهتر از جد یوسف است مبادا شک و شبهه ای داشته باشید در

امامت، ج ۱، ص: ۸۰

اینکه فضل و شرف و مقام و ولایت فقط

متعلق بپیامبر و فرزندان اوست مبادا بدنبال یاوه سرائیها بروید.

شیخ مسعود بن ناصر حافظ سجستانی گفت این حدیث حسن است.

عبد المحمود گفت بکتابی برخورد کردم بنام عمده در علم اصول نویسنده کتاب محمّد بن محمّد بن نعمان ملقب بمفید بود در آن کتاب استدلال کرده بود بر صحت امامت بحدیث پیامبر اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلم

«انی تارک فیکم الثقلین»

این عین استدلال او است چیزی از این واضح تر نمیشود که شخصی بگوید فلان کس را میان شما گذاشته ام چنانچه امیر وقتی بخواهد از شهر خارج شود و کسی را بجانشینی خود میان مردم تعیین کرده باشد میگوید فلان کس را بین شما قرار داده ام او متوجه شما است و جانشین من است میان شما. یا کسی که تصمیم دارد از میان خانواده خود خارج شود و میخواهد یکنفر را برای کارهای ایشان بگمارد میگوید فلان کس را میان شما قرار داده ام از او گوش کنید و مطیعش باشید وقتی جریان چنین باشد همین یک تصریح آشکار است که احتمال خلاف ندارد وقتی اهل بیت خود را در میان مردم بگذارد و دستور دهد از آنها اطاعت و پیروی کنند. و امتیازاتی که آنها دارند از قبیل عصمت و اینکه از کتاب خدا جدا نمیشوند و از راه راست منحرف نمیگردند این بود استدلال شیخ مفید با نقل بمعنی.

بجان خود سوگند یاد میکنم که من عقل خویش را گواه میگیرم کسی که خبر مرگ خود را ببستگان خویش بدهد چنانچه پیغمبر فرمود: «من بشری هستم ممکن است مرا از میان شما ببرند باید اجابت کنم» بعد میفرماید: «دو چیز گران میان شما میگذارم کتاب خدا

و اهـل بیت و عترتم» همـان طوری که روایت کرده انـد در این مطلب عاقلی شک نخواهـد کرد که منظورش اینست که کتاب خدا و عترتش که از کتاب جداشدنی نیستند جانشین او بعد از وفاتش هستند و تمسک بآنها از گمراهی جلوگیری میکند بخدا قسم من این سـخن را میگویم بـا اینکه غرض فاسـدی نـدارم. اخبار زیادی را در این معنی نقل کرده انـد. آنچه از طرایف نقل نموده بودیم

امامت، ج ۱، ص: ۸۱

پایان یافت.

از مناقب ابن مغازلی نقل میکنـد از علی بن ابی طالب علیه السّـلام که پیامبر اکرم فرمود: فضل اهل بیت من بر سایر مردم مانند برتری روغن بنفشه است بر سایر روغنها. آنچه از عمده نقل کردیم پایان یافت.

ابن اثیر در جامع الاصول از صـحیح مسـلم حـدیث یزیـد بن حیان را نقل می- کنـد تا آنجا که میگوید اهل بیت پیغمبر کسانی هسـتند که صـدقه بر آنها حرام است بعـد از او سـپس اضافه نمود که آنها کیاننـد گفت: آل علی و آل عقیل و آل جعفر و آل عباس. گفت تمام صدقه بر آنها حرام شده است؟ جواب داد: آری.

روایت شـده از صـحیح ترمذی از علی علیه السّـلام که پیامبر اکرم دست حسن و حسـین را گرفته بود فرمود هر که مرا دوسـت بدارد و این دو و پدر و مادرشان را با من خواهد بود در درجه من روز قیامت.

از زیـد بن ارقم نقل میکنـد که پیامبر اکرم بعلی علیه السّـلام و فاطمه و حسن و حسـین فرمود من با کسـی که شـما جنگ با او بکنید جنگ میکنم و با کسی که سازگار باشید سازگارم.

در اینجا آنچه از جامع الاصول

نقل کردیم پایان یافت.

ابن بطریق نیز در مستدرک از کتاب فردوس از امیر المؤمنین علیه السّلام نقل میکند که پیامبر اکرم فرمود ما خانواده ای هستیم که خداوند پلیدیهای پنهان و آشکار را از ما برطرف نموده.

ابن مسعود گفت پیامبر اکرم فرمود ما اهل بیتی هستیم که خداوند آخرت را در مقابل دنیا برای ما برگزیده.

بخط شهید از پیامبر اکرم نقل شده که فرمود هر کس مایل است خدا اجل او را بدست فراموشی سپارد و از نعمتهائی که باو ارزانی داشته بهره مند کند رفتار خوبی با اهل بیت من داشته باشد، هر کس شرط احترام آنها را نگه ندارد خدا عمرش را کوتاه میکند در روز قیامت با چهره ای سیاه وارد بر من می شود

امامت، ج ۱، ص: ۸۲

نهج البلاغه: امیر المؤمنین علیه السّلام در خطبه خود وقتی رسید بآل پیغمبر فرمود آنها گنجینه اسرار اویند و ملجأ امور و خزینه علوم و پایگاه حکمت و معدن کتب و کوههای استوار دین. بوسیله ایشان راست نمود خمیدگی پشت و لرزه پیکرش را گروهی دیگر از مردم تخم تبهکاری را کاشتند و با فریبکاری آبیاری نمودند و هلاکت و نابودی را بهره برداری کردند هیچ کس را نمیتوان با آل محمّد صلّی اللَّه علیه و آله و سلم قیاس نمود از این امت نمیتوان کسی را که نعمت وجود این خاندان سبب بهره مندی او شده است با دیگری برابر نمود، آل محمّد اساس دین و پایگاه یقینند تندروان و کندروان هر دو بسوی آنها بر میگردند امتیازات ولایت بایشان اختصاص دارد و وراثت و وصایت مخصوص آنها است.

طرایف: ثعلبی در تفسیر آیه اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِیعاً می نویسد پیامبر

اکرم فرمود مردم من میان شما دو چیز گران نهادم که جانشین منند اگر بآن دو چنگ زنید گمراه نمی شوید بعد از من یکی از دیگری بزرگتر است کتاب خدا که ریسمان آویخته از آسمان بزمین یا فرمود تا زمین و عترت و اهل بیتم این دو از هم جدا نمی شوند تا در حوض بر من وارد شوند.

ابن اثیر در جامع الاصول میگوید: جابر بن عبد اللّه گفت در حجه الوداع روز عرفه پیامبر اکرم را دیدم سوار بر شتر عضبای خود بود و سخن رانی میکرد میفرمود من چیزی در میان شما گذاشته ام که اگر چنگ بآن بزنید گمراه نمی- شوید کتاب خدا و عترتم اهل بیت من.

ابن اثیر در نهایه میگوید: در حدیث

«انی تارک فیکم الثقلین»

کتاب و عترت خود را ثقل نامیده زیرا اخذ بآن دو و عمل بآنها سنگین و ثقیل است هر چیز با ارزش و اهمیت را ثقیل میگویند آن دو را ثقلین فرمود از جهت اهمیت و ارزش آنها.

توضیح اخبار ثقلین و سایر اخبار این موضوع در باب غدیر و ابواب نصوص

امامت، ج ۱، ص: ۸۳

از کتاب تاریخ امیر المؤمنین علیه السّلام خواهد آمد و بسیاری از آنها در بخش حجه الوداع و بخشهای دیگر گذشت.

احتجاج طبرسی: ص ۸۳- مسلم بن قیس گفت: من و حبیش بن معتمر در مکه بودیم روزی در ایام حج ابا ذر غفاری حلقه در خانه خدا را گرفت و با صدای بلند فریاد زد: مردم هر که مرا میشناسد که میشناسد و هر که نمی شناسد من جندب بن جناده ابوذرم من از پیامبر اکرم صلّى اللّه علیه و آله و سلم شنیدم میفرمود مثل

اهـل بیت منماننـد کشتی نوح است هر که سوار آن شـد نجات یافت و هر که تخلف جست غرق شـد و ماننـد درب حطه در میان بنی اسـرائیل. مردم! من از پیامبر شـما شـنیدم میگفت: من میان شـما دو چیز گـذارده ام تا وقتی بآن دو چنگ زنیـد گمراه نخواهید شد. کتاب خدا و اهل بیتم .... تا آخر.

وقتی وارد مدینه شد عثمان از پی او فرستاد بابا ذر گفت چه موجب شد که در ایام حج آن کار را کردی گفت پیمانی بود که پیامبر اکرم با من بسته بود و بمن دستور داده بود گفت چه کسی شهادت میدهد که پیامبر بتو دستور داده.

علی علیه السّلام و مقداد گواهی دادند بعد سه نفری از پیش عثمان رفتند. عثمان گفت:

این شخص و دو رفیقش خیال میکنند دارای موقعیتی هستند.

امالی صدوق: ص ۴۶- ابن عباس گفت پیامبر اکرم صلّی اللّٰه علیه و آله و سلم فرمود هر که متدین بدین من و در راه شریعت من قـدم نهاده و پیرو سـنت من است بایـد معتقـد باشد که ائمه و پیشوایان از اهل بیتم بر تمام امت فضـیلت دارند، مثل آنها در میان امت مانند درب حطه بنی اسرائیل است.

تفسیر عیاشی: ص ۴۵- سـلیمان جعفری گفت از حضرت رضا علیه السّلام در مورد آیه وَ قُولُوا حِطَّةٌ نَغْفِرْ لَکُمْ خَطایاکُمْ پرسید ابو جعفر گفت ما باب حطه شما هستیم.

تفسـیر عسکری: ص ۲۲۷- امیر المؤمنین علیه السّـلام فرمود برای بنی اسـرائیل بـاب حطه را قرار دادنـد شـما نیز ای امت محمّد برایتان باب حطه اهل بیت محمّد صلّی اللّٰه علیه و آله و سلم

امامت، ج ۱، ص: ۸۴

قرار

داده شد و دستور داده اند از راه هدایت ایشان پیروی کنید و راه آنها را طی کنید تا بدین وسیله گناهانتان بخشیده شود تا مقام نیکوکاران افزایش یابد و باب حطه شما بهتر از باب حطه بنی اسرائیل است.

زیرا درب آنهـا مجموعه ای از چنـد چوب بود ولی درب حطه شـما سـخن- گویـان صادق و مؤمن و راهنما و فاضـلند چنانچه پیـامبر اکرم فرموده است سـتارگان در آسـمان امان از غرق هسـتند و اهل بیت من برای امت امان از گمراهینـد در دین هلاک نخواهند شد تا وقتی از هدایت و روش یکی از اهل بیت من پیروی کنند.

پیامبر اکرم فرموده است هر که مایل است بزنـدگی من زنـده و بمرگ من بمیرد و داخل بهشت عـدنی که خـدایم وعـده داده بشود و شاخه ای که خدا درخت آن را بدست خویش غرس نموده بگیرد.

خداونـد فرمود بـاش بوجود آمـده بایـد علی بن ابی طـالب را دوست بـدارد بـا دوست او دوست و با دشـمنش دشـمن باشـد و بازمانـدگانش که شخصـیت های برجسـته و پیرو خدایند بعد از او دوست بدارد آنها از طینت من آفریده شده اند و فهم و علم نصیب ایشان شده است.

و ای بر کسانی که منکر مقام آنها است و ارتباط با ایشان را قطع نموده خداوند آنها را از شفاعت من محروم کند.

کتاب سـلیم بن قیس: ص ۵۸- ابان بن ابی عیاش گفت خدمت حضـرت زین العابدین علیه السّـلام رسـیدم ابو الطفیل عامر بن واثله یکی از صحابه پیغمبر که از بهترین اصحاب علی نیز بشمار میرفت حضور داشت.

عمر بن ابی سلمه پسر ام سلمه همسر پیامبر نیز بود، کتاب سلیم بن قیس را

بآن جناب نشان دادم.

فرمود راست گفته سلیم خدا رحمتش کند.

عرضکردم آقا فدایت شوم من ناراحت و نگران هستم از مطالب کتاب او

امامت، ج ۱، ص: ۸۵

زیرا مطالبی که او نوشته حکم میکند بنابودی و هلاک امت محمّد از مهاجر و انصار و تابعین همه جز شما خانواده و شیعیانتان.

فرمود مگر نشنیده ای که پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله و سلم فرموده است مثل اهل بیت من مانند کشتی نوح است در میان قومش هر که سوار آن شد نجات یافت و هر که تخلف جست هلاک شد و مانند باب حطه بنی اسرائیل. گفتم چرا.

فرمود چه کسی برای تو این حدیث را نقل کرد گفتم بیش از صد نفر از فقهاء گفتم از حبیش بن معتمر شنیدم میگفت از ابا ذر شنیده موقعی که حلقه در خانه کعبه را گرفته بود و از پیامبر نقل میکرد فرمود دیگر از که، گفتم از حسن بن ابی الحسن بصری میگفت از ابی ذر شنیده و از مقداد بن اسود و از علی بن ابی طالب باز فرمود از چه کس شنیده ای گفتم از سعید بن مسیب و علقمه بن قیس و ابو ظبیان حسینی و عبد الرحمن بن ابی لیلی همه آنها میگفتند از ابو ذر شنیده ایم.

ابو الطفیل و عمر بن ابی سلمه گفتند ما نیز بخدا از ابا ذر شنیدیم و از علی علیه السّلام و مقداد و سلمان، عمر بن ابی سلمه گفت بخدا من از کسی شنیده ام که از همه اینها بهتر است.

من از پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله و سلم شنیدم با گوش خود صدای آن جناب را شنیدم و آن

را حفظ کردم.

زین العابدین علیه السّلام فرمود همین یک حدیث کافی نیست که تمام ناراحتی و نگرانی ترا برطرف کند از کتاب سلیم بن قیس، از خدا بترس اگر امری برای تو آشکار شد بپذیر و گر نه ساکت باش تا سالم بمانی و علم آن را بخدا بسپار، تو در فضائی وسیع تر از فاصله بین آسمان و زمین قرار داری.

اکمال الدین و امالی: ابن عباس گفت پیامبر اکرم به علی بن ابی طالب علیه السّلام فرمود یا علی من شهر حکمت هستم و تو درب آنی، وارد شهر نمیتوان شد مگر

امامت، ج ۱، ص: ۸۶

از در آن. دروغ گفته کسی که گمان میکند مرا دوست دارد اما با تو دشمن است.

زیرا من از تو و تو از منی گوشت تو گوشت من و خونت خون من و روحت روح من پنهانت پنهان من و آشکارت آشکار من تو پیشوای امت منی و خلیفه من بر آنهائی پس از من سعادتمند است مطیع تو و بدبخت است مخالف تو سود می برد کسی که ترا دوست میدارد و زیان میکند کسی که با تو دشمن است رستگار است ملازم تو و هلاك شده هر که از تو جدا باشد مثل تو و امامان از نژاد من مانند کشتی نوح است هر که سوار شد نجات یافت و هر که تخلف جست غرق شد و مانند ستارگانند که هر کدام غایب شد دیگری طلوع میکند تا روز قیامت.

امالی: حسین بن خالد از حضرت رضا علیه السّلام نقل کرد از علی بن ابی طالب که پیامبر اکرم فرمود بمن جبرئیل از جانب خدا پیغام آورد که علی بن ابی

طالب حجت من در میان مردم و بپای دارنده دین من از نژاد او خارج میکنم پیشوایانی را که امر مرا بپا میدارند و براه من مردم را دعوت میکنند بوسیله آنها عذاب را از مرد و زن برطرف میکنم و به وسیله ایشان رحمت خود را نازل می نمایم.

امالی: ام سلمه گفت از پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله و سلم شنیدم می فرمود علی بن ابی طالب و پیشوایان از نژاد او بهترین شخصیت های روی زمین و رهبر سفید چهرگان در روز قیامت هستند.

امالی: ابو حمزه گفت حضرت باقر علیه السّلام میفرمود خداوند به حضرت محمّد صلی اللّه علیه و آله و سلم وحی کرد یا محمّد ترا آفریدم با اینکه چیزی نبودی از روح خویش در تو دمیدم بواسطه گرامی داشتن تو، باین مقام ترا مفتخر نمودم، هنگامی که بر تمام مردم واجب کردم از تو اطاعت کنند.

هر که از تو اطاعت کند مرا اطاعت نموده و هر که مخالفت با تو نماید

امامت، ج ۱، ص: ۸۷

مخالفت با من نموده این مقام را به علی و فرزندان او که برای خود برگزیده ام نیز دادم.

امالی: عبد اللّه بن عباس گفت پیامبر اکرم فرمود وقتی مرا بآسمان هفتم بردند و از آنجا بسدره المنتهی و از سدره تا حجب نور، خداوند بمن خطاب کرد یا محمّد تو بنده من و من پروردگار توأم نسبت بمن خضوع داشته باش و مرا بپرست و بر من توکل کن و بمن اعتماد نما من ترا به بندگی و دوستی و رسالت و نبوت برگزیدم، و برادرت علی را خلیفه و درب بسوی من، او حجت من بر مردم و

امام خلق است، بوسیله او دشمنان خود را از دوستان جدا میکنم و بواسطه او پیروان شیطان از خدا پرستان جدا میشوند و باو دین پایدار و حدود محفوظ و احکام اجراء می شود.

و بوسیله تو و او و ائمه از فرزندانش به بندگان و کنیزان خود رحم میکنم و بواسطه قائم از شما خانواده زمین را آباد با تسبیح و تقدیس و تهلیل و تمجید میکنم باو پاک میکنم زمین را از دشمنانم و در اختیار دوستان خود می گذارم و بواسطه او سخن کافران را در پائین و سخن خود را در بالا قرار میدهم و بواسطه او بندگان و بلاد را زنده میکنم برای او گنجها و ذخایر را آشکار میکنم باراده خود او را بر اسرار و راز دلها آگاه میکنم باراده خود و با ملائکه مددش میکنم در راه اجرا و گسترش دستور خود بواقع ولی من و مهدی بندگان من است.

امالی: سلیمان بن مهران از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که علی بن ابی طالب علیه السّلام فرمود پیامبر اکرم چنین بیان کرد:

یا علی تو برادر و وارث و وصی و خلیفه منی در میان خانواده و امت من در زمان حیات و بعد از مرگم دوست دار تو دوست دار من و دشمن تو دشمن من است یا علی من و تو دو پدر این امتیم یا علی من و تو و ائمه از فرزندانت در دنیا سرور و در آخرت فرمانروائیم هر که ما را بشناسد خدا را شناخته و هر که منکر ما باشد خدا را انکار نموده.

امامت، ج ۱، ص: ۸۸

امالی: حکم بن صلت از حضرت باقر

از آبـاء گرام خود نقـل کرد که پیـامبر اکرم صـلی اللَّه علیه و آله و سـلم فرمود دامن این انزع را رها نکنیـد منظورش علی علیه السّـلام بود او صـدیق اکبر و فاروق است که بین حق و باطل تمیز می دهـد هر که او را دوست بدارد خدا هدایتش کرده و هر که با او دشمنی بورزد خدا با او دشمن است و هر که از او تخلف ورزد خداوند او را بی بهره نموده. از علی است دو سبط این امت امام حسن و امام حسین آن دو فرزندان منند و از نژاد حسین خواهد بود ائمه هدی که خداوند، علم و فهم مرا بآنها عنایت کرده ایشان را دوست بداریـد بدیگری جز آنها پناه نبرید که مشـمول خشم خدا می شوید و هر که خشم خدا او را فرا گیرد از بین رفته است زندگی دنیا جز متاعی فریبنده نیست.

تفسـیر قمی: ص ۴- پیـامبر اکرم در حجه الـوداع در مسـجد خیف فرمود من جلوتر از شـما میروم و شـما پس از آن در حوض کوثر پیش من خواهید آمد، حوضـی که باندازه فاصله دید چشم من و ضعفاء است در آنجا قدح هائی از نقره بتعداد ستارگان است.

من از شما بازخواست خواهم نمود راجع بدو امانت گران پرسیدند دو امانت گران چیست فرمود امانت بزرگتر کتاب خداست که از یک جانب بـدست خـدا و از جانب دیگر بـدست شـما است چنگ بزنیـد بآن هرگز گمراه نخواهیـد شد و منحرف نمی شویـد امـانت دوم اهل بیت و عترت منـند خداونـد بمن خبر داده که آن دو از هم جـدا نخواهنـد شـد تا در حوض بر من وارد شوند

چون این دو انگشت من. هر دو انگشت سبابه را بهم نزدیک نمود.

نمیگویم مانند این دو انگشت اشاره بانگشت سبابه و وسطی کرد که یکی از دیگری برتر باشد.

توضیح- منظور اینست که این دو با هم برابرند مثل دو انگشت سبابه از دو دست نه اینکه مانند دو انگشت یک دست سبابه و وسطی باشند که یکی از دیگری بلندتر است.

امامت، ج ۱، ص: ۸۹

تفسیر قمی: امیر المؤمنین علیه السّلام در خطبه خود فرمود: میدانند کسانی که پیامبر اکرم دستور داده بود بآنها احادیث را حفظ کنند که آن جناب فرمود: اهل بیت من پا کند بر آنها سبقت نگیرید گمراه می شوید و تخلف نورزید که منحرف می شوید و مخالفت نکنید که نادانی شما را احاطه میکند بآنها چیزی نیاموزید زیرا ایشان از شما داناترند آنها داناترین مردم در بزرگی و حلیم ترین آنها در کوچکی هستند پیرو حق باشید هر جا که هست.

تفسیر قمی: حضرت صادق علیه السّلام فرمود روز قیامت که می شود پیامبر اکرم را میخواهند حله ای گلرنگ بر پیکر او می پوشانند و در طرف راست عرش میایستد سپس ابراهیم خلیل را می خواهند او را حله ای سفید میپوشانند و در طرف چپ عرش می ایستد بعد علی بن ابی طالب را میخواهند حله ای گلرنگ نیز بر پیکر او و در طرف راست پیامبر می ایستد.

آنگاه حضرت اسماعیل را میخواهند حله ای سفید بر تن او و در طرف چپ ابراهیم می ایستد بعد حضرت امام حسن و حله ای گل رنگ باو میدهند و در طرف راست امیر المؤمنین بعد حضرت امام حسین را می خواهند و حله ای گلرنگ بر او میپوشانند طرف راست حضرت امام حسن می ایستد بعد

یک یک از امامان علیهم السّلام را میخوانند و هر کدام حله ای گلرنگ می پوشند و در اطراف راست دیگری می ایستد.

بعد شیعیان را میخوانند در جلو امامان می ایستند آنگاه فاطمه زهرا علیها السّلام و زنان از نژاد آن سرور و ارادتمندانش را میخوانند اینان داخل بهشت می شوند بدون حساب.

آنگاه یک منادی از طرف پروردگار فریاد میزند از دل عرش و افق اعلی خوب پدری داشتی ای محمّد که ابراهیم است و خوب برادری داری که علی است و خوب فرزندانی داری که حسن و حسین هستند و خوب بچه ای در نهاد مادر داشتی که محسن است و خوب پیشوایان راهنما و رهبرند از نژاد تو که فلان و

امامت، ج ۱، ص: ۹۰

فلان نام دارند و خوبند شیعیانت.

مردم متوجه باشید که محمّد و وصی و دو فرزندش رستگارند، سپس دستور صادر می شود که بجانب بهشت رهسپار شوند این آیه اشاره بهمان است فَمَنْ زُحْزِحَ عَنِ النَّارِ وَ أُدْخِلَ الْجَنَّهَ فَقَدْ فازَ.

اکمال الدین: عطیه عوفی از ابو سعید خدری نقل کرد که گفت پیامبر اکرم فرمود من میان شما دو چیز میگذارم که یکی از دیگری طولانی تر است کتاب خدا که ریسمان پیوسته ای است از آسمان بزمین و عترتم این دو از هم جدا نمیشوند تا در حوض بر من وارد شوند من به ابو سعید گفتم عترت آن جناب کیانند. گفت:

اهل بیت آن جناب. «۱»

بصائر الدرجات: ص ۱۲۳- سعد اسکاف گفت از حضرت باقر علیه السّلام در باره این فرمایش پیامبر اکرم پرسیدم

(انی تارک فیکم الثقلین فتمسکوا بهما فإنهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض»

. آن جناب فرمود: پیوسته کتاب خدا و رهبری از ما خانواده احکام

و دستورات قرآن را راهنمائی میکنند تا در حوض بر آن جناب وارد شوند.

بصائر الدرجات: ص ۱۲۳- شریک از جابر نقل کرد که حضرت باقر علیه السّلام فرمود: پیامبر اکرم اصحاب خود را در منی پیش خوانده فرمود: مردم من میان شما دو چیز گران میگذارم که تا وقتی بآن دو تمسک جوئید گمراه نمی- شوید کتاب خدا و عترت و اهل بیتم آن دو از یک دیگر جدا نمی شوند تا در حوض بر من وارد شوند.

سپس فرمود مردم من میان شما چیزهای محترم در نزد خدا میگذارم کتاب خدا و عترت و کعبه که بیت الحرام است.

حضرت باقر فرمود: کتاب خدا را تغییر دادند و کعبه را منهدم نمودند و

امامت، ج ۱، ص: ۹۱

عترت را کشتند و تمام ودایع خدا را درهم شکسته و از بین برده اند.

تفسیر عیاشی: ص ۴ و ۵- مفضل بن صالح از یکی از اصحاب خود نقل کرد که پیامبر اکرم روز جمعه بود از نماز ظهر خطبه ای برای مردم ایراد نمود فرمود مردم خداوند مرا خبر داده که هر پیامبری نصف عمر پیامبر قبل از خود را می- نماید من گمان میکنم بزودی دعوت حق را لبیک گویم از من بازخواست خواهند کرد و شما نیز مسئول هستید آیا من رسالت خود را بشما رسانده ام اکنون چه میگوئید.

گفتند: ما گواهی میدهیم که شما تبلیغ رسالت نمودی و نصیحت کردی و پیکار نمودی خداوند جزای خیر بشما عنایت کند. فرمود: خدایا تو گواه باش.

آنگاه رو بمردم نموده فرمود: مگر شما گواهی نمیدهید خدائی جز آفریدگار جهان نیست و محمد پیامبر و رسول اوست بهشت حق و جهنم واقعیت دارد و

زنده کردن بعد از مرگ هست گفتند چرا فرمود: خدایا گواه باش.

بعد فرمود مردم خدا مولای من و من نسبت بمؤمنین از جانشان گرامی ترم بدانید هر کس من آقا و رهبر اویم علی آقا و رهبر اوست خدایا دوست بدار دوست علی را و دشمن بدار دشمن علی را.

بعد فرمود من بر شما سبقت می گیرم و شما در حوض بر من وارد می شوید حوضی که عرض آن بفاصله اینجا تا صنعاء است، در آن حوض بعدد ستارگان قدح نقره است. من از شما وقتی در حوض وارد شوید راجع بدو امانت گران خواهم پرسید دقت کنید با آن دو چگونه رفتار خواهید کرد.

پرسیدند آن دو امانت چیست فرمود امانت گران تر کتاب خداست که یک طرف آن بدست خدا و یکطرف بدست شما است دست از آن بازنداريد تا گمراه نشويد و خوار نگرديد عترت من اهل بيت منند خداوند بمن اطلاع داده که آنها از یک دیگر جدا نمی شوند تا مرا ببینند من نیز از خدا همین درخواست را نموده ام

امامت، ج ۱، ص: ۹۲

اجابت فرموده پس بر آنها سبقت نگیرید تا هلاک نشوید و به آنها چیزی نیاموزید که از شما داناترند.

مجالس مفید: ص ۶۳- عبد اللَّه علوی از پدر خود از حضرت رضا علیه السّلام و آن جناب از آباء گرام خویش از امیر المؤمنین علیه السّلام از پیغمبر اکرم نقل کرد که فرمود یا علی بوسیله شما این امر افتتاح می شود و بشما ختم می گردد صبر و شکیبائی را پیشه گیرید عاقبت پسندیده اختصاص بپرهیزگاران دارد شما حزب خدائید و دشمنانتان حزب شیطان خوشا بحال کسی که مطیع شما است و وای بر

کسی که مخالفت با شما کند شما حجت خدا بر خلقید و دست آویز محکم هر که چنگ بدامن شما زند هدایت می یابد و کسی که شما را ترک کند گمراه می شود.

از خدا تقاضای بهشت برای شما دارم مبادا کسی در فرمانبرداری از خدا بر شما پیشی گیرید شما شایسته تر باین مقام هستید.

مجالس: ابی ذرعه از عمر بن علی بن ابی طالب از پدر خود نقل کرد که پیامبر اکرم صلی اللّٰه علیه و آله و سلم فرمود یا علی بوسیله ما خدا دین را ختم نمود چنانچه بوسیله ما افتتاح کرد و بوسیله ما بین دلها محبت انداخت بعد از دشمنی و کینه ای که با یک دیگر داشتند.

کتاب فضائل: ص ۱۹۷- جابر انصاری گفت پیامبر اکرم فرمود: فاطمه مایه سرور دل من است و دو فرزندش میوه دلم و شوهرش نور چشم من و ائمه از نژاد او امنای من و ریسمان پیوسته هستند هر که بآنها چنگ زند نجات می یابد و هر که تخلف ورزد گمراه شده است.

فضایل و روضه: ص ۱۴۶- ابن عباس گفت وقتی از حجه الوداع برگشتیم در مسجد پیامبر خدمت آن جناب نشسته بودیم فرمود: می دانید می خواهم چه بگویم بشما.

گفتیم: خدا و پیامبرش می دانند فرمود بدانید که خداوند منت بر اهل دین گذاشت زیرا ایشان را بوسیله من هدایت نمود و من منت میگذارم بر اهل

امامت، ج ۱، ص: ۹۳

دین چون آنها را بوسیله علی بن ابی طالب علیه السّلام هدایت کردم پسر عمو و پدر فرزندانم هر که بوسیله ایشان هدایت یافت رستگار است و کسی که از آنها تخلف جست گمراه و سرگردان.

مردم! خدا خدا را در نظر

داشته باشید در مورد عترت و اهل بیتم فاطمه پاره تن من و دو فرزندش بازوان منند و من و شوهرش چون نور درخشنده هستیم خدایا رحم کن بر کسی که بآنها رحم نماید و کسی که بر آنها ستم ورزد او را میامرز، در این موقع چشمان پیامبر پر از اشک شده فرمود گویا هم اکنون میبینم چه خواهند کرد.

از حضرت صادق علیه السّلام نقل شده که پیامبر اکرم فرمود: که خداوند ذریه تمام پیامبران را از نژاد خودش قرار داده ولی ذریه مرا از نژاد علی بن ابی طالب و فاطمه دخترم قرار داده است خداوند آنها را برگزیده مانند آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران بر جهانیان پیرو ایشان باشید شما را براه راست هدایت میکنند آنها را مقدم دارید ولی بر ایشان مقدم نشوید زیرا آنها از همه شما باحلم ترند در کوچکی و از تمام شما باعلمترند در بزرگی پیرو آنها باشید که گمراهتان نخواهند کرد و از هدایت خارجتان نمیکنند.

انس بن مالک و زبیر بن عوام گفتند پیامبر اکرم فرمود من ترازوی علمم و علی دو کفه آن و حسن و حسین بندهای ترازو و فاطمه قسمت اتصال دو کفه است و ائمه از نژاد آنها عمود آن، روز قیامت برای ایشان قرار میدهند و در آن اعمال مردم از دوستان و دشمنان ما را محاسبه میکنند.

عیون اخبار الرضا: ص ۱۶۱- حسین بن خالد از حضرت رضا علیه السّلام نقل کرد که فرمود پیامبر اکرم فرموده هر که دوست دارد سوار کشتی نجات شود و دستاویز استوار را چنگ زند و بریسمان محکم خدا بچسبد باید علی

را بعد از من دوست بدارد و دشـمنش را دشمن و پیرو ائمه هدی از فرزندانش باشد آنها جانشینان و اوصیاء منند و حجت خدا بر خلق پس از من و سرور امت و رهبر پرهیزگاران

امامت، ج ۱، ص: ۹۴

بجانب بهشت حزب ایشان حزب من و حزب من حزب خدا است و حزب دشمنان آنها حزب شیطان است.

عیون اخبار الرضا: تمیمی از آن جناب نقل میکند که پیامبر اکرم فرمود یا علی تو و فرزندانت برگزیده های خدا از خلقید.

عیون: با همان اسـناد نقل کرد که پیامبر اکرم فرمود هر که من مولای اویم علی مولای اوست خدایا دوست بدار کسی که علی را دوست بدارد و دشمن بدار دشمن او را کمک کن بکسی که او را کمک کند و یاری کن یارش را و خوار کن دشمنش را و پشتیبـان او و فرزنـدانش بـاش و خیر را در راه ایشـان بـدار و آنچه بایشان عنایت کرده ای افزون فرما و آنها را بروح القـدس تأییـد نما هر جا که هسـتند ایشان را حفظ نما امامت را در ایشان قرار ده و پاداش کسـی مطیع آنها باشـد عنایت فرما و مخالف ایشان را هلاک فرما تو نزدیک و جواب دهنده هستی.

عیون: با این اسـناد از پیامبر اکرم نقل کرد که فرمود جایز نیست برای احـدی در این مسـجد جنب باشد مگر برای من و علی و فاطمه و حسن و حسین و هر کس از خانواده من است زیرا آنها از من حساب می شوند.

عیون اخبار: با همین اسناد از پیامبر اکرم نقل کرد که فرمود وسط بهشت متعلق بمن و خانواده من است.

امالی طوسی: ابو سعید خدری

گفت از پیامبر اکرم شنیدم می فرمود من میان شما دو چیز گران گذاشتم یکی از آنها از دیگری بزرگتر است کتاب خدا ریسمان پیوسته از آسمان بزمین و عترت و اهل بیتم آن دو از یک دیگر جدا نمی شوند تا در حوض بر من وارد شوند فرمود متوجه باشید اهل بیت من مخزن اسرار و علوم من هستند که اسرار خود را به آنها می سپارم انصار وسیله دفاع منند از خطا کار آنها بگذرید و نیکوکار را کمک کنید.

حضرت رضا علیه السّلام از پیامبر اکرم نقل کرد که فرمود خداوند بلطف و کرمش کفیل خانواده من است ذره ای برای او شریک نخواهند گرفت.

امامت، ج ۱، ص: ۹۵

اکمال الدین و عیون و معانی الاخبار: حضرت صادق از آباء گرام خویش از حضرت حسین نقل کرد که فرمود از امیر المؤمنین علیه السّلام سؤال کردند معنی فرمایش پیغمبر:

«انی مخلف فیکم الثقلین: کتاب اللّٰه و عترتی»

عترت آن جناب کیانند؟.

فرمود من و حسن و حسین و ائمه نه گانه از فرزندان حسین که نهمی آنها مهدی و قائم آنها است از کتاب خدا جدا نمی شوند و کتاب خدا از آنها جدا نخواهد شد تا وقتی وارد بر پیامبر اکرم شوند در حوض او «۱».

صدوق رحمه اللّٰه علیه می نویسد: محمّد بن بحر شیبانی از محمد بن عبد الواحد دوست ابو العباس تغلب نقل کرد در کتابی که نام آن را کتاب یاقوت نهاده، که ابو العباس تغلب برایم نقل کرد که ابن اعرابی چند معنی برای عترت نموده از قبیل پاره ای مشک و آب دهان که گوارا است و درختی که بر در لانه کفتار است و معنی دیگر برای عترت نموده

می گویـد عترت ذریه و اولاـد شـخص است از نژاد او بهمین جهت فرزنـدان حضـرت محمّـد از علی و فاطمه عترت آن جناب نامیده شده اند.

تغلب گفت بـابن اعرابی گفتم پس معنی قول ابـا بکر در سـقیفه چیست که گفت ما عترت پیغمبر صـلی اللّه علیه و آله و سـلم هستیم گفت منظورش شـهر و دیارش بوده، عترت پیامبر بـدون شک فرزندان فاطمه علیها السّـلام هسـتند دلیل بر این مطلب بر گردانیدن ابا بکر است.

در موقع مأموریت تبلیغ سوره برائت و فرسـتادن علی علیه السّـلام را باین مأموریت و فرمایش پیامبر اکرم که فرمود بمن دسـتور داده شد که باید خودت و یا مردی از خودت این کار را بکند.

از ابا بکر گرفت و داد بکسی که از خودش محسوب می شد اگر ابا بکر از نظر نژاد عترت پیامبر محسوب می شد نه بمعنی ابن اعرابی که منظور شهر باشد

امامت، ج ۱، ص: ۹۶

نباید از ابا بکر سوره را میگرفت و به علی می داد.

گفته اند عترت بمعنی سنگ بزرگی است که سوسمار آنجا خانه میگیرد و این بجهت آنست که خانه ی خود را گم نکند.

بعضی نیز میگویند: عترت ریشه درختی است که قطع شده و از آن ریشه ها و شاخها روئیده.

عترت در غیر این معنی فرمایش پیامبر اکرم است که فرمود:

«لا فرعه و لا عتیره»

اصـمعی گفته در جاهلیت نذر میکردند که اگر گوسـفندشان بصد عدد رسـید یک رجیبه و عتایره بکشـند گاهی اگر کسی از روی بخـل امسـاک از کشـتن گوسـفند خـود داشت بـاین جهت از آهوهـا صـید میکرد و آن را عـوض گوسـفند خـود تقـدیم بخدایان میکرد تا نذرش انجام شده باشد حارث بن حلزه این شعر را در

همین مورد گفته:

عننا باطلا و ظلما کما تعتر عن حجره الربیض الظبا

یعنی بگناه دیگری او را می گیرند چنانچه آنها آهو را میکشتند بجای گوسفند خود. اصمعی گفته است عترت بمعنی باد و درخت پر شیره ای که کوچک است باندازه قامت انسان.

عتر بمعنی آلت است (عتر یعتر عترا) یعنی آلت نعوذ کرد.

ریاشی گفت: از اصمعی معنی عترت را پرسیدم گفت گیاهی است مانند مرزنجوش که متفرق میروید.

سپس صدوق می نویسد: عترت عبارت از علی بن ابی طالب و فرزندان او است از فاطمه علیها السّلام و اولاد پیامبرند اینها همان کسانی هستند که پیامبر اکرم تصریح بامامت ایشان نمود بدستور خدا اولی ایشان علی علیه السّلام و آخرین آنها قائم است.

بنا بر معنی که تمام عرب برای لفظ عترت نموده اند.

توضیح اینکه ائمه علیهم السّلام از بین جمیع بنی هاشم و بین تمام فرزندان ابو طالب مانند تکه مشکی بزرگ هستند که در مشکدان دانش آنها شربت گوارا و

امامت، ج ۱، ص: ۹۷

خوش طعم است نزد خردمندان آنها درختی هستند که ریشه آن پیامبر و تنه آن امیر المؤمنین و شاخه هایش ائمه و برگهایش شیعیان ایشان و دانش ایشان میوه آن درخت است.

ائمه علیهم السّلام پایه های اسلام هستند بنا بر معنی شهر و مرکز و آنها راه- نمایان بشمار میروند در صورتی که معنی آن سنگ بزرگ باشد که سوسمار پهلوی آن خانه میگیرد تا خانه اش را گم نکند. آنها نیز ریشه درختی هستند که قطع شده است.

چون به آنها ستم شده و پیمان آنها را قطع نموده اند و مراعات حق ایشان را نکردند، زیرا آنها از جانب خدا بامامت تعیین شده بودند از ریشه و تنه دو مرتبه

میروینـد و این قطع شـدن بایشـان ضـرری نمیرسانـد و نه فاصـله گرفتن مردم از آنها و از معنی عترت اسـتفاده می شود که آنها مظلوم هسـتند و کاری که نکرده اند از آنها بازخواست میکنند و منافعشان زیاد است و ایشان سرچشمه های دانش هستند بنا بر معنی درختی که دارای شیر زیاد است.

آنها رجال و مردند نه زن بنا بر معنی اینکه عترت ذکر باشد ایشان سـپاه خدایند و حزب او بنا بر قول اصـمعی که عترت بمعنی باد باشد.

پیامبر اکرم فرمود:

«الریح جند اللّه الاکبر»

بـاد سـپاه بزرگ خـدا است بـاد عـذاب برای گروهی و رحمت برای گروه دیگر است ائمه نیز همین طورنـدماننـد همتای آنها قرآن بنا بفرموده پیامبر که فرمود

«انی تاریک فیکم الثقلین کتاب اللّه و عترتی اهل بیتی»

. خداوند در این آیه میفرماید: وَ نُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ ما هُوَ شِفاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ لا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَساراً.

و نیز میفرماید وَ إِذا ما أُنْزِلَتْ سُورَةٌ فَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ أَيُّكُمْ زادَتْهُ هذِهِ إِيماناً فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَزادَتْهُمْ إِيماناً وَ هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ.

امامت، ج ۱، ص: ۹۸

وَ أَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزادَتْهُمْ رِجْساً إِلَى رِجْسِهِمْ وَ ماتُوا وَ هُمْ كافِرُونَ. «۱»

آنها دارای مشاهد متفرقه هستند بنا بمعنی عترت که مرزنجوش باشد که متفرق میروید و برکات پراکنده آنها در شرق و غرب.

توضـیح: جوهری مینویسد عترت شـخص نسل او و خانواده نزدیکش بشمار میروند و عتر نیز عتیره است و آن گوسفندی است که برای خدایان خود در ماه رجب میکشتند.

و در نهایه مینویسد: «فیه خلفت الثقلین: کتاب اللّه و عترتی». عترت مرد نزدیک ترین خویشاوند اویند عترت پیامبر فرزندان عبد المطلب هستند بعضی گفته اند اهل بیت نزدیک

اویند که آنها اولاد پیامبر و علی و اولادش هستند بعضی عترت را شامل خانواده او از خویشاوندان دور و نزدیک هر دو گفته اند ولی مشهور و معروف اینست که عترت پیامبر اهل بیت او هستند کسانی که زکات بر آنها حرام است.

در همان کتاب است که «اهدی الیه عتر» عتر گیاهی است که متفرق میروید وقتی بلند شد و ریشه اش قطع گردید از او چیزی شبیه شیر خارج می شود بعضی گفته اند مرزنجوش است.

بصائر الدرجات: علا از محمّد و او از حضرت باقر نقل می کند که پیامبر اکرم فرمود متوجه باشید بخدا سوگند میان اهل بیت من از عترتم رهنمایان مهتدی هستند پس از من که خداوند علم و فهم و حلم و خلق مرا به آنها داده از سرشت پاک من آفریده شده اند.

وای بر کسانی که منکر حق ایشان شده و تکذیب نمایند آنها را و حق خویشاوندی مرا در باره آنها رعایت نکنند و بر آنها مستولی گردند حقشان را

امامت، ج ۱، ص: ۹۹

بگیرند خداوند آنها را از شفاعت من محروم نماید «۱».

توضیح: برسی در مشارق الانوار از ابن عباس نقل کرده که حضرت رسول صلی اللَّه علیه و آله و سلم در ضمن یک سخنرانی فرمودند:

مردم خداوند بمن خبر داده که فوت خواهم شد پسر عمویم که برادر من است وصی و ولی اللَّه است و جانشین من که از طرف من تبلیغ میکند امام متقین و پیشوای سفید چهرگان و یعسوب دین است اگر او را راهنمای خود قرار دهید بمقصود میرسید و اگر پیرو او گردید نجات می یابید اطاعت او اطاعت خداست و مخالفت او مخالفت خدا، بیعت با او بیعت

با خداست و پیمان شکستن با او پیمان شکنی با خدا است.

خداوند قرآن را بر من نازل کرده علی سفیر قرآن است هر که مخالف قرآن باشد گمراه است و هر که غیر علی را پیروی کند خوار است.

مردم! اهل بیت من مورد توجه من و خویشاوندان و اولاد و ذریه و پاره ی تن و خون و امانت من هستند شما فردا جمع خواهید شد و از دو امانت گران بازخواست میشوید.

متوجه باشید چگونه رفتار خواهید کرد با آن دو هر که آنها را بیازارد مرا آزرده و ظالم آنها ظالم من است ناصر ایشان ناصر من هر که آنها را احترام کند مرا احترام نموده کسی که از غیر آنها هدایت بجوید مرا تکذیب نموده از خدا بترسید و متوجه باشید که فردا چه خواهید گفت من دشمن کسی هستم که دشمن آنها باشد و هر که من دشمن او باشم وای بر او است.

صدوق: در کتاب فضائل الشیعه باسناد خود از محمّد قبطی از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که فرمود مردم خود را بغفلت زدند از فرمایش پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله و سلم در باره علی روز غدیر خم چنانچه غافل شدند از فرمایش آن جناب

امامت، ج ۱، ص: ۱۰۰

در روز مشربه ام ابراهیم.

مردم بعیادت آن جناب آمدند علی علیه السّلام آمد تا نزدیک پیغمبر شود جا نیافت وقتی حضرت رسول صلی اللّه علیه و آله و سلم مشاهده کرد که جا برای علی باز نمیکنند فرمود: مردم! اینها اهل بیت من هستند احترام آنها را نمی دارید در صورتی که هنوز زنده هستم.

بدانید اگر من از میان شما بروم خدا هست روح

و راحت و خشنودی و بشارت و دوستی و محبت اختصاص به پیرو و دوست دار و مطیع علی و اوصیاء بعد از او دارد بر من لازم است که آنها را مشمول شفاعت خود کنم چون پیرو منند و هر که پیرو من شد از خودم محسوب می شود مانند پیروان ابراهیم چون من از ابراهیم هستم و ابراهیم از من، دین من دین او و سنتم سنت او و فضل او فضل من است ولی من از او افضل هستم و فضل من فضل اوست اینک سخن مرا تصدیق میکند آیه قرآن که میفرماید:

ذُرِّيَّةً بَعْضُها مِنْ بَعْضٍ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ.

توضیح: سید مرتضی (قدس اللّه روحه) در کتاب شافی نقل میکند مزخرفات و خرافات یک دشمن علی را و بعد جواب گفتار او را میدهد.

گوینده میگوید دلیل دیگری شیعه دارد که گاهی استدلال میکند به روایت

«انی تارک فیکم ما ان تمسکتم به لن تضلوا: کتاب اللّه و عترتی اهل بیتی لن یفترقا حتی یردا علی الحوض»

. میگویند این روایت دلالت بر امامت و عصمت آنها دارد گاهی برای تأیید مطلب روایت این فرموده دیگر پیامبر را می آورند.

«ان مثل اهل بیتی فیکم کمثل سفینه نوح من رکبها نجا و من تخلف عنها غرق».

این روایت دلالت بر عصمت و وجوب اطاعت آنها و تهدید بر مخالفت ایشان میکنند گفته اند و این خود موجب نص و تصریح بر امیر المؤمنین علیه السّلام است. بعد

امامت، ج ۱، ص: ۱۰۱

میگوید این مطلب دلالت دارد بر اینکه اجماع عترت پیامبر حاکی از یک حقیقت خواهد بود.

زیرا یا منظور تمام آنها است یا یکی یکی از ایشان، و این مطلب معلوم است

که منظور همه آنها هستند و نمیتوان یک یک ایشان را منظور نمود چون جمله موجب جمع است و بدلیل اینکه خلاف گاهی بین آنها اتفاق می افتد چنانچه تاریخ شاهد است و نمی تواند سخن هر یک آنها حق باشد چون حق نمی تواند یک چیز و ضد آن باشد.

و اختلاف آنها ثابت شده در چیزی که حالش چنین است و نمی توان گفت آنها با اختلافی که دارند از کتاب جدا نمیشوند و این مطلب بیان می کند که مراد اینست که هر چه بر آن اجماع کردند حق است تا فرمایش پیغمبر صحیح باشد که فرموده است:

«لن یفترقا حتی یردا علی الحوض».

با توضیحی که دادیم نمیتواند روایت دلیل بر امامت باشد زیرا امامت در تمام آنها نبوده و هر زمان بیکی اختصاص داشته ما ثابت کردیم که منظور از خبر مطلبی است که مربوط بهمه آنها است این مطلب ما را تأیید میکند که هیچ کدام از مخالفین ما (شیعه) نگفته اند امامت در همه آنها است در این صورت باید از ظاهر کلام صرف نظر نمایند و طوری تفسیر کنند که عده ای کمی از آنها را شامل شود این کار بدون دلیل نمی شود.

آنها نمی توانند بگویند وقتی دلالت بر عصمت آنها کرد عصمت نیست مگر در علی امیر المؤمنین سپس یکی پس از دیگر از امامان علیهم السّلام در این صورت لازم می شود که منظور همان باشد چون میتوان گفت منظور اینست که آنها در چیزهائی که اتفاق دارند معصوم خواهند بود و این بیشتر بظاهر روایت ارتباط دارد از آن گذشته لازم است کلام را طوری معنی کنیم که صحیح باشد عترت با کتاب موافق گردد با

اینکه میدانیم در قرآن کریم دلالتی است بر امور، واجب است سخن پیامبر را

امامت، ج ۱، ص: ۱۰۲

در باره عترت حمل کنیم بر چیزی که مقتضی دلالت باشد و این صحیح نیست مگر اینکه گفته شود اجماع آنها حق و دلیل است.

اما راه امامیه و شیعه بر خلاف این فرض و مقصد است استاد ما ابو علی گفته است اگر این روایت دلالت بر امامت دارد باید فرمایش پیغمبر

«اقتدوا بالذین من بعدی ابی بکر و عمر»

پیرو ابا بکر و عمر باشید بعد از من این روایت هم دلالت بر امامت دارد و فرمایش دیگر پیغمبر

«ان الحق ینطق علی لسان عمر و قلبه»

شاهد است بر امامت عمر و این فرموده دیگر

«اصحابی کالنجوم بأیهم اقتدیتم اهتدیتم»

اصحاب من چون ستارگانند از هر کدام پیروی کنید هدایت می یابید دلالت بر همان مطلب دارد.

بعد در جواب این کلمات می گوید این سخنان در باره آنها گفته می شود اما سخن پیامبر

«انی تارک فیکم الثقلین»

بنا بر اقرار خود او دلالت میکند که اجماع اهل بیت حجت است.

و نیز دلالت دارد بعد از ثبوت این مقام بر امامت امیر المؤمنین علیه السّلام بعد از پیامبر بدون فاصله و بر چیزهای دیگری که اهل بیت بر آن ها اجماع دارند.

و نیز میتوان از همین روایت استدلال کرد بر اینکه در هر عصر و زمانی باید از این خانواده حجت معصومی وجود داشته باشد که قطع بصحت گفتارش داشته باشیم.

این سخن پیامبر: مثل اهل بیت من میان شما چون کشتی نوح است.

شبیه خبر اول است در توجه دادن باهل بیت و راهنمائی بآنها گر چه خبر اول قوی تر و عمومیت فایده آن زیادتر است.

ما توضیح میدهیم جمله ای که

آن را ذکر کردیم:

اگر گفته شود صحت خبر را ثابت کنید قبل از اینکه در باره معنی خبر

امامت، ج ۱، ص: ۱۰۳

بحث نمائید میگوئیم دلیل صحت خبر اینست که تمام امت محمّد این خبر را قبول دارند هیچ کدام با اینکه اختلاف در تأویل دارند در صحت اختلاف نکرده اند این خود گواهی است بر اینکه حجت تمام است بوسیله اصل خبر و شک و تردیدی در آن نیست.

وقتی خبری پیش دانشمندان می آورند که صحت آن مشکوک است اول سخن در باره اصل کلام میگویند که حجت به چنین خبری ثابت نمیشود بعد شروع به تأویل کلام مینمایند وقتی می بینیم در مورد این خبر بحثی راجع باین مطلب نکرده اند و هر کدام مطابق مذهب و طریقه خود خبر را حمل نموده اند این خود دلیلی بر مطلب ما است.

اگر بگویند منظور از عترت کیست که تمام سخنان در اطراف اسمی است که باید معنی آن توضیح داده شد.

در جواب میگوئیم، عترت مرد در لغت نسل اوست مانند فرزند و فرزند فرزند، بعضی از لغویها این معنی را توسعه داده اند گفته اند عترت شخص قوم و خویش های نزدیک نژادی او هستند بنا بر قول اول ظاهر خبر و باطن آن حسن و حسین و اولاد آنها را شامل می شود و بنا بر معنی دوم آنهائی را که ذکر کردیم و کسانی که شبیه ایشان در خویشاوندی نزدیک نژادی باشند نیز شامل می شود.

با اینکه پیغمبر اکرم سخن خود را چنان توضیح داده که شبهه ای باقی نماند فرموده عترت من اهل بیتم هستند.

این حکم را اختصاص داده بکسی که هر دو اسم عترت و اهل بیت او را شامل شود ما میدانیم

کسانی که عترت پیامبر و اهل بیت او هستند همان هائی میباشند که ذکر کردیم از اولاد و اولاد اولاد و کسی که شبیه آنها است در نسب و نژاد نزدیک، باضافه اینکه پیغمبر اکرم صلی اللّٰه علیه و آله و سلم توضیح داده چه کسی اهل بیت او حساب می شود و خبر را تقویت میکند این مطلب که آن جناب روزی امیر المؤمنین و فاطمه و حسن و حسین را در خانه خود جمع کرد.

امامت، ج ۱، ص: ۱۰۴

و آنها را در زیر کسای خویش قرار داد بعد گفت: خدایا اینها اهل بیت منند پلیدی را از آنها دور کن و ایشان را پاک بدار در این مورد آیه نازل شد.

ام سلمه گفت یا رسول اللّٰه من از اهل بیت شما نیستم فرمود نه ولی تو عاقبت بخیری.

پس این امتیاز اختصاص بآنها گرفت نه دیگری باید حکم نیز متوجه آنها شود و کسانی که با دلیل بایشان ملحق شوند.

و اجماع کرده اند کسانی لازم می شمارند تمسک و اقتداء باهل بیت را بر اینکه اولاد اهل بیت نیز مانند خود آنها هستند با همین دلیل ثابت می شود که حکم مربوط است بهمه آنها.

اگر بگویند بعضی از گفتار شما شاهد است بر اینکه امیر المؤمنین از عترت نمیباشد، اگر عترت منحصر باولاد و اولاد اولاد باشد چه میگوئید.

ما میگوئیم کسانی که از شیعه معتقد این مقام هستند میگویند اگر چه واقعا این اسم شامل او نیست در حقیقت چنانچه اسم فرزند نیز بر او اطلاق نمیشود اما او پدر عترت و سرور آنها و بهترین ایشان است همان حکمی که اختصاص به عترت دارد برای او نیز ثابت است

به دلیل دیگری غیر از شمول لفظ عترت.

اگر ادعا شود که چه جوابی میدهید برای گفته ابو بکر که در مقابل گروهی از امت گفت «ما عترت پیامبریم و مرکزی هستیم که از آن تراوش نموده» این گفته ابو بکر خلاف استدلال شما را ثابت میکند.

در جواب میگوئیم اعتراض بوسیله یک خبر نامسلم بر خبری که روایت آن اجماعی و ثابت و مسلم است مورد قبول بیشتر دانشمندان نیست و چنین اعتراضی را نمی پذیرند.

امامت، ج ۱، ص: ۱۰۵

با اینکه اگر گفتار ابا بکر را صحیح بدانیم چاره ای نداریم مگر اینکه حمل بر مجاز کنیم و معنی وسیعی بلفظ عترت بدهیم زیرا انتساب ابا بکر به پیامبر اکرم از نظر نژادی بمقداری نیست که واقعا لفظ عترت بر او اطلاق شود زیرا بنی تیم بن مره گر چه نزدیک ترند به بنی هاشم از کسانی که بیک یا دو پدر فاصله دارند همچنین کسانی که فاصله دارند از آنها بیک پدر یا دو پدر از اینها نزدیکترند به بنی هاشم از کسانی بیشتر از آنها فاصله دارند.

این استدلال تنها موجب نمیشود که بگوئیم قریش یک عترت هستند بلکه باید بگوئیم تمام فرزندان معد بن عدنان از یک عترت هستند زیرا برخی بدیگری نزدیک تر هستند از قبیله یمن به آنها بنا بر این باید تمام بنی آدم را یک عترت حساب کرد.

ابا بکر با همین انتساب افتخار مینماید که از نظر نژادی به پیغمبر متصل است بناچار باید بگوئیم معنی عترت را خیلی توسعه داده اند گاهی انسان بکسی که واقعا فرزند او نیست میگوید تو فرزند من و پسر منی در صورتی که منظورش امتیاز باشد و از روی

شفقت بگوید گاهی نیز بکسی که پدرش نیست میگوید تو پدر منی.

بنا بر این باید گفتار ابا بکر را گرچه ظاهرش غیر از این معنی است حمل نمائیم بر اینکه اگر صحیح باشد مشمول این فرمایش پیامبر نیست

«انی مخلف فیکم».

زیرا پیامبر اکرم سخن خود را مقید بصفتی نموده که در ابا بکر وجود ندارد و آن قید «اهل بیت» زیرا شکی نیست در اینکه ابا بکر جزء اهل پیامبر نیست که آیه تطهیر در باره آنها نازل شده است و اختصاص بایشان دارد و نه شامل کسانی می شود که در عرف مردم او را اهل بیت شخص میشمارند.

زیرا کسانی که بعد از ده پدر با هم جمع می شوند بآنها نمی گویند اهل

امامت، ج ۱، ص: ۱۰۶

بیت این شخص هستند وقتی این مطلب ثابت شد لازم است اجماع عترت حجت باشد.

زیرا اگر حجت نباشد بهیچ وجه نمی تواند تمسک بعترت مانع از گمراهی باشد.

وقتی تمسک بعترت جلو گمراهی را بگیرد باید اجماع آنها حجت باشد اگر بگویند شما خودتان منکر نیستید که تمسک وقتی جلو گمراهی را میگیرد که بکتاب و عترت هر دو تمسک جویند از کجا ثابت می کنید که متمسک بعترت تنها نیز از گمراهی محفوظ است.

جواب میدهم اگر منظور این باشد که متمسک بهر یک از کتاب و عترت محفوظ از گمراهی است اضافه نمودن عترت بکتاب فایده ای ندارد زیرا اگر کتاب بتنهائی حجت باشد معنی ندارد چیزی که حجت نیست بآن اضافه نمایند و واقع مطلب اینست که متمسک بهر دو هدایت یافته و بحق رسیده زیرا در غیر این صورت کار بیهوده ای بوده که عترت را بکتاب اضافه نموده اند.

دلیل دیگر اینکه اضافه نمودن عترت

بکتـاب در صورتی که قول آنهـا حجت نباشـد شـبیه اضـافه نمودن چیزهـای دیگری بکتـاب خواهـد بود دیگر وجه نـدارد که اختصـاص بعترت داده شونـد و توجه داده شود که این دو از هم جـدا نمیشونـد تـا در قیـامت وارد بر پیامبر شونـد و این مطلب بدون شک قابل قبول نیست.

وقتی اجماع آنها حجت بود ثابت می شود که هر چیزی بر آن اتفاق کردنـد صـحیح است از مطالبی که بر آن اتفاق نموده اند امامت امیر المؤمنین علیه السّلام بعد از پیغمبر بدون فاصله با اختلافی که آنها دارند در این مطلب که اثبات امامت ایشان بنص صریح بوده یا پنهانی و خفی یا با مطالبی که احتمال تأویل داشته و یا نداشته.

اگر گفته شود چگونه شما مدعی هستید که اهل بیت اتفاق بر این مطلب دارند با اینکه می بینیم گروهی از آنها در امامت براه معتزلی ها رفته اند.

امامت، ج ۱، ص: ۱۰۷

جواب میدهیم ما که کسی از اهل بیت را مشاهده نکرده ایم که بر خلاف آنچه گفتیم عقیده داشته باشد.

اگر احیانا کسی هم بر خلاف آنچه گفتیم معتقد باشد در صورت صحت نمیتوان بر اجماع اعتراض نمود.

زیرا چنین کسانی بسیار کمند که بیش از یک یا دو نفر نمی شوند و با این تعداد بر اجماع نمی توان خرده گرفت.

با اینکه اشخاصی که در باره آنها چنین ادعائی شده از علمای اهل بیت و حتی فضلای آنها شمرده نمیشوند اگر خوب جستجو کنی می بینی که اعتقاد او فقط از یک جنبه مادی و حرص دنیوی سرچشمه گرفته بوده.

با اینکه اگر ما بواسطه مخالفت یک یا دو نفر قائل شویم که اجماع از بین میرود هیچ اجماعی در عالم بوجود نخواهد

آمد.

زیرا ما میدانیم بعضی از غالیان و اسماعیلیها مخالف اصول شرایع و تعداد نماز و سایر چیزها هستند برخی آنها گفته اند پس از پیامبر چند پیامبر دیگر آمده و رسالت بحضرت رسول ختم نشده ما باین مخالفین توجه و اعتنائی نمیکنیم و معتقد باجماع در باره ختم رسالت و یا اصول شرایع هستیم با اینکه اینها تعدادشان چند برابر منسوبین پیغمبرند که بر خلاف مذهب امامت معتقد شده اند.

ما خود مشاهده کرده و مناظره نموده ایم با بعضی از اشخاص که جزء دانشمندان بشمار میرفته اند و اهل فتوی بوده اند که میگفتند خدا از یهود و نصاری میگذرد گرچه ایمان نیاورده اند و آنها را عقاب نمی کند و مطالب دیگری از چیزهائی که شکی نیست که اجماع در مورد آنها شده است.

اگر این ادعا موجب از بین رفتن دلیل ما بر اجماع اهل بیت شود و قبول کنیم سخن آنها که مخالف روش امامت هستند باز اشکالی بر مطلب ما وارد نیست.

امامت، ج ۱، ص: ۱۰۸

زیرا کاملا معلوم است زمانهای زیادی است که کسی شناخته نشده قائل بخلاف مذهب اهل بیت باشد مثل همین زمان خودمان و زمانهای دیگر و در زمان ما کسی را مشاهده نکرده ایم معتقد بمذهبی باشد که ما آن را باطل می دانیم.

اما در اجماع آنچه شرط است مخالف داشتن در هر زمانی است که اجماع شده بهمین استدلال ثابت می شود آنچه ما مدعی شدیم.

اما آنچه امکان استدلال دارد در این خبر ثابت شدن یک حجت است در میان اهل بیت پیغمبر در هر زمان زیرا ما میدانیم پیامبر اکرم این سخن را بما فرموده تا رفع نگرانی و ناراحتی از ما بکند و در دین بر

ما حجت را تمام نماید و ما را متوجه مطلبی بنماید که موجب نجات ما شود از شک و تردید.

نکته ای که این مطلب را آشکار می کند اینست که در روایت زید بن ثابت است

«و هما الخلیفتان من بعدی»

منظورش اینست: در مطالبی که در آنها باید بمن مراجعه می کردید.

پس از من باین دو مراجعه کنید. خالی از دو حال نیست یا منظورش این بوده که اجماع آنها فقط حجت است نه اینکه دلیل بر این باشد که در میان اهل بیت در هر زمان کسی هست که باو باید مراجعه نمود و او معصوم است یا منظورش همان مطلبی است که گفتیم در هر زمان امامی در میان اهل بیت است، اگر منظور فقط حجت بودن اجماع باشد رفع نگرانی از ما نمی کند و نه کسی را قرار داده که جانشین پیغمبر باشد در میان ما زیرا اولا- جایز است که عترت بر یک قول اجماع داشته باشند و ممکن است اجماع بر یک قول نکنند و اختلاف داشته باشند.

پس آنچه حجت است از اجماع آنها واجب نیست. از آن گذشته، مقداری که در آن اجماع دارند از احکام شریعت یک هزارم هم بحساب نمی آید چگونه میتواند خداوند از ما بازخواست کند که حجت بر شما تمام کرده ام با

امامت، ج ۱، ص: ۱۰۹

اینکه این حجت در یک هزارم از مسائل دینی بوده این مطلب ثابت می کند که باید در هر عصر میان اهل بیت حجتی وجود داشته باشد، مورد اعتماد که سخنش شک و تردیدی بجا نمی گذارد و بودن امام را فی الجمله ثابت می کند آنگاه به وسیله دلائل شیعه ثابت می شود شخص حجت کدام یک از

آنهایند.

با اینکه صاحب کتاب نیز همین قضاوت را نموده در آنجا که می گوید:

باید کلام را حمل نمود بر یک معنی که صحیح باشد عترت پیامبر و کتاب خدا بر آن توافق نمایند.

وقتی کتاب دلالت بر چیزی داشت واجب است در عترت همین اعتقاد نیز باشد.

اینک چنین نظریه ای صحیح است تا سخن پیامبر اکرم درست در آید راجع بارشاد که تمسک به آن دو از گمراهی امان میدهد و حکم باینکه آن دو از یک دیگر جدا نمی شوند تا قیامت وقتی کتاب راهنما و حجت باشد باید عترت نیز چنین باشد.

چون دلالت کتاب دائمی و غیر قابل قطع است در هر زمان و امکان رسیدن بآن در هر زمان هست باید در عترت نیز که همتا و قرین قرآن است همین مطلب باشد این هم امکان ندارد مگر میان آنها در هر زمان حجتی وجود داشته باشد که قولش حجت باشد.

زیرا اجماع آنها بر تمام کارها حتمی نیست چنانچه توضیح دادیم و رجوع بکتاب و عترت با اختلافی که بین عترت است و نبودن معصومی میان آنها صحیح نیست بناچار آنچه گفتیم ثابت می شود.

اما سه خبری که بعنوان اعتراض برای خبر ما آورد اول دلیل ما اینست که آن اخبار از نظر صحت به خبر ما نمیرسد زیرا خبر ما را کسانی که اختلاف دارند نقل کرده اند و نزاع کنندگان نیز صحیح می دانند و امت پذیرفته اند فقط

امامت، ج ۱، ص: ۱۱۰

میتوان گفت که اختلاف در تأویل آن دارند.

اما خبرهائی که بعنوان معارض ذکر شده باین موقعیت و مقام نمیرسند زیرا آنها را فقط مخالفین نقل کرده اند هر کدام را که جستجو کنی می یابی یا راوی آن منحرف بوده

و یا تعصب داشته قبلا گفتیم که با چنین خبرهائی نمی توان معارضه نمود.

اما روایتی که نقل کرده اند از فرمایش پیغمبر

«اقتدوا بالذین من بعدی»

. گفتار ما گذشت در این مورد آنجا که خبر مذکور را معارض با استدلال ما به خبر غدیر خم گرفتند در آنجا خوب توضیح دادیم وجهی برای اعاده آن نیست.

اما روایتی که گفته اند:

«ان الحق لینطق علی لسان عمر»

اگر صحیح باشد موجب عصمت عمر می شود و قطع باید کرد که اقوال او همه اش حجت است این سخن را هیچ کس در باره عمر معتقد شده با اینکه او در احکام از این قول بقول دیگر بر می گردد و خودش گواهی میدهد که اشتباه می کند در بعضی چیزها مخالفت می کند بازبرمی گردد بقول مخالفت خود و با او موافق می شود و میگوید:

«لو لا علی لهلک عمر و لو لا معاذ لهلک عمر» موقعی که طلحه به ابو بکر اعتراض کرد که جواب خدا را چه می دهی، شخصی درشتخو و سخت گیر را بر ما حکومت دادی نگفت در جوابش کسی را بر شما فرمانروا گردانیدم که پیغمبر در باره او فرموده:

(الحق ینطق علی لسانه)

. کسی نمی تواند مدعی شود که ابا بکر مانعی داشت که این استدلال را نکرد چنانچه ما ادعای همین مطلب را در مورد امیر المؤمنین داریم که استدلال به نص پیغمبر نکرد.

زیرا قبلا گفتیم امیر المؤمنین که استدلال نکرد علت آشکاری داشت، و آن حکومت ایشان و قدرت آنها و تقیه و ترساندن از نیروی خود بود اما برای عمر و ابی بکر که تقیه ای وجود نداشت زیرا سلطنت در دست آنها بود تقیه از آنها میکردند.

امامت، ج ۱، ص: ۱۱۱

با اینکه اگر

این خبر صحیح باشد از نظر سند و معنی باید شخصی که میگوید این خبر مقتضی امامت می شود توضیح دهد چگونه اقتضای امامت می کند فقط ادعا ننماید و نمی تواند بگوید وقتی فلان خبر و فلان خبر دلیل بر امامت باشد این خبر هم موجب امامت می شود.

زیرا ما وقتی ادعا کردیم در مورد آن خبرها تنها ادعا نبود توضیح دادیم که بچه دلیل امامت را ثابت می کند وقتی ما با او بمبارزه پرداختیم باید او هم همین کار را بکند.

اما روایتی که استدلال کرد که پیغمبر فرموده

«اصحابی کالنجوم بأیهم اقتدیتم اهتدیتم»

قبلا توضیح دادیم که این خبر و سایر خبرها معارض با فرمایش پیغمبر

«انی مخلف فیکم الثقلین»

نیست در صورتی که چشم پوشی کنیم از آن میتوانیم بگوئیم: اگر این خبر صحیح باشد باید تمام صحابه معصوم باشند تا صحیح باشد امر کردن باقتدا و پیروی از صحابه با اینکه میان آنها فاسق و معاند و مخالف امت و مخالف پیامبر وجود داشت یکی از صحابه معاویه بود دیگری عمرو بن عاص و یاران این دو.

نظر صاحب کتاب در باره این دو نفر معروف و آشکار است از جمله صحابه طلحه و زبیر بودند که با امیر المؤمنین در جنگ جمل پیکار کردند شکی در فسق آنها نیست.

با اینکه ادعا کرده اند که آنها بعد از این جریان توبه کرده اند بعضی سر از بیعت با امیر المؤمنین باز زدند و با مسلمانان موافقت نکردند در امامت حضرت علی علیه السّلام.

بعضی عثمان را محاصره نموده از آب جلوگیری کردند و معتقد بمرتد شدن او گشته خونش را ریختند چگونه جایز است پیغمبر اکرم دستور دهد به آنها اقتداء کنید.

چاره ای

نیست این خبر را در صورت صحت باید حمل کرد نسبت بتعداد

امامت، ج ۱، ص: ۱۱۲

مخصوصی از صحابه چون باید بکسی اقتدا نمود که معصوم باشد و از خطا در گفتار و کردار مأمون و مورد اطمینان باشد.

ما همین خبر را قبول داریم، اگر صحیح است که منظور امیر المؤمنین و حسن و حسین هستند زیرا ایشان دارای عصمت بوده و طهارت آن ها ثابت شده است.

با اینکه خبر فوق معارض است با خبر دیگری که از آن صحیح تر و ثابت تر است مانند آن روایتی که از پیامبر اکرم نقل شده که فرمود شما روز قیامت پا برهنه و عریان محشور میشوید روز قیامت گروهی از مردان امت مرا می آورند و بطرف چپ میکشانند من فریاد میزنم خدایا اصحابم، جواب می آید که نمیدانی اینها بعد از تو چه کردند از وقتی تو رحلت کردی ایشان بر گشتند به بی دینی خود.

روایت دیگر که فرمود بعضی از اصحاب، مرا بعد از فوت نخواهند دید و این فرمایش دیگرش: مردم! در همان موقع که من کنار حوض هستم گروهی از شما را می برند و متفرق میشوید من فریاد میکنم بیائید پیش من راه اینجا است یک منادی از طرف خدا فریاد می کند اینها بعد از تو تغییر دادند من میگویم مرگ بر آنها مرگ.

و روایت دیگر که فرمود چه شده که گروهی مدعی هستند خویشاوندی با پیغمبر در قیامت سودمند نیست.

بخدا قسم خویشاوندی من ثابت است در دنیا و آخرت من جلوتر از شما بحوض وارد میشوم وقتی شما می آئید یکی می گوید یا رسول اللّه من فلان بن فلانم و دیگری من فلان بن فلان.

شما را از نظر نژادی شناختم

اما بعد از من کارهائی بر خلاف کردید و مرتد شدید و روایت دیگر که باصحاب فرمود: شما نیز آنچه بر امت های پیشین گذشته وجب بوجب خواهید دید حتی اگر یکی داخل لانه سوسماری شده شما

امامت، ج ۱، ص: ۱۱۳

هم داخل خواهید شد، گفتند یا رسول اللَّه منظورتان یهود و نصاری است فرمود پس منظورم چه کسی است.

در حجه الوداع باصحاب فرمود آگاه باشید که خون و مال و آبروی شما بر یک دیگر حرام است مانند حرمت امروز و این ماه و این شهر متوجه باشید کسانی که حاضرند بغائبین برسانند.

من اکنون گفتم شما پس از من مرتد میشوید گردن یک دیگر را میزنید من اکنون مشاهده میکنم با اینکه شما نمی بینید.

چگونه صحیح است پیروی کردن کسی را که فقط اسم صحابی بر او اطلاق شود با اینکه صرف نظر از تمام این اشکالها بکنیم این خبر مقتضی امامت نمی شود چنانچه صاحب کتاب ادعا نموده زیرا در خبر بیان نشده در چه چیز بآنها اقتدا کنند و نمی توان گفت فقط مقتضی امامت است نه چیز دیگر در این صورت این خبر مجمل می شود که نمیتوان بظاهر چنین خبری تمسک جست تمام آنچه گفتیم واضح و آشکار است.

امامت، ج ۱، ص: ۱۱۴

بخش هشتم آیاتی که در باره ائمه علیهم السّلام نازل شده آل یاسین همان آل محمدند صلی اللَّه علیه و آله و سلم

ترجمه روایات

عیون اخبار الرضا: ص ۱۳۰- از جمله استدلالهائی که حضرت رضا علیه السّلام با علمای اهل سنت در باره فضل و مقام عترت پیامبر صلی اللَّه علیه و آله و سلم نمود دانشمندان اهل سنت پرسیدند راجع به آیه «یس وَ الْقُرْآنِ الْحَکِیمِ إِنَّکَ لَمِنَ الْمُرْسَلِینَ. عَلی صِراطٍ مُسْتَقِیمٍ منظور خداوند چه اشخاصی هستند، علی گفتند منظور از «یس» که حضرت محمّد صلی اللَّه علیه

و آله و سلم است احدی شک در آن ندارد.

حضرت رضا علیه السّلام فرمود خداوند به محمّد و آل محمّد فضلی عنایت نموده که هیچ کس نمی تواند آن را توصیف نماید مگر کسی که درک کند باین دلیل که خداوند بر احدی غیر از انبیا سلام نفرستاده در این آیه می فرماید سَلامٌ عَلی نُوحٍ فِی الْعالَمِینَ و آیه دیگر سَلامٌ عَلی إِبْراهِیمَ و آیه سَلامٌ عَلی مُوسی وَ هارُونَ و در هیچ کدام نفرموده سلام بر آل نوح یا سلام بر آل ابراهیم و نه سلام بر آل موسی و هارون ولی فرموده سَلامٌ عَلی إِلْ یاسِینَ منظور آل محمّد است.

توضیح شیخ: شرف الدین نجفی در کتاب تأویل الایات نقل می کند از

امامت، ج ۱، ص: ۱۱۵

سلیم بن قیس از علی علیه السّلام نقل می کند که فرمود: پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله و سلم اسمش یاسین است و ما کسانی هستیم که خداوند فرموده: سلام علی آل یاسین.

تفسیر قمی: یس وَ الْقُرْآنِ الْحَکِیمِ حضرت صادق علیه السّلام فرمود یاسین اسم پیغمبر اکرم است دلیل بر این مطلب آیه إِنَّکَ لَمِنَ الْمُرْسَلِینَ است «۱».

معانی الاخبار: ص ۴۱- ابن عباس در باره آیه سَلامٌ عَلی إِلْ یاسِینَ گفت سلام از جانب پروردگار جهانیان بر محمّد و آلش صلی اللّه علیه و آله و سلم و سلامت برای کسانی که ایشان را دوست دارند در قیامت.

توضیح: علامه قدس اللّه روحه در کشف الحق در باره آیه سَلامٌ عَلی إِلْ یاسِینَ از ابن عباس نقل کرده آنها آل محمّد صلی اللّه علیه و آله و سلم است.

ناصب و دشمن اولاد علی در رد این مطلب در شرح آن می نویسد، این مطلب صحیح

است و آل یس آل محمّد و علی علیه السّلام از آنها است ولی این چه ربطی بدلیل مدعی دارد.

سید نور اللّه شوشتری می گوید: خداوند در چند آیه از این سوره عده ای از انبیاء را بسلام امتیاز بخشیده فرموده سَلامٌ عَلی نُوحٍ فِی الْعالَمِینَ، سَلامٌ عَلی إِبْراهِیمَ، سَلامٌ عَلی مُوسی وَ هارُونَ بعد میفرماید سَلامٌ عَلی إِلْ یاسِینَ بعد سوره را ختم میفرماید بآیه سَلامٌ عَلَی الْمُرْسَلِینَ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ.

این مطلب کاملا آشکار است که خداوند وقتی فقط بر آل محمّد سلام میفرستد در ضمن سلام بر انبیاء و مرسلین دلیل است بر اینکه آل محمّد هم در درجه با انبیاء و مرسلین هستند و کسی که در درجه آن ها باشد باید حتما امام و معصوم باشد پس این آیه نص و تصریح در امامت است حد اقل نص در افضلیت است.

این مطلب را تأیید می کند آنچه ابن حجر در صواعق از فخر الدین رازی

امامت، ج ۱، ص: ۱۱۶

نقل کرده که گفته است اهل بیت پیامبر با شخص پیغمبر در پنج چیز برابرند در سلام فرمود: «السلام علیك ایها النبی» و فرموده «سَلامٌ عَلی إِلْ یاسِینَ» و در صلوات فرستادن بر حضرت رسول و اهل بیتش در تشهد در این آیه فرموده (طه) یعنی ای طاهر و فرموده وَ یُطَهِّرَکُمْ تَطْهِیراً و در تحریم صدقه و در محبت خداوند می فرماید:

فَاتَّبِعُونِی یُحْبِبْکُمُ اللَّهُ و فرموده قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِی الْقُرْبی پایان کلام شوشتری.

امام آنها فخر رازی در تفسیر این آیه می نویسد نافع و ابن عامر و یعقوب «آل یاسین» که آل به یاسین اضافه شده باشد قرائت کرده اند ولی دیگران بکسر الف و

جزم لام وصل بیاسین خوانده اند قرائت اولی دارای چند احتمال است اول که از همه نزدیکتر است ما ذکر کردیم که آن الیاس بن یاسین بوده، الیاس آل یس بوده.

وجه دوم آل یس یعنی آل محمّد، وجه سوم یاسین اسم قرآن است.

شیخ طبرسی گفته است: ابن عامر و نافع و رویس از یعقوب نقل کرده اند «آل یس» ابن عباس گفته است «آل یس» آل محمّدند.

بیضاوی می گوید: نافع و ابن عامر و یعقوب باضافه آل یاسین خوانده اند زیرا این دو کلمه در قرآن از هم جدا هستند پس یاسین پدر الیاس بوده و گفته شده یس حضرت محمّد است یا قرآن یا غیر قرآن سایر کتب آسمانی است و تمام اینها با نظم سائر قصص نامناسب است.

توضیح: از نقل روایات اهل سنت معلوم می شود که تمام آنها در قرائت و روایت متفق هستند ولی بعضی از آنها را بعقب واداشته که احتمال مطابقت با روایات را احتمالی ضعیف انگارند.

امامت، ج ۱، ص: ۱۱۷

بخش نهم ائمه علیهم السّلام ذکر و اهل ذکر هستند و آنهایند مسئول و بر شیعیان واجب است که از آنها بپرسند ولی جواب دادن بر ایشان واجب نیست

آیات

سوره نحل آیه ۴۳- فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ بِالْبَيِّناتِ وَ الزُّبُرِ.

سوره انبياء فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ.

سوره ص آیه ۳۹ هذا عَطاؤُنا فَامْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسابٍ.

تفسیر: بعضی گفته اند منظور از اهل ذکر اهل علم است بعضی اهل کتاب گفته اند ولی بزودی ثابت می شود از اخبار بسیار زیادی که اهل ذکر ائمه علیهم السّلام هستند بدو دلیل.

۱- ائمه علیهم السّلام اهل علم قرآن هستند چون خداوند بعد از آن آیه در سوره نحل میفرماید: وَ أَنْزَلْنا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ ما نُزِّلَ إِلَيْهِمْ.

۲- ائمه علیهم السّلام اهل رسولند که خداوند آنها را ذکر نامیده در این آیه ذکرا رسولا.

این

مطلب را اهل سنت نیز نقل کرده اند.

امامت، ج ۱، ص: ۱۱۸

ترجمه روايات

شهرستانی در تفسیر خود بنام مفاتیح الاسرار مینویسد که مردی از حضرت صادق علیه السّلام سؤال کرده گفت کسانی در شهر ما هستند میگویند این آیه فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ منظور از ذکر تورات است و اهل ذکر علمای یهودند.

حضرت صادق فرمود پس در این صورت خداوند ما را دعوت بدین یهود می نماید.

بخدا سوگند ما اهل ذکر هستیم که دستور داده از ما بپرسند گفته است همین طور از حضرت علی علیه السّلام نقل شده که فرموده است ما اهل ذکر هستیم.

مناقب: جابر جعفی در مورد آیه فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ گفت که حضرت باقر فرمود ما اهل ذکر هستیم.

ابو زرعه گفت سوگند بجان خود میخورم که ابو جعفر حضرت باقر بزرگترین دانشمندان است.

ابو جعفر طوسی میگوید: خداوند پیغمبر را ذکر نامیده در این آیه قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْراً رَسُولًا.

پس ذکر رسول اللّه است و ائمه اهل او هستند همین معنی از حضرت باقر و صادق و حضرت رضا علیهم السّلام نقل شده.

سلیمان صهرشتی میگوید: ذکر قرآن است إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ آنها حافظ قرآن و عارف بمعنی آن هستند.

تفسیر قطان: حارث گفت از امیر المؤمنین علیه السّلام راجع باین آیه پرسیدم فرمود بخدا سوگند ما اهل ذکر هستیم و ما اهل علم هستیم ما معدن تأویل و تنزیل قرآنیم.

از حضرت امام حسن نقل شده در ضمن گفتاری، که عزت بخشیده بوسیله قرآن عرب را عموما و شرافت داد باشخاصی معین، فرموده است: وَ إِنَّهُ لَذِكْرٌ

امامت، ج ۱، ص: ۱۱۹

لَكَ وَ لِقَوْمِكَ».

عیون اخبار الرضا: در ضمن سخنانی که حضرت رضا علیه السّلام پیش

مـأمون راجع بفضـيلت عترت طـاهره بيان مى كرد فرمود: نهم اينست كه ما اهل ذكر هستيم كه خداونـد ميفرمايـد: فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ ما اهل ذكريم از ما بپرسـيد اگر نميدانيد. علما گفتند منظور يهود و نصارى است حضرت رضا فرمود سبحان اللَّه چنين چيزى جايز است.

اگر درست باشد پس خداوند ما را دعوت بدين آنها نموده آنها خواهند گفت كه دين يهود بهتر از دين اسلام است.

مأمون گفت آيا شما توضيح ديگرى داريد بر خلاف آنچه گفته، فرمود آرى ذكر رسول اللَّه است.

و مـا اهـل او هستيم اين مطلب در آيه قرآن تصـريح شـده در سوره طلاق ميفرمايـد ضـمن آيه فَاتَّقُوا اللَّهَ يا أُولِي الْأَلْبابِ الَّذِينَ آمَنُوا قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْراً رَسُولًا يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آياتِ اللَّهِ مُبَيِّناتٍ.

پس ذكر پيامبر اكرم است و ما اهل او هستيم.

تفسير قمى: زراره از حضـرت باقر عليه السّـلام نقل كرد در مورد آيه فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ منظور از اهل ذكر كه ما بايـد از آنها بپرسم كيانند امام عليه السّـلام فرمود ما هستيم گفتم از شـما بايد سؤال شود فرمود آرى عرض كردم سـئوال كننده ما هستيم، فرمود بلى.

گفتم پس مـا بايـد از شـما سؤال كنيم جواب داد آرى گفتم بر شـما واجب است جواب مـا را بدهيـد فرمود نه اين امر براى ما اختيارى است اگر خواستيم جواب ميدهيم در صورتى كه نخواهيم جواب نميدهيم بعد اين آيه را خواند:

هذا عَطاؤُنا فَامْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسابٍ.

توضيح: شايد استشهاد به آيه از جهت مثال باشد يعنى همان طور كه

امامت، ج ۱، ص: ۱۲۰

بسلمان نعمت دنيا را دادند و او را مخير كردند در بخشش

و نگهداری، همین طور نشر علم را در اختیار ما گذاشته اند.

ممکن است در مورد سلیمان هم چنین باشد او را نیز در نشر علم اختیار داده باشد یا در هر دو.

قرب الاسناد: بزنطی گفت در جواب نامه ای که حضرت رضا علیه السّلام برای او نوشت استشهاد بآیه نمود فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّکْرِ إِنْ کُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ و فرموده وَ ما کانَ الْمُؤْمِنُونَ لِیَنْفِرُوا کَافَّةً فَلَوْ لا نَفَرَ مِنْ کُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طائِفَةٌ لِیَتَفَقَّهُوا فِی الدِّینِ وَ لِیُنْذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذا رَجَعُوا إِلَیْهِمْ لَعَلَّهُمْ یَحْذَرُونَ فرمود بر شما واجب شده پرسیدن و بر ما جواب دادن واجب نیست.

در روایت دیگر ص ۱۷۷- اما علیه السّلام استدلال باین آیه میکند فَإِنْ لَمْ یَسْتَجِیبُوا لَکَ فَاعْلَمْ أَنَّما یَتَّبِعُونَ أَهْواءَهُمْ تا آخر آیه.

بصائر الدرجات: فضیل از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که در مورد آیه وَ إِنَّهُ لَذِکْرٌ لَکَ وَ لِقَوْمِکَ وَ سَوْفَ تُسْئَلُونَ فرمود ذکر قرآن است و ما آن قوم هستیم (که در آیه یاد شده) و از ما باید پرسیده شود «۱».

توضیح: مفسرین ذکر را به شرف تفسیر نموده اند و سؤال را گفته اند یعنی از مردم در روز قیامت می پرسند در مورد ادای شکر قرآن و پاس حق آن را داشتن بنا بر این خبرها معنی آیه اینست که از شما سؤال می شود راجع بعلوم قرآن و احکام آن در دنیا.

بصائر: از حضرت رضا نقل شد که فرمود: فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّکْرِ اهل ذکر ائمه علیهم السّلام هستند اگر نمیدانند مردم باید از آنها بپرسند ولی بر ائمه واجب نیست جوابشان را بدهند در صورتی که بخواهند جواب می دهند و گر نه نمیدهند.

امامت، ج ۱، ص: ۱۲۱

بصائر: با همین

اسناد گفت بحضرت رضا علیه السّلام عرضکردم آیا ممکن است در مورد حلال و حرام و سایر احتیاجهای مردم از امام سؤالی بکنند ولی جوابی در نزدش نباشد که بدهد.

فرمود: نه چنین چیزی ممکن نیست ولی ممکن است جواب را بداند اما جواب ندهد.

بصائر الدرجات: ابو بکر حضرمی گفت خدمت حضرت باقر بودم که ورد برادر کمیت وارد شد، گفت فدایت شوم هفتاد مسأله تهیه دیده بودم از شما بپرسم اما اکنون یکی از آن مسائل یادم نیست فرمود یکی هم یادت نمانده عرضکرد چرا یکی از آنها در خاطرم هست فرمود چیست؟

گفت این آیه فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ فرمود خداوند به شما امر کرده از ما سؤال کنید ما اگر خواستیم جواب می دهیم و گر نه جواب نمی دهیم.

بصائر: وشاء از حضرت رضا علیه السّلام نقل کرد فرمود حضرت زین العابدین علیه السّلام فرموده است بر ائمه چیزهائی واجب است که بر شیعیان واجب نیست و بر شیعیان چیزهائی واجب است که برای ائمه واجب نیست.

خدا بآنها دستور داده از ما سؤال کنند در این آیه می فرماید: فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ دستور داده از ما بپرسند ولی بر ما جواب دادن لازم نیست در صورتی که بخواهیم جواب می دهیم و گر نه نمی دهیم.

بصائر الدرجات: زراره گفت از حضرت باقر علیه السّلام در مورد آیه فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ پرسیدم که اهل ذکر کیانند فرمود ما گفتم پس بچه کس دستور داده اند از شما بپرسند فرمود بشما.

گفتم پس من از شما سؤال میکنم همان طور که دستور داده اند خیال میکردم از این راه که وارد شوم جواب

خواهد داد فرمود بشما دستور داده اند بپرسید و بر ما الزام نشده که جواب بشما بدهیم این کار را در اختیار ما گذاشته اند.

امامت، ج ۱، ص: ۱۲۲

بصائر الدرجات: ابن کثیر از حضرت صادق علیه السّلام نقل میکند در مورد آیه فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّکْرِ إِنْ کُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ فرمود: ذکر محمّد صلی اللّٰه علیه و آله و سلم است و ما اهل آن هستیم و از ما باید سؤال شود.

بصائر الدرجات: معلی بن خنیس از حضرت صادق در مورد آیه فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّکْرِ إِنْ کُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ نقل کرد که فرمود اهل ذکر آل محمّدند ما گفتار کلبی را بعرض امام علیه السّلام رساندیم که او می گوید اهل ذکر اهل کتاب یهود و نصاری هستند امام علیه السّلام او را لعنت نموده تکذیبش نمود.

بصائر الدرجات: عبد الحمید از حضرت صادق علیه السّلام در باره آیه فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّکْرِ إِنْ کُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ فرمود کتاب خدا ذکر است و اهل آن آل محمّدند که خدا دستور داده از آنها سؤال کنند بآنها دستور نداده از جهال سؤال نمایند خداوند قرآن را ذکر نامیده فرمود: وَ أَنْزَلْنا إِلَیْکَ الذِّکْرَ لِتُبَیِّنَ لِلنَّاسِ ما نُزِّلَ إِلَیْهِمْ وَ لَعَلَّهُمْ یَتَفَکَّرُونَ «۱».

بصائر الدرجات: حسن بن صالح گفت مردی از واقفیها خدمت امام علیه السّلام رسیده لجام مرکب ایشان را گرفت و گفت من میخواهم سؤالی از شما بکنم فرمود من جواب ترا نمیدهم گفت چرا جواب نمیدهی فرمود چون این اختیار را بمن داده اند اگر بخواهم جواب میدهم و گر نه جواب نمیدهم.

بصائر الدرجات: جابر گفت از حضرت ابو جعفر سؤالی کردم یا گفت سؤال شد از ایشان فرمود وقتی موسی را دیدی

از او این مسأله را بپرس. من گفتم شما نمیدانید جواب آن را فرمود چرا گفتم پس برایم توضیح دهید فرمود بمن اجازه این کار را نداده اند.

توضیح: اینکه حضرت باقر جابر را بموسی بن جعفر ارجاع میدهد بعید است زیرا ولادت حضرت کاظم بعد از چند سال از وفات حضرت باقر بوده و وفات

امامت، ج ۱، ص: ۱۲۳

جابر هم در سال ولادت حضرت موسی بن جعفر علیه السّلام اتفاق افتاده مگر منظور این باشد که اگر او را درک کردی سؤال کن یا منظور از موسی یکی از روات باشد و جوابدادن در آن روز یا ساعت صلاح نبوده.

تفسیر عیاشی: محمّد طیار گفت بحضرت صادق علیه السّلام عرضه داشتم بعضی از سخنرانیهای پدرش را تا رسیدم بیک قسمت از آنها فرمود بایست و ساکت باش بعد فرمود بنویس چنین فرمود من نوشتم: شما را چاره ای نیست در مورد چیزهائی که نمیدانید جز توقف و پایداری و برگرداندن آن را بائمه هدی تا شما را براه واقعی وادارند و رفع ابهام از شما بنمایند خداوند میفرماید: فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ.

تفسیر عیاشی: احمد بن محمّد گفت حضرت رضا علیه السّلام برایم نوشت خداوند بما و تو بهترین عافیت عنایت کند. شیعیان ما کسانی هستند که تابع ما باشند و مخالفت با ما نکنند هر گاه ما خائف باشیم آنها نیز در خوف باشند هنگام امن ما در امان باشند.

خداوند میفرماید: فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ و در آیه دیگر میفرماید: فَلَوْ لا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنْذِرُوا قَوْمَهُمْ برای شما واجب شده سؤال کردن و برگرداندن سؤالهای

خـود را بمـا و بر مـا واجـب نشـده جوابـدادن مگر خداونـد نهی نکرده از زیـاد سـؤال کردن بـاز دست برنداشتیـد. از این کـار خودداری کنید همانا کسانی که قبل از شـما بودند هلاک شدند بواسطه زیاد سؤال کردن از پیامبران خود، خداوند در این آیه میفرماید:

یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لا تَسْئَلُوا عَنْ أَشْیاءَ إِنْ تُبْدَ لَکُمْ تَسُؤْکُمْ.

توضـیح: روایت شـده در مسـتدرک از حافظ ابی نعیم باسـتناد خود از انس که پیامبر اکرم فرمود: الَّذِینَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِکْرِ اللَّهِ أَلا بِذِکْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ فرمود میـدانی آنها کیاننـد پسـر ام سـلمه! گفتم: کیانند یا رسول اللّه فرمود ما خانواده و شیعیانمان.

امامت، ج ۱، ص: ۱۲۴

ابانه ابو العباس فلکی: مینویسد حضرت علی علیه السّلام فرمود متوجه باشید ذکر پیامبر اکرم است و ما اهل آن جناب هستیم ما راسخین در علمیم و مشعلهای هدایت و پرچمهای تقوی برای ما مثال زده شده.

حضـرت باقر فرمود بپیامبر اکرم علم تمام انبیاء و علم تمام اوصـیاء را داده انـد و علم آنچه اتفاق می افتد تا روز قیامت بعد این آیه را تلاوت نمود هذا ذِکْرُ مَنْ مَعِیَ وَ ذِکْرُ مَنْ قَبْلِی منظور پیامبر اکرم است.

اختصاص: موسی بن اشیم گفت: خدمت حضرت صادق علیه السّلام رسیدم و مسأله ای سؤال کردم جوابش را فرمود همان جا نشسته بودم مردی آمد همان سؤال را کرد امام علیه السّلام بر خلاف جواب من باو پاسخداد در این موقع مرد دیگری وارد شد از همـان مسـأله بخصـوص سؤال کرد امـام علیه السّلام بر خلاـف جواب من و جوابی که بـآن دیگری داده بود بـاین مرد سوم پاسخداد من سخت ناراحت شدم و بسیار در نظرم

گران آمد وقتی مردم رفتند نگاهی من نموده فرمود پسر اشیم مثل اینکه ناراحت شدی.

عرضکردم: فدایت شوم من ناراحت شدم که در یک مسأله بخصوص سه جواب دادید.

فرمود پسر اشیم خداوند امور مملکتش را بداود سپرد در این آیه می فرماید:

هذا عَطاؤُنا فَامْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسابٍ به محمّد نیز امور دین را تفویض نموده فرموده است ما آتاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ ما نَهاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا و خداوند به پیشوایان از ما خانواده و بما واگذاشته آنچه به محمّد صلی اللّه علیه و آله و سلم واگذاشته است ناراحت نباش.

تفسیر قمی: الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ گفته است الَّذِينَ آمَنُوا شیعه هستند و ذکر اللّه امیر المؤمنین و ائمه هستند سپس این آیه را خواند:

أَلا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ.

امامت، ج ۱، ص: ۱۲۵

توضیح: علامه در کتاب کشف الحق گفته است که حافظ محمّد بن موسی شیرازی که از علمای اهل سنت است روایت کرده و استخراج نموده از تفاسیر دوازده گانه از ابن عباس در باره آیه فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ که اهل ذکر محمّد و علی و فاطمه و حسن و حسین هستند که اینها اهل ذکر و علم و عقل و بیانند و اهل بیت نبوت و پایگاه رسالت و محل آمد و رفت ملائکه اند بخدا قسم مؤمن را مؤمن نام نداده اند مگر بواسطه احترام امیر المؤمنین علیه السّلام و همین مطلب را روایت کرده سفیان ثوری از سدی از حارث- پایان.

کنز الفوائد: ص ۱۶۲- ابن طریف از ابن نباته نقل کرد که امیر المؤمنین علیه السّلام در باره آیه فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ فرمود ما اهل ذکریم.

کنز الفوائد: عیسی بن داود

از ابو الحسن موسی بن جعفر علیه السّلام در مورد آیه لَقَدْ أَنْزَلْنا إِلَيْكُمْ كِتاباً فِيهِ ذِكْرُكُمْ أَ فَلا تَعْقِلُونَ فرمود منظور فرمانبرداری از امام است پس از پیغمبر صلی اللّه علیه و آله و سلم.

توضیح: شاید منظور اینست ذکری که قرآن بر آن مشتمل است وجوب اطاعت امام است که موجب عزت دنیا و آخرت می شود.

کنز الفوائد: محمّد حلی گفت: آیه شریفه إِنَّهُ لَذِكْرٌ لَكَ وَ لِقَوْمِكَ وَ سَوْفَ تُسْئَلُونَ گفت حضرت رسول و اهل بیت آن جناب اهل ذکر هستند و از آنها باید سؤال شود خداوند دستور داده از آنها بپرسند فرمانروایان مردم و مقدمند بر آنها از جانشان، حلال نیست برای احدی که حق واجب آنها را بگیرد.

کنز الفوائد: عبد اللّه از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که در مورد آیه وَ إِنَّهُ لَذِكْرٌ لَكَ وَ لِقَوْمِكَ وَ سَوْفَ تُسْئَلُونَ فرمود وَ لِقَوْمِكَ یعنی علی علیه السّلام دنبال آیه معنیش اینست که بزودی از ولایت امیر المؤمنین بازخواست می شوید.

تفسیر عیاشی: ص ۲۱۱- خالد بن نجیح گفت در مورد آیه أَلا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ حضرت صادق علیه السّلام فرمود به محمّد دلها آرامش می یابد او ذکر

امامت، ج ۱، ص: ۱۲۶

اللّه و حجاب خداست.

مناقب: ابن عباس در باره آیه إِنَّا أَخْلَصْناهُمْ بِخالِصَةٍ ذِكْرَى الدَّارِ گفت این آیات در باره اهل بیت پیغمبر است. «۱»

توضیح: شاید تفسیر ذِكْرَى الدَّارِ را بذکر دنیا نموده و چون باقیمانده ذکر ابراهیم و سایر انبیاء بوسیله اهل بیت علیهم السّلام است گفته آیه در باره اهل بیت نازل شده.

امامت، ج ۱، ص: ۱۲۷

بخش دهم ائمه علیهم السّلام اهل علم قرآنند که کتاب آسمانی بآنها داده شد و با قرآن مردم را باطاعت خدا امیدارند و راسخین در علمند

ترجمه روایات

کنز الفوائد: ص ۲۲۲- ابو الجارود از حضرت باقر نقل کرد در مورد آیه فَالَّذِينَ

آتَیْناهُمُ الْکِتابَ یُؤْمِنُونَ بِهِ فرمود آل محمّدند وَ مِنْ هؤُلاءِ مَنْ یُؤْمِنُ بِهِ منظور مؤمنین از اهل قبله است.

کنز الفوائد: ابو بصیر از حضرت باقر علیه السّلام در مورد آیه بَلْ هُوَ آیاتٌ بَیِّناتٌ فِی صُدُورِ الَّذِینَ أُوتُوا الْعِلْمَ نقل کرد که عرضکردم شما هستید کسانی که این آیه توصیف میکند فرمود چه کسی ممکن است باشد و ما راسخین در علم هستیم.

کنز الفوائد: علی بن اسباط گفت مردی از حضرت صادق علیه السّلام راجع بآیه بَلْ هُوَ آیاتٌ بَیِّناتٌ فِی صُدُورِ الَّذِینَ أُوتُوا الْعِلْمَ پرسید فرمودند ما همان کسانیم عرضکردم فدایت شوم تا قائم قیام کند فرمود ما همه قائم بامر خدا هستیم یکی پس از دیگری، صاحب شمشیر بیاید وقتی او آمد امری غیر از این آمده است.

تفسیر عیاشی: ابو ولاد گفت از حضرت صادق علیه السّلام سؤال کردم راجع بآیه الَّذِینَ آتَیْناهُمُ الْکِتابَ یَتْلُونَهُ حَقَّ تِلاوَتِهِ أُولئِکَ یُؤْمِنُونَ بِهِ فرمود آنها ائمه علیهم السّلام هستند.

امامت، ج ۱، ص: ۱۲۸

توضیح: مفسرین در مورد کتاب اختلاف دارند بعضی میگویند منظور از کتاب در آیه تورات است مراد آن دسته از اهل کتابند که مؤمنیند بعضی نیز گفته اند قرآن است در این صورت مراد مؤمنین این امت است این تأویل بنا به تفسیر دوم کتاب است که با آیه مناسب تر است زیرا تلاوت واقعی قرآن بستگی دارد بفهم مشکلات آن و عمل بتمام دستوراتش و این فهم و عمل اختصاص بائمه علیهم السّلام دارد چنانچه ایمان کامل بقرآن انجام نمیشود مگر از آنها.

تفسیر قمی: ص ۸۳- وَ أُوحِیَ إِلَیَّ هذَا الْقُرْآنُ لِأُنْذِرَکُمْ بِهِ وَ مَنْ بَلَغَ امام علیه السّلام فرمود مَنْ بَلَغَ همان امام است فرمود

حضرت محمّد صلی اللَّه علیه و آله و سلم مردم را متوجه میکند و میترساند ما نیز میترسانیم مانند حضرت محمّد صلی اللَّه علیه و آله و سلم طبرسی: در تفسیر خود مینویسد: معنی آیه اینست قرآن بزمین نازل شده تا بترسانم کسانی را که قرآن بآنها برسد تا روز قیامت و در تفسیر عیاشی مینویسد: حضرت باقر و حضرت صادق فرمودند معنی آیه اینست: کسی که بمقام امامت رسید از آل محمّد بوسیله قرآن مردم را میترساند همان طور که پیامبر اکرم با قرآن انذار میفرمود.

از حضرت باقر علیه السّلام در باره آیه بَلْ هُوَ آیاتٌ بَیِّناتٌ فِی صُدُورِ الَّذِینَ أُوتُوا الْعِلْمَ فرمود ما را قصد کرده ائمه از آل محمّد صلی اللَّه علیه و آله و سلم.

برید بن معاویه از حضرت صادق علیه السّلام در باره آیه وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْکِتابِ فرمود ما را قصد کرده علی علیه السّلام اول و افضل و بهترین ما بعد از پیامبر اکرم است.

تفسیر قمی: ابو بصیر از حضرت صادق علیه السّلام نقل میکند که میفرمود قرآن بازدارنده و امرکننده است راه بهشت را امر میکنند و از جهنم باز میدارد قرآن دارای محکم و متشابه است بمحکم باید ایمان آورد و عمل کرد و معتقد بود ولی متشابه را باید ایمان آورد اما عمل نکرد بهمین مطلب اشاره میکند آیه شریفه فَأَمَّا الَّذِینَ فِی قُلُوبِهِمْ زَیْغٌ فَیَتَّبِعُونَ ما تَشابَهَ مِنْهُ ابْتِغاءَ الْفِتْنَهِ وَ ابْتِغاءَ تَأْوِیلِهِ

امامت، ج ۱، ص: ۱۲۹

وَ ما یَعْلَمُ تَأْوِیلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَ الرَّاسِخُونَ فِی الْعِلْمِ یَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ کُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنا فرمود راسخین در علم آل محمّد هستند.

در تفسیر قمی مینویسد: قالَ

الَّذِينَ أَوتُوا الْعِلْمَ إِنَّ الْخِزْىَ الْيَوْمَ وَ السُّوءَ عَلَى الْكافِرِينَ فرمود در اين آيه كه ميفرمايد آنها كه بايشان علم داده شده يعنى ائمه عليهم السّلام.

تفسير قمى: وَ يَرَى الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ الَّذِى أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ هُوَ الْحَقَّ فرمود منظور امير المؤمنين عليه السّلام است كه تصديق كرد آنچه بر پيامبر اكرم نازل شد.

تفسير قمى: از حضرت باقر عليه السّلام نقل ميكند كه فرمود حضرت رسول بهترين فرد راسخين در علم است، ميدانست تمام آنچه بر او نازل شد تنزيل و تأويل هرگز خداوند چيزى را بر او نازل نميكند كه تأويلش را نداند جانشينان پيامبر صلى اللّٰه عليه و آله و سلم نيز پس از او تمام آنها را ميدانند عرضكردم فدايت شوم ابو الخطاب در باره شما اعتقاد بزرگى دارد فرمود چه ميگويد گفتم او معتقد است كه شما علم حلال و حرام و قرآن را ميدانيد.

فرمود علم حلال و حرام چيزى نيست در مقابل علم آنچه در شب و روز بوجود مى آيد.

تفسير قمى: بَلْ هُوَ آياتٌ بَيِّناتٌ فِى صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ فرمود آنها ائمه هستند و معنى وَ ما يَجْحَدُ بِآياتِنا يعنى انكار مقام امير المؤمنين و ائمه را نميكنند مگر كافران.

تفسير فرات: تِلْكَ الْأَمْثالُ نَضْرِبُها لِلنَّاسِ وَ ما يَعْقِلُها إِلَّا الْعالِمُونَ محمّد بن موسى گفت از زيد بن على شنيدم ميگفت ما هستيم كه معنى آن را ميفهميم بعد اين آيه را قرائت نمود بَلْ هُوَ آياتٌ بَيِّناتٌ فِى صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَ ما يَجْحَدُ بِآياتِنا إِلَّا الظَّالِمُونَ.

گفتم خيثمه بمن گفت شما باو چنين فرموده اى كه اين آيه فقط در باره شما خانواده است و بشما علم داده

شد گفت بخدا سوگند خثیمه راست گفته همین طور باو گفتم.

امامت، ج ۱، ص: ۱۳۰

تفسیر عیاشی: مالک جهنی گفت حضرت باقر فرمود «إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْراةَ فِيها هُدىً وَ نُورٌ» تا این قسمت آیه اسْتُحْفِظُوا مِنْ کِتابِ اللَّهِ این آیه در باره ما نازل شده.

توضیح: شاید منظور از هدایت و نوری که در تورات است ولایت باشد و ممکن است منظور این باشد ربانیان و احباری که حفظ کردند کتاب خدا را ائمه علیهم السلام هستند در تفسیر قرآن. در اخبار زیاد و دعاها وارد شده مستحفظین از آل محمّد صلی اللَّه علیه و آله و سلم.

بصائر الدرجات: کنانی گفت حضرت صادق علیه السّلام فرمود ای ابو الصباح ما گروهی هستیم که خداوند اطاعت ما را واجب نموده و خمس متعلق بما است و مال پاکیزه از ما است ما راسخ در علم هستیم بما حسادت میورزند که خداوند در این آیه میفرماید: أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلى ما آتاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ.

بصائر الدرجات: عمر بن مصعب از حضرت صادق نقل کرد که فرمود از جمله علومی که بما داده شده تفسیر قرآن و دگرگونیهای روزگار و اتفاقات شبانه روز است هر گاه خداوند در باره بنده ای تصمیم نیکی داشته باشد باو گوش شنوا میدهد اما اگر همین گوش شنوا را بدهند بکسی که گوش فرا نمیدهد چنان فرار میکند مثل اینکه نشنیده.

امام علیه السّلام در این موقع ساعتی سکوت کرد آنگاه فرمود اگر دلی آگاه و مخزنی درست پیدا کنیم یا کسی که اطمینان باو داشته باشیم (که اسرار را فاش نمیکند) این علوم را بآنها می آموزیم خداوند کمک کار است.

بصائر: محمّد بن مسلم گفت پس

از کشته شدن ابو الخطاب خدمت امام علیه السّلام رسیدم برایش نقل کردم احادیث شگفت انگیزی را که او نقل میکرد پیش از ادعائی که نمود «۱» فرمود کافی است ترا که در باره ما بگوئی عالم بحلال و حرام و علم قرآن و رفع اختلافات بین مردم هستند.

امامت، ج ۱، ص: ۱۳۱

موقعی که خواستم از جا حرکت کنم دامن مرا گرفت فرمود: محمّد! حلال و حرام چیست در مقابل علم. حلال و حرام در قسمت کمی از قرآن قرار دارد.

بصائر الدرجات: انس بن مالک خادم پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه و آله و سلم گفت پیامبر اکرم فرمود یا علی تو می آموزی بمردم تأویل قرآن را به چیزهائی که نمی دانند.

امیر المؤمنین علیه السّلام گفت بچه نوع تبلیغ رسالت ترا بعد از شما بکنیم؟! فرمود مسائل مشکلی که مردم در تأویل قرآن دارند به آن ها اطلاع میدهی.

بصائر الدرجات: ابو خالد واسطی از زید بن علی نقل کرد که امیر المؤمنین علیه السّلام فرمود هرگز خوابم نبرد و نه چشم برهم گذاشتم در زمان پیامبر مگر اینکه از آن جناب فرا گرفتم که آن روز جبرئیل چه چیز از حلال و حرام و سنت و امر و نهی از طرف خداوند آورده در چه مورد و در باره چه کس نازل شده.

ما از خدمت زید بن علی خارج شدیم همین مطلب را برای معتزلیان نقل کردیم گفتند این ادعای بزرگی است چگونه امکان دارد با اینکه اتفاق می افتاد یکی از دیگری دور می افتاد.

پس از کجا اطلاع پیدا می کرد. ما برگشتیم پیش زید و جریان رد کردن آنها را نقل کردیم.

گفت تعداد روزهائی که از خدمت پیغمبر دور

بود در خاطر می سپرد وقتی ایشان را ملاقات میکرد پیامبر اکرم میفرمود یا علی فلان روز فلان چیز نازل شد و در فلان روز فلان تا آخرین روزی که دور بوده ما برگشتیم و جواب را به معتزلیان گفتیم.

بصائر الدرجات: یعقوب بن جعفر گفت در خدمت حضرت ابو الحسن در مکه بودم مردی بایشان گفت شما از قرآن تفسیرهائی می کنید که شنیده نشده.

امامت، ج ۱، ص: ۱۳۲

امام علیه السّلام فرمود قرآن بر ما نازل شده قبل از مردم و پیش از مردم برای ما تفسیر شده است ما بحلال و حرام و ناسخ و منسوخ و آیاتی که در سفر و آیاتی که در حضر نازل شده و در کدام شب چقدر آیه نازل شده و در باره چه کس و چه چیز نازل گردیده عارف هستیم ما حکمای خدا در زمین و گواهان او در میان مردم هستیم این آیه اشاره بهمین مطلب است سَتُكْتَبُ شَهادَتُهُمْ وَ يُسْئَلُونَ گواهی از ما است و پرسش از مردم، این علمی بود که بتو اطلاع دادم اگر قبول نمودی بر این نعمت سپاسگزاری کن و اگر رد کردی خداوند بر هر چیز گواه است.

بصائر الدرجات: فضیل گفت از حضرت باقر راجع باین روایت پرسیدم که میفرماید هر آیه ای دارای ظاهر و باطنی است و هیچ حرفی در آن نیست مگر اینکه دارای انتها و ابتدائی است گفتم منظور از ظاهر و باطن آیه چیست؟

فرمود ظاهر و باطن آیه تأویل آن است که بعضی مربوط بگذشته و برخی به آینده است که با گذشت زمان و آمدن شب و روز پدید می آید هر وقت تأویل یک آیه از قرآن

بوقوع می پیوندد و ابتدا بامامهائی که از دنیا رفته اند اطلاع داده می شود سپس برای امام عصر گفته می شود خداوند در این آیه میفرماید: وَ ما یَعْلَمُ تَأْوِیلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَ الرَّاسِخُونَ فِی الْعِلْمِ فرمود ما تأویل آن را می دانیم.

کنز الفوائد: حضرت موسی بن جعفر علیه السّلام در باره آیه هذا ذِکْرُ مَنْ مَعِیَ وَ ذِکْرُ مَنْ قَبْلِی فرمود ذِکْرُ مَنْ مَعِیَ اشاره به علی است وَ ذِکْرُ مَنْ قَبْلِی انبیاء و اوصیاء هستند.

کنز الفوائد: ابو بصیر گفت بحضرت صادق علیه السّلام عرضکردم آیه هذا کِتابُنا یَنْطِقُ عَلَیْکُمْ بِالْحَقِّ.

چه معنی دارد فرمود کتاب که سخن نمی گوید محمّد و علی و اهل بیتش

امامت، ج ۱، ص: ۱۳۳

ناطق بکتاب هستند.

بصائر: ابو بصیر گفت حضرت صادق فرمود ما راسخین در علم هستیم و ما تأویل آن را می دانیم.

بصائر: برید عجلی از حضرت باقر یا صادق علیه السّلام نقل می کند که در باره آیه شریفه وَ ما یَعْلَمُ تَأْوِیلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَ الرَّاسِخُونَ فِی الْعِلْمِ فرمود پیامبر اکرم افضل راسخین در علم است.

خداوند باو تمام آنچه نازل فرموده از تأویل و تنزیلش آگاه کرده هرگز چیزی بر پیغمبرش نازل نمی کند که تأویلش را باو تعلیم نکند جانشینان پیامبر نیز بعد از او عالم بتمام آنها هستند.

کسانی که از تأویل قرآن اطلاع ندارند زمانی آگاهان تأویل بآنها اطلاع دهند که تأویل آیه چنین است.

خداوند از طرف آنها بوسیله این آیه چنین جواب داده: یَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ کُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنا می گویند ایمان داریم به آن همه اش از جانب پروردگار ما است.

قرآن دارای خاص و عام و محکم و متشابه و ناسخ و منسوخ است. راسخین در علم این مطالب را اطلاع دارند.

بصائر

الدرجات: ص ۵۴- ابو حمزه از ابو بصیر نقل می کند که امام باقر علیه السّلام این آیه را قرائت نمود بَلْ هُوَ آیاتٌ بَیِّناتٌ فِی صُدُورِ الَّذِینَ أُوتُوا- الْعِلْمَ این آیات آشکاری است در دل های کسانی که به آن ها علم داده شده.

امام علیه السّلام فرمود خداوند نفرموده این آیات در داخل جلد قرآن است بلکه فرموده در سینه حاملین علم است من گفتم: آقا! فدایت شوم آنها کیانند؟

امامت، ج ۱، ص: ۱۳۴

فرمود غیر از ما چه کس ممکن است باشد «۱».

محمّد بن فضیل از حضرت رضا علیه السّلام سؤال می کنند آنهائی که در این آیه مورد نظر هستند؟ کیانند می فرماید: فقط ائمه علیهم السّلام.

بصائر: عبد اللَّه بن عجلان از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد در باره آیه بَلْ هُوَ آیاتٌ بَیِّناتٌ فِی صُدُورِ الَّذِینَ أُوتُوا الْعِلْمَ فرمود فقط ما امامان هستیم و در تفسیر وَ ما یَعْقِلُها إِلَّا الْعالِمُونَ.

فرمود هر کس امام و آیات را بشناسد از کسانی است این مطلب را درک می کند که در آیه فرمود «درک نمی کنند آن را مگر دانشمندان».

بصائر: ابو بصیر از حضرت باقر نقل کرد که فرمود رجس و پلیدی شک است و ما هرگز در دین خود شک نکرده ایم بعد این آیه را خواند: بَلْ هُوَ آیاتٌ بَیِّناتٌ فِی صُدُورِ الَّذِینَ أُوتُوا الْعِلْمَ عرضکردم آنها شما هستید فرمود چه کس ممکن است باشد.

بصائر: عبد الرحمن از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد که فرمود این علم منتهی به آیاتی چند از قرآن شده است در این موقع انگشتان خود را جمع نمود (یعنی آیاتی انگشت شمار) بعد این آیه را قرائت فرمود بَلْ هُوَ آیاتٌ بَیِّناتٌ فِی صُدُورِ

الَّذِينَ أَوتُوا الْعِلْمَ.

بصائر: سدير از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که در باره آیه بَلْ هُوَ آياتٌ بَيِّناتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ.

و آیه هُوَ نَبَأٌ عَظِيمٌ أَنْتُمْ عَنْهُ مُعْرِضُونَ فرمود کسانی که بآنها علم داده شده ائمه هستند.

و (نبأ) در آیه ای که میفرماید این خبر بزرگی است که شما نسبت بآن

امامت، ج ۱، ص: ۱۳۵

بی اعتنا هستید فرمود امامت است تفسیر عیاشی: ج ۱ ص ۱۶۵- جابر گفت از حضرت باقر علیه السّلام در مورد این آیه سؤال کرد: شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ وَ الْمَلائِكَةُ وَ أُولُوا الْعِلْمِ قائِماً بِالْقِسْطِ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ.

فرمود خداوند گواهی می دهد که خدائی جز ذات یکتایش نیست و همین طور هم هست ملائکه نیز همین گواهی را میدهند خداوند بآنها احترام گزارده که تسلیم بپروردگارند و گواهی دارند اما این قسمت آیه أُولُوا الْعِلْمِ قائِماً بِالْقِسْطِ صاحبان علم انبیاء و اوصیایند و آنها بپا دارنده عدل و دادگری هستند در ظاهر و یک معنی عدل در باطن امیر المؤمنین علیه السّلام است.

مناقب: ابو القاسم کوفی گفت روایت شده در باره آیه ما يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ فرمود راسخین در علم کسانی هستند که پیامبر اکرم آنها را قرین و همراه کتاب خدا قرار داده اطلاع داده است که آنها از یک دیگر جدا نمی شوند تا وارد بر من شوند در حوض کوثر.

در لغت- راسخ بمعنی لازم است کسی که از جایش تکان نمی خورد و چنین نخواهند بود مگر کسانی که سرشت آنها از ابتدا همراه علم بوده مانند عیسی هنگام ولادت که گفت: (إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتانِيَ الْكِتابَ).

اما کسی که

سالهای زیاد زندگی میکند بدون علم سپس در جستجوی علم بر می آید و بقدری که میتواند از دیگری بدست می آورد او از راسخین نخواهد بود گفته می شود ریشه های درخت در زمین رسوخ کرد رسوخ نمیکند مگر در حال کوچکی.

امیر المؤمنین علیه السّلام فرموده کجایند کسانی که خیال میکنند راسخین در علم غیر از ما هستند از دروغ و ستمگری و حسادتی که بما دارند چون خداوند ما را سربلند کرده و ایشان را پائین آورده و بما لطف نموده و آنها را محروم کرده

امامت، ج ۱، ص: ۱۳۶

و ما را داخل نموده و ایشان را خارج کرده بوسیله ما هدایت پرتو افکنده و نابینائی رخت بربسته نه توسط آنها.

تفسیر قمی: ص ۲۲۸- در روایتی ابو الجارود از حضرت باقر علیه السّلام در باره آیه وَ الَّذِینَ یُمَسِّکُونَ بِالْکِتابِ تا آخر آیه در باره آل محمّد و پیروان آنها نازل شد و این آیه وَ إِذْ تَأَذَّنَ رَبُّکَ لَیَبْعَثَنَّ تا آخر آیه آنها امت محمّد صلی اللَّه علیه و آله و سلم اهل کتاب (یهود و نصاری) را گرفتار شکنجه سختی میکنند از آنها جزیه و مالیات می گیرند.

توضیح: طبرسی در تفسیر خود میگوید وَ الَّذِینَ یُمَسِّکُونَ بِالْکِتابِ یعنی نگه میدارند کتاب را و منظور از کتاب تورات است یعنی آن را تغییر نمیدهند و کتمان نمی نمایند. بعضی از مفسرین گفته اند کتاب در این آیه قرآن است و چنگ زننده بآن امت محمّد صلی اللَّه علیه و آله و سلم و در باره آیه مَنْ یَسُومُهُمْ سُوءَ الْعَذابِ یعنی شدت عذاب و شکنجه را از قبیل قتل و گرفتن جزیه بایشان میچشاند و تمام مفسرین میگویند منظور امت

محمّد صلی اللَّه علیه و آله و سلم است و همین از حضرت باقر علیه السّلام روایت شده.

امامت، ج ۱، ص: ۱۳۷

بخش یازدهم ائمه علیهم السّلام آیات و دلائل و کتاب خدایند

ترجمه روایات

تفسیر قمی: ابو حمزه گفت از حضرت باقر علیه السّلام راجع باین آیه پرسیدم وَ الَّذِینَ کَذَّبُوا بِآیاتِنا صُمٌّ وَ بُکْمٌ فِی الظُّلُماتِ مَنْ یَشَأِ اللَّهُ یُضْلِلْهُ وَ مَنْ یَشَأْ یَجْعَلْهُ عَلی صِراطٍ مُسْتَقِیمٍ فرمود در باره کسانی که اوصیاء خود را تکذیب نموده اند کر و لال هستند همان طور که خداوند فرموده در تاریکیها بسر می برند کسی که از فرزندان شیطان باشد هرگز تصدیق امامان و اوصیاء را نخواهد کرد و ایمان نمی آورد آنها را خدا گمراه نموده ولی کسانی که از فرزندان آدم باشند ایمان باوصیاء می آورند و در راه راست قرار دارند.

شنیدم میفرمود: کَذَّبُوا بِآیاتِنا تمام آیات در بطن قرآن است یعنی اگر تمام اوصیاء را تکذیب کنند.

تفسیر قمی: وَ الَّذِینَ هُمْ عَنْ آیاتِنا غافِلُونَ کسانی که از آیات ما غافل هستند در تفسیر معنی آیات مینویسد یعنی امیر المؤمنین و ائمه علیهم السّلام هستند دلیل بر این مطلب فرمایش امیر المؤمنین علیه السّلام است که فرمود خدا را آیه ای

امامت، ج ۱، ص: ۱۳۸

بزرگتر از من نیست.

تفسیر قمی: داود بن کثیر رقی گفت از حضرت صادق علیه السّلام راجع باین آیه پرسیدم وَ ما تُغْنِی الْآیاتُ وَ النُّذُرُ عَنْ قَوْمٍ لا یُؤْمِنُونَ فرمود آیات ائمه هستند و نذر انبیاء.

تفسیر قمی: فَالَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ فِی جَنَّاتِ النَّعِیمِ وَ الَّذِینَ کَفَرُوا وَ کَذَّبُوا بِآیاتِنا و ایمان بولایت امیر المؤمنین علیه السّلام و ائمه ندارند برای آنها عذابی دشوار است.

تفسیر قمی: آیه سَیُرِیکُمْ آیاتِهِ فَتَعْرِفُونَها نوشته است آیات در این آیه قرآن امیر

المؤمنين و ائمه عليهم السّلام هستند وقتى بر گردند دشمنانشان آنها را ميشناسند بعد از ديدن.

تفسير قمى: إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّماءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْناقُهُمْ لَها خاضِعِينَ اگر بخواهيم آيه اى از آسمان فرو ميفرستيم كه سر بزير ميشوند.

هشام از حضرت صادق عليه السّلام نقل كرد كه فرمود سر افكنده ميشوند يعنى بنى اميه و آن آيه صيحه اى است از آسمان بنام صاحب الامر عليه السّلام.

تفسير قمى: بَلْ هُوَ آياتٌ بَيِّناتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ فرمود آنها ائمه هستند و آيه وَ ما يَجْحَدُ بِآياتِنا يعنى منكر مقام امامت امير المؤمنين و ائمه نميشوند مگر كافران.

توضيح: اينكه بر امامان عليهم السّلام اسم آيات اطلاق شده زيرا آنها بزرگترين علامت و نشانه واضح براى عظمت خدا و قدرت و علم و لطف و رحمت او هستند.

تفسير قمى: كِتابٌ أَنْزَلْناهُ إِلَيْكَ مُبارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آياتِهِ آنها امير المؤمنين و ائمه هستند وَ لِيَتَذَكَّرَ أُولُوا الْأَلْبابِ ايشان همان خردمندانند.

تفسير قمى: فَأُولئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ بِما كانُوا بِآياتِنا يَظْلِمُونَ اينان

امامت، ج ۱، ص: ۱۳۹

كسانى هستند كه زيانكارند بواسطه ستمى كه بآيات ما روا داشتند.

فرمود يعنى انكار ائمه عليهم السّلام را نمودند.

تفسير عياشى: عمر بن يزيد گفت از حضرت صادق عليه السّلام راجع بآيه ما نَنْسَخْ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنْسِها نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْها أَوْ مِثْلِها پرسيدم فرمود دروغ گفته اند آيه اين طور نيست زيرا اگر آيه را نسخ كند و مانند آن را بياورد پس نسخ نكرده گفتم مگر خداوند اين طور نفرموده.

فرمود نه پرسيدم پس چگونه فرموده است. فرمود آيه الف و واو (او) ندارد چنين فرموده ما نَنْسَخْ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنْسِها نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْها أَوْ مِثْلِها ميفرمايد هيچ

امامی را نمی میرانیم یا او را از خاطر نبریم مگر اینکه بهتر از او را از صلبش می آوریم مانند خودش.

توضیح: شاید منظور از بهتر بودن یعنی از نظر مصلحت است نه از جهت فضائل.

بصائر: محمّد بن فضل از ثمالی نقل کرد که حضرت باقر علیه السّلام فرمود حضرت علی آیه ای برای محمّد صلی اللّه علیه و آله و سلم است و حضرت محمّد صلی اللّه علیه و آله و سلم دعوت میکرد مردم را بولایت علی علیه السّلام.

کافی: ۱- ص ۴۱۴- عبد الرحمن بن کثیر از حضرت صادق علیه السّلام در باره آیه شریفه نقل کرد.

و هُوَ الَّذِی أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتابَ مِنْهُ آياتٌ مُحْكَماتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتابِ منظور از آيات محكمات امير المؤمنين و ائمه عليهم السّلام هستند وَ أُخَرُ مُتَشابِهاتٌ مقصود از متشابهات فلانى و فلانى و فلانى است فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ ما تَشابَهَ مِنْهُ ابْتِغاءَ الْفِتْنَةِ وَ ابْتِغاءَ تَأْوِيلِهِ وَ ما يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ فرمود راسخين در علم امير المؤمنين و ائمه عليهم السّلام هستند.

توضیح: شاید منظور این باشد که آنچه در باره امیر المؤمنین و ائمه علیهم السلام از آیات نازل شده محکمات است کسانی که دلهای آنها آلوده است و تمایل بباطل دارند پیرو متشابهات از آیات میشوند و آنها را در باره پیشوایان خود تأویل

میکنند با اینکه تأویل متشابهات را جز خدا و راسخین در علم نمیدانند. ممکن است که منظور تشبیه ائمه علیهم السّلام است بآیات محکمات و شیعیان آنها را بکسانی که پیرو آیات محکمات هستند. و دشمنان آل محمّد صلی اللّه علیه و آله و سلم

را متشابهات، بواسطه اشتباه مردم در باره آنها و پیروان آنها را تشبیه نموده بکسانی که پیرو متشابهند وجه اول ظاهرتر است خدا میداند.

تفسیر قمی: عبد الاعلی بن اعین گفت پیامبر اکرم فرمود هر کس بخدا و روز قیامت ایمان دارد نمینشیند در مجلسی که در آن مجلس امامی را ناسزا میگویند یا غیبت مسلمانی را می کنند.

خداوند در قرآن کریم میفرماید: وَ إِذا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آياتِنا تا این قسمت آیه مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ.

شاید پیامبر اکرم آیات را تأویل بائمه علیهم السّلام نموده یا بآیاتی که نازل شده در باره آنها.

تفسیر قمی: علی بن سوید گفت: از حضرت موسی بن جعفر (عبد صالح) سؤال کردم در مورد آیه ذلِكَ بِأَنَّهُ كانَتْ تَأْتِيهِمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّناتِ.

فرمود بینات در این آیه ائمه علیهم السّلام هستند.

کافی: محمّد بن سنان از مفضل نقل کرد که از حضرت صادق علیه السّلام راجع باین آیه پرسیدم ائْتِ بِقُرْآنٍ غَيْرِ هذا أَوْ بَدِّلْهُ فرمود گفتند علی را عوض کن.

توضیح: ابتدای این آیه وَ إِذا تُتْلى عَلَيْهِمْ آياتُنا بَيِّناتٍ قالَ الَّذِينَ لا يَرْجُونَ لِقاءَنَا ائْتِ بِقُرْآنٍ قبلا گفتیم که منظور از آیات ائمه است یا منظور آیاتی که در باره ولایت آنها نازل شده بنا بر هر دو صورت وقتی این آیات برای آنها خوانده شود منافقین میگویند قرآنی غیر از این بیاور که در آن راجع بولایت علی چیزی نباشد یا تغییر بده علی را باین طور که بجای آیه ای که متضمن

ولایت او است آیه دیگری قرار بده.

خداوند به پیامبرش میفرماید: قُلْ ما يَكُونُ لِي أَنْ أُبَدِّلَهُ مِنْ تِلْقاءِ نَفْسِي إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا ما يُوحى إِلَيَّ إِنِّي أَخافُ إِنْ

عَصَيْتُ رَبِّي بگو بمن اجازه داده شده كه از طرف خود تغييرى بدهم من فقط پيرو وحى هستم ميترسم اگر تغييرى بدهم از جانب خود مبتلا بعذابى بزرگ شوم.

كنز الفوائد: شخصى از حضرت صادق عليه السّلام سؤال كرد راجع به آيه وَ إِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتابِ لَدَيْنا لَعَلِيٌّ حَكِيمٌ فرمود امير المؤمنين است.

روايت شده كه سؤال شد در كجاى ام الكتاب ذكر على عليه السّلام شده فرمود در اين آيه اهْدِنَا الصِّراطَ الْمُسْتَقِيمَ كه منظور على عليه السّلام است.

كنز الفوائد: ابن طريف از ابن نباته نقل ميكند كه گفت با حضرت امير المؤمنين عليه السّلام بيرون رفتيم تا بخانه صعصعه بن صوحان رسيديم او در رختخواب خوابيده بود همين كه چشمش به على عليه السّلام افتاد احترام كرد.

امير المؤمنين عليه السّلام باو فرمود مبادا اين ديدار ما را از خود مايه فخرى قرار دهى بر قوم و خويشانت عرضكرد نه مولاى من ولى ذخيره اى براى آخرت و اجر و پاداشى محسوب ميكنم.

على عليه السّلام فرمود، صعصعه من خدا را شاهد ميگيرم كه ترا مردى كم خرج و بسيار كمك كننده يافته ام.

صعصعه در جواب عرضكرد تو نيز يا امير المؤمنين بخدا قسم عليم و دانا در باره خدا هستى و خداوند در نظرت بزرگ است و در قرآن كريم بنام على عظيم يادشده اى و نسبت بمؤمنين رؤوف و مهربانى.

كنز الفوائد: ابن سنان از حضرت صادق عليه السّلام نقل كرد وقتى زيد بن صوحان در جنگ جمل روى زمين افتاد امير المؤمنين عليه السّلام آمد و بالاى سرش نشست فرمود خدا ترا رحمت كند زيد مردى كم خرج ولى بسيار كمك كننده بودى. زيد

امامت، ج ۱، ص: ۱۴۲

سر برداشت و

نگاهی به مولی علیه السّلام نموده گفت خدا بشما نیز جزای خیر دهد یا امیر المؤمنین بخدا قسم شما را دانا و علیم نسبت بخدا میدانم و در قرآن بنام (علی حکیم) یادشده ای و خداوند در دل تو بسیار بزرگ است.

توضیح: بزودی در دعای غدیر خواهد آمد این جملات:

«اشهد انه الامام الهادی الرشید امیر المؤمنین الذی ذکرته فی کتابک فانک قلت: و إِنَّهُ فِی أُمِّ الْکِتابِ لَدَیْنا لَعَلِیٌّ حَکِیمٌ».

گواهی میدهم که او امام هادی و رشید است آن امیر المؤمنین است که در قرآن او را یاد کرده و فرموده ای: او در نزد ما علی حکیم است.

امامت، ج ۱، ص: ۱۴۳

بخش دوازدهم کسانی را که خداوند برگزیده و کتاب خویش را باو سپرده ائمه هستند و آل ابراهیم و اهل دعوت حقند

آیات

آل عمران: إِنَّ اللَّهَ اصْطَفی آدَمَ وَ نُوحاً وَ آلَ إِبْراهِیمَ وَ آلَ عِمْرانَ عَلَی الْعالَمِینَ، ذُرِّیَّةً بَعْضُها مِنْ بَعْضٍ وَ اللَّهُ سَمِیعٌ عَلِیمٌ.

فاطر: ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْکِتابَ الَّذِینَ اصْطَفَیْنا مِنْ عِبادِنا فَمِنْهُمْ ظالِمٌ لِنَفْسِهِ وَ مِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَ مِنْهُمْ سابِقٌ بِالْخَیْراتِ بِإِذْنِ اللَّهِ ذلِکَ هُوَ الْفَضْلُ الْکَبِیرُ.

تفسیر: مرحوم طبرسی میگوید (إِنَّ اللَّهَ اصْطَفی) خدا انتخاب کرد و برگزید (منظور از آل ابراهیم اولاد اوست اما منظور از آل عمران بعضی گفته اند همان آل ابراهیم هستند که موسی و هارون دو فرزند عمرانند بعضی نیز میگویند آل عمران منظور مریم و عیسی است، زیرا مریم دختر عمران است.

در قرائت اهل بیت علیهم السّلام آمده (و آل محمّد علی العالمین) و گفته اند نیز که منظور از آل ابراهیم همان آل محمّد است کسانی که از خانواده او محسوب می شوند.

امامت، ج ۱، ص: ۱۴۴

باید کسانی را که خدا برمی گزیند طاهر و پاک و معصوم و منزه از کار زشت باشند.

زیرا خداوند جز چنین اشخاصی را بر نمیگزیند که ظاهرش

مانند باطنش از نظر عصمت و طهارت باشد.

بنا بر این اصطفا و گزینش اختصاص می یابد بکسانی که معصوم باشند از آل ابراهیم و آل عمران چه پیامبر باشد و چه امام.

گفته شده که انتخاب دو نوع است:

یک نوع برای خود کسی را برگزیند که اختصاص بخود او داشته باشد.

دوم اینکه از میان دیگران انتخاب کند و آن منتخب را برتری بخشد بر دیگران بهمین وجه دوم معنی آیه توجه دارد (ذریه) یعنی اولاد و اعقاب «بَعْضُها مِنْ بَعْضٍ» بعضی گفته منظور در کمک کردن در راه دین است بعضی نیز میگوید در تولید و تناسل است.

زیرا ائمه علیهم السّلام ذریه آدم سپس نوح و پس از آن ابراهیمند همین نظر از حضرت صادق علیه السّلام نقل شده زیرا فرمود کسانی را که خدا برگزیده بعضی از نسل و نژاد بعضی دیگرند، جبائی هم این نظر را پذیرفته.

مرحوم طبرسی در این قسمت آیه ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتابَ یعنی قرآن یا تورات یا تمام کتب آسمانی داده ایم به کسانی که برگزیده ایم.

گفته اند انبیایند حضرت باقر و صادق فرموده اند این آیه اختصاص بما دارد و ما را منظور نموده این نزدیک ترین نظریه است بواقع.

فَمِنْهُمْ ظالِمٌ لِنَفْسِهِ در بازگشت ضمیر (منهم) اختلاف نموده اند بعضی میگوید یعنی بندگان که این نظر را سید مرتضی پذیرفته بعضی دیگر میگویند منظور همان برگزیده ها است از آن گذشته اختلاف دارند در مورد حال این سه فرقه که در آیه تشریح شده بعضی می گویند همه این سه فرقه نجات می یابند این نظر را روایت ابو الدرداء تأیید می کند که میگوید از پیامبر اکرم شنیدم

امامت، ج ۱، ص: ۱۴۵

میفرمود آنها که در آیه سابق بالخیرات یاد شده به

بهشت می روند بدون حساب مقتصد مورد حساب مختصری قرار میگیرد اما کسی که ظالم بخود است ابتدا حبس می شود بعد وارد بهشت خواهد شد اینها همان اشخاصی هستند که از قول ایشان خداوند در این آیه می گوید: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزَنَ.

ترجمه روایات

اصحاب ما از میسر بن عبد العزیز نقل کرده اند که حضرت صادق فرمود ظالم از ما خانواده کسی است عارف بحق امام نباشد و مقتصد کسی از ما خانواده است که عارف بامام باشد و سابق بخیرات خود امام است و تمام این سه دسته آمرزیده خواهند شد.

زیاد بن منذر از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد که فرمود (ظالِمٌ لِنَفْسِهِ) کسی از ما خانواده است که هم گناه می کند و هم صواب اما مقتصد کسی است عبادت پیشه و کوشا باشد سابق بخیرات عبارتند از علی و حسن و حسین علیهم السّلام و کسی که از آل محمّد شهید شود.

قول دیگر اینست که فرقه ظالم نجات نمی یابد قتاده می گوید. ظالم از اصحاب مشأمه است و مقتصد از اصحاب میمنه و سابق همان سابقون مقربند «بِإِذْنِ اللَّهِ» یعنی بامر و توفیق و لطف خدا.

تفسیر قمی: پس از ذکر آل محمّد صلی اللَّه علیه و آله و سلم گفته است ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْکِتابَ الَّذِینَ اصْطَفَیْنا مِنْ عِبادِنا آنها عبارت از ائمه هستند ظالِمٌ لِنَفْسِهِ از آل محمّد آنها غیر از ائمه هستند که منکر امام باشند وَ مِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ کسی است که اقرار بامام دارد وَ مِنْهُمْ سابِقٌ بِالْخَیْراتِ بِإِذْنِ اللَّهِ که همان امام است.

معانی الاخبار: عبد اللَّه علوی باسناد متصل نقل کرد که شخصی از حضرت صادق علیه السّلام تفسیر آیه: ثُمَّ

أَوْرَثْنَا الْكِتابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنا مِنْ عِبادِنا، فَمِنْهُمْ ظالِمٌ لِنَفْسِهِ وَ مِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَ مِنْهُمْ سابِقٌ بِالْخَيْراتِ بِإِذْنِ اللَّهِ فرمود ظالم کسی است که فکرش در اطراف نفس دور میزند و مقتصد کسی است که با دل سر و کار دارد و سابق کسی است که با خدای خود پیوسته.

امامت، ج ۱، ص: ۱۴۶

توضیح: اولی کسی است پیرو شهوات نفس است و دومی کسی است که عقاید قلبی خود را تصحیح نموده و سومی کسی است که جر رضا و خشنودی خدا چیزی را نمیخواهد یا دوم کسی هست که در راه اصلاح خویش است یا آن کسی که از عبادت منظورش سود و پاداش خودش هست ولی سومی از عبادت نظر نفع شخصی ندارد که این درجه مقربین است.

معانی الاخبار: حضرت باقر در باره آیه ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنا ... فرمود ظالم از ما خانواده کسی است که حق امام را نشناسد و مقتصد عارف بحق امام است و سابق در خیرات باذن خدا خود امام است جَنَّاتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَها بهشت برین که داخل آن میشوند سابق و مقتصداند.

معانی الاخبار: ثمالی گفت در مسجد الحرام خدمت حضرت باقر علیه السّلام نشسته بودم دو نفر از اهالی بصره پیش آمدند، عرضکردند ما سؤالی داریم اجازه میفرمائید بپرسیم. فرمود هر چه مایلید بپرسید گفتند تفسیر این آیه را میخواهیم ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنا مِنْ عِبادِنا ...

فرمود این آیات در باره ما خانواده پیغمبر نازل شده. ابو حمزه گفت عرض کردم فدایت شوم پس ظالم از شما خانواده کیست؟ فرمود کسی که حسنات و گناهانش برابر باشد او بخود ظلم نموده. مقتصد کسی است که خدا را

در هر دو حالت (سختی و سستی) میپرسند تا مرگ گریبانش را بگیرد عرض کردم پس سابق بخیرات کیست؟ فرمود بخدا قسم کسی که دعوت براه حق کند و امر بمعروف و نهی از منکر نماید و پشتیبان گمراهان نباشد و دشمن تبهکاران باشد و هرگز تن بحکم تبهکاران ندهد مگر از جان خویش یا دین خویش باک داشته باشد و یاوری پیدا نکند.

احتجاج: ص ۲۰۴- ابو بصیر گفت از حضرت صادق علیه السّلام راجع باین آیه پرسیدم ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنا مِنْ عِبادِنا فرمود تو چه میگوئی.

عرضکردم من میگویم اختصاص بفرزندان فاطمه علیها السّلام دارد فرمود کسی که شمشیر

امامت، ج ۱، ص: ۱۴۷

بکشد و مردم را بامامت خویش دعوت کند و گمراه نماید چه از فرزندان فاطمه و یا دیگری باشد در این آیه داخل نخواهد بود.

عرضکردم پس آیه شامل چه کسانی است؟ فرمود ظالم بخود کسی است که مردم را دعوت بخیر و شر نکند مقتصد کسی است که عارف بحق امام باشد و سابق بخیرات خود امام است.

بصائر الدرجات: ص ۱۴ سوره بن کلیب از حضرت ابو جعفر علیه السّلام نقل کرد که در باره این آیه ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنا مِنْ عِبادِنا فرمود سابق بخیرات امام است بهمین جهت این آیه در باره فرزندان فاطمه زهرا علیهما السّلام است «۱».

بصائر: عبد المؤمن انصاری از سالم اشل نقل کرد. سالم هر وقت بمدینه میرفت تا حضرت باقر علیه السّلام را زیارت نمیکرد خارج نمیشد از مدینه بکوفه آمد باو گفتیم سالم چه تحفه آورده ای؟ گفت بهترین تحفه دنیا و آخرت را آورده ام از حضرت صادق علیه السّلام سؤال کردم راجع بآیه

ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنا مِنْ عِبادِنا ... فرمود سابق بخيرات ائمه عليهم السّلام هستند.

كشف الغمه: ص ٣٠۶- داود بن قاسم جعفرى گفت از حضرت امام حسن عسكرى راجع باين آيه پرسيدم ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنا مِنْ عِبادِنا فَمِنْهُمْ ظالِمٌ لِنَفْسِهِ وَ مِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَ مِنْهُمْ سابِقٌ بِالْخَيْراتِ بِإِذْنِ اللَّهِ فرمود همه آنها از آل محمّدند. ظالم كسى كه اقرار بامام ندارد گفت اشكهايم جارى شد و شروع بفكر نمودم در مقام عظيم و لطف زيادى كه خداوند بآل محمّد صلى اللَّه عليه و آله و سلم نموده در اين موقع امام عليه السّلام بمن توجه نموده فرمود امر بزرگتر از آن مقداريست كه در دل خيال كردى در موردشان و بمقام آل محمّد صلى اللَّه عليه و آله و سلم. خدا را سپاسگزار باش كه ترا متمسك

امامت، ج ۱، ص: ۱۴۸

بحبل ولايت اين خاندان قرار داده. روز قيامت كه هر گروهى را با پيشواى خود پيش ميخوانند تو با ائمه اهل بيت عليهم السّلام خواهى بود ترا مژده ميدهم اى ابا هاشم عاقبت بخيرى.

توضيح: سيد بن طاوس در كتاب سعد السعود از تفسير محمّد بن عباس بن مروان نقل ميكند كه ابراهيم بن محمّد از سبيعى نقل كرد كه گفت بعنوان حج خارج شدم حضرت محمّد بن على عليه السّلام را ملاقات كردم از اين آيه پرسيدم ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتابَ ....

فرمود اهل كوفه در تفسير آيه چه ميگويند. گفتم ميگويند آيه در باره آنها است.

فرمود پس از چه ميترسند وقتى اهل بهشت باشند.

عرضكردم نظر شما چيست؟ فرمود آيه اختصاص بما دارد، سابق بخيرات على بن ابى طالب و حسن و حسين و شهيد از

ما خانواده است اما مقتصد روزها روزه دار و شبها شب زنده دار است.

اما ظالم بنفس خود جزء تائبين خواهد بود او را می آمرزند ابا اسحاق! بوسيله ما خدا عيب و ننگ را از شما برطرف نمود و بواسطه ما رشته خواری و ذلت را از گردن شما برداشته و بوسيله ما خدا گناهانتان را ميبخشد بما ميگشايد و بما ختم ميکند نه بوسيله شما ما پناهگاه شما هستيم هم چون غار اصحاب و کهف و کشتی نجات شمائيم مانند کشتی نوح و درب حطه شما هستيم مانند باب حطه بنی اسرائيل.

سيد بن طاوس: گفت تأويل اين آيه از بيست طريق نقل شده که در روايات مختصری زياد و کم مشاهده ميگردد.

کنز الفوائد: نقل ميکند از محمّد بن عباس همين روايت نقل شده جز اين که در آن بجای شهيد از ما امام از ما است و در آن روايت مينويسد ظالم بنفس در باره او همان قضاوتی می شود که در باره مردم می شود و او آمرزيده است.

امامت، ج ۱، ص: ۱۴۹

کنز الفوائد: سوره بن کليب گفت از حضرت ابی جعفر پرسيدم معنی اين آيه چيست؟

ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتابَ ... فرمود ظالم بنفس کسی است که امام را نشناسد پرسيدم مقتصد کيست؟ فرمود: کسی که امام را ميشناسد، گفتم پس سابق به خيرات کيست؟

فرمود امام است، عرضکردم پس برای شيعيان شما چه خواهد بود فرمود از گناهان آنها چشم پوشی می شود و ديون آنها پرداخت ميگردد و ما درب حطه آنهائيم و بوسيله ما بخشيده ميشوند.

سيد بن طاوس: در سعد السعود مينويسد اخبار زيادی در اين مورد ديده ام که بعضی از آنها را در کتاب بهجه نقل کرده ام اين

اخبار شاهدند بر اینکه آیه ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنا شامل تمام اولاد پیغمبر است ظالم بخود کسی است که جاهل بامام زمان خود باشد و مقتصد عارف بامام و سابق بخیرات همان امام وقت است.

از کسانی که این روایت را نقل نموده ایم عبارتند از شیخ ابو جعفر محمّد بن بابویه از کتاب فرق باسناد خود از حضرت صادق و از کتاب واحده ابن جمهور که حضرت از امام حسن عسکری نقل میکند و از کتاب دلائل عبد اللّه بن جعفر حمیری از حضرت عسکری و از کتاب محمّد بن علی بن رباح باسناد خود از حضرت صادق و روایت کرده از کتاب محمّد بن مسعود بن عیاش در تفسیر قرآن و از جامع صغیر یونس بن عبد الرحمن و از کتاب عبد اللّه بن حماد انصاری و از کتاب ابراهیم خراز و سایرین که اکنون اسم آنها در خاطرم نیست.

کنز الفوائد: ابو الجارود از ابو جعفر علیه السّلام در باره آیه ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنا مِنْ عِبادِنا فرمود آنها آل محمّد صلی اللّه علیه و آله و سلم هستند که برگزیده خداینـد فَمِنْهُمْ ظالِمٌ لِنَفْسِهِ او هلاک شده است وَ مِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ آنها صالحین هستند وَ مِنْهُمْ سابِقٌ بِالْخَيْراتِ

امامت، ج ۱، ص: ۱۵۰

بِإِذْنِ اللَّهِ علی بن ابی طالب است خداوند میفرماید: ذلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ ابن فضل بزرگی است یعنی قرآن جَنَّاتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَها یعنی آل محمّد وارد قصرهای بهشت میشوند که هر قصر از یک مروارید است که در آن مروارید نه شکاف و نه بند و اتصالی وجود دارد که اگر تمام اهل اسلام در آن قصر جمع شوند.

گنجایش دارد، دارای قبله هائی

از زبرجد است هر قبه ای دارای دو مصراع است (یک لنگه درب مصراع نامیده می شود) هر مصراعی دوازده میل طول دارد خداوند میفرماید يُحَلَّوْنَ فِيها مِنْ أَساوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَ لُؤْلُؤاً وَ لِباسُهُمْ فِيها حَرِيرٌ وَ قالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزَنَ إِنَّ رَبَّنا لَغَفُورٌ شَكُورٌ.

حزن که در این آیه ذکر شد منظور وحشت و ناراحتی است که در دنیا مبتلا بآن شدند.

توضیح: از این اخبار چنین استفاده می شود که آیه مربوط بائمه علیهم السّلام و سایر اولاد پیغمبر است ظالم فاسق از این خانواده و مقتصد صالح از آنها است و سابق بخیرات امام است در این آیه داخل نمیشود کسی که عقیده او در امامت صحیح نیست یا خودش مدعی امامت شده بدون استحقاق یا مراد از ظالم کسی است عقیده صحیح ندارد و مقتصد کسی که عقیده اش صحیح است و کاری نکرده که موجب خارج شدنش از درجه ایمان گردد.

بنا بر این توجیه این قسمت آیه جَنَّاتُ عَدْنٍ یَدْخُلُونَها بهشت برین که داخل میشوند.

یعنی مقتصد و سابق نه ظالم بنا بر هر دو وجه منظور از گزینش و انتخاب اینست که خداوند این نژاد را برگزیده که در میان آنها اوصیاء و ائمه را قرار داده نه اینکه همه آنها را برگزیده و منظور از واگذاری کتاب یعنی واگذار به بعضی نموده این یک شرافت است برای همه اولاد پیغمبر اگر موجب تضییع آن نشوند.

امامت، ج ۱، ص: ۱۵۱

کنز الفوائد: یونس بن خباب از حضرت باقر علیه السّلام نقل میکند که حضرت رسول صلی اللّه علیه و آله و سلم فرمود چه می شود گروهی را وقتی یاد از آل ابراهیم و آل عمران

میکنند شادند، اما وقتی یاد از آل محمّد میکنند متنفر میشوند.

قسم بآن کسی که جان محمّد صلی اللّٰه علیه و آله و سلم در دست او است اگر یکی از او آنها در روز قیامت بمقدار عمل هفتاد پیغمبر کار نیک کرده باشد خدا از او نمی پذیرد مگر اینکه ولایت من و علی بن ابی طالب را بآنها ضمیمه کند.

کنز الفوائد: ابن عباس گفت خدمت امیر المؤمنین علیه السّلام رسیدم. گفتم آقا مرا مطلع فرما از وصایایی که پیغمبر اکرم صلی اللّٰه علیه و آله و سلم بتو نموده فرمود بسیار خوب می گویم.

خداوند برای شما دین را خواست و امتیاز بر آن بخشید و نعمت خود را بر شما تمام کرد شما شایسته تر بآن بودید.

خداوند وحی کرد به پیامبرش که بمن وصیت کند.

حضرت رسول صلی اللّٰه علیه و آله و سلم فرمود یا علی وصیت مرا حفظ کن تعهدات مرا بپرداز و بعهدها و پیمان های من وفا کن و وعده های مرا عملی ساز و قرضم را پرداخت کن روش و سنت مرا زنده بدار و مردم را بملت من دعوت کن.

زیرا خداوند مرا انتخاب نموده و برگزید یادم آمد از دعای برادرم موسی گفتم خدایا برایم وزیری از خانواده ام قرار ده چنانچه هارون را وزیر موسی گردانیدی.

خداوند بمن وحی کرد که علی وزیر و ناصر و جانشین بعد از تو است یا علی تو از پیشوایان هدایت و اولاد من از تو خواهند بود و شما رهنمای هدایت و پرهیزگاری هستید و درختی بشما میروید که ریشه آن منم و شما شاخه های آن هر که بآن شاخه چنگ زند نجات می یابد و هر که تخلف

ورزد هلاک و نابود می شود خداوند ولایت و محبت شما را واجب نموده و شما کسانی هستید که خداوند در کتاب خود از شما یاد نموده و برای بندگان توصیف کرده و فرموده است إِنَّ اللَّهَ

امامت، ج ۱، ص: ۱۵۲

اصْطَفى آدَمَ وَ نُوحاً وَ آلَ إِبْراهِيمَ وَ آلَ عِمْرانَ عَلَى الْعالَمِينَ ذُرِّيَّةً بَعْضُها مِنْ بَعْضٍ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ شما برگزیده از آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران هستید شما خانواده اسماعیل و عترت هادیه از محمّد صلی اللّه علیه و آله و سلم هستید.

تفسیر قمی: امام علیه السّلام فرمود این چنین نازل شد وَ آلَ إِبْراهِيمَ وَ آلَ عِمْرانَ و آل محمّد علی العالمین آل محمّد را از قرآن حذف کرده اند «۱».

تفسیر قمی: در مورد آیه الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ سَلامٌ عَلى عِبادِهِ الَّذِينَ اصْطَفى فرمود آنها آل محمّدند.

ابان بن صلت گفت مأمون از دانشمندان معنی آیه ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتابَ را پرسید گفتند منظور تمام امت است رو بحضرت رضا علیه السّلام نموده گفت شما چه میفرمائید فرمود من می گویم منظور عترت طاهره پیغمبر است نه دیگران.

حضرت باقر فرمود این اختصاص بآل محمّد و شیعیان آنها دارد.

حضرت باقر علیه السّلام در باره آیه ای که از قول ابراهیم نقل می شود رَبَّنا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوادٍ فرمود ما باقیمانده نژاد ابراهیم هستیم دعای ابراهیم اختصاص بما دارد.

کنز الفوائد: داود نجار از موسی بن جعفر علیه السّلام نقل کرد که عرضکردم تفسیر این آیه چیست أُولئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ مِنْ ذُرِّيَّةِ آدَمَ وَ مِمَّنْ حَمَلْنا مَعَ نُوحٍ وَ مِنْ ذُرِّيَّةِ إِبْراهِيمَ وَ إِسْرائِيلَ وَ مِمَّنْ هَدَيْنا وَ اجْتَبَيْنا إِذا تُتْلى عَلَيْهِمْ آياتُ

الرَّحْمنِ خَرُّوا سُجَّداً وَ بُكِيًّا فرمود ما ذريه ابراهيم هستيم مائيم كه با نوح حمل شديم و ما برگزيده خدائيم اما اين قسمت آيه وَ مِمَّنْ هَدَيْنا وَ اجْتَبَيْنا از كسانى كه هدايت كرديم و برگزيديم.

بخدا قسم آنها شيعيان ما هستند كه خدا ايشان را بمحبت ما هدايت نمود و براى دين ما برگزيد بر اين روش زنده اند و بر همان مى ميرند خداوند ايشان را

امامت، ج ۱، ص: ۱۵۳

بعبادت و خشوع و رقت قلب ستوده ميفرمايد إِذا تُتْلى عَلَيْهِمْ آياتُ الرَّحْمنِ خَرُّوا سُجَّداً وَ بُكِيًّا بعد ميفرمايد: فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضاعُوا الصَّلاةَ وَ اتَّبَعُوا الشَّهَواتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غَيًّا.

بعد گروهى جانشين آنها شدند كه نماز را از بين بردند و پيرو شهوات گشتند بزودى روبرو باغى ميشوند و آن كوهى از مس گداخته كه در وسط جهنم ميچرخد.

تفسير فرات: ابن عباس در مورد آيه فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ گفت پيامبر اكرم فرمود منظور دلهاى شيعيان ما است شيفته محبت ما ميگردد.

تفسير فرات: احمد بن قاسم باسناد خود از حضرت باقر عليه السّلام در باره آيه اى كه خداوند از قول ابراهيم نقل ميكند رَبَّنا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ ....

فرمود خداوند نفرموده دلهاى مردم را متوجه بآن كن (يعنى خانه خدا) فرموده است دلهاى مردم را شيفته آنها بگردان شما خيال ميكنيد خداوند بزرگداشت و آمدن كنار اين سنگ ها و خويشتن ماليدن به آن ها را واجب كرده اما آمدن در خانه ما و پرسيدن از ما و محبت ما را واجب نكرده؟ به خدا سوگند جز اين را واجب ننموده.

كافى: عبد اللّه بن عجلان از حضرت باقر عليه السّلام در باره

آیه شریفه إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْراهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَ هذَا النَّبِيُّ وَ الَّذِينَ آمَنُوا شایسته ترین مردم نسبت به ابراهیم کسانی هستند که پیرو او باشند و این پیامبر و کسانی که ایمان آورده اند.

فرمود آنها ائمه و پیروان ایشانند.

توضیح: مرحوم طبرسی در مجمع البیان از عمر بن یزید نقل میکند که حضرت صادق علیه السّلام بمن فرمود شما بخدا قسم از آل محمّدید گفتم آقا از خود آنها هستیم.

امامت، ج ۱، ص: ۱۵۴

فرمود آری بخدا قسم از خود آنها محسوب میشوید سه مرتبه تکرار نمود سپس نگاهی بمن نمود و من بآن جناب نگاه کردم فرمود عمر! خداوند در این آیه میفرماید: إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْراهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَ هذَا النَّبِيُّ وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ اللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ.

تفسیر عیاشی: حنان بن سدیر از پدر خود نقل نمود که حضرت باقر فرمود إِنَّ اللَّهَ اصْطَفى آدَمَ وَ نُوحاً وَ آلَ إِبْراهِيمَ وَ آلَ عِمْرانَ عَلَى الْعالَمِينَ ذُرِّيَّةً بَعْضُها مِنْ بَعْضٍ.

ما از آنها هستیم و ما یادگار آن نژاد هستیم.

تفسیر عیاشی: ابو حمزه از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد که فرمود هنگامی که مدت نبوت حضرت رسول باتمام رسید و برنامه اش تکمیل شد خداوند باو وحی کرد یا محمّد وظیفه نبوت خود را انجام دادی و مدت تو بپایان رسید دانشی که در اختیار تو است مربوط بایمان و اسم بزرگ و علمهای وراثتی و آثار علم نبوت را در اختیار جانشین خود از نژاد خویش قرار ده زیرا من علم و ایمان و اسم اکبر و میراث علم و آثار نبوت را از نژاد تو قطع نمی نمایم چنانچه از خانواده های انبیا قطع نکردم تمام پیامبرانی که

در فاصله تو و پدرت آدم قرار گرفته اند این آیه اشاره بهمین مطلب است:

إِنَّ اللَّهَ اصْطَفى آدَمَ وَ نُوحاً وَ آلَ إِبْراهِيمَ وَ آلَ عِمْرانَ عَلَى الْعالَمِينَ ذُرِّيَّةً بَعْضُها مِنْ بَعْضٍ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ.

خداوند عزیز دانش و علم را پوشیده نداشته و کار خود را بهیچ یک از مردم وانگذارده نه بملک مقرب و نه نبی مرسل ولی سفیرانی از ملائکه فرستاد. باو دستور داد که چنین و چنان بگوید واجبات و محرمات را باو گفت مسائل مردم را بآن سفیر گوشزد کرد آن سفیر هم بانبیاء و برگزیدگان ایشان و یاوران آنها و نژادی که گروهی بگروه دیگر پیوسته هستند.

امامت، ج ۱، ص: ۱۵۵

این آیه اشاره بهمین مطلب است:

فَقَدْ آتَيْنا آلَ إِبْراهِيمَ الْكِتابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ آتَيْناهُمْ مُلْكاً عَظِيماً بخاندان ابراهیم کتاب و حکمت و قدرت عظیمی دادیم.

کتاب همان نبوت است و حکمت همان پیغمبران برگزیده هستند و اما قدرت عظیم عبارت از ائمه هدی هستند و تمام آنها از همان نژاد پیوسته بیکدیگری است که در میان آنها بقیه و عاقبت و حفظ میثاق تا انقراض دنیا اما دانشمندان و فرمانروایان میتوانند علم و هدایت را استنباط نمایند.

تفسیر عیاشی: ابی کلده از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد که پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه و آله و سلم فرمود روح و راحت رحمت و نصرت فراخی و توانائی خشنودی و رضوان و رهائی و رستگاری و قرب و محبت از جانب خدا و پیامبر اختصاص دارد بکسی که علی علیه السّلام را دوست داشته باشد و پیرو جانشینان بعد از او باشد بر من لازم است که آنها را داخل در شفاعت خود

نمایم و بر خدا لازم است که خواسته مرا در باره آنها بپذیرد.

زیرا آنها پیروان منند و هر کس پیرو من باشد از من محسوب می شود.

شبیه ابراهیم در من نیز جاری است چون او از من و من از اویم دینش دین من و دین من دین او، سنت او سنت من و از من سنت اوست، فضل من فضل او است ولی من از او برترم و برتری من برای او یک نوع برتری و فضل است و این تفسیر قول خداست:

ذُرِّيَّةً بَعْضُها مِنْ بَعْضٍ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ.

تفسیر عیاشی: ابی عمرو زبیری از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که به آن جناب گفتم چه دلیل از قرآن دارید که آل محمّد اهل بیت او هستند.

فرمود این آیه إِنَّ اللَّهَ اصْطَفى آدَمَ وَ نُوحاً وَ آلَ إِبْراهِيمَ وَ آلَ عِمْرانَ و آل محمّد چنین نازل شده عَلَى الْعالَمِينَ، ذُرِّيَّةً بَعْضُها مِنْ بَعْضٍ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ و ذریه آنها جز نسل ایشان از صلب آنها نیست.

امامت، ج ۱، ص: ۱۵۶

و فرموده اعْمَلُوا آلَ داوُدَ شُكْراً وَ قَلِيلٌ مِنْ عِبادِيَ الشَّكُورُ و آل عمران و آل محمّد.

کنز الفوائد: از فضیل نقل میکند که حضرت باقر در باره آیه وَ لَقَدِ اخْتَرْناهُمْ عَلى عِلْمٍ عَلَى الْعالَمِينَ فرمود منظور اینست که ائمه و پیشوایان از مؤمنین را بر دیگران برتری داده ایم.

توضیح: ابن بطریق در کتاب عمده ص ۴۷- از تفسیر ثعلبی باسناد خود از اعمش روایت میکند و او از ابی وائل که گفت من در قرآن عبد اللَّه بن مسعود خواندم: إِنَّ اللَّهَ اصْطَفى آدَمَ وَ نُوحاً وَ آلَ إِبْراهِيمَ وَ آلَ عِمْرانَ و آل محمّد

علی العالمین.

امامت، ج ۱، ص: ۱۵۷

بخش سیزدهم در باره محبت خاندان نبوت که پاداش رسالت است و سایر آیاتی که راجع به محبت ائمه نازل شده

آیات

رعد: وَ لَقَدْ أَرْسَلْنا رُسُلًا مِنْ قَبْلِكَ وَ جَعَلْنا لَهُمْ أَزْواجاً وَ ذُرِّيَّةً.

حم عسق: قُلْ لا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبى وَ مَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَزِدْ لَهُ فِيها حُسْناً إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ.

تفسیر: مرحوم طبرسی در باره آیه لَقَدْ أَرْسَلْنا از ابن عباس نقل میکند که مردم پیامبر را سرزنش میکردند برای زیاد زن گرفتن میگفتند اگر او پیامبر باشد مقام نبوت او را مانع از ازدواج با زنان می شود این آیه برای همان نازل شد که میفرماید ما پیامبران قبل از ترا نیز دارای زن و فرزند قرار دادیم.

و روایت کرده که حضرت صادق پس از خواندن همین آیه اشاره بسینه خود نموده فرمود بخدا قسم ما فرزندان و ذریه پیغمبریم صلی اللَّه علیه و آله و سلم.

طبرسی در باره آیه قُلْ لا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً مینویسد که در معنی این

امامت، ج ۱، ص: ۱۵۸

آیه اختلاف نموده اند یکی اینکه سؤال نمیکنم در تبلیغ رسالت اجر و مزدی را بجز محبت و دوستی متقابل در مسائلی که موجب قرب و نزدیکی به خدا می شود.

دوم- اینکه معنی آیه اینست: پاداشی جز محبت در خویشاوندی من با شما و حفظ شما مرا برای همین قرابت نمیخواهم در این صورت خطاب بقریش تنها خواهد بود.

سوم- اینکه دوست بدارید خویشاوندان و فرزندان مرا و حفظ مقام و موقعیت مرا نسبت بفرزندانم بکنید که از زین العابدین و سعید بن جبیر و عمرو بن شعیب و جماعتی نقل شده همین معنی از حضرت باقر و صادق علیهما السلام نیز نقل گردیده.

ترجمه روایات

ابن عباس گفت وقتی آیه قُلْ لا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً نازل شد گفتند یا رسول اللَّه این خویشاوندان

کیانند که ما مأمور بمحبت آنها هستیم، فرمود: علی و فاطمه و فرزندانش.

سید ابو الحمد از ابو القاسم باسناد مذکور در کتاب شواهد التنزیل سند را میرساند به ابی امامه باهلی گفت پیامبر اکرم فرمود خداوند انبیا را از درخت های مختلف آفرید، من و علی را از یک درخت آفرید من ریشه آن درخت و علی شاخه آن است و حسن و حسین میوه آن و پیروان ما برگهای درختند هر که چنگ بیک شاخه از آن درخت بزند نجات می یابد و هر که توجه ننماید گمراه است اگر بنده ای خدا را بین صفا و مروه سه هزار سال پرستش کند بطور کلی همچون مشکی خالی شود اما درک محبت ما را ننماید خداوند او را بصورت در آتش میاندازد بعد این آیه را تلاوت کرد: قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِی الْقُرْبی .

زاذان از علی علیه السّلام نقل کرد که فرمود در باره ما آیه ای در سوره آل حم

امامت، ج ۱، ص: ۱۵۹

است که شرایط محبت ما را بجا نمی آورد مگر مؤمن، بعد همین آیه را خواند.

کمیت شرایط نیز بهمین معنی اشاره کرده در شعر نمود:

وجدنا لکم فی آل حم آیه تأولها منا تقی و معرب «۱»

بالاخره در هر صورت راجع بمودت دو نظر است: یکی اینکه استثنای منقطع باشد.

زیرا علاقه و ارادت بائمه علیهم السلام بوسیله دین و اسلام واجب می شود دیگر پاداش رسالت نخواهد بود.

نظر دوم اینکه استثنای متصل است و معنی اینست که اجری از شما درخواست ندارم جز این که با همین از شما خشنودم بجای پاداش رسالت چنانچه از کسی درخواستی میکنی او بجای بر آوردن حاجت تو یک

نیکی در باره ات انجام می دهد.

باو میگوئی من همین نیکی ترا بجای درخواست خود قبول میکنم بنا بر این میتوانـد معنی آیه چنین باشد که پاداشـی در مقابل رسالت نمی خواهم جز این که نفع آن برگشت به خود شما دارد پس مثل اینست که من پاداشی نخواسته ام.

ابو حمزه ثمالی در تفسیر خود از ابن عباس نقل میکند که وقتی پیامبر اکرم بمدینه آمد و اسلام نیرو گرفت انصار با یک دیگر گفتنـد وقتی پیـامبر اکرم وارد شـد بایشـان عرض میکنم اینـک تمـام اموال مـا در اختیـار تو است اگر پیش آمـدی کرد هر چه میخواهی بدون مانع و مزاحمتی استفاده کن این مطلب

امامت، ج ۱، ص: ۱۶۰

را عرض کردنـد آیه قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّهَ فِی الْقُرْبی نازل شـد آیه را برای آنها خوانـد و فرمود خویشاونـدان مرا پس از من دوست خواهید داشت انصار با تسلیم نسبت بفرمان پیامبر خارج شدند.

منافقین گفتنـد این مطلب را از خود ساخت تا ما را نسبت بخویشاوندان خود خوار و کوچک کند این آیه نازل شد أَمْ یَقُولُونَ افْتَری عَلَی اللَّهِ کَذِباً از پی آنها فرستاد و برایشان خواند شروع بگریه نموده خیلی ناراحت شدند بعد این آیه نازل شد هُوَ الَّذِی یَقْبَلُ التَّوْبَهَ عَنْ عِبادِهِ از پی ایشان فرستاد و بشارت قبولی توبه را بآنها داد.

فرمود: «وَ یَسْتَجِیبُ الَّذِینَ آمَنُوا» پذیرفتند مؤمنین همان کسانی که تسلیم فرمان پیامبر شدند.

سپس خداوند فرمود: وَ مَنْ یَقْتَرِفْ حَسَنَهً نَزِدْ لَهُ فِیها حُسْناً یعنی هر کس فرمانبرداری مینماید برایش در این فرمانبرداری اضافه پاداش میدهیم و او را مشمول ثواب میکنیم. ابو حمزه ثمالی از سدی نقل میکند که معنی اقتراف

حسنه مودت و محبت با اولاد پیغمبر است.

و این روایت ثابت شده که حسن بن علی علیه السّلام در ضمن سخنرانی خود فرمود من از آن خانواده ای هستم که خداوند محبت با آنها را بر هر مسلمان واجب نموده فرموده است:

قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّهَ فِی الْقُرْبی وَ مَنْ یَقْتَرِفْ حَسَنَهً نَزِدْ لَهُ فِیها حُسْناً اقتراف حسنه مودت ما خانواده است.

اسماعیل بن عبد الخالق از حضرت صادق علیه السّلام نقل میکند که فرمود این آیه در باره ما اهل بیت و اصحاب کساء نازل شده، گفتار طبری صاحب مجمع البیان پایان یافت.

علامه در کتاب کشف الحق مینویسد: روایت نموده اند جمهور در دو صحیح و احمد بن حنبل نیز در مسند خود نقل کرده و ثعلبی در تفسیرش از ابن عباس که

امامت، ج ۱، ص: ۱۶۱

وقتی آیه قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ نازل شد، گفتند: یا رسول اللَّه خویشاوندان شما که محبت آنها بر ما واجب شد کیانند؟ فرمود علی و فاطمه و دو فرزندشان.

وجوب محبت مستلزم اطاعت و پیروی نیز هست.

بیضاوی: بیضاوی در تفسیر قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً مینویسد از شما در مقابل تبلیغ و بشارتی که داده ام پاداشی نمیخواهم بجز محبت با خویشانم که شخصیت مرا در مقابل فرزندان حفظ کنید و خویشاوندان مرا دوست بدارید بعضی گفته اند استثناء منقطع است.

معنی اینست که از شما پاداشی هرگز نمیخواهم ولی درخواست مودت را دارم در باره خویشاوندان.

روایت شده که این آیه نازل شد گفتند یا رسول اللَّه خویشاوندان شما کیانند؟

فرمود علی و فاطمه و فرزندان آن دو.

رازی در تفسیر کبیر خود از ابن عباس نقل میکند، وقتی پیامبر اکرم وارد مدینه شد برایش گرفتاریها پیش

می آمـد و بایـد پولهائی را پرداخت میکرد با اینکه قدرت مالی نداشت انصار با خود گفتند بدست این مرد هدایت یافته اید او خویشاوند شما و همسایه همه است.

مقـداری از ثروت خود را بایشان اختصاص دهیـد وقتی آوردند، پیامبر اکرم نگرفت این آیه نازل شد: قُلْ لا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً یعنی بر ایمان آوردن پاداشی نمیخواهم جز اینکه خویشاوندان مرا دوست بدارید مردم را تشویق بدوستی خانواده خود نمود.

سپس گفت: صاحب کشاف از پیامبر اکرم نقل میکنـد که فرمود هر کس بر محبت آل محمّد از دنیا برود شـهید مرده. متوجه باشـید هر کس بر محبت آل محمّد بمیرد آمرزیـده است توجه کنیـد هر کس بر محبت آل محمّد بمیرد با توبه از دنیا رفته هر کس بر محبت آل محمّد بمیرد با ایمان کامل از دنیا رفته و هر کس بر محبت آل محمّد بمیرد ملك الموت باو بشارت بهشـت میدهد بعد از او نکیر و منکر هر کس بر محبت آل محمّد بمیرد چنان با جلال او را به بهشت میبرند مانند عروسی

امامت، ج ۱، ص: ۱۶۲

که بخانه شوهر میرود هر کس بر محبت آل محمّد بمیرد دربی از قبرش به بهشت گشوده می شود.

توجه کنیـد هر کس بر محبت آل محمّد بمیرد خداونـد قبر او را جایگاه زیارت ملائکه رحمت قرار میدهد هر کس بر محبت آل محمّد بمیرد بر راه و روش پیامبر و جماعت مؤمنین مرده هر کس با کینه آل محمّد بمیرد روز قیامت که می آید بر پیشانی او نوشته است: مأیوس از رحمت خداست. هر کس بر بغض آل محمّد بمیرد کافر از دنیا رفته و هر کس بر بغض آل

محمّد بمیرد بوی بهشت را استشمام نخواهد کرد.

اینها مطالبی بود که صاحب کشاف از دانشمندان اهل سنت نقل کرد من نیز میگویم آل محمّد کسانی هستند که انتساب به پیامبر اکرم داشته باشند هر کس نسبت او با پیغمبر بیشتر و کامل تر باشد.

او جزء آل است، شکی نیست در اینکه فاطمه و علی و حسن و حسین انتسابشان به پیغمبر بسیار زیاد بود این مطلبی است آشکار و غیر قابل انکار پس آنها آل پیامبرند.

بعضی در معنی آل اختلاف کرده اند، گروهی میگویند آل فقط بستگان پیامبرند و بعضی قائلند آل محمّد امت او هستند اگر آل را بخویشاوندان اختصاص دهیم باز فاطمه زهرا و علی مرتضی آل پیامبرند اگر بگوئیم آل عبارت است از کسی که دعوت پیامبر را بپذیرد باز آنها آل هستند. در این صورت در هر فرض آنها آل محمّدند اما دیگران آیا مشمول لفظ آل میشوند یا نه این مسأله اختلافی است.

این مطلب ثابت شد که در هر صورت آنها آل محمّدند.

صاحب کشاف: روایت کرده که چون این آیه نازل شد. عرض کردند یا رسول اللَّه این خویشاوندان شما که باید پاس آنها را بمحبت بداریم کیان هستند فرمود: علی و فاطمه و دو فرزندش.

امامت، ج ۱، ص: ۱۶۳

پس ثابت شد که این چهار نفر از خویشاوندان نزدیک پیامبرند وقتی این مطلب مسلم شود لازم می آید که این ها امتیاز احترام بیشتری داشته باشند بچند دلیل: دلیل اول- آیه شریفه إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبى کیفیت استدلال به این آیه گذشت.

دوم- وقتی ثابت شد که پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه و آله و سلم فاطمه زهرا را دوست میداشت و فرمود:

«فاطمه بضعه منی یؤذینی

ما يؤذيها»

فاطمه پاره تن من است مرا ناراحت میکند آنچه موجب ناراحتی او شود و با نقل متواتر ثابت شده که رسول اکرم حضرت علی و امام حسن و امام حسین را دوست میداشت بهمین دلیل بر امت نیز محبت آنها واجب می شود.

بضمیمه آیه شریفه فَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ از پیامبر پیروی کنید شاید رستگار شوید و آیه فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ و آیه إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ اگر خدا را دوست دارید، پیروی از من کنید تا خدا شما را دوست داشته باشد و آیه شریفه لَقَدْ كانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كانَ يَرْجُوا اللَّهَ هر که امیدوار بخداست باید از رفتار پیامبر پیروی کند.

سوم- دعا برای آل پیامبر یک مقام بسیار ارجمندی را ثابت میکند، به همین جهت این دعا را در آخر تشهد نمازها واجب نموده که میگوید: «اللهم صل علی محمّد و آل محمّد و ارحم محمّدا و آل محمّد» این مقام برای غیر آل پیغمبر نیست تمام اینها دلیل است که محبت با خاندان پیامبر واجب است.

شافعی گفته است:

یا راکبا قف بالمحصب من منی و اهتف بساکن خیفها و الناهض

سحرا اذا فاض الحجیج الی منی فیضا کملتطم الفرات الفائض

امامت، ج ۱، ص: ۱۶۴

ان کان رفضا حب آل محمّد فلیشهد الثقلان انی رافضی «۱»

صاحب کشاف علاوه بر آنچه رازی از او نقل میکند مینویسد: علی علیه السّلام گفت بحضرت رسول شکایت کردم که مردم نسبت بمن حسادت میکند فرمود راضی نیستی از اینکه چهارمی این چهار نفر باشی، اول کسی که وارد بهشت می شود من و تو و حسن و حسین هستیم همسران ما از طرف

راست و چپ ما هستند و فرزندان از نژاد ما پشت سر همسران قرار دارند.

از پیامبر اکرم نقل شده که فرمود بهشت حرام است بر هر کسی که بر اهل بیت من ستم روا دارد و مرا در مورد بستگان نژادیم بیازارد هر کس یک نیکی باولاد ابو طالب بنماید و پاداش آن را نبیند من در روز قیامت پاداش او را خواهم داد وقتی که مرا بیند.

روایت شده که انصار افتخار میکردند ما چنین و چنان کردیم عباس یا ابن عباس گفت ما بر شما برتری داریم.

این خبر به پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله و سلم رسید بمجلس انصار وارد شد بآنها فرمود انصار! مگر شما خوار نبودید که خداوند بوسیله من به شما عزت بخشید، گفتند صحیح است. فرمود مگر گمراه نبودید که بوسیله من هدایت یافتید گفتند چرا یا رسول اللّه فرمود شما چرا نمیگوئید عرضکردند چه بگوئیم، فرمود چرا نمیگوئید قومت ترا از خانه و وطن بیرون کردند ما پناه دادیم آنها ترا تکذیب کردند ما تصدیق نمودیم.

آنها ترا خوار نمودند ما یاری کردیم پیوسته از همین سخنان میفرمود

امامت، ج ۱، ص: ۱۶۵

تا اینکه انصار از جای جستند و بر زانو نشسته گفتند یا رسول اللّه اموال و هر چه داریم فدای راه خدا و پیامبر باشد. بعد از آن، این آیه نازل شد.

در تفسیر آیه وَ مَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً از سدی نقل میکند آن حسنه که در آیه فرمود محبت با خویشاوندان پیامبر است این آیه در باره ابا بکر صدیق نازل گردید که بسیار علاقه بآل پیغمبر داشت آیه شامل عموم حسنه می شود اما چون پس از مودت

و محبت با اولاد پیامبر ذکر شده دلالت میکند که در درجه اول این حسنه محبت با اولاد پیامبر است، سایر کارهای نیک تابع آن هستند.

سخنان این مرد تمام شد خدا انتقامش را زیاد کند در باره او.

چنانچه ملاحظه کردید از پیشوای خود خوب دفاع کرد و او را یاری نمود زیرا پس از اخبار زیادی که بر کفر و شقاوت دو امام و پیشوای او رسیده سخنی را نقل کرد که دلیل بر پاکی دامن آنها از این انتساب باشد اما این سخن را فقط تنها او نقل کرده و کس دیگری مدعی نشده.

در ضمن هر که انصاف داشته باشد محبت و علاقه امام و پیشوای او را نسبت باهل بیت پیامبر کشف میکند چه در زمان حیات پیغمبر و چه بعد از وفات آن جناب مخصوصا در مسأله فدك و کشتن فاطمه زهرا و فرزندش و مسلط کردن بنی امیه را بر آنها و آن ستمها که بر ایشان وارد شد تا ظهور صاحب الزمان علیهم السلام «و لن یصلح العطار ما افسد الدهر» بامامت مالی نمیتوان چنین مرتبه ای برای آنها بوجود آورد.

تفسیر قمی: ابو الجارود از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد در مورد آیه قُلْ ما سَأَلْتُکُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَکُمْ که پیامبر اکرم از امت خواسته بود که خویشاوندانش را دوست بدارند و بآنها ستم روا ندارند اما معنی فَهُوَ لَکُمْ یعنی ثواب آن بشما تعلق دارد.

توضیح: بیضاوی در تفسیر قُلْ ما سَأَلْتُکُمْ مِنْ أَجْرٍ مینویسد:

یعنی اگر چیزی در مقابل رسالت خود از شما خواستم مال خودتان باشد

امامت، ج ۱، ص: ۱۶۶

یعنی هیچی از شما تقاضا نکردم.

زیرا او پیامبر را مستلزم

یکی از دو چیز دانسته: یا جنون و یا توقع نفع دنیوی را بر رسالت چون چنین کاری یا از غرض و هدفی سر چشمه میگیرد یا بدون هدف هر کدام باشد مستلزم یکی از این دو است بعد هر دو را نفی میکند.

بعضی گفته اند منظور اینست که آنچه در باره مزد رسالت از شما خواستم در این دو آیه ما أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلى رَبِّهِ سَبِيلًا و آيه لا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبى بنفع شما است زيرا از راه پيامبر وقتى سودش براى شما است خويشاوندان پيامبر نيز با شما خويشاوندند.

قرب الاسناد: اسماعيل بن عبد الخالق گفت حضرت صادق عليه السلام فرمود:

با حول آيا وارد بصره شده اى جواب داد آرى فرمود چگونه يافتى سرعت و هجوم مردم را در مورد امامت.

گفت بخدا قسم ايشان گروهى اندكند اين كار را كرده اند اما جمعيت اندكى هستند فرمود توجه زياد بجوانان آنها داشته باش كه ايشان در كارهاى نيك شتاب بيشترى دارند فرمود عقيده اهل بصره در مورد اين آيه چيست قُلْ لا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبى جواب داد آنها ميگويند مخصوص خويشاوندان و اهل بيت پيامبر است فرمود در باره ما نازل شده اهل بيت پيامبر حسن و حسين و على و فاطمه همان اصحاب كساء عليهم السلام هستند.

قرب الاسناد: ابن صدقه گفت حضرت صادق از آباء گرام خود نقل ميكرد وقتى اين آيه نازل شد: قُلْ لا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبى پيامبر اكرم بپاى خاست و فرمود مردم با خداوند بنفع من چيزى بر شما واجب نموده آيا در انجام

آن کوشش میکنید کسی جواب نداد پیامبر اکرم رفت.

فردا دو مرتبه میان ایشان ایستاد و حرف روز قبل را تکرار نمود روز سوم نیز همین کار را تکرار کرد هیچ کس جواب نداد آنگاه فرمود مردم آنچه بنفع

امامت، ج ۱، ص: ۱۶۷

من واجب شد از جنس طلا و نقره نیست و نه خوراکی و آشامیدنی است گفتند پس بفرمائید چیست.

فرمود خداوند این آیه را بر من نازل نموده: قُلْ لا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبى گفتند این را قبول داریم. حضرت صادق علیه السّلام فرمود بخدا قسم راجع باین تعهد هیچ کدام وفا نکردند مگر هفت نفر سلمان، ابو ذر، عمار و مقداد بن اسود کندی و جابر بن عبد اللَّه انصاری و غلام پیغمبر که ثبیت نام داشت و زید بن ارقم.

تفسیر قمی: محمّد بن مسلم گفت شنیدم از حضرت باقر میفرمود در باره آیه قُلْ لا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبى یعنی در باره اهل بیت پیغمبر صلی اللَّه علیه و آله. فرمود انصار خدمت پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه و آله و سلم رسیده گفتند ما که خانه خود را پناه شما قرار دادیم و شما را یاری نمودیم اینک مقداری از اموال ما را در راه احتیاج و هدف خود صرف کن. خداوند این آیه را نازل نمود: قُلْ لا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبى یعنی درخواستی در مورد نبوت ندارم جز دوستی با خویشاوندانم، منظور اهل بیت آن سرور است.

فرمود مگر متوجه نیستی که شخصی دوستی دارد و در دل تصمیمی راجع بخانواده خود گرفته و اما خجالت میکشد که اظهار کند. خداوند خواست در

دل پیامبر چیزی نسبت بامتش باقی نمانـد مودت و دوستی را با خویشاوندان پیامبر واجب کرد اگر انجام دهند واجبی را انجام داده اند و اگر ترک کنند واجبی را ترک کرده اند.

فرمود از خـدمت پیامبر اکرم مرخص شدنـد بعضـی میگفتنـد ما اموال خود را بایشان تقـدیم کردیم اما پیغمبر فرمودند بدفاع و پشتیبانی خویشاونـدانم پس از من بجنگ پردازیـد گروه دیگری گفتنـد این حرف را پیامبر اکرم نفرمود و انکار نمودند، همان حرفی را که خداوند از ایشان حکایت کرده گفتند أَمْ یَقُولُونَ افْتَری عَلَی اللَّهِ

امامت، ج ۱، ص: ۱۶۸

کَذِباً خداوند فرموده است فَإِنْ یَشَإِ اللَّهُ یَخْتِمْ عَلی قَلْبِکَ گفت اگر دروغ بگویم خدا وحی را از من قطع میکند.

وَ یَمْحُ اللَّهُ الْباطِلَ یعنی باطـل میکنـد آن را وَ یُحِقُّ الْحَقَّ بِکَلِماتِهِ یعنی به وسیله ائمه علیهم السّلام و قائم آل محمّد إِنَّهُ عَلِیمٌ بِذاتِ الصُّدُورِ.

سپس فرمود وَ هُوَ الَّذِی یَقْبَلُ التَّوْبَهَ عَنْ عِبادِهِ تا وَ یَزِیدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ یعنی کسانی که گفتند فرمایش پیامبر صحیح است.

سپس میفرماید: وَ الْکافِرُونَ لَهُمْ عَذابٌ شَدِیدٌ «۱».

در آیه دیگر میفرمایـد قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّهَ فِی الْقُرْبی فرمود پـاداش و اجر رسالت اینست که بستگان پیامبر را نیازارند و با ایشان قطع رابطه ننمایند و خشم نگیرند و بایشان دل ببندند و پیمان خویش را در باره آنها محترم شمارند.

بنـا بر تصـریح این آیه وَ الَّذِینَ یَصِلُونَ ما أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ یُوصَلَ فرمود انصار خـدمت پیامبر اکرم آمـده گفتنـد ما در یاری شـما فروگذاری نکردیم و وظیفه خویش را انجام دادیم هر چه مایلی از اموال ما برگیر خداوند این آیه را نازل نمود:

قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ

أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبى يعنى محبت نسبت به اهل بيتش آنگاه پيامبر اكرم صلى اللّه عليه و آله و سلم فرمود هر كه اجرت اجيرى را نپردازد مورد لعنت خدا و پيامبر و ملائكه و تمام مردم قرار ميگيرد و هيچ عملى را از او در روز قيامت نخواهد پذيرفت اين همان محبت آل محمّد است.

سپس فرموده وَ مَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً منظور از اين حسنه اقرار بامامت و نيكى بايشان و محبت و دلبستگى بآنها است نَزِدْ لَهُ فِيها حُسْناً يعنى جز او پاداش او را باحسان عنايت خواهم كرد.

امامت، ج ۱، ص: ۱۶۹

محاسن برقى: ص ۱۱۴- محمّد بن مسلم گفت از حضرت صادق عليه السّلام شنيدم ميفرمود گاهى شخص كسى را دوست دارد اما اولاد او را دوست نميدارد خداوند محبت اولاد پيامبر را واجب نمود تا هر كه باين وظيفه اقدام كند واجبى را انجام داده و در تركش واجبى را ترك نموده باشد و اين آيه را نازل نموده:

قُلْ لا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبى .

محاسن: ص ۱۴۴- سلام بن مستنير گفت از حضرت باقر راجع باين آيه پرسيدم قُلْ لا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبى فرمود به خدا قسم واجب بر بندگان از جانب خدا اين مودت و محبت نسبت به اهل بيت پيامبر است.

محاسن: حجاج خشاب گفت از حضرت صادق عليه السّلام شنيدم مى فرمود به ابو جعفر احول كه در باره آيه شريفه قُلْ لا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبى اهل محل شما چه ميگويند.

جوابداد حسن بصرى مدعى بود كه معنى آيه اينست كه مودت و محبت با خويشاوندان من از نژاد عرب.

حضرت صادق عليه

السّلام فرمود ولی من بقریش می گویم این آیه اختصاص بما دارد آنها میگویند هم مال ما است و هم شما من در جواب ایشان میگویم وقتی برای پیامبر اکرم پیش آمدی می کرد چه کسی را انتخاب می نمود مگر ما را انتخاب نمی نمود مگر در جریان نفرین بر یهود نجران ما را نبرد دست علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السّلام را گرفت و برد و در جنگ بدر علی و حمزه و عبیده بن حارث را پیش فرستاد ولی آنها این را نمی پذیرند آیا صحیح است که خوشی مال آنها باشد ولی تلخی و گرفتاری برای ما باشد.

محاسن برقی: عبد اللّه بن عجلان گفت از حضرت باقر علیه السّلام در باره آیه قُلْ لا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبى فرمود آنها همان ائمه هستند که

امامت، ج ۱، ص: ۱۷۰

از زکات استفاده نمیکنند و برای آنها حرام است.

تفسیر فرات بن ابراهیم: جابر گفت ما در خدمت پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله و سلم در یکی از باغهای بنی حارثه بودیم شتری آمد گر و لاغر مقابل پیامبر اکرم سر بسجده نهاد ما بجابر گفتیم تو دیدی این جریان را گفت آری دیدم که پیشانی بر زمین نهاده بود در مقابل پیامبر.

پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله و سلم رو بعمر نموده فرمود عمر! این شتر برای من سجده نمود و بمن پناهنده شد برو او را خریداری کن و آزادش نما و کسی را با او کاری نباشد عمر شتر را خرید و رهایش کرد.

سپس خدمت پیامبر اکرم رسیده عرضکرد این یک حیوان است برای شما سجده کرد ما بسجده

نمودن سزاوارتریم در مقابل هدایت و راهنمائی که ما را کرده اید هر چه مایلید بخواهید یک پاداش عملی از ما بخواه.

پیامبر اکرم فرمود اگر بنا بود دستور سجده برای احدی بدهم دستور میدادم زن برای شوهر خود سجده کند.

جابر گفت بخدا قسم خارج نشدیم از آن باغ مگر اینکه این آیه نازل شد: قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّهَ فِی الْقُرْبی .

تفسیر فرات ابراهیم: ابن عباس گفت وقتی این آیه نازل شد قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّهَ فِی الْقُرْبی گفتم خویشاوندان شما کیانند که بر ما واجب است آنها را دوست بداریم فرمود علی و فاطمه و دو فرزندش این سخن را سه مرتبه تکرار نمود.

فرات بن ابراهیم: عباد بن عبد اللَّه گفت خدمت جعفر بن محمّد علیه السّلام بودم مردی از این آیه سؤال کرد قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّهَ فِی الْقُرْبی فرمود ما عقیده داریم که همان خویشاوندی بین ما و آنها است و قریش مدعی هستند که خویشاوندی آنها ما با پیمبر است مگر حرف قریش میتواند صحیح باشد با اینکه

امامت، ج ۱، ص: ۱۷۱

خداوند وعده داده باو که ترا از شر قریش نگه میدارم.

«پس معلوم می شود محبت و مودت با آنها را لازم و واجب ننموده بلکه اختصاص بما خانواده دارد».

تفسیر فرات بن ابراهیم: عطا بن ابی رباح گفت بحضرت فاطمه دختر امام حسین علیه السّلام گفتم مرا حدیثی بفرمائید که موجب تقویت قدرت استدلال من بر مردم شود.

فرمود پدرم نقل کرد که پیامبر اکرم در مدینه زندگی میکرد هر یک از مهاجرین که بمدینه مهاجرت میکردند بر پیغمبر وارد میشدند.

انصار تصمیم گرفتند برای پیامبر اکرم صلی اللَّه

علیه و آله و سلم از اموال خود مقداری اختصاص دهند تا برای احتیاجات مالی خود صرف نماید برای پرداخت مخارج واردین خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم رسیده گفتند ما آمده ایم که از اموال خود مقداری را برای مخارج شما اختصاص دهیم.

پیامبر اکرم سر بزیر انداخت سپس سر برداشته فرمود من دستور ندارم در مقابل نبوت از شما چیزی بگیرم حرکت کنید بروید.

اگر چنان دستوری رسید بشما اطلاع خواهم داد.

جبرئیل نازل شده، گفت: یا محمّد خداوند سخن قوم ترا شنید که چه پیشنهادی کردند.

برای آنها چیزی واجب نموده قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّهَ فِی الْقُرْبی .

از خدمت پیامبر اکرم خارج شده گفتند.

پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه و آله و سلم منظورش اینست که مردم در مقابل فرزندان عبد المطلب خوار و ذلیل باشند و کوچکی نسبت بآنها نمایند تا دامنه قیامت.

پیامبر اکرم از پی علی بن ابی طالب علیه السّلام فرستاد وقتی آمد فرمود برو منبر و مردم را جمع کن و بآنها بگو مردم! هر کس اجرت اجیر و مزدور خود را کم بدهد در آتش خواهد سوخت و هر که خود را نسبت بغیر موالی خویش دهد

امامت، ج ۱، ص: ۱۷۲

اهل آتش است و هر که خویش را از پدر و مادر خود نفی نماید و جدا گرداند در آتش خواهد سوخت امیر المؤمنین مأموریت را انجام داد.

مردی از جای حرکت کرده گفت یا ابا الحسن تأویل و تفسیر این جملات چیست؟

فرمود خدا و پیامبرش داناترند آنگاه خدمت پیغمبر رسید و جریان را عرض کرد.

پیغمبر اکرم سه مرتبه فرمود وای بر قریش از تأویل جملات فرمود یا علی

برو بآنهـا بگو من همـان اجیر و مزدورم که خداونـد مودت او را از آسـمان واجب نموده سـپس فرمود من و تو مولای مؤمنین هستیم من و تو پدر مؤمنانیم.

آنگاه پیامبر اکرم خارج شده فرمود گروه مهاجر و انصار! جمع شوید وقتی اجتماع کردند فرمود مردم علی اولین کسی بود که ایمان بخدا آورد و نسبت بدستورات خدا پایدار ترین شما است و وفادارترین شما در مورد پیمان خدا است و داناترین شما در مورد حکومت و از همه بهتر مساوات را در تقسیم برقرار کرد و مهربانترین شما بمردم و از همه مزیتش در نزد خدا بیشتر است آنگاه فرمود خداوند تمثال امت مرا در سرشت گل نشانم داد و اسماء آنها را به من تعلیم نمود همانطور که بآدم تعلیم نمود.

بعد آنها را بر من عرضه نمود صاحبان پرچم ها از جلو من گذشـتند برای علی و شـیعیانش اسـتغفار نمودم و از خدا درخواست کردم پس از من امتم را در راه پیشوائی علی استوار بدارد.

خـدا قبول نکرد جز اینکه هر که را خواست گمراه کنـد و هر که را خواست هدایت فرماید آنگاه خداوند قبل از اینکه سـخنی بگویم هفت امتیاز برای علی علیه السّلام اعلام کرد:

۱- او اولین کسی است که با من از درون زمین بر انگیخته می شود فخر نمی کنم.

امامت، ج ۱، ص: ۱۷۳

۲- دشمنان خود را از حوض کوثر دور میکند چنانچه شتربان شتر ناآشنا را دور مینماید.

۳- شیعیان فقیر و تنگدست علی در روز قیامت گروهی را که تعداد ایشان باندازه قبیله ربیعه و مضر است شفاعت نمایند.

۴- اولین کسی است که درب بهشت را با من میکوبد فخر نمیکنم.

۵-

اولین کسی است که همسری با حوریه را آغاز میکند با من و فخر نمیکنم.

۶- اولین کسی است از رحیق مختوم مینوشد که پایان آن مشک است و در این راه باید کوشش کنند مشتاقان.

۷- اولین کسی است که با من ساکن علیین می شود فخر نمیکنم. «۱»

تفسیر فرات بن ابراهیم: ابن نباته گفت در مسجد کوفه خدمت امیر- المؤمنین علیه السّلام نشسته بودم مردی از بجیله بنام ابو خدیجه وارد شد عرضکرد یا امیر المؤمنین آیا سرّی از اسرار پیامبر صلی اللَّه علیه و آله و سلم در خدمت شما است که ما را بشنیدن آن مفتخر فرمائی. فرمود: آری.

رو بقنبر نموده فرمود آن نوشته را بیاور. نوشته را گشود در پائین آن پوست نازک نوشته بود:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ» لعنت خدا و ملائکه و تمام مردم بر کسی که خود را بغیر موالیان خویش نسبت دهد و بر کسی که در اسلام از خود چیزی بیافزاید و یا افزاینده و بدعت گذار را پناه دهد و هر کسی که بر مزدور ستم روا دارد و لعنت خدا بر کسی که یک وجب زمین را بدزدد و از حدود زمین خود تجاوز کند در قیامت وادارش میکنند که آن را از هفت آسمان و هفت زمین بیاورد بخدا قسم اگر این تکلیف را بر چهار پایان زمین بکنند طاقت آن را

امامت، ج ۱، ص: ۱۷۴

نخواهند داشت.

آنگاه فرمود ابا خدیجه! ما اهل بیت پیامبر موالی هر مسلمانیم هر که غیر ما را دوست بدارد بر او لعنت خدا باد، منظور از مزدور کسی نیست که بیک یا دو دینار یا درهم اجیر باشد بلکه منظور کسی است که

ظلم کند به پیامبر در مورد اجر رسالتش راجع بخویشاوندانش خداوند فرموده است:

قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِی الْقُرْبی هر کس ستم به پیامبر روا دارد در اجر رسالت، بر او باد لعنت خدا و ملائکه و تمام مردم.

تفسیر فرات: زیاد بن منذر گفت از حضرت باقر علیه السّلام شنیدم میفرمود ما درختی هستیم که ریشه آن پیامبر اکرم و تنه اش علی بن ابی طالب و شاخه هایش فاطمه دختر پیامبر و میوه اش حسن و حسین علیهما السّلام ما شجره نبوت و خانه رحمت و کلید حکمت و معدن علم و محل رسالت و آمد و رفت ملائکه و خزینه اسرار و امانت خدا و امانتی که بر آسمانها و زمین و کوهها عرضه شد و حرم اکبر خدا و بیت اللّه عتیق و پیمان خدا هستیم در نزد ما علم مرگ و میر و بلاها و پیش آمدها و وصایا و فصل خطاب است و زادگاه اسلام و نژاد عرب است ائمه علیهم السّلام نوری درخشان اطراف عرش خدا بودند دستور داد تسبیح نمایند اهل آسمانها از تسبیح ایشان به تسبیح مشغول شدند ایشانند صافین و تسبیح کنندگان هر که وفا به پیمان آنها نماید به پیمان خدا وفا نموده و کسی که عارف حق ایشان باشد عارف حق خدا است آنها عترت پیامبرند که منکر حق ایشان باشد منکر حق خدا است آنها فرمانروایان امر خدا و گنجینه های وحی پروردگارند و وارث کتاب او و ایشان برگزیده بامر خدا و امین وحی اویند آنها خاندان نبوت و مرکز رسالت و مأنوس به پر و بال ملائکه اند کسانی هستند که جبرئیل بامر پروردگار آنها

را تغذیه نموده بوسیله اخبار قرآن و دلیل عالی اینها اهل بیت پیامبرند که خداوند بشرافت خویش ایشان را امتیاز بخشیده و بلطف مفتخر نموده و با هدایت عزیز کرده و بوحی استوار و آنها را پیشوایان هدایت قرار

امامت، ج ۱، ص: ۱۷۵

داده و نوری درخشان در تاریکیها و اختصاص بدین خود داده و بعلم خویش مزیت بخشیده و آنچه با حدی از جهانیان نداده بایشان بخشیده.

آنها را پایه دین و مرکز اسرار و امنای وحی و گواهان مردم قرار داده و ایشان را برگزیده و انتخاب کرده و امتیاز بخشیده فضیلت کرامت کرده و آنها را نور جهان قرار داده و پایه استوار مردم و حجت بزرگ و نجات یافتگان که دارای قرب و منزلتند آنها برگزیدگان باشخصیت میباشند.

داوران فرمانروا و ستارگان درخشان و صراط مستقیم و شاهراه هدایتند هر که از آنها رو بر گرداند گمراه و آنکه کوتاهی در باره ایشان نماید ببدبختی گرفتار آید و هر که پیرو آنها شد بهدف میرسد.

نور درخشان پروردگارند در دلهای مؤمنین و دریای متلاطم خوشگوار برای لب تشنگان هر که به آنها پناه برد ایمن است و پشتیبان کسی هستند که به آنها چنگ زند راهنمای بسوی خدا و فرمانبر اویند و مجری دستور پروردگار و به فرمان او حکم میکنند.

خداوند پیامبرش را در میان ایشان برانگیخت و فرشتگان خدا بر آنها وارد میشوند و آرامش و سکینه پروردگار بر آنها نازل میگردد و روح الامین بر آنها نزول میکند بجهت لطف و عنایتی که خدا بر آنها دارد این امتیاز را به ایشان بخشیده و بتقوی ایشان را آراسته و بحکمت تقویت نموده شاخه های پاک

و ریشه های مبارکند.

گنجینه علم و وارث حلم و صاحب تقوی و فرمان و نور و روشنائیند وارث انبیاء و آخرین اوصیاء از آن خانواده است پاک نهاد خوش نام محمّد مصطفی پیامبر درس نخوانده و ممتاز از جمله آنها است فرمان روای از هر و شیر ژیان حمزه بن عبد المطلب و از آنها است ناران خواه در روز قحط عباس بن عبد المطلب عموی پیامبر و همدوش پدرش و جعفر بن ابی طالب ذو الجناحین کسی که بدو قبله نماز خواند و دو هجرت کرد و دو بیعت نمود پاک نژاد روشن روان و از این خانواده

امامت، ج ۱، ص: ۱۷۶

است برادر و دوست حضرت محمّد و جانشین بعد از او صاحب برهان و تأویل و تفسیر امیر المؤمنین و ولی مؤمنین و وصی پیامبر اکرم علی بن ابی طالب درود پاک و تهنیت خدا بر او باد.

اینهایند کسانی که خداوند مودت و ولایت آنها را بر هر مرد و زن مسلمان لازم نموده و در قرآن کریم فرموده است:

قُلْ لا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبى وَ مَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَزِدْ لَهُ فِيها حُسْناً إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ حضرت باقر فرمود اقتراف حسنه محبت ما خانواده است.

تفسیر فرات بن ابراهیم: حبیب بن ابی ثابت بمسجد قبا وارد شد دید گروهی از انصار نشسته اند.

حضرت علی بن الحسین علیه السّلام برای نماز آمده بود سلام کردند سپس گفتند پدران ما گفته اند ما خدمت پیامبر رفتیم در آن بیماری که از دنیا رفت عرض کردیم خداوند ما را گرامی داشت و هدایت نمود بواسطه شما و ایمان آوردیم و شخصیت یافتیم.

اینک هر چه مایلی در اموال

ما تصرف فرما پیامبر اکرم فرمود «قُلْ لا أَسْئَلُکَمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّهَ فِی الْقُرْبی » ما را دستور داد به محبت شما خانواده.

فرات بن ابراهیم: علی بن حسین بن سمط گفت از پدرم شنیدم می گفت از حضرت علی بن ابی طالب که فرمود از پیامبر اکرم شنیدم وقتی آیه قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّهَ فِی الْقُرْبی نازل شد جبرئیل گفت یا محمّد هر دینی ریشه و پایه و تنه و بنیانی دارد ریشه و پایه دین گفتن لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ و پیکره و بنیان دین محبت شما خانواده است و موالات شما در راه حق و راهنمائی به سوی آن.

تفسیر فرات: محمّد بن حنفیه پیش یاران خود آمد که انتظار خارج شدنش

امامت، ج ۱، ص: ۱۷۷

را از منزل داشتند گفت این بشارت را از خدا دریافت کنید بخدا قسم هیچ کس جز شما چنین بشارتی دریافت نکرده آنگاه این آیه را خواند: قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّهَ فِی الْقُرْبی .

فرمود ما اهل بیت و خویشاوند پیامبریم خدا ما را از آنها قرار داده و شما را نیز از ما محسوب نموده.

سپس این آیه را خواند: قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنا إِلَّا إِحْدَی الْحُسْنَیَیْنِ آیا انتظاری برای ما جز یکی از دو نیکی دارید؟ مرگ و داخل شدن به بهشت و ظاهر شدن امر ما که خداوند چشم شما را روشن کند آنگاه فرمود راضی نیستید که نماز شما قبول شود و نماز آنها قبول نشود، حج شما قبول شود و از آنها قبول نشود گفتند: بچه جهت، در جواب آنها فرمود جریان همین طوریست که گفتم.

تفسیر فرات: عبد الرحمن بن کثیر از حضرت

باقر علیه السّلام نقل کرد که فرمود این آیه بر پیامبر نازل شد قُلْ لا أَسْئَلُکَمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِی الْقُرْبی جبرئیل بر آن جناب نازل گردیـده گفت یا محمّد مأموریت خود را بپایان رساندی و مدت پیامبریت پایان یافته اینک اسم اکبر و میراث علم و آثار دانش پیامبری را به علی بسپار من زمین را خالی از عالمی که راهنمای بفرمان من باشد و آنها را آشنا بدین نماید و حجت بین مردم در فاصله فوت پیامبر تا بعثت پیامبری دیگر باشد نمی گذارم.

پیـامبر علی را وصـی قرار داد و میراث علم و آثـار دانش پیـامبری را به او سپرد و هزار در از علم بر او گشود که از هر در هزار در دیگر گشوده می گشت و هر جمله هزار جمله بود و در روز دوشـنبه از دنیا رفت فرمود یا علی سه روز نبایـد از خانه خارج شوی تا قرآن را جمع آوری کنی مبادا شیطان بر او بیفزاید یا کم کند تو باید بر خلاف روش وصی سلیمان رفتار کنی.

(نقل شده که شیطان کتاب سحر را زیر تابوت سلیمان گذاشت و این امر مردم را باشتباه انداخت).

امامت، ج ۱، ص: ۱۷۸

علی علیه السّلام رداء نپوشید برای خارج شدن از خانه تا قرآن را جمع نمود در نتیجه شیطان در آن کم و زیاد نکرد.

طرایف: بخاری در صـحیح خود جزء شـشم از ابن عباس نقل می کند که سـعید بن جبیر گفت قربی در آیه قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِی الْقُرْبی آل محمّدند. مسلم نیز در صحیح خود در جزء پنجم همین را نقل نموده.

در جمع بین صحاح سته در

جزء دوم از چهـار جزء از اجزاء سوره حم در تفسـیر همین آیه در تعیین آل محمّـد از چنـد طریق نقـل می کنـد از آن جمله ام سلمه نقل کرد که پیامبر اکرم بفاطمه زهرا علیها السّـلام فرمود شوهر و دو پسرت را بیاور وقتی آنها آمدند حضرت رسول کسا را بر روی آنهـا انـداخت سـپس دست بآسـمان برداشـته گفت خـدایا اینها آل محمّدنـد صـلوات و برکات خود را بر آنها نازل گردان تو حمید و مجیدی. ام سـلمه گفت من گوشه عبا را کنار زدم تا داخل آن جمع شوم پیامبر اکرم از دسـتم کشیده فرمود عاقبت تو بخیر است.

مناقب: کتاب ابن عقده نقل می کند که حضرت صادق بحصین بن عبد الرحمن فرمود محبت ما خانواده را کوچک مشمار که آن از باقیات الصالحات است. عرض کرد یا ابن رسول اللّه من کوچک نمیشمارم، خدای را بر این نعمت سپاسگزارم.

کنز الفوائد: حسن بن زید از پدر خود از جدش نقل کرد که پس از شـهادت حضـرت علی علیه السّـلام امام حسن علیه السّلام در ضـمن سـخنرانی خود فرمود مـا از همـان خانواده ای هستیم که محبت و مودت آنها بر هر مسـلمانی بصـریح این آیه واجب شـده قُلْ لا أَسْـئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّهَ فِی الْقُرْبی وَ مَنْ یَقْتَرِفْ حَسَـنَهً نَزِدْ لَهُ فِیها حُسْـناً فرمود اقتراف حسـنه مودت ما خانواده است.

کنز الفوائد: حسـین بن علی علیه السّـلام در مورد آیه قُلْ لا أَسْـئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّهَ فِی الْقُرْبی فرمود آن خویشاوندانی که خدا دستور پیوند و تعظیم آن داده و خیر و برکت را در آن خانواده نهاده خویشاوندی ما خانواده است که حق

امامت، ج ۱،

ما را بر هر مسلمان واجب نموده.

ثعلبی باسناد خود از ابی الدیلم نقل کرد که وقتی زین العابدین علیه السّلام را وارد شام کردند و بر درب مسجد شام نگه داشتند مردی از شامیان گفت خدا را حمد که شما را کشت و بیچاره کرد و فتنه را خوابانید.

علی بن الحسین علیه السّلام باو فرمود قرآن خوانده ای گفت آری پرسید الحم را قرائت کرده ای گفت قرآن خوانده ام اما الحم را نخوانده ام پرسید این آیه را خوانده ای قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِی الْقُرْبی گفت: مگر شما آن خانواده هستید. فرمود: آری.

بعد زین العابدین فرمود در سوره بنی اسرائیل این آیه را خوانده ای وَ آتِ ذَا الْقُرْبی حَقَّهُ حق خویشاوند را بده.

آن مرد گفت مگر شما آن خانواده ای هستید که خداوند امر کرده حق آنها را بدهید؟ فرمود: آری.

کافی: جابر از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد در مورد آیه وَ مَنْ یَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَزِدْ لَهُ فِیها حُسْناً.

فرمود هر کس اوصیاء آل محمّد را دوست بدارد و آثار آن ها را پیروی کند این دوستی موجب افزایش ولایت سایر پیامبران و اوصیاء گذشته می شود تا به آدم، همین است معنی آیه مَنْ جاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَیْرٌ مِنْها که موجب دخول بهشت می شود.

خداوند در این آیه می فرماید: قُلْ ما سَأَلْتُکُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَکُمْ یعنی آن پاداشی که از شما خواستم راجع به محبت با خویشانم به نفع شما است که موجب هدایت و نجات شما از عذاب خدا در روز قیامت می شود.

اما در باره دشمنان خدا و پیروان شیطان که منکر نبوت بودند و تکذیب میکردند این آیه را فرمود: قُلْ ما أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ

مِنْ أَجْرٍ وَ ما أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ من از شما پاداشی نمی خواهم و شما را بناراحتی وادار نمی کنم فرمود این یک

امامت، ج ۱، ص: ۱۸۰

ناراحتی است برای آنها که چیزی از ایشان درخواست کند که شایسته آن نیستند.

در این موقع منافقین بیکدیگر گفتند محمّد را کافی نبود که بیست سال ما را تحت فرمان خود در آورد حالا- می خواهد خانواده اش را بر دوش ما تحمیل کند.

این آیه را خدا نازل نکرده این را از خودش ساخته می خواهد خانواده اش را بر ما آقائی بخشد اگر محمّد کشته شود یا بمیرد این مقام را از خانواده او می گیریم و هرگز به آنها رد نخواهیم کرد.

خداوند پیامبرش را از تصمیم آنها آگاه نمود و از سخنان سری ایشان مطلع کرد.

در این آیه أَمْ يَقُولُونَ افْتَرى عَلَى اللَّهِ كَذِباً فَإِنْ يَشَإِ اللَّهُ يَخْتِمْ عَلى قَلْبِكَ می گویند بر خدا دروغ بسته اگر خداوند بخواهد وحی را از تو قطع می کند که در باره فضیلت خانواده خود و مودت آنها سخن نگوئی و فرموده است در این آیه يَمْحُ اللَّهُ الْباطِلَ وَ يُحِقُّ الْحَقَّ بِكَلِماتِهِ حقی که اختصاص بخانواده ات دارد ولایت است ۳ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذاتِ الصُّدُورِ خدا از راز دلها آگاه است که چه تصمیمی در مورد خاندان تو گرفته اند که بعد از تو بآنها ستم روا دارند این آیه اشاره بآن است وَ أَسَرُّوا النَّجْوَى الَّذِينَ ظَلَمُوا هَلْ هذا إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ أَ فَتَأْتُونَ السِّحْرَ وَ أَنْتُمْ تُبْصِرُونَ «۱».

امامت، ج ۱، ص: ۱۸۱

بخش چهاردهم در تأویل آیه إِذَا الْمَوْؤُدَةُ سُئِلَتْ

ترجمه روایات

تفسیر قمی: ص ۷۱۳- جابر از حضرت باقر علیه السّلام نقل میکند در باره آیه وَ إِذَا الْمَوْؤُدَةُ سُئِلَتْ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ فرمود بازخواست می شود از

کسی که در راه محبت ما کشته شده.

کنز الفوائد: منصور بن حازم از زید بن علی نقل کرد که باو گفتم فدایت شوم تفسیر آیه وَ إِذَا الْمَوْؤُدَهُ سُئِلَتْ، بِأَیِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ فرمود بخدا قسم این آیه در باره محبت ما است بخدا سوگند اختصاص بما دارد.

کنز الفوائد: جابر جعفی گفت از حضرت صادق علیه السّلام پرسیدم راجع به آیه وَ إِذَا الْمَوْؤُدَهُ سُئِلَتْ بِأَیِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ.

فرمود: کسی که در راه محبت ما کشته شود از قاتل او بازخواست می کنند راجع بقتل او.

چهار روایت دیگر در باره همین آیه از کنز الفوائد نقل می شود که از جهت تکرار صرف نظر شد.

کنز الفوائد: جابر از حضرت صادق علیه السّلام پرسید تفسیر آیه وَ إِذَا الْمَوْؤُدَهُ

امامت، ج ۱، ص: ۱۸۲

سُئِلَتْ بِأَیِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ فرمود منظور حسین علیه السّلام است.

توضیح: مرحوم طبرسی در تفسیر این آیه می گوید: موءوده دختری است که او را زنده بگور می کردند.

زنان موقع زایمان گودالی می کندند و بر سر گودال مینشستند اگر دختر میزائید او را در میان گودال می انداخت اگر پسر می زائید او را نگه می داشت.

یعنی از آن بچه سؤال می شود بچه گناه کشته شده ای قاتلش را توبیخ می نمایند بعضی گفته اند از آن زن سؤال می کنند به چه گناهی او را کشتی.

از حضرت باقر و صادق علیه السّلام نقل شده که «موده» بفتح میم و واو- ابن عباس نیز این روایت را نموده در این صورت منظور خویشاوند و وابسته است از خویشاوندی که قطع رحم کرده میپرسند بچه جهت قطع نموده.

از حضرت باقر علیه السّلام نقل شده یعنی خویشاوند پیامبر و کسی که در جهاد کشته شود در روایت دیگری فرمود کسی است که

در محبت و ولایت ما کشته شود.

توضیح: ظاهر بیشتر این اخبار شاهد قرائت دوم (موده) است یا باین طور که منظور اهل مودت است بحذف مضاف یا اینکه از روی مجاز به مودت نسبت داده شده، منظور تضییع مودت اهل بیت علیهم السّلام و کوتاهی در انجام وظیفه ای که نسبت به آن دارند.

و بنا بر قرائت مشهور (موءوده) که باشد منظور شخصی که در خاک دفن شده به طور کلی چه زنده و چه مرده همین اشاره است به کسانی که در راه خدا کشته شده اند زنده اند نه مرده مثل اینکه زنده دفن شده اند در این

امامت، ج ۱، ص: ۱۸۳

تعبیر نوعی لطافت است که مخفی نیست «۱».

تفسیر فرات بن ابراهیم: از حضرت باقر علیه السّلام نقل شده در مورد آیه وَ إِذَا الْمَوْؤُدَهُ سُئِلَتْ بِأَیِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ.

میفرماید: سؤال می کنم از اهل بیت پیغمبر که فضل آن ها را برایتان توضیح دادم بچه گناه آنها را کشتید.

تفسیر فرات: حضرت صادق علیه السّلام در مورد آیه وَ إِذَا الْمَوْؤُدَهُ سُئِلَتْ یعنی مودت ما به چه گناهی کشته شده گفت این حق واجب ما است بر مردم و محبت واجب ما بر مردم است که محبت ما را از میان برده اند.

امامت، ج ۱، ص: ۱۸۴

بخش پانزدهم تأویل والدین و ولد و ارحام و ذوی القربی باهل بیت پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه و آله و سلم

ترجمه روایات

مناقب آل ابی طالب: ص ۲۴۴- سلیم بن قیس از امیر المؤمنین در خبری طویل راجع به آیه مبارکه وَ والِدٍ وَ ما وَلَدَ فرمود: والد رسول خدا است وَ ما وَلَدَ یعنی اوصیاء پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه و آله و سلم.

توضیح: بعضی گفته اند والد آدم است و ما ولد ذریه او یا انبیاء و اوصیای از فرزندانش. گفته شده ابراهیم و فرزندش بعضی گفته اند

هر پدر و فرزندش.

مناقب: ابو حمزه از حضرت باقر علیه السّلام در باره آیه یا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ واحِدَةٍ فرمود منظور خویشاوندی پیامبر است که سرور آنها امیر المؤمنین علیه السّلام است دستور بمودت ایشان داده شده است ولی بر خلاف آن عمل کردند.

توضیح: شاید این خبر نظر به قسمت وَ الْأَرْحامَ یعنی متوجه باشید نسبت به خویشاوندان پیامبر اکرم که ارتباط و مودت با آنها را قطع نکنید.

کنز الفوائد: عبد الرحیم قصیر گفت از حضرت صادق علیه السّلام سؤال شد راجع

امامت، ج ۱، ص: ۱۸۵

به آیه وَ أُولُوا الْأَرْحامِ بَعْضُهُمْ أَوْلى بِبَعْضٍ فِي كِتابِ اللَّهِ فرمود نازل شده در باره فرزندان حسین علیه السّلام عرضکردم: فدایت شوم این در مورد فرائض است؟ فرمود نه گفتم در باره ارث است؟ فرمود نه آنگاه فرمود در مورد فرمانروایان نازل شده.

توضیح: شاید سؤال از ارث بعد از فرائض به جهت تأکید بوده یا خیال کرده امام علیه السّلام فرائض را حمل بر غیر مواریث نموده.

کنز الفوائد: محمّد بن زید غلام حضرت باقر گفت از مولایم سؤال کردم راجع به آیه وَ أُولُوا الْأَرْحامِ بَعْضُهُمْ أَوْلى بِبَعْضٍ فرمود منظور علی علیه السّلام است.

کنز الفوائد: زید بن علی در باره آیه وَ أُولُوا الْأَرْحامِ بَعْضُهُمْ أَوْلى بِبَعْضٍ فِي كِتابِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُهاجِرِينَ فرمود خویشاوندان پیغمبر صلی اللّه علیه و آله و سلم بفرمانروائی و ملك و مملکت داری و ایمان شایسته ترند از دیگران.

کنز الفوائد: ابن حازم از زید بن علی نقل کرد که گفتم فدایت شوم این آیه چه معنی دارد ما أَفاءَ اللَّهُ عَلى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرى فَلِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ وَ

لِذِی الْقُرْبی فرمود: بخدا قسم منظور خویشاوندی ما است.

کنز الفوائد: ابو المقدام از پدر خود نقل کرد که از حضرت باقر علیه السّلام راجع بتفسیر این آیه پرسیدم ما أَفاءَ اللَّهُ عَلی رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُری فَلِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِی الْقُرْبی وَ الْیَتامی وَ الْمَساکِینِ وَ ابْنِ السَّبِیلِ امام علیه السّلام فرمود این آیه در باره ما فقط نازل شده هر چه متعلق بخدا و پیامبر باشد بما تعلق دارد ما ذو القربی و ما محتاج هستیم هرگز احتیاج و نیاز ما به پیغمبر صلی اللَّه علیه و آله و سلم قطع نخواهد شد ما ابن السبیل هستیم هیچ راهی هویدا نمی شود مگر به وسیله ما امور به طور کلی مربوط بما است.

توضیح: شاید تأویل و تفسیر تمامی از نسخه برداران حذف شده.

در تفسیر امام علیه السّلام راجع بآیه وَ بِالْوالِدَیْنِ إِحْساناً نقل می کند که پیامبر اکرم فرمود بهترین و سزاوارترین پدر و مادر شما به سپاسگزاری محمّد و علی علیهما السّلام هستند.

امامت، ج ۱، ص: ۱۸۶

علی بن ابی طالب علیه السّلام فرمود از پیامبر اکرم شنیدم میفرمود من و علی دو پدر این امت هستیم حق ما بر مردم بیشتر از حق پدر و مادر نژادی است زیرا ما آنها را در صورت اطاعت از جهنم نجات میدهیم و به بهشت برین رهنمون میگردیم و از بندگی رهائی می بخشیم و آزادگی را بایشان ارزانی میداریم.

حضرت فاطمه علیها السّلام فرمود دو پدر این امت محمّد و علی هستند آنها را از انحراف باز میدارند اگر مطیع آنها باشند از عذاب دائم رهائی می یابند و به نعمت جاوید میرسند.

حضرت امام حسن علیه السّلام فرمود دو پدر

این امت محمّد و علی هستند خوشا بحال کسی که عارف بحق آنها باشد و در تمام احوال از ایشان اطاعت کند خدا او را از بهترین ساکنین بهشت قرار می دهد و سعادت و لطف و عنایت خدا را در مییابد.

حضرت امام حسین علیه السّلام فرمود هر کس حق دو پدر شایسته تر خود محمّد و علی را بشناسد و بواقع از ایشان اطاعت کند باو می گویند هر کجای بهشت که مایلی ساکن شو.

حضرت علی بن الحسین علیه السّلام فرمود اگر حق پدر و مادر زیاد است بواسطه ی نیکی و احسان آنها بفرزند احسان و نیکی محمّد و علی بامت بیشتر از آنها است آن دو شایسته ترند که دو پدر امت باشند.

حضرت باقر فرمود هر کس میخواهد بداند چقدر در نزد خدا مقام دارد نگاه کند چه اندازه احترام میگذارد به دو پدر شایسته خود محمّد و علی علیهما السلام.

حضرت صادق علیه السّلام فرمود هر کس مراعات حق دو پدر گرامی تر خود محمّد و علی را بنماید زیانی او را نخواهد بخشید در صورتی که حقی از پدر و مادر خود و سایر بندگان خدا ضایع کرده باشد زیرا محمّد و علی علیهما السلام آنها را با کوشش خود راضی می کنند.

امامت، ج ۱، ص: ۱۸۷

حضرت موسی بن جعفر علیه السّلام فرمود ثواب نماز هر چه بیشتر می شود که نمازگزار چقدر نسبت به دو پدر گرامی تر خود محمّد و علی احترام گذارد.

حضرت رضا علیه السّلام فرمود مگر ناراحت نمی شود اگر کسی را از پدر و مادر نژادیش نفی نمایند، عرض کردند: چرا فرمود پس سعی کنید که شما را از دو پدری که افضل از پدر و مادر

نژادی هستند نفی ننمایند.

حضرت جواد علیه السّلام به مردی که در خدمتش بود فرمود من محمّد و علی را چنان دوست دارم که اگر مرا قطعه قطعه نمایند یا با قیچی ریزه ریزه کنند دست از آنها نمی کشم.

حضرت جواد فرمود بدون شک محمّد و علی علیهما السّلام بتو آن مقدار پاداش ضمانت می کنند که تو در راه آنها از خود گذشت داشته باشی آن ها در روز قیامت آن قدر برای تو درخواست میکنند که هر چه تو بکنی یک صد هزارم آن نمیشود.

حضرت امام علی النقی علیه السّلام فرمود هر کس پدر و مادر دینی او گرامی تر از پدر و مادر نژادیش نباشند از دین خدا بهره ای نبرده نه حلال و حرام و نه کم و زیاد.

حضرت امام حسن عسکری علیه السّلام فرمود هر کس اطاعت از پدر و مادر نژادی خود را مقدم بر اطاعت از پدر دینی خود بدارد خدا باو میگوید منهم ترا اعتنا نمیکنم چنانچه تو بی اعتنائی کردی و بتو شرافت و شخصیت نمیدهم پیش پدر مادر دینی است چنانچه برای آنها ارزش قائل نشدی در مقابل پدر و مادر نژادیت.

اما این آیه ذَوِی الْقُرْبی آنها خویشاوندان پدر مادریت هستند بتو گفته شد: حق آنها را توجه داشته باش چنانچه این پیمان از بنی اسرائیل گرفته شد و از شما امت محمّد نیز تعهد گرفته شده است نسبت بمعرفت خویشاوندان محمّد که آنها ائمه و پیشوایان بعد از او هستند و کسانی که جانشین ایشان می شوند از

امامت، ج ۱، ص: ۱۸۸

برجستگان دینی.

امام علیه السّلام فرمود پیامبر اکرم صلی اللّٰه علیه و آله و سلم فرمود هر کس رعایت حق خویشاوندان پدر و

مادری خود را بنمایـد در بهشت باو هزار درجه عنایت میکننـد که فاصـله بین هر درجه تا درجه دیگر باندازه هزار سال دویدن یک اسب تند رو عالی است یک درجه از نقره دیگری طلا سومی مروارید چهارمی زمرد و پنجمی زبرجد و ششـمی مشک و هفتمی عنبر و هشتمی کافور این درجات از چنین جنس ها است.

و اما کسی که رعایت خویشاوندان محمّد و علی را بنماید به او آن قدر درجه و ثواب اضافه از اینها می دهند که معادل برتری محمّد و علی بر پدر و مادر نژادیش باشد.

حضـرت فاطمه علیها السّـلام به برخی از زنان فرمود پـدر و مادر دینی خود محمّـد و علی را خشـنود کن گر چه با خشم پدر و مـادر نژادیت باشـد مبادا پـدر و مادر نژادی را خشـنود کنی با خشم پـدر و مادر دینی، زیرا اگر پـدر و مادر نژادیت خشـمگین شونـد محمّـد و علی علیهمـا السـلام آنها را راضـی می کننـد بثواب یک ملیونیم از یک ساعت اطاعت کردن تو محمّـد و علی علیهما السـلام را و اما اگر پـدر و مادر دینی است خشـمگین شوند پدر و مادر نژادیت نمیتوانند آنها را خشـنود کنند زیرا تمام ثواب اطاعت کردن اهل دنیا برابر با خشم محمّد و علی علیهما السلام نمی شود.

حسن بن علی علیه السّـلام فرمود لازم است بر تو نیکی بخویشاونـدان دو پـدر دینی ات محمّـد و علی گر چه حق خویشاوندان پدر و مادرت را ضایع کرده باشی مبادا رعایت حق خویشاوندان پیامبر را واگذاری بتلافی خویشاوندان نژادی خود زیرا سپاس خویشاوندان پدران دینی محمّد و علی پیش آنها برایت سود بیشتری دارد از سپاس خویشاوندان

پـدر و مادر نژادی پیش آنها چون خویشاونـدان پدران دینی وقتی ترا سـپاس گزارند در نزد پیامبر و علی علیهما السـلام بکمتر سپاسی یک توجه آنها موجب از بین رفتن گناهانت می شود گر چه به اندازه

امامت، ج ۱، ص: ۱۸۹

فاصله زمین تا عرش باشد.

اما اگر خویشاوندان پدر و مادر نژادی از تو سپاسـگزاری کنند پیش آنها در صورتی که حق خویشاوندان پیامبر را ضایع کرده باشی نمیتوانند ذره ای از تو رفع نیاز کنند.

علی بن الحسـین علیه السّـلام فرمود حق خویشاونـدان دو پـدر دینی ما محمّد و علی و دوسـتان آن دو بیشتر از حق پدر و مادر نژادی است، زیرا پـدران دینی میتوانند پدر و مادر نژادی ما را راضـی کنند اما پدر و مادر نژادی نمیتوانند پدران دینی محمّد و علی صلوات اللّه علیهما را از ما خشنود نمایند.

حضـرت محمّـد بن علی علیه السّـلام فرمود کسـی که پدران دینی خود محمّد و علی و خویشاوندانش را مقدم بدارد بر پدر و مادر نژادی و خویشاوندان آنها.

خداونـد بـاو میفرمایـد آن کس که مقـدم و برتر بـود برتری دادی ترا نیز برتری میـدهم آن کس که شایسـته برتری بود مقـدم داشتی ترا ساکن بهشت جاوید و همنشین با دوستان خود میکنم.

حضـرت صادق علیه السّلام فرمود کسی که برایش مشکل باشد رعایت حق خویشاوندان پدران دینی و هم خویشاوندان پدر و مادر نژادی و در تقـدیم یکی از آن دو مردد باشد و عاقبت خویشاوندان پدران دینی خود را بر خویشاوندان پدر و مادر نژادی مقـدم دارد روز قیامت خداونـد باو میفرمایـد او که خویشاونـدان پدران دینی خود را مقدم داشت مقدمش بدار بسوی بهشـت آنچه برایش درجه

قرار داده اند یک میلیون برابر اضافه می شود.

موسی بن جعفر علیه السّلام در جواب کسی که توضیح داد شخصی هزار درهم داشت دو متاع برای خرید باو عرضه شد هر دو را مایل بود بخرد اما سرمایه اش برای هر دو کافی نبود پرسید کدام یک برایم سودمندتر است گفتند آن یکی سودش هزار برابر اینست.

امامت، ج ۱، ص: ۱۹۰

فرمود مگر عقل به او حکومت نمی کند که بهتر را برگزیند جواب دادند چرا.

فرمود همین طور مقدم داشتی خویشاوندان پدران دینی محمّد و علی است ثوابش بیش از این است زیرا برتری آن معادل برتری محمّد و علی است بر پدر و مادر نژادیش.

بحضرت رضا علیه السّلام عرض کردند آقا فلان کس زیان بسیار فاحشی کرده فرمود چطور. گفتند ده هزار دینار طلا را تبدیل به ده هزار درهم نقره نموده فرمود اگر این ده هزار دینار طلا را بهزار درهم نقره تبدیل کند پشیمانی و زیانش بیشتر نیست گفتند آری.

فرمود اینک شما را مطلع کنم از کسی که پشیمانی و زیانش از او بیشتر است گفتند بفرمائید. فرمود اگر شخصی هزار کوه طلا داشته باشد آن را بفروشد بهزار دانه بی ارزش آیا از آن کسی که قبلا ذکر شد حسرت و زیانش بیشتر نیست گفتند چرا.

فرمود حالا کسی را مثال بزنم که از این شخص هم زیانکارتر و پشیمان تر است گفتند بفرمائید فرمود کسی که در نیکی و کمک خویشاوندان پدر و مادر نژادی خود را مقدم بدارد بر خویشاوندان پدران دینی خود محمّد و علی زیرا برتری خویشاوندان پدران دینی او بر خویشاوندان پدر و مادر نژادیش بیشتر از ارزش هزار کوه طلا بر هزار دانه بی ارزش

است.

حضرت جواد علیه السّلام فرمود هر کس خویشاوندان دو پدر دینی خود محمّد و علی را بر خویشاوندان پدر و مادر نژادی مقدم بدارد خداوند او را در روز قیامت در مقابل مردم مقدم میدارد و به تحفه های کرامت خویش ممتاز می نماید و بر مردم شرافت می بخشد مگر در نیکی برابری روا دارد یا خویشاوندان نژادیش را مقدم بدارد.

حضرت امام علی النقی فرمود از بزرگداشت مقام خدا اینست که

امامت، ج ۱، ص: ۱۹۱

خویشاوندان پدران دینی خود محمّد و علی را مقدم بداری بر خویشاوندان پدر و مادر نژادیت و از سبک شمردن مقام خدا است مقدم داشتی خویشاوندان پدر و مادر نژادی بر خویشاوندان پدران دینی خود محمّد و علی علیهما السّلام.

حضرت امام حسن علیه السّلام فرمود مردی خانواده اش دچار گرسنگی شدند برای تهیه خوراک یک درهم بدست آورد نان و خورش خرید گذارش بمرد و زنی از خویشاوندان محمّد و علی علیهما السّلام افتاد آن دو نیز گرسنه بودند.

گفت اینها از خانواده خودم شایسته ترند نان و خورش را به آنها داد متحیر ماند که پیش خانواده خود چگونه عذر بخواهد در راه فکر میکرد چه بگوید که یک درهم را چه کرده در همین بین که متحیر بود پیکی از او جستجو میکرد پیک را راهنمائی کردند نامه ای از مصر برای او آورد با پانصد دینار گفت این باقیمانده مال پسر عمویت هست که در مصر از دنیا رفته و صد هزار دینار نیز دارد که تجار مکه و مدینه باید بپردازند و باغ ها و اموال زیادی در مصر دارد چندین برابر اینست.

پانصد دینار را گرفت و صرف در خرج خانواده خود نمود آن

شب پیـامبر اکرم را در خواب دیـد بـاو فرمود چگونه مشاهـده کردی بینیاز کردن ما ترا چون خویشاونـدان مرا بر خویشاونـدان خود مقدم داشتی.

هر کـدام از کسانی که در مـدینه و مکه مقروض به پسـر عموی او بودنـد در شب بخواب دیدنـد که به آنها گفته شد اگر فردا قرض فلانی را که بارث از پسر عمویش می برد دادی و گر نه هلاک خواهید شد و نعمت و شخصـیت شما از بین میرود تمام بدهکاران بدهی خود را پرداختند تا تمام صد هزار دینار و هر کس در مصـر مالی در اختیارش از پسـر عموی او بود در خواب دید که تهدیدش کردند که هر چه زودتر مال فلانی را رد کن.

آن شخص پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله و سلم را در خواب دید باو فرمود دیدی خدا چه

امامت، ج ۱، ص: ۱۹۲

کرد برای تو کسانی که در مصـر بودند دستور دادیم هر چه زودتر اموال ترا تحویل دهند اگر مایلی بحاکم مصر بگوئیم باغ ها و املاک ترا بفروشند تا با پول آن در مدینه برای خود ملک بخری گفت مایلم.

حاکم مصر حضرت محمّد و علی علیهما السّلام را در خواب دید و باو دستور دادند باغ های او را بفروشند و پولش را برای او حواله کنند مبلغ سیصد هزار دینار برایش فرستاد از تمام ثروتمندان مدینه بالاتر شد.

بعـد پیغمبر اکرم بخواب او آمـده فرمود این پاداش دنیای تو بود که خویشاونـدان مرا بر خویشان خود مقدم داشتی، در بهشت بتو در مقابل هر دانه از مالی که دادی هزار قصر خواهی داشت که کوچکترین قصرهای آن از دنیا بزرگتر است که هر سر

سوزن آن بهتر از دنیا و تمام چیزهای موجود در دنیا است.

تفسیر قمی: در تفسیر آیه الَّذِينَ يُوفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَ لا يَنْقُضُونَ الْمِيثاقَ، او الَّذِينَ يَصِلُونَ ما أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ محمّد بن فضیل از حضرت ابو الحسن نقل کرد که فرمود رحم آل محمّد آویخته بعرش است و میگوید خدایا پیوند نما با کسی که با من پیوند نموده و قطع کن با کسی مرا قطع نموده این در هر خویشاوندی جاری است اما این آیه در باره آل محمّد است.

معانی الاخبار: عمرو بن جمیع گفت خدمت حضرت صادق علیه السّلام بودم با چند نفر از اصحاب میفرمود رحم ائمه از آل محمّد روز قیامت بعرش چسبیده و ارحام مؤمنین نیز به آنها چسبیده است میگوید خدایا به پیوند با کسی که مرا وصل نموده و قطع کن از کسی که مرا قطع کرده خداوند میفرماید من رحمان هستم و تو رحم نام ترا از نام خود جدا کرده ام هر که با تو به پیوندد با او می پیوندم و هر که ترا قطع کند با او قطع مینمایم بهمین جهت پیامبر اکرم فرموده است رحم شعبه ای از خدا است.

امامت، ج ۱، ص: ۱۹۳

تفسیر امام علیه السّلام در مورد تفسیر (رحمان) می فرماید رحمان مشتق از رحم است.

امیر المؤمنین فرمود از پیامبر اکرم شنیدم میفرمود خداوند فرموده است من رحمانم و آن رحم است اسمی از نام خود باو اختصاص دادم هر که با آن به پیوندد با او می پیوندم و هر که قطع کند با او قطع میکنم.

سپس علی علیه السّلام فرمود میدانی این رحمی که هر کس با آن به پیوندد با رحمان

پیوسته است و هر که قطع کند از او قطع کرده کدام است.

شخصی گفت با این دستور تحریص نموده که هر فاملی خویشاوندان خود را محترم شمارند.

علی علیه السّلام فرمود خداونـد وادار میکنـد که خویشاوندان کافر خود را گرامی دارند و آن کس که خدا او را تحقیر نموده تعظیم نمایند، گفتند نه ترغیب بر صله رحم مؤمن نموده.

فرمود حقوق خویشاونـدی را واجب نموده بواسـطه پیوسـتگی آنها در پـدران و مادران گفتم آری. فرمود: در این صورت آنها حقوق پـدر و مادر را اداء مینماینـد چون پـدرها و مادرها موجب رشـد و نمو و غـذای آنها شده اند و از برخورد با ناراحتی ها جلوگیری کرده انـد که نعمتی زوال پـذیر و دفاعی زودگـذر است اما پیامبر آنها را بنعمتی جاویـد کشانـده و از ناراحتی ابدی بازداشـته کدامیك از این دو نعمت بزرگتر است گفتم نعمت پیامبر بزرگتر و باارزشتر است فرمود پس چگونه تحریص میکند بر ادای حقی کسـی که خـدا حق آن را کوچك شـمرده ولی تحریص نمیکند بر حق کسـی که حق او را بزرگ شـمرده گفتم چنین چیزی امکان ندارد.

فرمود پس حق رسول خدا از حق پدر و مادر بیشتر است حق خویشاوندان او نیز از خویشاوندان ایشان بزرگتر.

پیوند با خویشاوندان پیامبر با ارزشتر و قطع آن دشوارتر است. وای

امامت، ج ۱، ص: ۱۹۴

واقعا وای بر کسـی که آن را قطع کند وای وای بر کسی که حق آن را رعایت نکند مگر نمیدانی احترام خویشاوند پیغمبر احترام پیامبر است و احترام پیامبر احترام خدا است و حق خدا از هر منعمی غیر از او بالاتر است.

زیرا هر منعمی غیر از خدا لطفی که

نموده بواسطه نعمتی بوده که خدا در اختیارش گذاشته و او را توفیق داده نشنیده ای خداوند بموسی بن عمران چه فرمود؟

عرض کردم پدر و مادرم فدایتان چه فرمود.

فرمود خداوند باو خطاب کرد موسی میدانی رحمت من تا چه اندازه شامل حال تو شده.

عرضکرد خدایا تو بمن از مادرم مهربانتری.

فرمود موسی مهربانی مادرت نسبت بتو بفضل و رحمت من است من او را مهربان بتو کردم و دلگرمش کردم که زندگی خوش خود را صرف در راه تربیت تو کند اگر این کار را نکرده بودم او با دیگر زنان نسبت بتو فرقی نداشت.

فرمود موسی میدانی ممکن است یکی از بندگانم گناهان و خطاهای زیادی داشته باشد انباشته آن گناهان به بلندیهای آسمان برسد تمام گناهان او را میبخشم و هیچ باکی ندارم.

عرضکرد خدایا چگونه باکی نداری.

فرمود بواسطه یک صفت که در آن بنده است و من آن صفت را دوست میدارم برادران مؤمن خود را دوست میدارد و توجه به آنها دارد و خویش را با ایشان برابر میداند و تکبر بر آنها نمی نماید اگر چنین بود گناهانش را می آمرزم.

موسی فخر ردای من و کبریاء پیراهن من است هر کس در این دو چیز با من

امامت، ج ۱، ص: ۱۹۵

بنزاع برخیزد او را با آتش عذاب خود شکنجه میکنم.

یا موسی بزرگداشت مقام من اینست که بنده ی مؤمنی که او را از نعمت دنیا بهره مند نموده ام گرامی بدارد بنده ای را که دستش را از مال دنیا کوتاه کرده ام اگر بر او تکبر ورزد مقام مرا کوچک شمرده.

بعد امیر المؤمنین علیه السّلام فرمود رحمی که خداوند نام او را از رحمان جدا کرده رحم محمّد است و بزرگداشت

محمّد بزرگداشت خدا است و احترام بخویشاوندان پیامبر احترام به پیغمبر است.

هر مرد و زن مؤمن از شیعیان ما جزء خویشاوندان محمّد محسوب می شود و احترام آن ها احترام با پیغمبر است، وای بر کسی که در احترام حضرت محمّد کوتاهی کند.

و خوشا بحال کسی که مراعات این احترام را نموده خویشاوندان پیامبر را محترم شمارد و با آنها بپیوندد.

تفسیر عیاشی: عمر بن مریم گفت از حضرت صادق راجع به تفسیر این آیه پرسیدم وَ الَّذِینَ یَصِلُونَ ما أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ یُوصَلَ فرمود یک معنی آن صله رحم است و نهایت تأویل آیه همین پیوند شما است با ما.

تفسیر عیاشی: سعد از حضرت باقر نقل کرد که در باره آیه إِنَّ اللَّهَ یَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسانِ فرمود خدا دستور بعدل می دهد یعنی محمّد و احسان یعنی علی وَ إِیتاءِ ذِی الْقُرْبی که همان خویشاوندی ما است.

خدا مردم را مأمور بمودت و محبت و رسیدگی بما نموده و از کارهای زشت و فحشاء بازداشته و کسی که بر ما خانواده ستم روا دارد و مردم را دعوت بغیر ما کند.

کنز الفوائد: جابر گفت از حضرت باقر تفسیر آیه وَ والِدٍ وَ ما وَلَدَ را پرسیدم فرمود یعنی علی و فرزندان او که عبارت از ائمه علیهم السّلام هستند.

امامت، ج ۱، ص: ۱۹۶

کنز الفوائد: منصور از مردی نقل کرد که از حضرت صادق راجع به آیه وَ أَنْتَ حِلٌّ بِهذَا الْبَلَدِ پرسیدم فرمود یعنی محمّد گفتم وَ والِدٍ وَ ما وَلَدَ فرمود علی و فرزندانش.

تفسیر فرات: محمّد بن سعید باسناد خود از حضرت صادق علیه السّلام نقل می کند در باره آیه وَ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ لا تُشْرِکُوا بِهِ

شَيْئاً وَ بِالْوالِدَيْنِ إِحْساناً فرمود حضرت محمّد و على دو پدرند (والدان) و منظور از ذوى القربى حسن و حسين عليهما السلام هستند.

فرات: ابن عباس در مورد آيه وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسائَلُونَ بِهِ وَ الْأَرْحامَ گفت در باره پيامبر و خويشاوندانش نازل شده بعلت آن كه هر خويشاوندى و ارتباط در روز قيامت قطع شده است مگر خويشاوندى و ارتباط با محمّد صلى اللَّه عليه و آله و سلم إِنَّ اللَّهَ كانَ عَلَيْكُمْ رَقِيباً يعنى خدا متوجه شما است.

كافى: احمد بن محمّد بن عبد اللَّه در باره آيه لا أُقْسِمُ بِهذَا الْبَلَدِ وَ أَنْتَ حِلٌّ بِهذَا الْبَلَدِ وَ والِدٍ وَ ما وَلَدَ.

از امام نقل كرد كه فرمود امير المؤمنين و فرزندان از نسل او كه امامند.

توضيح: منظور از أَنْتَ حِلٌّ بِهذَا الْبَلَدِ يعنى آبرو ريزى ترا در مكه حلال ميشمردند.

حضرت صادق عليه السّلام فرمود قريش احترام بمكه ميگذاشتند ولى آبروريزى محمّد صلى اللَّه عليه و آله و سلم را حلال ميدانستند خداوند در اين آيه فرمود: لا أُقْسِمُ بِهذَا الْبَلَدِ وَ أَنْتَ حِلٌّ بِهذَا الْبَلَدِ يعنى آنها دشنام دادن و تكذيب ترا حلال ميشمردند.

كافى: اصبغ بن نباته از امير المؤمنين عليه السّلام سؤال كرد از تفسير آيه أَنِ اشْكُرْ لِي وَ لِوالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ فرمود پدر و مادرى كه خداوند لازم شمرده سپس آنها را آن پدر و مادرى هستند كه موجب علم و حكمت شدند و دستور اطاعت از آنها را

داده، سپس فرموده است إِلَيَّ الْمَصِيرُ بازگشت مردم بسوى خدا است و دليل بر اين لفظ والدان است در آيه بعد دنباله سخنان خود را راجع بعمر بن خطاب و

دوست او ادامه داد و مبارزه با پیامبر اکرم در مورد جانشینش و مردمی که به واسطه ایشان راه خلاف را از پیش گرفتند فرمود: وَ إِنْ جاهَداكَ عَلى أَنْ تُشْرِكَ بِي اگر کوشش کردند آن دو که برای من شریک بگیری اطاعت از ایشان مکن اطاعت کن از کسانی که اطاعت آنها را واجب کرده ام مبادا راه انحراف از پیش گیری و بحرف آن دو بکنی.

باز بسخن خود برگشت راجع بپدر و مادر و فرمود: وَ صاحِبْهُما فِي الدُّنْيا مَعْرُوفاً با آنها خوش رفتاری کن.

میفرماید فضل و شخصیت آن دو را (محمّد و علی) علیهما السّلام به مردم برسان و مردم را دعوت براه آنها نما این آیه اشاره بهمان مطلب است وَ اتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنابَ إِلَيَّ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ بازگشت بسوی خدا میکنند و بسوی ما از خدا بپرهیزید و مخالفت با والدین دینی نکنید که رضای آنها رضای خدا و خشم ایشان خشم خدا است.

توضیح: آنچه مسلم است تأویل آیه باین صورت بسیار بعید بنظر میرسد اگر واقعا از خود ائمه رسیده باشد از بطون بسیار عمیق تفسیر است و علم آن در نزد خودشان هست.

کنز الفوائد: حسین بن زید از آباء گرام خود علیهم السّلام نقل کرد که جبرئیل بر پیامبر اکرم صلی اللّٰه علیه و آله و سلم نازل شده گفت یا محمّد فرزندی برایت متولد خواهد شد که امت او را خواهند کشت.

پس از تو فرمود من نیاز بچنین فرزندی ندارم گفت ائمه و پیشوایان دین از نژاد او خواهند بود.

پیغمبر اکرم پیش فاطمه علیهما السّلام آمده فرمود ترا فرزندی خواهد بود که پس از من امت او را

میکشتند.

امامت، ج ۱، ص: ۱۹۸

عرض کرد نیاز بچنین فرزندی ندارم سه مرتبه این سخن را برایش تکرار کرد.

سپس فرمود: از نژاد او ائمه و جانشینان من خواهند بود.

فاطمه زهرا علیها السّلام قبول کرد و بعد بحضرت حسین حامله شد خداوند فرزند او را از شیطان حفظ نمود و در شش ماهگی متولد شد و فرزندی شش ماهه متولد نشده جز حضرت حسین و یحیی بن زکریا.

پس از زایمان پیامبر اکرم زبان خود را در دهانش گذاشت حضرت حسین مکید آن جناب از زنی شیر ننوشید تا وقتی که گوشت و خونش از لعاب دهان پیامبر اکرم روئید و این تفسیر آیه شریفه است وَ وَصَّیْنَا الْإِنْسانَ بِوالِدَیْهِ إِحْساناً حَمَلَتْهُ أُمُّهُ کُرْهاً وَ وَضَعَتْهُ کُرْهاً وَ حَمْلُهُ وَ فِصالُهُ ثَلاثُونَ شَهْراً.

امامت، ج ۱، ص: ۱۹۹

بخش شانزدهم لفظ امانت که در قرآن است یعنی «امامت»

آیات

در سوره نساء آیه ۵۸: إِنَّ اللَّهَ یَأْمُرُکُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَماناتِ إِلی أَهْلِها وَ إِذا حَکَمْتُمْ بَیْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْکُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا یَعِظُکُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ کانَ سَمِیعاً بَصِیراً.

احزاب ۳۳ آیه ۷۲: إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمانَهَ عَلَی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ الْجِبالِ فَأَبَیْنَ أَنْ یَحْمِلْنَها وَ أَشْفَقْنَ مِنْها وَ حَمَلَهَا الْإِنْسانُ إِنَّهُ کانَ ظَلُوماً جَهُولًا.

تفسیر: مرحوم طبرسی در مجمع البیان راجع به آیه إِنَّ اللَّهَ یَأْمُرُکُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَماناتِ إِلی أَهْلِها مینویسد در این مورد چند نظر است:

۱- منظور تمام امانتهائی است که باشخاص سپرده می شود امانت های خدا اوامر و نواهی او است و امانات مردم آن چیزهائی است که برسم امانت بیکدیگر میسپارند از قبیل اموال و چیزهای دیگر از ابن عباس و دیگران نقل شده و همین نظر از حضرت باقر و صادق علیهما السّلام نقل شده.

۲- منظور از امانات

فرمانروایان هستند به آنها دستور داده است خدا که در رعایت حال رعیت قیام کنند و آنها را براه دین و شریعت ببرند.

امامت، ج ۱، ص: ۲۰۰

اصحاب از حضرت باقر و صادق علیهما السّلام نقل کرده اند که فرمود خداوند امر کرده بهر یک از امامان اینکه امامت را بامام بعد از خود بسپارند.

این نظر را تأیید میکند که خداوند بعد از این آیه دستور میدهد مردم از امامان اطاعت کنند. از ائمه علیهم السّلام نقل شده که فرموده اند دو آیه در قرآن است یکی مربوط بما و دیگری مربوط بشما است.

خداوند میفرماید: إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَماناتِ إِلى أَهْلِها و فرموده یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ.

این نظر داخل در همان قول اول است زیرا امامت هم یکی از امانت های خدا است که بائمه علیهم السّلام سپرده شده بهمین جهت حضرت باقر علیه السّلام فرموده است انجام نماز و زکات و روزه و حج از امانت است و از جمله آن ها است امر بامام که غنائم و انفاق ها را تقسیم کنید و سایر چیزها که ارتباط به حقوق مردم دارد.

۳- این آیه خطاب به پیامبر اکرم است که کلید خانه کعبه را بعثمان بن طلحه بر گرداند که در فتح مکه از او گرفته بود و می خواست در اختیار عباس گذارد.

دلیل بر مطالب گذشته این قسمت آیه است وَ إِذا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ خداوند دستور می دهد بفرمانروایان که با عدل و انصاف رفتار کنند إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ یعنی خوب پندی است که خدا می دهد بشما در مورد امانت و حکومت بعدل و انصاف.

بیضاوی

در تفسیر آیه إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمانَةَ عَلَی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ مینویسد:

این آیه مطلب سابق را که فرمانبرداری بود تأیید میکند منظور آیه وَ مَنْ یُطِعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ فَقَدْ فازَ فَوْزاً عَظِیماً این را امانت نامید بجهت اینکه انجامش واجب است و معنی آیه اینست که بواسطه عظمت شأن و بزرگی مطلب اگر آن را بر این کرات بزرگ در صورتی که دارای فهم باشند عرضه نماید امتناع از

امامت، ج ۱، ص: ۲۰۱

حمل آن خواهند نمود و از چنین کاری بیمناک می شوند.

اما انسان با ضعف بنیه و قوایش آن را حمل نمود کسی که مراعات این شرایط را نماید در دو سرا رستگار خواهد شد إِنَّهُ کانَ ظَلُوماً جَهُولًا ستمکار است چون حق آن را رعایت نکرده اند جَهُولًا جاهل بحقیقت عاقبت آن است این صفت را بجنس انسان نسبت داده اند ظلوم و جهول باعتبار اکثریت که چنین هستند.

بعضی گفته اند منظور از امانت فرمانبرداریست که شامل طبیعت و اختیار گردد و عرضه داشتن یعنی تقاضای انجام آن که شامل درخواست انجام از شخصی مختار و اراده صدور آن از غیر مختار است.

معنی حمل امانت یعنی خیانت به آن و امتناع از ادای آن، از همین قبیل است سخن اعراب که میگویند حامل امانت و بردارنده آن این نسبت را بکسی میدهند که ادای امانت نکرده باشد تا از مسئولیت رهائی یابد و ابا و امتناع که در آیه است یعنی امتناع از چیزی که برای آنها مقدور بود و ظلم و جهالت در آیه خیانت و کوتاهی است.

بعضی گفته اند خداوند وقتی این کرات را آفرید به آنها فهم داده فرمود من چیزی را واجب نموده ام بهشت را

برای کسی که اطاعت کند و جهنم را برای نافرمان آفریده ام گفتند خدایا مطیع جهتی هستیم که برای آن آفریده شده ایم در جستجوی ثواب و عقاب نیستیم وقتی آدم را آفرید همین مطلب را باو عرضه داشت او بخود ستم روا داشت (ظلوم) که چیز مشکلی را پذیرفت (جهولا) عاقبت آن را نمیدانست.

شاید منظور از امانت عقل یا تکلیف باشد و منظور از عرضه داشتن اعتبار عقل است به نسبت استعداد آنها و امتناع آنها همان عدم لیاقت و استعداد کرات است از نظر طبیعت و حمل نمودن انسان یعنی قابلیت و استعداد داشت و ظلوم و جهول بودنش همان غلبه شهوت و قوه غضب است بر او بنا بر این درست می شود علت بودن آن برای حمل زیرا یکی از فوائد عقل اینست که فرمانروا بر دو

امامت، ج ۱، ص: ۲۰۲

قوه است و نگهبان آنها است که از حد خود خارج نشوند و غرض از تکلیف نیز جلوگیری از زیاده روی و شدت پیشرفت این قوا است.

ترجمه روایات

کنز الفوائد: اسحاق بن عمار از حضرت صادق در باره آیه إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمانَةَ عَلَى السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ نقل کرد که فرمود یعنی ولایت امیر المؤمنین علیه السّلام.

بصائر: زراره از حضرت باقر نقل کرد در مورد آیه إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَماناتِ إِلى أَهْلِها.

فرمود امام میسپارد بامام بعد و نمی تواند بشخصی که تعیین شده برای امامت ندهد و بدیگری بسپارد.

دو روایت دیگر در همین مورد نقل شده در روایت دیگر می فرماید این آیه در باره ما نازل شده.

بصائر: حضرت باقر در مورد آیه إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَماناتِ إِلى أَهْلِها وَ إِذا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ

إِنَّ اللَّهَ نِعِمّا يَعِظُكُمْ بِهِ فرمود منظور ما خانواده هستیم که امام اول بامام بعد از خود کتب و سلاح را بدهد وقتی حکومت ظاهری پیدا کردند بعدالتی که در اختیارشان هست عمل کنند.

چهار روایت دیگر در باره همین مطلب نقل می شود که از ترجمه آنها بعلت عدم تکرار صرف نظر شد.

بصائر الدرجات: یکی از اصحاب گفت از امام در مورد آیه إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَماناتِ إِلى أَهْلِها.

سؤال کردم فرمود میسپارد بامام بعد از خود بعد فرمود یحیی بخدا این بخواست او نیست از جانب خدا تعیین می شود.

بصائر: مالک جهنی گفت حضرت باقر علیه السّلام در مورد آیه إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَماناتِ إِلى أَهْلِها وَ إِذا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ پرسید در باره چه کسی نازل شده؟ گفتم: میگویند در باره مردم است.

امامت، ج ۱، ص: ۲۰۳

فرمود همه مردم حکم می کنند بین مردم. دقت کن این آیه در باره ما نازل شده.

بصائر: محمّد حلبی از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که فرمود امام با سه امتیاز شناخته می شود:

۱- او شایسته ترین مردم است نسبت به مقام امام قبل.

۲- در نزد او سلاح پیامبر است.

۳- نزد اوست وصیت او همان کسی است که خداوند فرموده: إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَماناتِ إِلى أَهْلِها فرمود سلاح در میان ما مانند تابوت در بنی اسرائیل است مقام امامت در اختیار کسی است که سلاح پیامبر دست او باشد، چنانچه در مورد صندوق بنی اسرائیل چنین بود.

معانی الاخبار: یونس گفت از حضرت موسی بن جعفر علیه السّلام راجع به آیه إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَماناتِ إِلى أَهْلِها فرمود این آیه خطاب بما فقط

می نمایـد خداونـد هر امامی از ما را امر می کند که امر امامت را بامام بعد از خود بسـپارد و باو وصـیت کند همین دسـتور در مورد سایر امانات نیز جاری است پدرم از پدر خود نقل کرد که علی بن الحسین علیه السّلام باصحاب خود فرمود: علیکم باداء الامانه، فلو ان قاتل ابی الحسین بن علی علیه السّلام اتمننی علی السیف الذی قتله به لادیته الیه.

اگر قاتل پدرم حسین شمشیری که با آن پدرم را کشت بمن امانت به سپارد به او بر میگردانم.

تفسیر عیاشی: ابن ابی یعفور از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد: إِنَّ اللَّهَ یَأْمُرُکُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَماناتِ إِلى أَهْلِها وَ إِذا حَکَمْتُمْ بَیْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْکُمُوا بِالْعَدْلِ فرمود خداونـد به امـام دسـتور می دهـد آنچه در نزد اوست به امـام بعـد از خود بسـپارد و بائمه دستور می دهد بعدالت حکومت کنند و مردم را امر کرده از آنها

امامت، ج ۱، ص: ۲۰۴

اطاعت نمایند.

چهار روایت دیگر در همین مورد بود که از جهت اختصار ترجمه نکردیم.

معـانی الاخبار و عیون اخبار الرضا: حسـین بن خالـد گفت از حضـرت رضا علیه السّـلام راجع باین آیه سؤال کردم: إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمـانَهَ عَلَى السَّمـاواتِ وَ الْأَرْضِ وَ الْجِبـالِ فَأَبَیْنَ أَنْ یَحْمِلْنَهـا وَ أَشْـفَقْنَ مِنْها وَ حَمَلَهَا الْإِنْسانُ إِنَّهُ کانَ ظَلُوماً جَهُولًا فرمود امانت ولایت است هر که ادعای ولایت و امامت بدون حق بکند کافر است.

و در روایت بعد از حضرت صادق نقل میکند که فرمود امانت ولایت است و انسان منبع شر و نفاق است.

توضیح: بنا بر تأویلی که ائمه علیهم السلام راجع بآیه میفرمایند (ال) در الانسان عهد ذهنی و اشاره بابا بکر است یا الف

لام جنسی است و منظور مصداق اول آن در این مورد است که ابا بکر باشد و مراد از حمل خیانت است چنانچه قبلا گذشت یـا مراد خلافت است و ادعای آن بغیر حق است آن را بر اهل آسـمانها و زمین یا هر دو عرضه داشـتند باینکه عقوبت و عـذاب چنین کاری را برای آنها بیان کردند بعد گفتند آیا خیانت میکنید در این امر همه امتناع ورزیدند جز این منافق و امثال او چون خیانت کردند با اینکه عقاب خائن امامت را بآنها گوشزد کردند.

بزودی در این مورد خبر مفضل خواهد آمد در بخش دعای انبیاء مستجاب است در توسل بآنها.

تفسیر قمی: علی بن ابراهیم در باره آیه إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمانَةَ عَلَى السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ الْجِبالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَها نوشته است امانت یعنی امـامت و امر و نهی دلیـل بر اینکه امانت امامت است این آیه است که خداونـد بائمه می فرمایـد إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَماناتِ إِلى أَهْلِها که منظور از امانـات امـامت است و امـانت امـامت است که بر سـموات و زمین و کوهها عرضه شـد امتناع ورزیدند اهل

امامت، ج ۱، ص: ۲۰۵

آسـمانها و زمین از غصب نمودن امامت و ادعای آن مقام و می ترسـیدند و غصب کرد آن را انسان منظور اولی است إِنَّهُ كانَ ظَلُوماً جَهُولًا او ستمگر و نادان است.

لِيُعَذِّبَ اللَّهُ الْمُنافِقِينَ وَ الْمُنافِقاتِ وَ الْمُشْرِكِينَ وَ الْمُشْرِكاتِ وَ يَتُوبَ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِناتِ وَ كانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِيماً.

در روایت بعـد از حضـرت صادق نقل میکنـد امانت ولایت علی بن ابی طالب است اشاره میکنـد که کنز الفوائد و کافی همین روایت را نقل کرده اند.

توضیح: ممکن است

منظور از امانت مطلق تکالیف باشد و اینکه از میان تکالیف ولایت اختصاص بذکر پیدا کرده بجهت آنست که عمده ترین تکلیف است.

اگر ولایت را بکسر و او بخوانیم معنی آن فرمانروائی و خلافت می شود در این صورت حمل آن ادعای بدون حق خواهد بود چنانچه گذشت.

بصائر: جابر از حضرت باقر علیه السّلام در مورد آیه إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمانَةَ عَلَى السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ الْجِبالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَها وَ أَشْفَقْنَ منظور ولایت است که امتناع ورزیدند از روی کفر آن را حمل کنند و آن را انسان حمل کرد آن انسانی که حمل کرد ابو فلان بود.

بصائر: ابو بصیر گفت از حضرت صادق شنیدم می فرمود ولایت ما را بر آسمانها و زمین و کوهها و شهرها عرضه داشتند هیچ کدام مانند مردم کوفه قبول نکردند.

مناقب: ابو بکر شیرازی در نزول القرآن در مقام علی علیه السّلام می نویسد به اسناد خود از محمّد بن حنفیه که امیر المؤمنین در باره آیه إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمانَةَ فرمود خداوند امانت مرا بر آسمان های هفتگانه از نظر ثواب و عقاب عرضه داشت گفتند خدایا ما آن را از نظر ثواب و عقاب حمل نمیکنیم ولی بدون ثواب و عقاب حمل میکنیم.

خداوند امانت و ولایت مرا بر پرندگان عرضه داشت اول پرنده ای که ایمان

امامت، ج ۱، ص: ۲۰۶

آورد بازهای سفید و چکاوك بود و اول پرنده ای که انکار نمود بوم و عنقا بودند از بین پرندگان آنها لعنت شدند بوم و جغد که نمیتواند روز آشکار شود چون پرندگان با او دشمنند اما عنقا در دریاها است که دیده نمی شود و خداوند عرضه داشت امانت مرا بر زمینها هر جا که ولایت مرا

قبول کرد آن را پاک و پاکیزه قرار داده و میوه ها و روئیدنیهای آن را شیرین و گوارا نمود و آبش را زلال و هر جا که انکار نمود آنجا را شوره زار کرد و روئیدنیهایش را تلخ و میوه اش را خاردار و حنظل قرار دار و آبش را تند و شور.

بعد فرمود وَ حَمَلَهَا الْإِنْسانُ یعنی امت تو ای محمّد ولایت امیر المؤمنین و امامتش را بناحق ادعا کردند با آن عقاب و کیفر و پاداشی که داشت إِنَّهُ کانَ ظَلُوماً او ستمگر بنفس خود بود و جَهُولًا و جاهل بامر پروردگار هر کس حق آن را ادا نکند ستمگر و بیدادگر است.

تفسیر فرات: عبید بن کثیر از شعبی نقل میکند که در باره آیه إِنَّ اللَّهَ یَأْمُرُکُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَماناتِ إِلی أَهْلِها.

گفت آشکارا میگویم و جز خدا از کسی نمی هراسم این امانت بخدا سوگند ولایت علی بن ابی طالب است.

تفسیر فرات بن ابراهیم: علی بن عتاب از فاطمه زهرا علیها السّلام نقل می کند که پیامبر اکرم فرمود وقتی مرا بآسمانها بالا بردند رسیدم بسدره المنتهی که بفاصله یک زه کمان یا کمتر قرار داشتم با دل دیدم نه با چشم یک اذان شنیدم دو تا دو تا و اقامه یکی یکی شنیدم منادی ندا کرد: ملائکه من و ساکنان آسمانها و زمین و حاملین عرشم گواهی دهید که خدائی جز من نیست یکتایم و شریکی ندارم گفتند گواهیم و اقرار داریم.

ملائکه من و ساکنان آسمانها و زمین و حاملین عرشم گواهی دهید که محمّد بنده و پیامبر من است گفتند گواهیم و اقرار داریم فرمود ملائکه ساکنان آسمانها و زمین و حاملین عرشم.

امامت، ج ۱،

گواهی دهید که علی ولی من و ولی رسول من و ولی مؤمنین است بعد از پیامبر گفتند گواهی می دهیم و اقرار داریم.

عباد بن صهیب از حضرت صادق نقل کرد حضرت باقر فرمود ابن عباس هر وقت یاد از این حدیث میکرد میگفت ما این مطلب را در قرآن می یابیم إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمانَةَ عَلَى السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ.

ابن عباس می گفت بخدا قسم طلا و نقره و گنج های زمین را بامانت نزد آنها نسپرد ولی قبل از خلقت آدم بآسمانها و زمین و کوهها وحی کرد که من ذریه محمّد را در میان شما میگذارم چگونه با آنها رفتار میکنید؟ وقتی شما را خواندند جواب دهید و از شما پناه خواستند پناه دهید و از آنها اطاعت کنید در مورد دشمنانشان آسمانها و زمین و کوهها از این مأموریت ترسیدند که مبادا کوتاهی کنند بنی آدم آن را حمل کردند، حضرت باقر علیه السّلام فرمود بخدا قسم وفا نکردند بمأموریت خود در مورد امانت از نظر اطاعت و فرمانبرداری.

توضیح: سید بن طاوس در کتاب سعد السعود می نویسد در تفسیری که نسبت بحضرت باقر دارد دیدم که در باره آیه إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَماناتِ إِلى أَهْلِها فرموده این آیه در امر ولایت است که باید تسلیم بآل محمّد شود.

امامت، ج ۱، ص: ۲۰۸

بخش هفدهم وجوب اطاعت ائمه و اینکه منظور از ملک عظیم آنهایند و اولو الامرند و مورد رشک مردم

آیات

نساء أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلى ما آتاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنا آلَ إِبْراهِيمَ الْكِتابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ آتَيْناهُمْ مُلْكاً عَظِيماً، فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ بِهِ وَ مِنْهُمْ مَنْ صَدَّ عَنْهُ وَ كَفى بِجَهَنَّمَ سَعِيراً.

خداوند در این آیه می فرماید: يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنازَعْتُمْ

فِی شَیْ ءٍ فَرُدُّوهُ إِلَی اللَّهِ وَ الرَّسُولِ إِنْ کُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْیَوْمِ الْآخِرِ ذلِکَ خَیْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْوِیلًا.

تفسیر آیه أَمْ یَحْسُدُونَ النَّاسَ مرحوم طبرسی مینویسد معنی آن بلکه حسد میورزند مردم. در معنی ناس اختلاف کرده اند، بعضی گفته اند مردم بر نعمت پیامبری حضرت رسول و اینکه نه زن برایش حلال شده و بآنها علاقه دارد رشک می بردند می گفتند اگر پیامبر بود باید نبوت او را از این کار بازمی داشت خداوند بیان کرد که نبوت در آل ابراهیم بی سابقه نبوده.

دوم- منظور از ناس در آیه پیامبر و آل اوست و فضل یعنی نبوت در پیامبر و امامت در آلش.

امامت، ج ۱، ص: ۲۰۹

توضیح: پس از آن روایت میکند از تفسیر عیاشی چند خبری را در این مورد که خواهد آمد در این قسمت آیه وَ أُولِی الْأَمْرِ مِنْکُمْ مفسرین دو نوع تفسیر نموده اند:

۱- منظور از اولو الامر فرمانروایان است.

۲- علماء و دانشمندان اما دانشمندان شیعه در این مورد از حضرت باقر و صادق علیه السّلام نقل کرده اند که مراد از اولی الامر ائمه از آل محمّد است که به طور کلی اطاعت آنها را خدا واجب نموده همان طور که اطاعت از خدا و پیامبرش واجب شده و فرمانبرداری از کسی را بطور کلی خدا واجب نمی نماید مگر معصوم بودن او ثابت شده باشد و بداند که باطنش مانند ظاهر اوست و بداند اشتباه نمیکند و کار بدرا دستور نخواهد داد و این مقام در هیچ یک از فرمانروایان و دانشمندان وجود نخواهد داشت، مگر ائمه اطهار.

منزه است خداوند از اینکه امر کند اطاعت نمایند از کسی که معصیت او را میکند یا مطیع کسی باشند

که ظاهر و باطنش فرق داشته باشد.

زیرا محال است اطاعت چنین اشخاص لازم باشد همان طور که محال است اجتماع آنچه در او اختلاف دارند.

از چیزهائی که این مطلب را ثابت میکند اینست که خداوند اطاعت اولی الامر را نظیر اطاعت پیامبرش قرار داده چنانچه اطاعت پیامبر را نظیر اطاعت خود قرار داده این مطلب شاهد است بر اینکه اولو الامر از تمام مردم برترند چنانچه پیامبر بالاتر از اولو الامر و تمام مردم است این صفت و امتیاز مخصوص ائمه هدی از آل محمّد است که عصمت و امامت آنها ثابت شده و تمام امت اتفاق دارند بر مقام ارجمند و عدالت ایشان.

فَإِنْ تَنازَعْتُمْ فِي شَيْ ءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ یعنی اگر اختلاف در یکی از امور دینی خود نمودید مورد نزاع را برگردانید بکتاب خدا و سنت پیامبر و ما معتقدیم که بر گردانید بائمه که قائم مقام پیامبرند بعد از وفاتش چنانچه

امامت، ج ۱، ص: ۲۱۰

در زندگی بایشان مراجعه میکردند چون ائمه حافظ شریعت و جانشینان او در امتش هستند پس جایگزین او خواهند بود.

وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا یعنی بهترین عاقبت یا منظور این بهتر است از تأویل شما زیرا بر گرداندن بخدا و رسول و ائمه معصومین بهتر است از تأویل بغیر حجت وَ لَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَ إِلى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ حضرت باقر فرمود آنها ائمه معصومین هستند لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ ضمیر بر میگردد به اولی الامر.

بعضی گفته اند ضمیر بر می گردد به گروهی که ذکر شده از منافقین یا ضعیفان.

ترجمه روایات

تفسیر قمی: حنان از حضرت صادق نقل کرد که گفتم آیه فَقَدْ آتَيْنا آلَ إِبْراهِيمَ الْكِتابَ فرمود نبوت است

گفتم منظور از وَ الْحِكْمَةَ چیست فرمود فهم و قضاوت وَ آتَيْناهُمْ مُلْكاً عَظِيماً گفت منظور از ملک عظیم همان واجب بودن اطاعت ایشان است.

تفسیر قمی: سپس بر مردم واجب نموده اطاعت ائمه را در این آیه میفرماید: يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ یعنی اطاعت از امیر المؤمنین علیه السّلام حضرت صادق علیه السّلام فرمود این آیه نازل شده فَإِنْ تَنازَعْتُمْ فِي شَيْ‏ءٍ فارجعوه الی اللّه و الی الرسول و الی اولی الامر منهم.

توضیح: چنان معلوم می شود که در قرآن ائمه علیهم السّلام (فارجعوه) بجای (فردوه) است ممکن است تفسیر (ردوه) باشد.

و نیز معلوم می شود که در آن قرآن وَ إِلى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ از این تعبیر معلوم می شود که اولو الامر جزء مخاطبین نیستند که فرمود اگر اختلاف کردید چنانچه مفسرین اهل سنت گفته اند.

عیون اخبار الرضا: حضرت باقر علیه السّلام فرمود پیامبر اکرم وصیت کرد به علی و حسن و حسین سپس در باره این آیه يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فرمود ائمه از نژاد علی و فاطمه زهرا علیها السّلام است تا

امامت، ج ۱، ص: ۲۱۱

روز قیامت.

بصائر: حضرت باقر علیه السّلام در باره آیه أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلى ما آتاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فرمود بر ما رشک میبرند.

سه روایت دیگر در همین مورد از بصائر نقل می شود که از نظر اختصار ترجمه نکردیم.

بصائر: هشام بن حکم گفت بحضرت صادق علیه السّلام گفتم أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلى ما آتاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنا آلَ إِبْراهِيمَ الْكِتابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ آتَيْناهُمْ مُلْكاً عَظِيماً منظور از ملک عظیم در آیه

چیست فرمود وجوب اطاعت از ائمه و از همین ملک عظیم است اطاعت کردن جهنم از ائمه در روز قیامت.

بصائر: برید عجلی از حضرت باقر علیه السّلام در باره آیه فَقَدْ آتَیْنا آلَ إِبْراهِیمَ الْکِتابَ وَ الْحِکْمَهَ وَ آتَیْناهُمْ مُلْکاً عَظِیماً نقل کرد که در این آیه ملک عظیم معنی از این خانواده پیامبران و انبیاء و ائمه را قرار دادیم چگونه در آل ابراهیم قبول دارند ولی در مورد آل محمّد منکرند عرضکردم معنی وَ آتَیْناهُمْ مُلْکاً عَظِیماً چیست فرمود همین که ائمه را در میان آنها قرار داده هر که مطیع آنها باشد مطیع خدا است و هر که معصیت کند مخالفت با خدا کرده همین ملک عظیم است چهار روایت دیگر در مورد تفسیر ملک عظیم و سایر قسمتهای آیه است که از جهت عدم تکرار ترجمه نشد.

تفسیر عیاشی: داود بن فرقد گفت بحضرت صادق علیه السّلام عرضکردم تفسیر آیه قُلِ اللَّهُمَّ مالِکَ الْمُلْکِ تُؤْتِی الْمُلْکَ مَنْ تَشاءُ وَ تَنْزِعُ الْمُلْکَ مِمَّنْ تَشاءُ خداوند به بنی امیه نیز ملک را عنایت کرده فرمود آن طور که مردم خیال می کنند نیست خداوند ملک را بما داد بنی امیه گرفتند مثل اینکه کسی لباسی دارد دیگری از او میگیرد مال کسی که گرفته، نیست.

اعلام الوری و مناقب: جابر انصاری گفت به پیامبر اکرم راجع به آیه یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا أَطِیعُوا اللَّهَ وَ أَطِیعُوا الرَّسُولَ گفتم خدا و رسول در آیه معلوم

است، اما اولی الامر کیانند؟

فرمود آنها جانشینان منند جابر و پیشوایان بعد از منند اول آنها علی بن ابی طالب بعد امام حسن سپس امام حسین بعد علی بن الحسین

سپس محمّد بن علی که در تورات معروف بباقر است و تو او را خواهی دید وقتی او را ملاقات کردی سلام مرا باو برسان.

سپس صادق جعفر بن محمّد بعد موسی بن جعفر سپس علی بن موسی بعد محمّد بن علی سپس علی بن محمّد آنگاه حسن بن علی سپس هم نام و هم کنیه من حجه اللّٰه در زمین و بقیه اللّٰه در بین مردم پس از حسن بن علی آن کسی که خداوند بدست او فتح میکند شرق و غرب را او از شیعیان خود پنهان است بطوری که معتقد بامامت او باقی نمی ماند مگر کسی که قلبش را خداوند به ایمان آزمایش نموده.

تفسیر عیاشی: برید بن معاویه گفت خدمت حضرت باقر علیه السّلام بودم از این آیه سؤال کردم:

أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ در جواب فرمود: أَ لَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيباً مِنَ الْكِتابِ يُؤْمِنُونَ بِالْجِبْتِ وَ الطَّاغُوتِ توجه نمیکنی به کسانی که مختصری از علم کتاب داده شده اند ایمان بجبت و طاغوت دارند فرمود منظور فلان و فلان است وَ يَقُولُونَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا هؤُلاءِ أَهْدى مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا سَبِيلًا فرمود پیشوایان گمراه و دعوت کنندگان بجهنم.

اینها راه را بهتر از آل محمّد و دوستانشان تشخیص داده اند أُولئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ وَ مَنْ يَلْعَنِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ نَصِيراً، أَمْ لَهُمْ نَصِيبٌ مِنَ الْمُلْكِ.

اینها را خدا لعنت نموده و هر کس مورد لعن خدا قرار گیرد یاوری ندارد آیا برای آنها بهره ای از ملک هست منظور از این ملک امامت و خلافت است فَإِذاً لا يُؤْتُونَ النَّاسَ نَقِيراً بمردم باندازه نقطه ای که در وسط دانه خرما است نمیدهند

فرمود ما آن مردمی هستیم که در این آیه منظور شده أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلى ما آتاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فرمود بما رشگ میبرند برای نعمتی که بما

امامت، ج ۱، ص: ۲۱۳

عنایت نموده که عبارت از امامت است.

فَقَدْ آتَيْنا آلَ إِبْراهِيمَ الْكِتابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ آتَيْناهُمْ مُلْكاً عَظِيماً.

میفرماید از آن خانواده پیامبران و انبیاء و ائمه را قرار دادیم چگونه در مورد آل ابراهیم قبول دارند ولی در باره آل محمّد منکرند.

فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ بِهِ وَ مِنْهُمْ مَنْ صَدَّ عَنْهُ وَ كَفى بِجَهَنَّمَ سَعِيراً تا این قسمت آیه وَ نُدْخِلُهُمْ ظِلًّا ظَلِيلًا گفتم منظور از ملک عظیم در آیه آل ابراهیم چیست.

فرمود از ایشان ائمه را قرار داد هر که اطاعت از ایشان کند اطاعت خدا را کرده و هر که مخالفت ورزد با خدا مخالفت کرده ملک عظیم همین است.

بعد فرمود إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَماناتِ إِلى أَهْلِها تا سَمِيعاً بَصِيراً فرمود منظور ما هستیم که باید امام اول از ما امامت و کتاب و علم و سلاح را به امام بعد از خود بسپارد وَ إِذا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ حکومت به عدالتی نمایند که در اختیار شما است.

بعد به مردم میفرماید: يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا منظور تمام مؤمنین است تا قیامت أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ منظور از اولی الامر فقط ما هستیم فَإِنْ تَنازَعْتُمْ فِي الامر، فارجعوا الی اللَّهُ وَ إِلَى الرَّسُولِ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ چنین نازل شده چگونه دستور باطاعت اولی الامر میدهد بعد اجازه می دهد که با آنها بنزاع پردازند بلکه مسأله نزاع ارتباط دارد بکسانی که خداوند به آنها میفرماید اطاعت

از خدا و پیامبر و اولو الامر کنید (یعنی مردم).

مناقب و تفسیر عیاشی: حضرت صادق علیه السّلام فرمود یا ابو الصباح ما گروهی هستیم که اطاعت ما را واجب نموده خمس مال ما است و اموال پاکیزه و ما راسخین در علم هستیم و مأمور رشک مردمیم در قرآن میفرماید: أَمْ یَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلی ما آتاهُمُ اللَّهُ.

امامت، ج ۱، ص: ۲۱۴

چند روایت دیگر در معنی ملک عظیم ذکر شده که از ترجمه خودداری شد.

تفسیر عیاشی: داود بن فرقد گفت از حضرت صادق علیه السّلام شنیدم در حالی که اسماعیل پسرش نیز حضور داشت میفرمود: أَمْ یَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلی ما آتاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فرمود ملک عظیم وجوب اطاعت است دنباله آیه را قرائت نمود فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ بِهِ وَ مِنْهُمْ مَنْ صَدَّ عَنْهُ. من گفتم استغفر اللَّه اسماعیل گفت چرا استغفار کردی.

گفتم چون پیش از این می خواندم وَ مِنْهُمْ مَنْ یُؤْمِنُ بِهِ وَ مِنْهُمْ مَنْ صد عنه.

حضرت صادق علیه السّلام فرمود همان طوریست که من خواندم از فرزندان ابراهیم برخی ایمان آورده اند و بعضی از آنها جلوگیری میکردند.

توضیح: مسلم است که تمام فرزندان ابراهیم این امتیاز را ندارند این موقعیت اختصاص به بعضی از آنها دارد.

تفسیر عیاشی: ابان گفت خدمت حضرت رضا علیه السّلام رسیده از این آیه یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا أَطِیعُوا اللَّهَ وَ أَطِیعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِی الْأَمْرِ مِنْکُمْ پرسیدم فرمود اولی الامر علی بن ابی طالب علیه السّلام است بعد سکوت نمود چون سکوت امام بطول انجامید عرض کردم:

پس از علی بن ابی طالب علیه السّلام چه کس بوده فرمود حسن علیه السّلام باز سکوت کرد گفتم بعد که بود فرمود حسین گفتم

پس از حسین علیه السّلام فرمود علی بن الحسین و سکوت نمود پیوسته هر امام را نام میبرد سکوت میکرد تا من سؤال را تکرار می کردم تا تمام آنها را نام برد.

تفسیر عیاشی: عمران حلبی گفت از حضرت صادق علیه السّلام شنیدم میفرمود شما این عقیده را از منبع اصلی آن گرفته اید از این آیه أَطِیعُوا اللَّهَ وَ أَطِیعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِی الْأَمْرِ مِنْکُمْ و از این فرمایش پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله و سلم

«ما ان تمسکتم به لن تضلوا»

نه از قول

امامت، ج ۱، ص: ۲۱۵

فلان کس و نه از قول فلانی.

تفسیر عیاشی: حضرت باقر علیه السّلام در باره آیه أَطِیعُوا اللَّهَ وَ أَطِیعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِی الْأَمْرِ مِنْکُمْ فرمود این در باره علی و ائمه علیهم السّلام است که خداوند آنها را جایگزین انبیاء قرار داده جز اینکه چیزی را از پیش خود حلال یا حرام نمیکنند (آنچه پیامبر اکرم فرموده همان را می گویند).

تفسیر عیاشی: حکیم گفت بحضرت صادق علیه السّلام گفتم فدایت شوم اولو الامری که خداوند امر باطاعت آنها نموده، کیانند؟

فرمود آنها علی بن ابی طالب و حسن و حسین و علی بن الحسین و محمّد بن علی و جعفر که من هستم خدا را سپاسگزار باشید که پیشوایانتان را بشما شناسانده در صورتی که گروهی از مردم منکر آنها هستند «۱».

تفسیر عیاشی: زراره از حضرت باقر نقل می کند که فرمود مهمترین پایگاه دین و قله ی بلند آن و کلید و راه بسوی پیامبران و رضای خدا همانا اطاعت امام است.

پس از شناختن او سپس فرمود: خداوند می فرماید مَنْ یُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطاعَ اللَّهَ تا این قسمت آیه (حفیظا) توجه داشته

باشید.

اگر شخصی تمام شبهایش بعبادت و روزها بروزه بگذرد و تمام ثروتش را در راه خدا انفاق نماید و هر سال تا آخر عمر بحج برود ولی آشنا بولایت ولی خدا نباشد که او را دوست بدارد و تمام اعمالش براهنمائی آن امام باشد پاداشی نزد خداوند ندارد، در مقابل اعمالش و نه از اهل ایمان شمرده می شود آنهائی که مستضعفند و نیکو کار خداوند بفضل و رحمت خود ایشان را داخل بهشت می کند «۲».

امامت، ج ۱، ص: ۲۱۶

تفسیر عیاشی: ابو اسحاق نحوی گفت از حضرت صادق علیه السّلام شنیدم می فرمود خداوند پیامبرش را بمحبت خود تربیت نمود فرمود: «إِنَّکَ لَعَلی خُلُقٍ عَظِیم» آنگاه دین را در اختیار او گذاشت فرمود ما آتاکُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ ما نَهاکُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا و فرمود: مَنْ یُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطاعَ اللَّهَ حضرت رسول صلی اللَّه علیه و آله و سلم نیز در اختیار علی و جانشینانش گذاشت شما قبول کردید ولی مردم منکر شدند بخدا قسم ما بشما محبت می ورزیم که پیرو ما باشید در گفتار و خاموشی ما واسطه هستیم بین شما و خدا سوگند بخدا بهره ای برای احدی نیست در صورتی که خلاف امر ما را نماید.

تفسیر عیاشی: عبد اللَّه بن جندب گفت نامه ای حضرت رضا علیه السّلام بمن نوشت که یاد از آن گروه کرده بودی که دیروز جزء برادران دینی شما بودند و اینک مخالف و دشمن با شمایند و از شما بیزارند و آن دروغی که از خود در آوردند راجع بزنده بودن پدرم صلوات اللَّه علیه در آخر نامه نوشته بود اینها بنظرشان چیزی رسید و شیطان آنها را بشبهه افکند و در

راه دین باشتباه افتادند این بواسطه افترائی بود که زدند و گردهم آمده امام خود را ندیده گرفته گفتند به چه دلیل حضرت موسی بن جعفر از دنیا رفته، امام بعد از او کیست و بچه دلیل میگوید حضرت رضا امام است.

این احتیاطی که کردند موجب هلاکت آنها شد و بدست خود گرفتار شدند خدا به احدی ستم روا نمی دارد این به آنها ربطی نداشت بلکه برای آنها لازم بود، در هنگام تحیر و آنچه نمی دانند مراجعه نمایند بکسی که عالم و دارای قدرت استنباط است.

زیرا خداوند در قرآن می فرماید: وَ لَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَ إِلى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ منظور آل محمّد است آنهایند که علم قرآن را دارند و حلال و حرام را تشخیص می دهند و ایشان حجت خدایند بر مردم.

امامت، ج ۱، ص: ۲۱۷

در مناقب مینویسد: امت در مورد این آیه دو نظریه دارند:

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ یکی این که اولو الامر همان امامان ما هستند دوم اینکه فرماندهان سپاه هستند وقتی یکی از این دو نظر باطل بود قطعا نظر دوم ثابت می شود و گر نه حق از میان امت خارج می شود.

دلیل بر اینکه اولو الامر ائمه ما هستند اینست که ظاهر آیه میرساند که باید در تمام کارها مطیع اولو الامر باشند.

زیرا خداوند طاعت اولو الامر را بعد از طاعت از خود و پیامبرش آورده و هم اینکه بطور مطلق و بدون قید ذکر نموده و جهت مخصوصی را معین نکرده اگر اطاعت از یک جهت می خواست باید توضیح میداد وقتی توضیح نداد معلوم می شود اطاعت به طور

کلی است وقتی این مطلب ثابت شد امامت آنها نیز ثابت می شود.

زیرا اطاعت از کسی پس از پیمبر واجب نیست باین صورت مکر امام وقتی لازم باشد اطاعت اولو الامر بطور عموم باید حتما معصوم باشند و گر نه منجر به این می شود که خداوند دستور بکار زشت داده باشد وقتی ثابت شد که آیه دلالت بر عصمت و عموم اطاعت میکند باطل است که بگوئیم اولو الامر فرماندهان سپاه و سرلشکران هستند چون آنها معصوم نیستند و اطاعت از آنها در مورد مخصوصی است.

بعضی گفته اند منظور از اولو الامر علمای عامه هستند، ایشان نیز در امور دینی اختلاف دارند اطاعت از یکی موجب مخالفت با دیگری می شود وقتی مؤمن یکی را اطاعت نمود با دیگری مخالفت کرده خدا چنین دستوری نمیدهد از آن گذشته خداوند اولو الامر را بصفتی مشخص کرده که دلالت بر علم و فرماندهی هر دو مینماید.

چنانچه در این آیه میفرماید: وَ إِذا جاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوِ الْخَوْفِ أَذاعُوا بِهِ وَ لَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَ إِلى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ مسلم

امامت، ج ۱، ص: ۲۱۸

است که بوجود آوردن امن یا خوف مربوط بامراء و سپهداران است و استنباط بعلماء اختصاص دارد و این دو صفت جمع نمیشود مگر برای فرمانروای عالم و دانا.

شعبی می گوید: ابن عباس گفت اولو الامر فرماندهان سپاه هستند که علی اولین آنها است.

حسن بن صالح بن حی از حضرت صادق راجع بهمین مطلب سؤال کرد فرمود آنها ائمه اهل بیت پیامبرند.

تفسیر مجاهد: مینویسد این آیه در باره امیر المؤمنین علیه السّلام نازل شد موقعی که پیامبر اکرم او را جانشین خود قرار داد

در مدینه عرض کرد یا رسول اللّه مرا جانشین خود بین زنان و بچه ها قرار داده ای فرمود یا علی راضی نیستی که نسبت بمن مانند هارون نسبت بموسی باشی آن موقع که باو گفت:

اخْلُفْنِی فِی قَوْمِی وَ أَصْلِحْ؟

عرض کرد چرا بخدا راضیم.

وَ أُولِی الْأَمْرِ مِنْکُمْ. پس پیامبر اکرم علی بن ابی طالب را اختیار دار امت قرار داد، آن موقعی که پیامبر اکرم او را جانشین خود در مدینه گذاشت دستور داد مردم از او اطاعت کنند و مخالفت با او ننمایند.

مجالس مفید: ابن عباس گفت پیامبر اکرم فرمود گوش کنید و اطاعت نمائید از کسی که خدا او را به مقام ولی امری قرار داده این کار موجب نظام دین است.

تفسیر فرات: عبید بن کثیر گفت از حضرت صادق علیه السّلام سؤال شد راجع باین آیه أَطِیعُوا اللّهَ وَ أَطِیعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِی الْأَمْرِ مِنْکُمْ فرمود صاحبان فقه و علم گفتیم عمومی است یا مخصوص یک عده است، فرمود: اختصاص بما خانواده دارد.

تفسیر فرات: ابو مریم گفت از حضرت صادق علیه السّلام راجع باین آیه پرسیدم أَطِیعُوا اللّهَ وَ أَطِیعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِی الْأَمْرِ مِنْکُمْ فرمود اطاعت از علی واجب است.

امامت، ج ۱، ص: ۲۱۹

گفتم تنها اطاعت از پیامبر اکرم واجب بود بنا بآیه مَنْ یُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطاعَ اللّهَ فرمود اطاعت علی بن ابی طالب پس از پیامبر اکرم واجب شد (چون امامتش بعد از پیامبر بود.

تفسیر فرات: ابراهیم گفت بحضرت صادق علیه السّلام عرض کردم فدایت شوم در مورد این آیه چه میفرمائی أَمْ یَحْسُدُونَ النّاسَ عَلی ما آتاهُمُ اللّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَیْنا آلَ إِبْراهِیمَ الْکِتابَ وَ الْحِکْمَهَ وَ آتَیْناهُمْ مُلْکاً عَظِیماً

فرمود ما منظور از ناس در آیه هستیم که بما رشک میبرنـد ما صاحب ملك و وارث پیامبرانیم در نزد ما عصای موسـی است و ما گنجینه های خدا در زمین هستیم نه گنج طلا و نقره از ما خانواده است پیامبر اکرم و امیر المؤمنین و امام حسن و امام حسین علیهم السّلام.

تفسـیر فرات: عیسـی بن سـری گفت از حضرت صادق علیه السّلام درخواست کردم مرا آشنا به پایه های استوار دین نماید که هیچ کس را عذری پذیرفته نیست در عدم شـناسائی آنها و کسـی که کوتاهی در شـناخت آنها نماید دینش تباه شده و عملش مقبول نیست و عذرش در بی اطلاعی او نسبت بچیزهائی که بر خورد میکند پذیرفته نیست.

فرمود گواهی دادن به لاـ إِلهَ إِلَّا اللَّهُ و ایمـان به پیـامبر خـدا و اقرار نسـبت به آنچه از جـانب خـدا آورده و زکات و ولایتی که خداوند بآن امر کرده یعنی ولایت آل محمّد صلی اللَّه علیه و آله و سلم.

عرض کردم آقا بر ولایت دلیلی هست که تشخیص داده شود و راهی وجود دارد که شناخته شود فرمود: آری این آیه شاهد بر آن است:

یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا أَطِیعُوا اللَّهَ وَ أَطِیعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِی الْأَمْرِ مِنْکُمْ که امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السّلام است.

اختصاص: ابو العلا گفت بحضرت صادق علیه السّلام عرض کردم آیا اوصیاء پیامبر اطاعت آنها واجب است فرمود آنهایند که خدا فرموده است أَطِیعُوا اللَّهَ وَ أَطِیعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِی الْأَمْرِ مِنْکُمْ و آنهایند که خداوند میفرماید: إِنَّما وَلِیُّکُمُ اللَّهُ وَ

رَسُولُهُ وَ الَّذِینَ آمَنُوا الَّذِینَ یُقِیمُونَ الصَّلاهَ وَ یُؤْتُونَ الزَّکاهَ وَ هُمْ راکِعُونَ.

معمر بن

خلاء گفت مردی فارسی از حضرت رضا علیه السّلام پرسید آقا اطاعت از شما واجب است؟ فرمود آری، عرض کرد مانند اطاعت علی بن ابی طالب فرمود: آری.

اخباری که دلالت بر وجوب اطاعت ائمه علیهم السّلام مینماید بسیار زیاد است که در ابواب متفرق است.

مناقب: روایت از ائمه علیهم السّلام در باره آیه وَ نَجْعَلَهُمُ الْوارِثِینَ و آیه وَ اللَّهُ یُؤْتِی مُلْکَهُ مَنْ یَشاءُ این دو آیه در باره ائمه نازل شده.

کنز الفوائد: از ابو بصیر نقل میکند از حضرت صادق علیه السّلام که در تفسیر آیه مَنْ یُطِعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ کسی که اطاعت خدا و پیامبر را نماید در مورد ولایت علی بن ابی طالب علیه السّلام و ائمه بعد از او فَقَدْ فازَ فَوْزاً عَظِیماً به رستگاری بزرگی رسیده است.

فرات بن ابراهیم: باسناد خود از حضرت صادق علیه السّلام در مورد آل ابراهیم وَ آتَیْناهُمْ مُلْکاً عَظِیماً فرمود ملک عظیم اینست که از این خانواده ائمه را قرار داده هر که اطاعت از آنها بنماید اطاعت خدا را کرده و هر که با آنها مخالفت کند مخالفت خدا را کرده همین ملک عظیم است.

فرات بن ابراهیم: فزاری گفت از حضرت باقر آیه فَلْیَحْذَرِ الَّذِینَ یُخالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِیبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ یُصِیبَهُمْ عَذابٌ أَلِیمٌ پرسیدم فرمود منظور از فتنه کفر است.

پرسیدند این آیه در باره که نازل شده فرمود در باره پیامبر اکرم، همین معنی جاری است در مورد اوصیاء و جانشینانش در اطاعت کردن از ایشان.

کافی: ابو بصیر از حضرت صادق علیه السّلام نقل می کند در باره آیه وَ لَوْ أَنَّا کَتَبْنا عَلَیْهِمْ أَنِ اقْتُلُوا أَنْفُسَکُمْ.

امامت، ج ۱، ص: ۲۲۱

اگر ما بر

آنها لازم کنیم که خود را بکشند و تسلیم امام باشند أَوِ اخْرُجُوا مِنْ دِيارِكُمْ یا از دیار خود خارج شوید بواسطه رضای امام ما فَعَلُوهُ إِلَّا قَلِيلٌ مِنْهُمْ وَ لَوْ این کار را انجام نمیدهند مگر گروه کمی از آنها فَعَلُوا ما يُوعَظُونَ بِهِ لَكانَ خَيْراً لَهُمْ وَ أَشَدَّ تَثْبِيتاً.

اگر اهل خلاف انجام دهند آنچه بایشان پند داده می شود برای آنها بهتر است در همین آیه است ثُمَّ لا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجاً مِمَّا قَضَيْتَ دیگر ناراحتی در مورد ولایت در خود احساس نمیکنند وَ يُسَلِّمُوا تَسْلِيماً و تسلیم فرمان خدا می شوند.

در صفحه ۳۰۳ نیز همین روایت از تفسیر عیاشی نقل شده.

کافی: محمّد بن مروان روایت بامام میرساند که فرمودند در باره آیه يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ مؤمنین پیامبر را نیازارید در باره علی و ائمه كما آذَوْا مُوسى فَبَرَّأَهُ اللَّهُ مِمَّا قالُوا.

توضیح: ضمیر الیهم بر میگردد بائمه علیهم السّلام مثل اینکه نقل بمعنی کرده اند زیرا خداوند در سوره احزاب می فرماید ما كانَ لَكُمْ أَنْ تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ وَ لا أَنْ تَنْكِحُوا أَزْواجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَداً.

ولی بعد از چند آیه میفرماید: يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لا تَكُونُوا كَالَّذِينَ آذَوْا مُوسى فَبَرَّأَهُ اللَّهُ مِمَّا قالُوا.

بین دو آیه جمع کرده و مضمون هر دو را فرموده گرچه ممکن است در مصحف ائمه چنین باشد و ممکن است ایذاء موسی در مورد وصی او هارون نیز باشد.

کنز الفوائد: عیسی بن داود نجار از ابو الحسن موسی از پدرش نقل میکند در باره آیه قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّما عَلَيْهِ ما حُمِّلَ بگو اطاعت از خدا و رسول او نمائید.

اگر اعراض

نمودند این تکلیف متوجه او است شنیدن و اطاعت و امانت و

امامت، ج ۱، ص: ۲۲۲

صبر بعهده شما است پیمانی که خدا گرفته است از شما در مورد علی و آنچه در قرآن بیان نموده از وجوب اطاعتش آیه ای که میفرماید وَ إِنْ تُطِیعُوهُ تَهْتَدُوا.

یعنی اگر از علی اطاعت کنید هدایت می یابید وَ ما عَلَی الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلاغُ چنین نازل شده (از نظر تفسیر) در کتاب عمده از مناقب ابن مغازلی از جابر از حضرت باقر در مورد آیه أَمْ یَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلی ما آتاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ.

فرمود: بخدا قسم ما آن ناس هستیم که در آیه ذکر شد (یعنی بما رشک میبرند) در مقابل نعمت ولایت که خدا ارزانی داشته.

امامت، ج ۱، ص: ۲۲۳

بخش هجدهم ائمه انوار خدا هستند و آیات نور در باره آنها تأویل شده

ترجمه روایات

تفسیر قمی: صالح بن سهل همدانی گفت از حضرت صادق علیه السّلام شنیدم می فرمود در باره آیه اللَّهُ نُورُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ کَمِشْکاهٍ.

مشکات فاطمه علیها السّلام است «فِیها مِصْباحٌ» امام حسن «الْمِصْباحُ» «۱» حسین است فِی زُجاجَةٍ الزُّجاجَةُ کَأَنَّها کَوْکَبٌ دُرِّیٌّ.

فاطمه زهرا بین زنان دنیا و زنان بهشت چون ستاره ای درخشان است یُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبارَکَةٍ که میدرخشد از نژادی مبارک یعنی نژاد ابراهیم لا شَرْقِیَّةٍ وَ لا غَرْبِیَّةٍ نه یهودی است و نه نصرانی یَکادُ زَیْتُها یُضِی ءُ علم از او میتراود وَ لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نارٌ نُورٌ عَلی نُورٍ.

امامی از این خانواده پس از امام دیگر یَهْدِی اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ یَشاءُ خداوند

امامت، ج ۱، ص: ۲۲۴

هر که را بخواهد هدایت می کند بائمه علیهم السّلام وَ یَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثالَ لِلنَّاسِ وَ اللَّهُ بِکُلِّ شَیْ ءٍ عَلِیمٌ.

خداوند برای مردم مثل میزنند او بهر چیزی دانا است.

أَوْ کَظُلُماتٍ یا مانند تاریکی ها یعنی فلان و

فلان فِی بَحْرٍ لُجِّیٍّ یَغْشاهُ مَوْجٌ منظور عثمان است.

مِنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ طلحه و زبیر است ظُلُماتٌ بَعْضُها فَوْقَ بَعْضٍ معاویه و فتنه های بنی امیه است إِذا أَخْرَجَ وقتی مؤمن دست خود را در آورد در ظلمت فتنه آنها نمیتواند ببیند.

لَمْ یَکَدْ یَراها وَ مَنْ لَمْ یَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُوراً فَما لَهُ مِنْ نُورٍ او را امامی نخواهد بود که روز قیامت بنور او راه برود.

و در باره آیه نُورُهُمْ یَسْعی بَیْنَ أَیْدِیهِمْ وَ بِأَیْمانِهِمْ فرمود آنها امامهای مؤمنین هستند که نور آنها از جلو و اطرافشان میدرخشد تا وارد منزل های خود در بهشت می شوند.

کتاب توحید و معانی الاخبار: فضیل بن یسار گفت بحضرت صادق عرض کردم اللَّهُ نُورُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ فرمود خداوند چنین است گفتم مَثَلُ نُورِهِ فرمود محمّد مثل نور خدا است گفتم «کَمِشْکاةٍ» فرمود سینه محمّد صلی اللَّه علیه و آله و سلم گفتم «فِیها مِصْباحٌ» فرمود در آن نور علم است. یعنی نبوت.

گفتم: «الْمِصْباحُ فِی زُجاجَةٍ».

فرمود علم پیامبر اکرم وارد بقلب علی علیه السّلام شد.

گفتم: (کأنها).

فرمود چرا (کأنها) میگوئی، پرسیدم پس چگونه بگویم فرمود «کأنه کَوْکَبٌ دُرِّیٌّ».

امامت، ج ۱، ص: ۲۲۵

گفتم: «یُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبارَکَةٍ زَیْتُونَةٍ لا شَرْقِیَّةٍ وَ لا غَرْبِیَّةٍ».

فرمود آن امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السّلام است که نه یهودی است و نه نصرانی.

گفتم: «یَکادُ زَیْتُها یُضِی ءُ وَ لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نارٌ.

فرمود نزدیک است علم از دهان عالم آل محمّد فرو ریزد قبل از سخن گفتن.

گفتم: «نُورٌ عَلی نُورٍ».

فرمود امامی پس از امام دیگر.

تفسیر قمی: عبد اللَّه بن جندب از حضرت رضا علیه السّلام نقل کرد که در نامه ای باو نوشت مثل ما در کتاب خدا مانند مشکات

است و مشکات در قندیلی است ما مشکات هستیم که در آن مصباح است مصباح و چراغ محمّد است.

چراغ در شیشه ایست که چون ستاره میدرخشد از نژادی پاک و ابراهیمی که نه شرقی است و نه غربی نژادی معروف که متهم بآلودگی نشده نور آن چراغ میدرخشد اگر آتش در او افروخته نشده باشد نور در پی نور امام پس از امام دیگر. خداوند هر که را بخواهد بنور ولایت ما راهنمائی می کند و برای مردم مثل میزند خدا دانای هر چیز است نور علی است که خدا هر که را بخواهد بولایت او رهبری میکند.

شایسته است که خداوند دوست ما را با چهره ای درخشان محشور کند با دلیلی روشن و حجتی قاطع در نزد پروردگار شایسته است که خدا دوست ما را با پیغمبران و صدیقین و شهدا و صالحین محشور کند که اینها خوب رفیقهائی هستند.

تفسیر قمی: ابو خالد کابلی گفت از حضرت باقر علیه السّلام پرسیدم راجع بآیه فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ النُّورِ الَّذِی أَنْزَلْنا فرمود ابا خالد بخدا قسم نور ائمه از آل محمّدند تا روز قیامت آنها بخدا قسم نور خدایند که فرستاده و نور خدایند در آسمانها و زمین بخدا قسم ابا خالد! نور امام در دل مؤمنین درخشان تر از نور

امامت، ج ۱، ص: ۲۲۶

خورشید است در روز. سوگند بخدا دلهای مؤمنین را منور می کنند و نور ایشان را از هر که بخواهد خدا پنهان می کند و دلی را پاک نمیکند مگر اینکه تسلیم ما باشد و با ما از در آشتی در آید.

اگر از در آشتی با ما درآمد خدا او را از شدت گرفتاری های حساب در

امان قرار میدهد و از وحشت قیامت ایمن میگرداند.

تفسیر قمی: ابو ایوب انصاری گفت پیامبر اکرم فرمود خداوند بهشت را از نور عرش خود آفرید.

سپس از آن مقداری را پراکنده نمود که بمن یک سوم آن رسید و به فاطمه علیها السّلام یک سوم، یک سوم دیگر به علی علیه السّلام و اهل بیت او رسید هر کس از این نور بهره ای گرفته باشد راه بولایت آل محمّد پیدا میکند و هر کس او را نصیبی نشده باشد منحرف از ولایت ایشان خواهد بود.

تفسیر قمی: أَ وَ مَنْ کانَ مَيْتاً فَأَحْيَيْناهُ فرمود یعنی جاهل بحق و ولایت باشد او را هدایت میکنیم.

وَ جَعَلْنا لَهُ نُوراً يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ برایش نوری درخشان قرار می دهیم که با آن میان مردم راه برود فرمود آن نور ولایت است.

كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُماتِ لَيْسَ بِخارِجٍ مِنْها مانند کسی است که در تاریکی ها است و نمیتواند از آن خارج شود فرمود یعنی ولایت غیر آل محمّد را دارد كَذلِكَ زُيِّنَ لِلْكافِرِينَ ما كانُوا يَعْمَلُونَ چنین آراسته شده برای کافران کردارشان.

تفسیر قمی: فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ کسانی که ایمان به پیامبر آورند وَ عَزَّرُوهُ وَ نَصَرُوهُ وَ اتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ.

یعنی پیرو امیر المؤمنین باشند أُولئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ آنها رستگارند. خداوند از پیامبران پیمان گرفت که بامت های خود خبر دهند از ظهور پیامبر اسلام و او را یاری کنند.

امامت، ج ۱، ص: ۲۲۷

ایشان نیز بگفتار یاری نمودند و بامت خود این دستور را دادند در آینده پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه و آله و سلم بر می گردد آنها نیز برخواهند گشت و او را در دنیا یاری میکنند.

کافی: حضرت صادق علیه السّلام

در مورد آیه وَ اتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِی أُنْزِلَ مَعَهُ فرمود نور در این آیه امیر المؤمنین و ائمه هستند.

تفسیر عیاشی: مسعده بن صدقه گفت حضرت صادق علیه السّلام داستان دو فرقه را (شیعه و مخالفین) در میثاق نقل کرد تا آنجا که فرمود خداوند در هر دو فرقه استثناء قائل شد.

فرمود خیر و شر دو مخلوق خدایند که خدا را در آن دو مشیت و خواست است در تغییر هر کدام برای کسی مقدر شده حتی آخرین قسمتی که برای آنها قرار داده شده است از خیر و شر این آیه قرآن اشاره به همین مطلب است.

اللَّهُ وَلِیُّ الَّذِینَ آمَنُوا یُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُماتِ إِلَی النُّورِ وَ الَّذِینَ کَفَرُوا أَوْلِیاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ یُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَی الظُّلُماتِ نور آل محمّدند و ظلمات دشمنان ایشانند.

تفسیر عیاشی: نقل از حضرت باقر علیه السّلام فرمود: أَ وَ مَنْ کانَ مَیْتاً فَأَحْیَیْناهُ وَ جَعَلْنا لَهُ نُوراً یَمْشِی بِهِ فِی النَّاسِ فرمود میت کسی است که عارف بامام نیست میدانی منظور از مرده چیست گفتم بفرمائید فرمود مرده کسی است که چیزی نمی داند او را با شناخت امام زنده میکنیم.

وَ جَعَلْنا لَهُ نُوراً یَمْشِی بِهِ فِی النَّاسِ فرمود برایش امامی قرار میدهیم که از او پیروی کند کَمَنْ مَثَلُهُ فِی الظُّلُماتِ لَیْسَ بِخارِجٍ مِنْها یعنی او مانند کسی که امام را نمی شناسد.

کنز الفوائد: عبد اللَّه بن سلیمان گفت بحضرت صادق علیه السّلام گفتم منظور از این آیه چیست قَدْ جاءَکُمْ بُرْهانٌ مِنْ رَبِّکُمْ وَ أَنْزَلْنا إِلَیْکُمْ نُوراً مُبِیناً شما را

امامت، ج ۱، ص: ۲۲۸

برهانی از طرف پروردگارتان فرستادیم و نوری آشکارا فرمود برهان پیامبر اکرم است و نور مبین علی بن ابی طالب

علیه السّلام.

تفسیر فرات بن ابراهیم: از حضرت باقر در باره آیه مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكاةٍ فِيها مِصْباحٌ.

فرمود علم در سینه مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ است و زجاجه سینه علی بن ابی طالب است كَأَنَّها كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ فرمود نور علم لا شَرْقِيَّةٍ وَ لا غَرْبِيَّةٍ از ابراهیم خلیل الرحمن بسوی مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ بسوی علی بن ابی طالب لا شَرْقِيَّةٍ وَ لا غَرْبِيَّةٍ: نه یهودی است و نه نصرانی يَكادُ زَيْتُها يُضِي ءُ وَ لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نارٌ نُورٌ عَلى نُورٍ فرمود نزدیک است عالم آل محمّد بعلم سخن گوید قبل از اینکه از او درخواست شود.

از تفسیر فرات دو روایت دیگر در همین مورد نقل میکند که در روایت دومی می نویسد در مورد آیه فِي بُيُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ فرمود آن خانه های پیامبران است و خانه علی بن ابی طالب علیه السّلام از آن خانه ها است.

تفسیر فرات: حسین بن عبد اللَّه بن جندب گفت نامه ای خارج کرد و گفت پدرم برای حضرت رضا علیه السّلام نوشت فدایت شوم من پیر شده ام دیگر توانائی ندارم انجام دهم بسیاری از کارهائی که قبلا انجام میدادم مایلم مرا چیزی بیاموزی که موجب نزدیکی بپروردگار شود و فهم و علم مرا افزاید. در جواب نوشت برایت نامه ای نوشتم بخوان آن را درک می کنی در آن نامه شفا است برای کسی که خدا بخواهد او را شفا بخشد و هدایت است برای کسی که خدا هدایت او را خواسته باشد زیاد این ذکر را بگو

«بسم اللَّه الرحمن الرحيم لا حول و لا قوه الا باللَّه العلی العظيم»

این نامه را برای صفوان و آدم

بخوان آدم یکی از دوستان صفوان بود.

علی بن الحسین علیه السّلام فرمود محمّد صلی اللّه علیه و آله و سلم امین خدا در زمین بود.

امامت، ج ۱، ص: ۲۲۹

پس از درگذشت او ما امنای خدائیم در زمین در نزد ما علم بلاها و مرگها است و انساب عرب و زادگاه اسلام ما هر کس را ببینیم می فهمیم که واقعا او مؤمن است یا منافق شیعیان ما نام خود و خانواده شان نوشته شده است و کاملا آنها را می شناسیم خداوند از آنها پیمان گرفته که پیرو ما باشند و قدم در جایی که ما میرویم بگذارند بر ملت ابراهیم خلیل الرحمن کسی جز ما و آنها نیست ما در روز قیامت چنگ بدامن پیامبرمان میزنیم و پیامبر اکرم چنگ بنور خدا میزند و حجزه همان نور است و شیعیان ما چنگ بنور ما می زنند هر که از ما جدا شود هلاک شده و هر که پیرو ما باشد نجات یافته.

منکر ولایت ما کافر است و پیرو ما و پیرو دوستان ما مؤمن. کافر بما محبت نمی- ورزد و مؤمن ما را دشمن نمی دارد کسی که با محبت ما بمیرد بر خدا لازم است او را با ما محشور کند ما نوریم برای پیروان خود و کسی که بما اقتدا نماید.

هر که از ما کناره گیری کند از ما نخواهد بود و هر که با ما نباشد از اسلام بهره ای نبرده بوسیله ما دین شروع و بما ختم می شود بوسیله ما خدا از روئیدنیهای زمین شما را بهره مند کرده و بواسطه ما باران از آسمان می بارد و بواسطه ما خدا شما را از غرق در دریا و فرو رفتن

در زمین نگه می دارد خداوند بواسطه ما شما را در قبرها و محشر و هنگام صراط و میزان و موقع داخل شدن بهشت سود می بخشد مثل ما در کتاب خدا مانند مشکات است. مشکات در قندیل است. ما مشکات هستیم که در آن چراغ است و چراغ محمّد صلی اللّه علیه و آله و سلم الْمِصْباحُ فِی زُجاجَةٍ ما زجاجه هستیم کَأَنَّها کَوْکَبٌ دُرِّیٌّ یُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبارَکَةٍ زَیْتُونَةٍ لا شَرْقِیَّةٍ وَ لا غَرْبِیَّةٍ نژادی معروف و غیر قابل ایراد که نورش میدرخشد یُضِی ءُ وَ لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نارٌ نُورٌ قرآن عَلی نُورٍ یَهْدِی اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ یَشاءُ هدایت میکند بنور آن هر کس را که بخواهد بولایت ما. خدا بهر چیز دانا است گرچه کسی را هدایت بولایت ما نماید.

لازم است بر خدا که دوست ما را با چهره ای درخشان و برهانی فروزان با سر

امامت، ج ۱، ص: ۲۳۰

بلندی نزد خدا محشور نماید و دشمن ما روز قیامت با چهره ای سیاه و سرافکنده در نزد خدا محشور می شود لازم است خداوند دوست ما را رفیق پیامبران و صدیقین و شهداء و صالحین قرار دهد که خوب رفیقانی هستند و دشمن ما را رفیق شیاطین و کافران گرداند که بد رفیقانی هستند.

شهید ما بده امتیاز از سایر شهدا برتر است و شهید شیعه ما با هفت امتیاز بر دیگران برتری دارد ما نجبا و بازمانده انبیا و فرزندان اوصیا هستیم ما از همه مردم بخدا نزدیکترین و ما شخصیت های ممتاز در کتاب آسمانی هستیم و ما از همه به دین خدا سزاوارتریم خداوند شریعت را برای ما تشریع نموده در قرآن میفرماید:

شَرَعَ لَکُمْ مِنَ الدِّینِ ما

وَصَّى بِهِ نُوحاً وَ الَّذِی أَوْحَیْنا إِلَیْکَ یا محمّد وَ ما وَصَّیْنا بِهِ إِبْراهِیمَ وَ مُوسی وَ عِیسی ما را تعلیم دادند و ما نیز ابلاغ کردیم آنچه بایـد بگوئیم و وارث علم انبیاء شدیم ما ذریه صاحبان علم هستیم أَنْ أَقِیمُوا الدِّینَ یا آل محمّد وَ لا تَتَفَرَّقُوا فِیهِ متحد باشـید کَبُرَ عَلَی الْمُشْرِکِینَ گران است بر کسانی که ولایت علی بن ابی طالب را قبول ندارنـد دعوتهای شـما ما تَدْعُوهُمْ إِلَیْهِ بولایت علی اللَّهُ یَجْتَبِی إِلَیْهِ مَنْ یَشاءُ وَ یَهْدِی إِلَیْهِ مَنْ یُنِیبُ خدا بر می گزیند و هدایت میکند کسی را که دعوت ترا ای پیامبر راجع بولایت علی بن ابی طالب بپذیرد.

مناقب: ابو خالـد کابلی از حضـرت باقر در مورد آیه فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ النُّورِ الَّذِی أَنْزَلْنا نقل کرد که فرمود نور بخـدا قسـم ائمه از آل محمّدند این آیه که می فرماید: أَتْمِمْ لَنا نُورَنا یعنی شیعیان ما را بما ملحق نما.

حضرت صادق علیه السّلام در باره آیه انْظُرُونا نَقْتَبِسْ مِنْ نُورِکُمْ فرمود:

خداونـد روز قیامت نور را بمقـدار اعمال مردم تقسـیم میکنـد بمنافق نیز میدهد و در انگشت ابهام پای چپ او قرار دارد نور او خاموش می شود.

بعـد این آیه را قرائت نمود: فینادون فریاد می زنند از پشت دیوارها أَ لَمْ نَکُنْ مَعَکُمْ قالُوا بَلی مگر ما با شـما نبودیم می گویند: چرا.

امامت، ج ۱، ص: ۲۳۱

طرایف: ابن مغازلی شافعی باسـناد خود از حسن بصری نقل میکند پرسیدم از آیه: کَمِشْکاهٍ فِیها مِصْباحٌ گفت مشکات فاطمه و مصـباح حسن و حسـین و الزُّجاجَهُ کَأَنَّها کَوْکَبٌ دُرِّیٌّ فاطمه علیها السّـلام است چون ستاره ای درخشان بود در میان زنان عالم یُوقَدُ مِنْ شَجَرَهٍ مُبارَکَهٍ

زَيْتُونَةٍ از نژاد مبارك ابراهيم نه يهودى و نه نصرانى يَكادُ زَيْتُها يُضِي‌ءُ نزديك بود علم از او آشكار شود هنگام سخن لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نارٌ نُورٌ عَلى نُورٍ گفت منظور فرزندان فاطمه است امامى پس از امام ديگر يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشاءُ هدايت ميكند بولايت آنها هر كه را خدا بخواهد.

تفسير فرات: جابر گفت: از حضرت باقر عليه السّلام پرسيدم راجع بآيه يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِناتِ يَسْعى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ بِأَيْمانِهِمْ روزى كه مى بينى مردان و زنان مؤمن را نور آنها مى درخشد در مقابل و طرف راستشان پيامبر اكرم فرمود:

آن نور امام است كه روشن ميكند جلو و طرف راست آنها را در روز قيامت موقعى كه باو اجازه دهند وارد منزل خود در جنات عدن شود مؤمنين نيز از پى او مى روند تا داخل شوند اما اين قسمت آيه بِأَيْمانِهِمْ شما چنگ ميزنيد بنور آل محمّد و آل محمّد چنگ بنور حسن و حسين دارند و آن دو بنور امير المؤمنين على بن ابى طالب عليه السّلام و على عليه السّلام چنگ بنور پيامبر اكرم ميزنند تا داخل مى شوند با او در جنات عدن اينست معنى آيه شريفه بُشْراكُمُ الْيَوْمَ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهارُ خالِدِينَ فِيها ذلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ.

تفسير فرات: از ابن عباس نقل ميكند در مورد آيه يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ آمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ اى كسانى كه ايمان آورده ايد بپرهيزيد از خدا و به پيامبرش ايمان آوريد بشما دو نصيب از رحمت خود ميبخشد فرمود آن دو نصيب حسن و حسين هستند وَ يَجْعَلْ لَكُمْ نُوراً تَمْشُونَ بِهِ برايتان امامى قرار

می دهد (امیر المؤمنین علی بن ابی طالب) که در مسیر زندگی بهمراه او بروید.

امامت، ج ۱، ص: ۲۳۲

تفسیر فرات: در مورد آیه یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ آمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ.

حضرت باقر فرمود: منظور حسن و حسین علیهما السّلام است و فرمود:

«ما ضرّ من اکرمه اللّٰه ان یکون من شیعتنا ما اصابه فی الدنیا و لو لم یقدر علی شی ء یأکله الی الحشیش».

زیان نکرده کسی که خداوند او را گرامی داشته بتشیع هر طور که دنیای او بگذرد گر چه خوراکی جز خار و خاشاک پیدا نکنند.

کافی: محمّد بن فضیل از حضرت ابو الحسن موسی بن جعفر نقل کرد که سؤال کردم از آن جناب راجع باین آیه: يُرِيدُونَ لِيُطْفِؤُا نُورَ اللَّهِ بِأَفْواهِهِمْ وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ فرمود: میخواهند ولایت علی بن ابی طالب را با تبلیغات خود از بین ببرند گفتم: وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ فرمود خدا امامت را تکمیل میکند بدلیل این آیه فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ النُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنا که نور همان امام است گفتم:

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدى وَ دِينِ الْحَقِّ او خدائی است که دستور داده بپیامبرش وصیت کند در مورد ولایت علی بن ابی طالب ولایت همان دین حق است گفتم:

لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ فرمود تا چیره نماید دین حق را بر تمام ادیان هنگام ظهور حضرت قائم بدلیل این آیه وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ که خدا امامت را تکمیل میکند بولایت قائم وَ لَوْ كَرِهَ الْكافِرُونَ اگر چه خوش آیند کافران بولایت علی نباشد گفتم این تنزیل قرآن است فرمود آن حروفی که در قرآن آمده است.

تنزیل است ولی بقیه تفسیر آن است.

تفسیر قمی:

سماعه از حضرت صادق در مورد آیه یُؤْتِکُمْ کِفْلَیْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ نقل کرد که فرمود حسن و حسین هستند وَ یَجْعَلْ لَکُمْ نُوراً تَمْشُونَ بِهِ فرمود:

امامی که باو اقتداء کنید لِئَلَّا یَعْلَمَ أَهْلُ الْکِتابِ أَلَّا یَقْدِرُونَ عَلی شَیْ ءٍ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَ أَنَّ الْفَضْلَ بِیَدِ اللَّهِ یُؤْتِیهِ مَنْ یَشاءُ وَ اللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِیم «۱».

امامت، ج ۱، ص: ۲۳۳

کنز الفوائد: کعب بن عیاض گفت من خورده گیری کردم بر علی در مقابل پیامبر اکرم مشت بر سینه من نهاده فرمود کعب علی دارای دو نور است یکی در آسمان و دیگری در زمین هر که بنور او چنگ زند خدا او را داخل بهشت میکند و هر که از او سرباز زند داخل جهنم می شود این سخنان را از طرف من بمردم بشارت ده.

کنز الفوائد: روایت شده از انس که گفت: پیامبر اکرم فرمود خداوند از نور صورت علی بن ابی طالب هفتاد هزار ملك آفرید که استغفار میکنند برای او و محبینش تا روز قیامت.

کنز الفوائد: ابو الجارود از حضرت باقر نقل کرد که آن جناب فرمود:

یُرِیدُونَ لِیُطْفِؤُا نُورَ اللَّهِ بِأَفْواهِهِمْ وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ بخدا سوگند اگر شما رها کنید تشیع را خدا رها نخواهد کرد.

کنز الفوائد: حارث بن عبد اللَّه از علی بن ابی طالب علیه السّلام نقل کرد که روزی پیامبر اکرم بر منبر رفت و فرمود: خداوند توجهی بمردم زمین کرد و مرا از میان آنها برگزید برای مرتبه دوم نگاهی نمود علی را برگزید برادر و وزیر و وارث و وصی و جانشین من در میان امت و ولی هر مؤمنی پس از من قرار داد هر که او را دوست

بدارد خدا را دوست داشته و دشمن او دشمن خدا است و هر که با او محبت ورزد خدا با او محبت خواهد ورزید و هر که با او کینه ورزد خدا با او کینه می ورزد بخدا سوگند جز مؤمن او را دوست نمی دارد و جز کافر با او دشمنی نمیورزد او نور زمین و رکن و پایه آن است پس از من او کلمه تقوی و عروه الوثقی است بعد پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه و آله و سلم این آیه را قرائت کرد: یُرِیدُونَ أَنْ یُطْفِؤُا نُورَ اللَّهِ بِأَفْواهِهِمْ وَ یَأْبَی اللَّهُ إِلَّا أَنْ یُتِمَّ نُورَهُ وَ لَوْ کَرِهَ الْکافِرُونَ.

مردم این سخن مرا حاضرین بغائبین برسانند خدایا ترا گواه میگیرم بر آنها. مردم خدا برای مرتبه سوم توجه نموده پس از من و برادرم علی یازده امام را یکی پس از دیگری انتخاب کرد هر کدام از دنیا بروند دیگری جانشین او خواهد بود مثل آنها مانند ستاره گان آسمان است هر وقت ستاره ای غروب کند

امامت، ج ۱، ص: ۲۳۴

ستاره دیگری می درخشد رهنمایان راه بینند که نیرنگ نیرنگبازان و بی اعتنایان آنها را زیانی نمی رساند.

آنها حجت خدایند در زمین و گواهان او بر خلق هر که پیرو آنها باشد پیرو خداست و هر که مخالف ایشان باشد مخالف خدا است آنها با قرآنند و قرآن با آنها است از هم جدا نمی شوند تا در حوض بر من وارد شوند.

کافی: جابر از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد که در یک حدیث طویل در باره آیه وَ النَّجْمِ إِذا هَوی فرمود قسم بقبر محمّد صلی اللَّه علیه و آله و سلم زمانی که از دنیا رود (ما

ضَـلَّ صاحِبُكَمْ وَ ما غَوى » اشـتباه نكرده و گمراه نشـده كه خويشاونـدان خود را برترى ميبخشـد وَ ما يَنْطِقُ عَنِ الْهَوى آنچه در فضيلت خاندان خود مى گويد از روى هواى نفس نيست اين معنى قول پروردگار است إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحى و فرموده خداى بزرگ به محمّد صـلى اللَّه عليه و آله و سـلم قُلْ لَوْ أَنَّ عِنْدِي ما تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ لَقُضِيَ الْأَمْرُ بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ فرمود اگر مرا اجازه مى دادند كه بشـما بگويم آنچه در دل پنهان كرده ايد از عجله نسـبت بمرگ من هر آينه سـتم روا مى داشتيد بخاندانم پس از من مثـل شـماماننـد اين فرموده خـدا است كَمَثَلِ الَّذِي اسْتَوْقَدَ نـاراً فَلَمَّا أَضاءَتْ ما حَوْلَهُ مى فرمايـد خداونـد زمين را بنور محمّد روشن كرد همان طور كه خورشـيد روشنى مى بخشد خداوند مثل محمّد را بخورشيد زده و مثل وصى و جانشينش را بماه كه اين آيه اشـاره بهمـان است و جَعَلَ الشَّمْسَ ضِياءً وَ الْقَمَرَ نُوراً و اين آيه وَ آيَةٌ لَهُمُ اللَّيْلُ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهارَ فَإِذا هُمْ مُظْلِمُونَ و اين آيه ذَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ وَ تَرَكَهُمْ فِي ظُلُماتٍ لا يُبْصِرُونَ يعنى محمّد از دنيا رفت ظلمت هويدا شد نديدند فضل و مقام اهل بيتش را اين آيه اشاره بهمان است وَ إِنْ تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدى لا يَسْمَعُوا وَ تَراهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ وَ هُمْ لا يُبْصِرُونَ.

سپس پيامبر اكرم دانش و علمى كه داشت بوصـى خود سپرد اين آيه همان مطلب است اللَّهُ نُورُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ مى فرمايد «خدا هادى آسمانها و زمين است» مثل علمى كه بمن داده شد و آن نور من است كه بوسيله آن راهنمائى مى-

شوند

مانند مشکات است که در آن چراغ است مشکات قلب محمّد است و چراغ نوری است که در آن علم است این قسمت آیه الْمِصْباحُ فِی زُجاجَةٍ می فرماید من تصمیم دارم ترا قبض روح کنم علمی که در نزد تو است بسپار بوصی خود همان طور که چراغ را در شیشه می گذارند.

كَأَنَّها كَوْكَبٌ دُرِّیٌّ بآنها اعلام کن مقام علی را یُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبارَكَةٍ اصل این نژاد مبارک ابراهیم است و آن همین آیه است که می فرماید:

رَحْمَتُ اللَّهِ وَ بَرَكاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ و این آیه شریفه: إِنَّ اللَّهَ اصْطَفى آدَمَ وَ نُوحاً وَ آلَ إِبْراهِيمَ وَ آلَ عِمْرانَ عَلَى الْعالَمِينَ، ذُرِّيَّةً بَعْضُها مِنْ بَعْضٍ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ.

لا شَرْقِيَّةٍ وَ لا غَرْبِيَّةٍ می فرماید شما یهودی نیستید که بجانب مغرب نماز بخوانید و نه نصرانی که بجانب مشرق شما بر ملت ابراهیم علیه السّلام هستید خداوند در این آیه می فرماید: ما كانَ إِبْراهِيمُ يَهُودِيًّا وَ لا نَصْرانِيًّا وَ لكِنْ كانَ حَنِيفاً مُسْلِماً وَ ما كانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ.

این قسمت آیه که می فرماید: يَكادُ زَيْتُها يُضِي ءُ وَ لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نارٌ نُورٌ عَلى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشاءُ می فرماید مثل فرزندانی که از شما بوجود می- آیند مانند روغن زیتون است که فشرده ای از زیتون می باشد يَكادُ زَيْتُها يُضِي ءُ وَ لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نارٌ نُورٌ عَلى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشاءُ می فرماید نزدیک است که سخن بنبوت کنند گر چه بر آنها ملکی نازل نشده.

غیبت نعمانی: ابن ابی یعفور می گوید: بحضرت صادق علیه السّلام عرضکردم:

من با مردم رفت و آمد دارم خیلی تعجب میکنم از گروهی که شما را دوست نمی- دارند

و پایبند بمحبت فلان و فلانند اما امانت دار، راستگو و با وفایند و گروهی که شما را دوست می دارند این امانت داری و وفا و راستگوئی را ندارند.

امام علیه السّلام راست نشست و روی بمن آورده مانند شخص خشمگین فرمود:

امامت، ج ۱، ص: ۲۳۶

کسی که پیرو امام ستمگر باشد دین ندارد و با خدا راهی ندارد و ملامت و سرزنشی نیست بر کسی که پیرو امام عادلی باشد که از جانب خدا معین شده.

از روی تعجب گفتم: آقا آنها دین ندارند و اینها را جای سرزنش نیست.

فرمود آری مگر نشنیده ای این آیه را اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُماتِ إِلَى النُّورِ یعنی خدا ولی کسانی است که ایمان آورده اند آنها را از تاریکی های گناه بنور توبه و مغفرت می کشاند بواسطه ولایت امام عادلی که از جانب خدا است و فرموده وَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِياؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُماتِ کسانی که کافرند دوست آنها طاغوت است که خارج می کند آنها را از نور بجانب تاریکی ها».

کافر که نور ندارد از آن خارجش کنند. منظور اینست که آنهائی که دارای نور اسلامند اما چون طرفدار امام و پیشوای ستمگری شدند که از جانب خدا معین نشده با این دوستداشتن آنها از نور اسلام خارج شدند و بظلمات کفر رسیدند بهمین جهت برای آنها آتش جهنم قرار داده شد با کفار أُولئِكَ أَصْحابُ النَّارِ هُمْ فِيها خالِدُونَ.

کنز الفوائد: جابر گفت: از حضرت باقر علیه السّلام تفسیر این آیه را پرسیدم وَ الَّذِينَ كَفَرُوا فرمود بنی امیه هستند أَعْمالُهُمْ كَسَرابٍ بِقِيعَةٍ يَحْسَبُهُ الظَّمْآنُ ماءً کارهای آنها مانند سرابی است که تشنه آن را آب می بیند ظمآن عثمان است

آنها را بجانب سراب می برد و بایشان می گوید بیائید تا ببرم شما را پهلوی آب حَتَّی إِذا جاءَهُ لَمْ یَجِدْهُ شَیْئاً وَ وَجَدَ اللَّهَ عِنْدَهُ فَوَفَّاهُ حِسابَهُ وَ اللَّهُ سَرِیعُ الْحِسابِ، همین که می رسد بآنجا چیزی نمی بیند خدا را می یابد که به حسابش می رسد خداوند حسابگری سریع است.

کنز الفوائد: حکم بن حمران گفت: از حضرت صادق علیه السّلام راجع باین آیه پرسیدم أَوْ کَظُلُماتٍ فِی بَحْرٍ لُجِّیٍّ یَغْشاهُ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ فرمود: آنها

امامت، ج ۱، ص: ۲۳۷

اصحاب جنگ جمل و صفین و نهروانند مِنْ فَوْقِهِ سَحابٌ ظُلُماتٌ بَعْضُها فَوْقَ بَعْضٍ فرمود: بنی امیه هستند إِذا أَخْرَجَ یَدَهُ یعنی وقتی امیر المؤمنین دست خود را در آورد لَمْ یَکَدْ یَراها نمی بیند آن را منظور اینست که وقتی سخن بحکمت گوید از او نمی پذیرند مگر کسانی که اعتراف بولایت و امامتش دارند وَ مَنْ لَمْ یَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُوراً فَما لَهُ مِنْ نُورٍ یعنی کسی که خدا برایش امامی در دنیا قرار نداده در آخرت نوری ندارد یعنی امامی که راهنمای از به بهشت باشد و از پی او ببهشت برود ندارد.

امامت، ج ۱، ص: ۲۳۸

بخش نوزدهم بلند خانه های مقدس آنها در زمان حیات و بعد از مرگ و آنهایند مساجد مشرفه

ترجمه روایات

کنز الفوائد: ص ۱۸۵- انس بن مالك و بریده گفتند پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه و آله و سلم این آیه را خواند:

فِی بُیُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَ یُذْکَرَ فِیهَا اسْمُهُ یُسَبِّحُ لَهُ فِیها بِالْغُدُوِّ وَ الْآصالِ مردی از جای خود حرکت کرده پرسید این کدام خانه ها است یا رسول اللَّه فرمود خانه های انبیاء.

ابو بکر از جای خود حرکت کرده گفت یا رسول اللَّه این خانه از آنها است اشاره کرد به خانه علی و فاطمه علیهما السلام فرمود: آری از

بهترین آن خانه ها است.

کنز: محمّد بن فضیل گفت از حضرت ابو الحسن راجع به آیه فِی بُیُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَ یُذْکَرَ فِیهَا اسْمُهُ.

پرسیدم فرمود خانه های محمّد صلی اللَّه علیه و آله و سلم است خانه های علی نیز از آنها است.

امامت، ج ۱، ص: ۲۳۹

کنز الفوائد: عیسی بن داود گفت موسی بن جعفر علیه السّلام از پدر خود در باره آیه فِی بُیُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَ یُذْکَرَ فِیهَا اسْمُهُ یُسَبِّحُ لَهُ فِیها بِالْغُدُوِّ وَ الْآصالِ رِجالٌ نقل فرمود که خانه های آل محمّد علی و فاطمه و حسن و حسین و حمزه و جعفر است.

گفتم بِالْغُدُوِّ وَ الْآصالِ فرمود یعنی نماز در وقت های آن آنگاه خداوند آنها را مشخص نموده با این صفت رِجالٌ لا تُلْهِیهِمْ تِجارَةٌ وَ لا بَیْعٌ عَنْ ذِکْرِ اللَّهِ وَ إِقامِ الصَّلاةِ وَ إِیتاءِ الزَّکاةِ یَخافُونَ یَوْماً تَتَقَلَّبُ فِیهِ الْقُلُوبُ وَ الْأَبْصارُ فرمود آنها مردانی هستند که با آنها دیگری محفوظ نمی شود.

سپس فرمود: لِیَجْزِیَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ ما عَمِلُوا وَ یَزِیدَهُمْ مِنْ فَضْلِهِ فرمود منظور امتیازی است که بآنها داده از قبیل مودت و وجوب اطاعت و جایگاه آنها را بهشت قرار داده وَ اللَّهُ یَرْزُقُ مَنْ یَشاءُ بِغَیْرِ حِسابٍ.

توضیح: ممکن است منظور از بیوت در آیه بیوت معنوی باشد.

زیرا بین عرب و عجم شایع است که از نژاد و فامیلهای با شخصیت تعبیر به بیوت می کنند یا همان خانه های ظاهری باشد چون منزل های شخصی ایشان یا روضه منوره آنها پس از وفات و مراد از رجال یا ائمه علیهم السّلام است و یا خواص شیعه آنها و یا هر دو.

طبرسی در تفسیر خود می نویسد: «فِی بُیُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ

معنـایش اینست که این چراغ در خانه هائی است که چنین مزایائی دارنـد و آنها مسـجدها است بنا بقول ابن عباس و دیگران و مؤید این قول فرمایش پیامبر است که فرمود مساجد بیوت خدا است در زمین و برای اهل آسمان این مساجد چنان می درخشد مانند ستاره ها که برای ساکنان زمین می درخشد.

بعضی گفته اند: خانه های انبیاء است بعد بروایت انس که قبلا ذکر شد آن را تأیید نموده.

سپس می گوید این قول را آیه إِنَّما یُرِیدُ اللَّهُ لِیُذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ

امامت، ج ۱، ص: ۲۴۰

الْبَیْتِ وَ یُطَهِّرَکُمْ تَطْهِیراً و آیه رَحْمَتُ اللَّهِ وَ بَرَکاتُهُ عَلَیْکُمْ أَهْلَ الْبَیْتِ تأیید می کند.

اجازه در رفع بیوت انبیا قیدی ندارد و مراد از رفع تعظیم و پاک نمودن از پلیدیها و آلودگی بمعصیت و کثافات است.

بعضـی گفته انـد: منظور از رفع عرض نیاز و حاجات است در این خانه ها بخدا یُذْکَرَ فِیهَا اسْـمُهُ یعنی خوانده می شود در آنجا کتاب خدایا اسماء حسنی.

یُسَبِّحُ لَهُ فِیها بِالْغُدُوِّ وَ الْآصالِ

یعنی نماز خوانده می شود در آنجا سحرگاه و شامگاهان.

بعضـی گفته انـد: مراد از تسبیـح تنزیه خداست از چیزهائی که جایز نیست باو نسـبت دهند و سـتایش او با صـفاتی که شایسـته ذات و افعال اوست.

سپس خداونـد تسبیـح کننده را توضـیح داده چه کسـی است رِجالٌ لا تُلْهِیهِمْ یعنی باز نمی دارد و مشـغول نمی کند تجارت و خرید و فروش آنها را اذ ذکر خدا و نماز.

از حضـرت بـاقر و حضـرت صادق روایت شـده است: آنها گروهی هسـتند که موقع نماز تجارت را رها نموده بجانب نماز می روند پاداش آنها بیشتر است از کسانی که مشغول تجارت هستند.

کافی: سالم حناط گفت از حضرت باقر سؤال کردم معنی این آیه را فَأَخْرَجْنا مَنْ

کـانَ فِیهـا مِنَ الْمُؤْمِنِینَ فَما وَجَـدْنا فِیها غَیْرَ بَیْتٍ مِنَ الْمُسْـلِمِینَ فرمود آل محمّـد صـلی اللّٰه علیه و آله و سـلم هسـتند که با آنها دیگری باقی نمی ماند.

توضـیح: بنـا بر این تأویل اشاره است بخروج امیر المؤمنین علیه السّـلام از مـدینه بکوفه یا معنی اینست که مـدینه و خروج علی علیه السّـلام از آنجا شبیه قریه لوط و خروج لوط است از آن، زیرا موقعی که خدا تصمیم هلاکت آنها را گرفت لوط را خارج نمود همین طور موقعی که خداوند اراده خشم بر مردم مدینه گرفت

امامت، ج ۱، ص: ۲۴۱

بواسطه کفر و گمراهی امیر المؤمنین و خاندانش را خارج نمود مبتلا بانواع بلاهای ظاهری و باطنی شدند.

خصال: ص ۱۰۷- موسـی بن بکر از حضـرت موسـی بن جعفر علیه السّـلام نقل کرد که پیامبر اکرم صلی اللّٰه علیه و آله و سلم فرمود خداونـد از میان مردم چهار فامیل را انتخاب کرد در این آیه می فرمایـد: إِنَّ اللَّهَ اصْـطَفی آدَمَ وَ نُوحاً وَ آلَ إِبْراهِیمَ وَ آلَ عِمْرانَ عَلَی الْعالَمِینَ.

احتجاج طبرسی: ص ۱۲۱- ابن نباته گفت خدمت حضـرت امیر المؤمنین علیه السّـلام نشسته بودم ابن کوّاء وارد شده گفت یا امیر المؤمنین معنی این آیه چیست لَیْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَـأْتُوا الْبُیُوتَ مِنْ ظُهُورِهـا وَ لکِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقی وَ أْتُوا الْبُیُوتَ مِنْ أَبْوابِهـا امیر المؤمنین علیه السّـلام فرمود ما آن خانه هائی هستیم که خداوند دستور داده از در آنها وارد شوند ما باب اللّٰه و بیوت او هستیم که باید از در این ها بجانب خدا رفت هر که با ما بیعت کند و اقرار بولایت ما نماید.

وارد خانه شده از درب آن و هر که با

ما مخالفت ورزد و دیگری را بر ما مقدم دارد از پشت وارد خانه شده.

کافی: ثمالی از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد که قتاده بن دعامه بصری خدمت آن جناب رسید امام به او فرمود تو فقیه اهل بصره ای؟ جواب داد: آری.

فرمود وای بر تو خداوند گروهی از آفریده های خود را حجت بر مردم قرار داده آنها او تا دو استوانه های زمین هستند و بپا دارنده امر او و برجستگان دانش قبل از آفرینش آنها را برگزید به صورت سایه ای در طرف راست عرش.

قتاده مدتی سکوت کرد، آنگاه گفت خدا خیرخواه تو باشد سوگند به پروردگار که من در خدمت فقها و دانشمندان و ابن عباس نشسته ام آنچنان که در خدمت شما مرا لرزه بر تن افتاده پیش هیچ کس چنین اتفاق نیافتاده حضرت باقر باو فرمود می دانی کجا هستی؟

امامت، ج ۱، ص: ۲۴۲

در مقابل آن بیوتی قرار گرفته ای که خدا خواسته بلند مقام باشند و در آنجا یاد خدا باشد و صبح و شام نماز بپا دارند مردانی که کسب و تجارت آنها را از یاد خدا و نماز و زکات بازنمی دارد، تو در چنین جایی هستی و ما نیز آن مردانیم.

قتاده گفت: فدایت شوم صحیح می فرمائید این خانه ها خانه های ساخته شده از سنگ و گل نیست.

تفسیر قمی: محمّد حلبی از حضرت صادق علیه السّلام در تفسیر آیه رَبِّ اغْفِرْ لِی وَ لِوالِدَیَّ وَ لِمَنْ دَخَلَ بَیْتِیَ مُؤْمِناً.

فرمود، یعنی قبول ولایت کند هر که داخل ولایت آل محمّد شود داخل در بیوت انبیاء شده.

مرحوم طبرسی در باره آیه لِمَنْ دَخَلَ بَیْتِیَ می گوید: کسی که وارد خانه من شود یا مسجدم.

بعضی گفته اند: کشتی من (چون

آیه مربوط بنوح است) بعضی نیز میگویند منظور بیت محمّد صلی اللَّه علیه و آله و سلم است وَ لِلْمُؤْمِنِینَ وَ الْمُؤْمِناتِ یعنی عموم پیروان انبیاء بعضی گفته مراد از امت محمّد صلی اللَّه علیه و آله و سلم است.

در روایت بعد پس از ذکر آیه میفرماید: هر که داخل در ولایت شد داخل در بیوت انبیاء شده این آیه نیز شاهد است إِنَّما یُرِیدُ اللَّهُ لِیُذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَیْتِ وَ یُطَهِّرَکُمْ تَطْهِیراً.

منظور از اهل بیت ائمه و ولایت آنها است هر که داخل در آن شود داخل در بیت پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه و آله و سلم شده است.

توضیح: شاید منظور از تأویل آیه دوم بیت معنوی است که مراد بیت خلافت باشد نه هر که داخل در ولایت شد جزء اهل بیت پیامبر است زیرا فرق است بین کسی که وارد خانه ای می شود و بین کسی که از اهل آن خانه است.

امامت، ج ۱، ص: ۲۴۳

ممکن است این تفسیر یکی از بطون آیه باشد که مؤمنین و داخل شدگان در این بیت، از پلیدی کفر و شرک محفوظند گرچه گروهی از آنها معصوم و بی گناه هم باشند. خدا می داند.

کنز الفوائد: محمّد بن فضیل از حضرت ابو الحسن نقل کرد در مورد آیه وَ أَنَّ الْمَساجِدَ لِلَّهِ فرمود اینها اوصیاء هستند.

کنز الفوائد: عیسی بن داود نجار از موسی بن جعفر علیه السّلام در باره آیه وَ أَنَّ الْمَساجِدَ لِلَّهِ فَلا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَداً نقل کرد که فرمود از پدرم جعفر بن محمّد شنیدم میفرمود آنها اوصیا و ائمه از ما خانواده اند یکی پس از دیگری: کس دیگری را با آنها شریک نکنید که

در این صورت مثل کسی است که برای خدا شریک قائل شود چنین از آیه اراده شده.

دو روایت دیگر در همین مورد و تفسیر مساجد نقل شده.

توضیح: در معنی مساجد که در آیه شریفه است اختلاف شده بعضی می گویند منظور محل هائی است که برای عبادت ساخته شده که بعضی از اخبار ما شاهد آن است.

و برخی می گویند: مراد مساجد هفت گانه است که از روایت حضرت جواد علیه السّلام و روایت دیگر نیز این معنی استفاده می شود بعضی می گویند منظور نمازها است.

اما تأویلی که در باره آیه شده دو صورت دارد:

۱- ممکن است منظور خانه های ائمه و روضه های منور ایشان باشد زیرا خداوند آنجا را محل سجده قرار داده یعنی خضوع و زاری و اطاعت بنا بر این تأویل احتمال تعمیم نیز دارد بطوری که شامل سایر بقاع متبرکه شود و ذکر این فرد بواسطه اینکه اشرف بقاع است.

۲- ممکن است مراد از مساجد ائمه باشد که در این صورت بیوت معنوی می شود یا باین جهت که آنها واقعا اهل مساجدند.

امامت، ج ۱، ص: ۲۴۴

تفسیر عیاشی: از حضرت صادق نقل شده در مورد آیه وَ أَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ صورت خود را بجانب هر مسجد بدارید یعنی ائمه علیهم السّلام.

توضیح: ممکن است مراد از مسجد بیوت ائمه علیهم السّلام باشد که دستور میدهد بخانه های آنها بروند و اطاعت از ایشان نمایند یا مراد از مسجد خود ائمه باشد زیرا آنها واقعا اهل مسجدند، یا باعتبار اینکه خداوند امر بخضوع و اطاعت آنها نموده.

تفسیر عیاشی: حسین بن مهران از حضرت صادق علیه السّلام نقل می کند در تفسیر آیه خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ فرمود منظور ائمه علیهم

السّلام است.

توضیح: یعنی ولایت ائمه زینتی معنوی است برای روح که باید دارای چنین زینتی در نماز بود این تفسیر منافات ندارد با تفسیری که در باره آیه شده که منظور لباس فاخر و استعمال عطر و شانه زدن در هنگام نماز است زیرا منظور زینت های ظاهری و معنوی هر دو است در هر مورد آنچه مناسب با مقام بوده ذکر نموده اند.

این خبر دو وجه دیگر نیز احتمال دارد:

۱- منظور از مسجد خانه و مشاهد مشرفه آنها باشد چنانچه بعضی از اخبار شاهد است.

۲- یا خطاب بخود آنها باشد چنانچه خبر رسیده که این آیه اختصاص بجمعه و عید قربان و فطر دارد و وجوب این نماز اختصاص بائمه علیهم السّلام دارد و به حضور امام بنا بر قول بیشتر از فقها، یا اینکه ائمه شایسته تر برای انجام نماز جمعه و عیدین هستند موقع حضور بنا بر قول تمام فقها.

دو روایت دیگر در مورد بیوت ذکر شده که قبلا ترجمه شد.

امامت، ج ۱، ص: ۲۴۵

بخش بیستم عرض اعمال بر ائمه و اینکه آنها گواه بر خلقند

آیات

- بقره سوره دوم وَ کَذلِکَ جَعَلْناکُمْ أُمَّةً وَسَطاً لِتَکُونُوا شُهَداءَ عَلَی النَّاسِ وَ یَکُونَ الرَّسُولُ عَلَیْکُمْ شَهِیداً.

نساء آیه ۹۴: وَ سَیَرَی اللَّهُ عَمَلَکُمْ وَ رَسُولُهُ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلی عالِمِ الْغَیْبِ وَ الشَّهادَةِ فَیُنَبِّئُکُمْ بِما کُنْتُمْ تَعْمَلُونَ.

و این آیه: ۱۰۵ وَ قُلِ اعْمَلُوا فَسَیَرَی اللَّهُ عَمَلَکُمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ سَتُرَدُّونَ إِلی عالِمِ الْغَیْبِ وَ الشَّهادَةِ فَیُنَبِّئُکُمْ بِما کُنْتُمْ تَعْمَلُونَ.

نحل: آیه ۸۴ وَ یَوْمَ نَبْعَثُ مِنْ کُلِّ أُمَّةٍ شَهِیداً ثُمَّ لا یُؤْذَنُ لِلَّذِینَ کَفَرُوا وَ لا هُمْ یُسْتَعْتَبُونَ.

و آیه ۸۹: وَ یَوْمَ نَبْعَثُ فِی کُلِّ أُمَّةٍ شَهِیداً عَلَیْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَ جِئْنا بِکَ شَهِیداً عَلی هؤُلاءِ.

قصص سوره ۲۸: آیه ۷۵

وَ نَزَعْنا مِنْ كُلِّ أَمَّةٍ شَهِيداً فَقُلْنا هاتُوا بُرْهانَكُمْ فَعَلِمُوا أَنَّ الْحَقَّ لِلَّهِ وَ ضَلَّ عَنْهُمْ ما كانُوا يَفْتَرُونَ.

امامت، ج ۱، ص: ۲۴۶

تفسیر: مرحوم طبرسی در مجمع البیان راجع بآیه وَ کَذلِکَ جَعَلْناکُمْ أُمَّةً وَسَطاً مینویسد وسط یعنی میانه بعضی گفته اند ممتاز. صاحب العین گفته (وسط) هر چیز عالی ترین و بهترین آن چیز است اگر اشکال شود باینکه در میان امت کسانی هستند که دارای این صفت امتیاز و بهتری نیستند پس چگونه تمام امت باین صفت ستوده شده اند.

جواب اینست که منظور از آیه، کسانی هستند که دارای این صفت باشند مسلم است که در هر زمانی گروهی در امت هستند که دارای این صفت باشند.

ترجمه روایات

برید از حضرت باقر علیه السّلام نقل میکند که فرمود ما امت وسط هستیم و ما گواه بر خلقیم و حجت خدا بر روی زمین.

در روایت دیگری از حضرت باقر نقل شده که فرمود زیاده رو و مقصر هر دو بازگشتشان بسوی ما است.

حاکم ابو القاسم حسکانی در شواهد التنزیل باسناد خود از سلیم بن قیس از علی بن ابی طالب علیه السّلام نقل میکند که فرمود منظور خداوند ما هستیم در این آیه لِتَکُونُوا شُهَداءَ عَلَی النَّاسِ پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه و آله و سلم گواه بر ما است و ما گواه بر مردمیم و حجت خدا در زمین، ما کسانی هستیم که خداوند در باره آنها فرموده وَ کَذلِکَ جَعَلْناکُمْ أُمَّةً وَسَطاً.

این قسمت آیه لِتَکُونُوا شُهَداءَ عَلَی النَّاسِ سه قول در تفسیر این آیه است:

۱- گواه باشید در اعمال خلاف مردم در دنیا و آخرت چنانچه در این آیه می فرماید: وَ جِی ءَ بِالنَّبِیِّینَ وَ الشُّهَداءِ پیامبران و گواهان

آورده می شوند.

۲- تا شما حجت باشید بر مردم و حقیقت و دین را برای آنها بیان کنید و پیامبر گواه بر شما است و این را بشما تحویل داده.

۳- ائمه علیهم السلام گواهی می دهند برای انبیا که تبلیغ رسالت برای امت خود نموده اند موقعی که امت ایشان آنها را تکذیب می نمایند.

وَ يَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيداً یعنی پیامبر اکرم گواه بر اعمال شما است

امامت، ج ۱، ص: ۲۴۷

بعضی گفته حجت بر شما است و برخی میگویند گواهی میدهد که شما راست گفته اید، راجع بشهادت برای انبیاء مرحوم طبرسی در مورد این آیه فَكَيْفَ إِذا جِئْنا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ می نویسد خداوند روز قیامت از هر پیامبری گواهی می خواهد نسبت بامتش در خوب و بد اعمالشان و پیامبر ما صلی اللّٰه علیه و آله و سلم نیز گواه بر امت خویش است.

توضیح: قبلا در قسمت معاد گذشت و بعد از این نیز خواهد آمد که حجت هر زمانی گواه بر اهل آن زمان است و پیامبر ما صلی اللّٰه علیه و آله و سلم گواه بر گواهان میباشند.

در تفسیر وَ قُلِ اعْمَلُوا می نویسد بکار بندید آنچه را خدا دستور داده طوری که یقین داشته باشید نتیجه آن را خواهید دید، خداوند تمام اعمال شما را می بیند و همچنین پیامبر او و او گواهی میدهد نزد خدا بر کارهای شما و مؤمنین بعضی گفته منظور از مؤمنین شهدا هستند و بعضی عقیده دارند که مؤمنین در آیه همان ملکهائی هستند که مراقب اعمال انسانند.

دانشمندان شیعه روایت کرده اند که اعمال امت بر پیامبر اکرم در هر دوشنبه و پنجشنبه عرضه می شود و آن جناب ملاحظه میکند همچنین بر ائمه علیهم

السّلام عرضه می گردد ملاحظه می نمایند منظور از مؤمنون در آیه وَ قُلِ اعْمَلُوا همان ائمه می باشند.

در تفسیر آیه وَ نَزَعْنا مِنْ کُلِّ أُمَّةٍ شَهِیداً یعنی خارج میکنم از هر امتی پیامبرش را که گواهی دهد بر تبلیغ رسالت و اعمال مردم. گفته اند آنها شخصیت های عادل آخرت هستند که هیچ زمانی خالی از چنین اشخاصی نیست که گواه بر اعمال مردم باشند.

کافی: سماعه گفت حضرت صادق علیه السّلام در باره آیه فَکَیْفَ إِذا جِئْنا مِنْ کُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِیدٍ وَ جِئْنا بِکَ عَلی هؤُلاءِ شَهِیداً فرمود فقط در باره امت محمّد صلی اللّه علیه و آله و سلم نازل شده در هر قرنی از ما خانواده امامی وجود دارد که گواه بر آنها است و حضرت محمّد صلی اللّه علیه و آله و سلم گواه بر ما است.

امامت، ج ۱، ص: ۲۴۸

کافی: ج ۱- ص ۱۹۰- نرید گفت: از حضرت صادق علیه السّلام تفسیر این آیه را پرسیدم وَ کَذلِکَ جَعَلْناکُمْ أُمَّةً وَسَطاً لِتَکُونُوا شُهَداءَ عَلَی النَّاسِ فرمود:

ما است وسط و گواهان خدا بر خلق و حجت او در روی زمین هستیم گفتم منظور این فرمایش خدا کیست مِلَّةَ أَبِیکُمْ إِبْراهِیمَ فرمود فقط ما هستیم هُوَ سَمَّاکُمُ الْمُسْلِمِینَ مِنْ قَبْلُ او شما را مسلمان نامیده در کتب گذشته و در قرآن وَ فِی هذا لِیَکُونَ الرَّسُولُ شَهِیداً عَلَیْکُمْ پیامبر اکرم گواه بر ما است نسبت به تبلیغی که کرده ایم و ما گواه بر مردمیم هر کس تصدیق ما را کرده باشد ما نیز او را تصدیق میکنیم در روز قیامت و هر که تکذیب کند ما تکذیبش می نمائیم.

مناقب: از حضرت موسی بن جعفر در معنی آیه فَاکْتُبْنا مَعَ

الشَّاهِدِينَ نقل شده که فرمود ما آن گواهانیم. گواهی برای پیامبران میدهیم بر امت آنها.

مناقب: ام سلمه گفت پیامبر اکرم در تفسیر آیه فَأُولئِکَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ آنها با کسانی هستند که خدا بایشان نعمت ارزانی داشته از پیامبران. فرمود من هستم و (صدیقین) علی است و صالحین حمزه وَ حَسُنَ أُولئِکَ رَفِيقاً ائمه دوازده گانه بعد از منند.

از حضرت باقر نقل شده که نبیین حضرت مصطفی است و صدیقین علی مرتضی و شهداء حسن و حسین علیهما السّلام و صالحین نه نفر از اولاد حسین وَ حَسُنَ أُولئِکَ رَفِيقاً حضرت مهدی است.

توضیح: شاید منظور اینست که اینها بهترین افراد آن گروه ها هستند و اینکه فرمود صالحین حمزه است یعنی حمزه داخل در این گروه است وَ حَسُنَ أُولئِکَ رَفِيقاً خوب رفیق هائی هستند آنها. ممکن است منظور این باشد که اولین مرتبه رفاقت و برخورد آنها با حضرت مهدی در رجعت باشد.

تفسیر فرات: از حضرت جواد نقل میکند در تفسیر آیه وَ کَذلِکَ جَعَلْناکُمْ أُمَّةً وَسَطاً لِتَکُونُوا شُهَداءَ عَلَى النَّاسِ وَ يَکُونَ الرَّسُولُ عَلَيْکُمْ شَهِيداً فرمود هر یک

امامت، ج ۱، ص: ۲۴۹

از ما گواه زمان خود هستیم علی بن ابی طالب علیه السّلام در زمان خود و حسن بن علی علیه السّلام در زمان خود و حسین نیز در زمان خویش گواه است هر یک از ما که مأموریت دعوت بسوی خدا داریم.

تفسیر فرات: برید گفت خدمت حضرت باقر بودم از آن جناب سؤال کردم این آیه را یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْکَعُوا وَ اسْجُدُوا وَ اعْبُدُوا رَبَّکُمْ وَ افْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ تا آخر سوره، فرمود منظور ما هستیم ما برگزیده ایم که

بر ما در این تنگنا و گرفتاری قرار داده نشده حرج از ضیق تنگنائی شدیدتر است.

مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْراهِيمَ فقط منظورش مائیم هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ ما را مسلمان نامیده «من قبل» در کتب گذشته «و فی هذا» و در قرآن يَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيداً پیامبر گواه بر تبلیغ ما است و ما گواه بر مردمیم هر که تصدیق ما را نموده تصدیقش میکنیم و هر که تکذیب کرده تکذیبش مینمائیم روز قیامت.

تفسیر فرات: امالی شیخ ص ۲۶۰- سدیر از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد که پیامبر اکرم صلی اللّٰه علیه و آله و سلم در حالی که میان جمعی از اصحاب بود فرمود بودن من بین شما برایتان خوب است و رفتن من از میان شما نیز برایتان سودمند است. جابر بن عبد اللّٰه انصاری از جای حرکت کرده گفت یا رسول اللّٰه بودن شما میان ما که مسلم بر ایمان خوب است اما چگونه رفتن شما از میان ما بر ایمان خوب است! فرمود اما بودن باین دلیل که خداوند در این آیه میفرماید: ما كانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَ أَنْتَ فِيهِمْ وَ ما كانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ خدا هرگز آنها را عذاب نمیکند تا تو در میانشان باشی و عذابگر ایشان نیست تا وقتی استغفار کنند (منظور اینست که تا وقتی تو هستی آنها با یک دیگر خلاف نمیکنند که شمشیر در یک دیگر اندازند.

اما مفارقت من برای شما خوب است زیرا اعمال شما در هر دوشنبه و پنجشنبه بر من عرضه می شود هر کار خوب که می بینم خدا را سپاس میکنم و کار بد را برایتان استغفار مینمایم.

امالی شیخ: ص ۲۶۴-

داود بن کثیر رقی گفت خدمت حضرت صادق علیه السّلام نشسته بودم قبل از اینکه من سخنی بگویم ایشان بی سابقه فرمودند: داود روز

امامت، ج ۱، ص: ۲۵۰

پنجشنبه اعمال شما را بر من عرضه داشتند در بین آنچه از اعمال تو عرضه شد مشاهده کردم صله رحمی که در مورد پسر عمویت فلانی کرده بودی مرا خوشحال نمود من میدانم این صله رحم تو زودتر موجب هلاک او می شود.

داود گفت پسر عموئی داشتم دشمن اهل بیت خیلی خبیث، شنیدم وضع مالی او خوب نیست قبل از رفتن بمکه مقداری پول برایش حواله دادم وقتی بمدینه رسیدم حضرت صادق علیه السّلام جریان را بمن فرمود.

تفسیر قمی: حضرت صادق در مورد آیه وَ قُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ فرمود مؤمنین در این آیه ائمه طاهرین علیهم السّلام هستند.

حسن صفار از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که فرمود اعمال بندگان نیکمردان و فجاز هر صبح بر پیامبر اکرم عرضه می شود. بپرهیزید و باید خجالت بکشید از اینکه بر پیامبر اکرم عمل زشت شما عرضه شود.

از آن امام علیه السّلام نیز نقل شده هر مؤمن یا کافری که بمیرد و او را در قبر بگذارند عملش را به پیغمبر اکرم و امیر المؤمنین صلوات اللَّه علیهما عرضه میدارند همین طور تا یکایک از امامان که اطاعت آنها از جانب خدا واجب شده این است تفسیر آیه شریفه وَ قُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ.

معانی الاخبار: ابو بصیر گفت بحضرت صادق علیه السّلام عرض کردم ابو الخطاب می گوید اعمال امت پیغمبر هر هفته روز پنجشنبه خدمت پیغمبر صلی اللَّه علیه و آله عرضه می شود.

حضرت

صادق علیه السّلام فرمود چنین نیست بلکه بر آن جناب اعمال امتش هر روز صبح چه مردمان خوب و چه بد عرضه می شود، مواظب باشید همین است تفسیر آیه وَ قُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ امام علیه السّلام سکوت کرد از تفسیر «مؤمنین» ابو بصیر گفت منظور از مؤمنین ائمه علیهم السّلام هستند.

قرب الاسناد: ص ۴۱- جعفر از پدر خود نقل می کند از پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه و آله و سلم که فرمود: از چیزهائی که خداوند بامت من بخشیده و بر سایر امت ها برتری

امامت، ج ۱، ص: ۲۵۱

یافته اند سه خصلت است که جز به پیامبران نداده: ۱- خداوند هر پیامبری را مبعوث می نمود باو می فرمود در دین خود کوشا باش باکی نداشته باش خداوند بامت من نیز همین را لطف نموده چنانچه در این آیه می فرماید: وَ ما جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ یعنی در دین برای شما تنگنائی قرار نداده.

۲- هر گاه پیامبری را مبعوث می نمود می فرمود هر وقت از چیزی ناراحت شدی مرا بخوان دعایت را مستجاب می کنم، همین مزیت را بامت من نیز بخشیده چنانچه در این آیه می فرماید: ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ.

۳- هر وقت پیامبری را برمی انگیخت او را گواه بر امتش قرار می داد خداوند این مزیت را بامت من داده آنها را گواه بر خلق نموده چنانچه در این آیه می- فرماید لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيداً عَلَيْكُمْ وَ تَكُونُوا شُهَداءَ عَلَى النَّاسِ.

تفسیر قمی: وَ يَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيداً عَلَيْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ روزی که بر می انگیزیم در میان هر امتی از میان خودشان گواهی منظور ائمه علیهم السّلام است آنگاه بپیامبر می فرماید وَ جِئْنا بِكَ

ترا می آوریم ای محمّد شَهِیداً عَلی هؤُلاءِ تا گواه بر ائمه علیهم السّلام باشی پس پیامبر اکرم گواه بر ائمه است و آنها گواه بر مردم.

تفسیر قمی: وَ وُضِعَ الْکِتابُ وَ جِی ءَ بِالنَّبِیِّینَ وَ الشُّهَداءِ منظور از شهداء در آیه، ائمه علیهم السّلام است.

تفسیر قمی: وَ نَزَعْنا مِنْ کُلِّ أُمَّةٍ شَهِیداً خارج میکنیم از هر گروهی از این امت امامش را بعنوان گواه.

تفسیر قمی: یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا ارْکَعُوا وَ اسْجُدُوا وَ اعْبُدُوا رَبَّکُمْ وَ افْعَلُوا الْخَیْرَ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ، وَ جاهِدُوا فِی اللَّهِ حَقَّ جِهادِهِ هُوَ اجْتَباکُمْ وَ ما جَعَلَ عَلَیْکُمْ فِی الدِّینِ مِنْ حَرَجٍ مِلَّةَ أَبِیکُمْ إِبْراهِیمَ هُوَ سَمَّاکُمُ الْمُسْلِمِینَ مِنْ قَبْلُ این امتیاز مخصوص آل محمّد است این آیه نیز لِیَکُونَ الرَّسُولُ شَهِیداً عَلَیْکُمْ تا پیامبر گواه بر آل محمّد صلی اللَّه علیه و آله و سلم وَ تَکُونُوا شُهَداءَ عَلَی النَّاسِ یعنی آل محمّد گواه بر مردمند

امامت، ج ۱، ص: ۲۵۲

بعد از پیامبر اکرم مخصوص آل محمّد صلی اللَّه علیه و آله و سلم است.

عیسی بن مریم گفت: وَ کُنْتُ عَلَیْهِمْ شَهِیداً ما دُمْتُ فِیهِمْ فَلَمَّا تَوَفَّیْتَنِی کُنْتَ أَنْتَ الرَّقِیبَ عَلَیْهِمْ تو خود گواه بودی بر آنها تا من در میانشان بودم پس از فوت من تو خود شاهد ایشان بودی وَ أَنْتَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ شَهِیدٌ تو بر هر چیز گواهی.

خداوند بر این امت پس از پیامبر اکرم گواهی از اهل بیت و عترت او قرار داده تا موقعی که یکی از آنها در دنیا باشد وقتی آنها از بین رفتند اهل زمین هلاک می شوند.

پیامبر اکرم فرمود خداوند ستارگان را امان اهل آسمانها قرار داد و اهل بیت مرا امان اهل زمین.

تفسیر

قمی: وَ يَقُولُ الْأَشْهادُ هؤُلاءِ الَّذِينَ كَذَبُوا عَلى رَبِّهِمْ يعنی امامان عليهم السّلام می گويند اينها بودند كه بر پروردگار دروغ بستند أَلا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ لعنت خدا بر ستمگران حق آل محمّد صلی اللَّه عليه و آله و سلم.

چند روايت ديگر از بصائر در تفسير آيه جَعَلْناكُمْ أُمَّةً وَسَطاً همان طوری كه قبلا ذكر شد نقل می شود.

بصائر: سليم بن قيس از امير المؤمنين عليه السّلام نقل كرد كه فرمود خداوند ما را پاكيزه قرار داده و معصوم و گواه بر خلق و حجت در روی زمين و ما را با قرآن و قرآن را با ما قرار داده نه ما از او و نه او از ما جدا می شود.

بصائر: ابو بصير از حضرت صادق در تفسير آيه وَ كَذلِكَ جَعَلْناكُمْ أُمَّةً وَسَطاً لِتَكُونُوا شُهَداءَ عَلَى النَّاسِ فرمود ما گواه بر مردم هستيم بآنچه از حلال و حرام نزد ايشان است و آنچه از بين برده اند.

بصائر الدرجات: محمّد حلبی از حضرت صادق عليه السّلام نقل ميكند كه فرمود اعمال بر من عرضه می شود در هر پنجشنبه اول ماه تكميل می شود در نيمه شعبان بر پيامبر اكرم و علی مرتضی عرضه می گردد سپس در ذكر حكيم نسخه برداری می شود.

بصائر: محمّد بن مسلم گفت از حضرت باقر سؤال كردم آيا اعمال بر پيامبر اكرم صلی اللَّه عليه و آله و سلم عرضه می شود؟ فرمود شكی ندارد گفتم اين آيه قرآن را توجه

داريد اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ فرمود آنها گواهان خدايند در زمين.

بصائر: سليمان بن خالد از حضرت صادق نقل می كند كه می فرمود اعمال بندگان هر پنجشنبه بپيامبر اكرم عرضه می شود در روز

عرفه خدا در آن اعمال نظر می اندازد این آیه اشاره بهمان است وَ قَدِمْنا إِلی ما عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْناهُ هَباءً مَنْثُوراً توجه می کنیم باعمالی که انجام داده اند آن را نیست و نابود می کنیم عرضکردم فدایت شوم در مورد اعمال چه اشخاصی چنین می کنند فرمود اعمال کینه توزان ما و کینه توزان شیعیانمان. «۱»

بصائر: یونس از حضرت رضا نقل کرد که شنیدم وقتی سخن از ایام شد و بروز پنجشنبه رسید فرمود روزی است که در آن اعمال بر خدا و پیامبر و ائمه علیهم السّلام عرضه می شود.

بصائر: ابو بصیر گفت بحضرت صادق علیه السّلام عرضکردم اعْمَلُوا فَسَیَرَی اللَّهُ عَمَلَکُمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ مؤمنین در دین کیانند؟ فرمود جز من که خواهد بود.

بصائر: ابان زیات که مشهور بعبد الرضا بود گفت بحضرت رضا علیه السّلام عرض کردم خواهش میکنم برای من و خانواده ام دعا بفرمائید فرمود مگر نمی کنم؟! بخدا قسم اعمال شما در هر شبانه روز بر من عرضه می شود «در روایت دیگری در صفحه بعد با مختصر تغییری می فرماید در هر روز پنجشنبه عرضه می شود» این مطلب بنظرم بزرگ آمد فرمود مگر در قرآن نخوانده ای قُلِ اعْمَلُوا فَسَیَرَی اللَّهُ عَمَلَکُمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ.

بصائر: زراره گفت از حضرت باقر تفسیر این آیه را پرسیدم قُلِ اعْمَلُوا فَسَیَرَی اللَّهُ عَمَلَکُمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ فرمود میخواهی از زبان من روایت کنی معنی آیه همان است که در دل تست.

امامت، ج ۱، ص: ۲۵۴

توضیح: جوابش را امام ارجاع بدل خودش میدهد و صریح نمی گوید منظور از مؤمنین ائمه هستند تا این روایت را از زبان امام علیه السّلام نقل نکند در این خبر اشاره ای بذم و سرزنش زراره

است گر چه می توان آن را توجیه کرد.

بصائر: سماعه از حضرت صادق علیه السّلام نقل می کند که می فرمود چه شده که پیامبر اکرم را ناراحت میکنند، مردی عرضکرد فدایت شوم چگونه ما ایشان را ناراحت میکنیم.

فرمود مگر نمی دانید اعمال شما بر آن جناب عرضه می شود وقتی معصیتی را مشاهده می کند آزرده می شود آن جناب را ناراحت نکنید موجب سرور پیامبر اکرم شوید.

ابو بصیر گفت از حضرت باقر علیه السّلام شنیدم می فرمود ما نمط حجازیم گفتم نمط حجاز چیست؟ فرمود بهترین گروه، خداوند در این آیه می فرماید: وَ كَذلِكَ جَعَلْناكُمْ أُمَّةً وَسَطاً.

بازگشت زیاده رو بسوی ما است و کند رو بما میرسد.

تفسیر عیاشی: ابو عمر زبیری از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که در باره آیه وَ كَذلِكَ جَعَلْناكُمْ أُمَّةً وَسَطاً لِتَكُونُوا شُهَداءَ عَلَى النَّاسِ وَ يَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيداً فرمود اگر خیال کنی خداوند در این آیه تمام اهل قبیله از موحدین را بشهادت می خواهد آیا چنین تفسیری صحیح است در صورتی که بعضی از آنها شهادتشان در دنیا برای یکمن خرما پذیرفته نمی شود آن وقت خداوند در روز قیامت در مقابل تمام امت های گذشته شهادت او را بپذیرد. هرگز چنین چیزی را از امت نخواسته آن امتی که دعای ابراهیم را برای ایشان مقرر داشته كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ که آنها معتدلترین امتند و بهترین امت از میان مردم.

در خبری نقل می شود راجع به آیه هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ دعای ابراهیم و اسماعیل اختصاص به آل محمّد دارد زیرا مربوط بکسانی است از قریش که

امامت، ج ۱، ص: ۲۵۵

ساکن مکه باشند تا زمانی که پیامبر اکرم مبعوث گردد آنگاه از او پیروی

کنند و ایمان آوردند.

اما این آیه یَکُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيداً پیامبر صلی اللّٰه علیه و آله و سلم گواه بر آل محمّد است و آنها گواه بر مردمند بعد از او چنین است این آیه نیز وَ كُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيداً ما دُمْتُ فِيهِمْ پس از فوت پیامبر اکرم آنها گواه بر مردمند چون از پیامبر محسوب می شوند.

در روایت حمران از امام علیه السّلام نقل میکند در مورد آیه وَ كَذٰلِكَ جَعَلْناكُمْ أُمَّةً وَسَطاً یعنی معتدل لِتَكُونُوا شُهَداءَ عَلَى النَّاسِ وَ يَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيداً فرمود گواه بر مردم غیر از ائمه و پیامبران نیستند اما امت جایز نیست خداوند آنها را گواه بگیرد با اینکه در میان آنها کسانی هستند که شهادت آنها در مورد کمر کش یک قاطر پذیرفته نمی شود.

کافی: میاح از شخصی نقل کرد که مردی خدمت حضرت صادق این آیه را قرائت کرد: قُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ فرمود آیه این طور نیست بلکه چنین مأمونون کسانی که مورد اعتمادند که ما آن کسانیم.

توضیح: سایر اخباری که قبلا گذشت آیه بصورت مؤمنون بود شاید منظور این باشد که منظور مؤمن در مقابل کافر نیست تا شامل همه مؤمنین شود بلکه مؤمن مأمون از خطا و معصوم از گناه که ائمه علیهم السّلام هستند شاید هم در مصحف ائمه مأمونون باشد و در سایر اخبار مطابق قرائت خود تفسیر نمودند.

کافی: عبد الرحمن بن کثیر از حضرت صادق در باره آیه وَ شاهِدٍ وَ مَشْهُودٍ فرمود پیامبر و امیر المؤمنین علیهما السّلام هستند.

کنز الفوائد: جابر از حضرت صادق علیه السّلام در باره آیه وَ جاءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَعَها سائِقٌ وَ

شَهِيدٌ فرمود سائق امير المؤمنين و شهيد پيامبر اكرم است.

محمد بن عباس باسناد خود از طريق جمهور سند را به ابو سعيد خدرى ميرساند كه عمار بپيامبر اكرم عرضكرد يا رسول اللّه علاقمندم ميان ما باندازه عمر نوح

امامت، ج ۱، ص: ۲۵۶

زندگى كنى. پيامبر اكرم فرمود عمار زندگى من براى شما سودمند است و فوت منهم براى شما بد نيست اما در زندگى من اگر خطائى از شما سرزند من برايتان استغفار ميكنم.

و اما پس از در گذشتم از خدا بپرهيزيد و درود نيكو بر من و اهل بيتم بفرستيد و اعمال شما با نام و نام پدرتان بر من عرضه مى شود اگر عمل خوب باشد خدا را حمد ميكنم و گر نه براى گناهانتان استغفار ميكنم.

منافقين و اشخاص شكاك و بيماردلان گفتند ميگويند اعمال مردم پس از فوتش با اسم آنها و پدرشان و نژاد و قبيله آنها بر او عرضه مى شود اين يك دروغ بزرگ است. خداوند اين آيه را فرستاد: وَ قُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ شخصى پرسيد مؤمنون كيانند فرمود مؤمنون بطور كلى يا مؤمنين در اين آيه اما مؤمنين اين آيه آل محمّد، ائمه هستند. سپس فرمود سَتُرَدُّونَ إِلى عالِمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِما كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ بزودى بنزد پروردگار داناى پنهان و آشكار ميرويد بشما از كارهاى بد و خوبتان خبر خواهد داد.

محمّد بن عباس روايت هاى گروهى را در اين مورد نقل كرده.

امامت، ج ۱، ص: ۲۵۷

بخش بيست و يكم تأويل مؤمنين و ايمان و مسلمين و اسلام بائمه و ولايت ايشان و تأويل كفار و مشركين و كفر و شرك و جبت و طاغوت ولات و عزى و اصنام بدشمنان و مخالفين ايشان

ترجمه روايات

مناقب: ص ۲۲۴- يزيد بن عبد الملك از حضرت زين العابدين عليه السّلام نقل مى كند كه در مورد آيه بِئْسَمَا اشْتَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ أَنْ يَكْفُرُوا بِما أَنْزَلَ اللَّهُ بَغْياً بد

معامله ای در باره خود نموده اند که کفر می ورزند بآنچه خدا نازل کرده از روی ستم. فرمود یعنی منکر ولایت امیر المؤمنین و اوصیاء از فرزندانش شدند.

تفسیر قمی: فَالَّذِينَ آتَيْناهُمُ الْكِتابَ يُؤْمِنُونَ بِهِ کسانی که به آنها کتاب داده ایم ایمان می آورند باو، منظور آل محمّدند.

وَ مِنْ هؤُلاءِ مَنْ يُؤْمِنُ بِهِ یعنی از مسلمانان کسانی هستند که باو ایمان می آورند.

توضیح: منظور از فَالَّذِينَ آتَيْناهُمُ الْكِتابَ مؤمنین اهل کتاب هستند بعضی

امامت، ج ۱، ص: ۲۵۸

گفته اند مراد مسلمانان هستند که قرآن بآنها داده شده تأویلی که امام علیه السّلام میفرماید مطابق قول دوم است.

تفسیر قمی: لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ این آیه اختصاص بآل محمّد صلی اللّه علیه و آله و سلم دارد.

توضیح: شاید تفسیر مؤمنین را بائمه علیهم السّلام نموده بدلیل این قسمت آیه مِنْ أَنْفُسِهِمْ بجهت کمال پیوستگی که پیامبر با آنها دارد و این تفسیر به واقع نزدیک تر است تا تفسیری که مفسرین با زحمت در مورد آیه نموده اند.

بیضاوی گفته: مِنْ أَنْفُسِهِمْ یعنی از نژاد یا جنس آنها مانند آنها عرب بود تا سخنش را بآسانی بفهمند و بر وضع داخلی او وارد باشند راست و دروغش را تشخیص دهند و افتخار بوجودش نمایند.

باین صورت نیز خوانده شد عن انفسهم یعنی از اشراف و بزرگان آنها زیرا پیامبر اکرم از شریف ترین قبایل عرب و نژاد آنها بود.

توضیح: این قرائت مؤید همان تأویل است که منظور ائمه اند اما آنچه در اول ذکر کرده صحیح نیست: زیرا مؤمنین منحصر به نژاد عرب نیستند.

تفسیر قمی: عبد الرحمن بن کثیر از حضرت صادق علیه السّلام در باره آیه وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ اتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمانٍ

أَلْحَقْنا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ «۱».

نقـل کرد که فرمود کسانی که ایمان به پیامبر و امیر المؤمنین و ذریه او (ائمه و اوصـیاء) بیاورنـد ذریه آنها را بایشان ملحق می کنیم و ذریه آنهـا از حجـتی که حضـرت محمّـد در بـاره علی علیه السّـلام آورده کم و کسـری نمی کننـد حجت آنهـا یکی و طاعت ایشان نیز یکسان است.

امامت، ج ۱، ص: ۲۵۹

علی بن ابراهیم در باره این آیه وَ ما أَلَتْناهُمْ مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَيْ ءٍ یعنی کم نمی کنیم از عملشان.

توضـیح: مشهور بین مفسرین اینست که آیه مربوط باطفال مؤمنین است که خداوند آنها را بپدرانشان در بهشت ملحق می کند همین مطلب از حضرت صادق علیه السّلام روایت شده، آنچه در این خبر ذکر شد یکی از بطون آیه است.

تفسـیر عیاشی: در باره آیه قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَ ما أُنْزِلَ إِلَيْنا وَ ما أُنْزِلَ إِلى إِبْراهِيمَ وَ إِسْماعِيلَ وَ إِسْحاقَ وَ يَعْقُوبَ وَ الْأَسْباطِ بگوئید ایمان آوردیم بخدا و آنچه نازل کرده بر ما و آنچه بر ابراهیم و اسـماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط نازل کرده این را بگوئید یعنی آل محمّد بدلیل این آیه فَإِنْ آمَنُوا بِمِثْلِ ما آمَنْتُمْ بِهِ فَقَدِ اهْتَدَوْا «۱».

اگر ایمان آورند مانند شما هدایت یافته اند.

تفسـیر عیاشـی: سـلام از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد که در آیه: آمَنَّا بِاللَّهِ وَ ما أُنْزِلَ إِلَيْنا ایمان آوردیم بخدا و آنچه بر ما نازل شده منظور علی و فاطمه و حسن و حسین است و در مورد سایر ائمه علیهم السّلام نیز جاری است.

آنگاه سخن را از خدا بمردم سوق می دهد فَإِنْ آمَنُوا یعنی اگر مردم ایمان آوردند، بِمِثْلِ ما آمَنْتُمْ بِهِ مانند ایمان شما یعنی

علی و فاطمه و حسن و حسین و ائمه پس از آنها فَقَدِ اهْتَدَوْا وَ إِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّما هُمْ فِی شِقاقٍ هدایت یافته اند اگر پشت نمودند آنها در بدبختی هستند.

توضیح: مفسرین در مورد خطاب (قولوا) می گویند مؤمنین هستند به دلیل این قسمت آیه فَإِنْ آمَنُوا بِمِثْلِ ما آمَنْتُمْ بِهِ و منظور از اگر ایمان آورند یعنی یهود و نصاری «۲».

تأویلی که در مورد آیه نقل شد بازگشت بهمین مطلب دارد جز اینکه

امامت، ج ۱، ص: ۲۶۰

خطاب اختصاص به برجسته ترین افراد مؤمنین موجود در آن زمان است، آنگاه ارتباط بسائر مؤمنین که در زمانهای بعد می آیند پیدا می کند.

چنانچه سایر دستورات نیز چنین است که خطاب بافراد موجود در زمان پیامبر یا امام علیه السّلام است و آیندگان را هم شامل می شود این تأویل بهتر است از آنکه بگوئیم منظور تمام مؤمنین است بدلیل وَ ما أُنْزِلَ إِلَیْنا آنچه بر ما نازل شده چون انزال دستورات واقعا و در ابتدا به پیامبر صلی اللَّه علیه و آله و سلم بوده و کسانی که در خانه وحی بوده اند که امر بتبلیغ آنها شد و نیز بدلیل اینکه همراه شده با این قسمت و آنچه نازل کردیم بر ابراهیم و اسماعیل و سایر پیامبران.

همان طور که در این قسمت آیه آنهائی که بر ایشان نازل شده انبیا هستند باید در قسمت اول هم کسانی که بر ایشان نازل می شود نظیر آنها باشند از قبیل ائمه و صدیقین و ضمیر «آمنوا» بمردم بر می گردد از قریش و اهل کتاب و سایرین.

بنا بر تفسیری که امام علیه السّلام می فرماید آیه دلالت بر امامت و جلالت مقام آنها دارد و معیار در هدایت

یافتن متابعت ائمه است و عقاید و اعمال و گفتار و هر که مخالفت با آنها ورزد در یک قسمت از آنچه ذکر شد از شقاوتمندان و منافقین خواهد بود.

تفسیر قمی: محمّد بن حمدان از حضرت صادق علیه السّلام در مورد آیه إِذا دُعِيَ اللَّهُ وَحْدَهُ كَفَرْتُمْ وَ إِنْ يُشْرَكْ بِهِ تُؤْمِنُوا فَالْحُكْمُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ الْكَبِيرِ نقل کرد که فرمود وقتی خدای یکتا را یاد می کنند با ولایت کسی که امر بولایت او کرده کافر می شوید اگر شریک او قرار دهد کسی را که شایستگی ولایت ندارد و ایمان می آورید که او دارای ولایت است.

توضیح: چون اعتقاد بامامت کسی که از جانب خدا تعیین نشده مخالفت و کفر بخدا است بهمین جهت در بیشتر اخبار آیات شرک بخدا در تفسیر بطنی بشرک ولایت تفسیر شده شبیه این آیه در قرآن زیاد است مانند: أَنْ لا تَعْبُدُوا

الشَّيْطانَ و آیه اتَّخَذُوا أَحْبارَهُمْ وَ رُهْبانَهُمْ أَرْباباً مِنْ دُونِ اللَّهِ و امثال این دو آیه.

تفسیر عیاشی: ثمالی از حضرت باقر در مورد آیه وَ نُوحاً هَدَيْنا مِنْ قَبْلُ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ داوُدَ تا أُولئِكَ الَّذِينَ آتَيْناهُمُ الْكِتابَ وَ الْحُكْمَ وَ النُّبُوَّةَ تا بِها بِكافِرِينَ فرمود کسانی هستند از اهل بیت پیغمبر و برادران و ذریه اش که دارای امتیاز و فضیلت شده اند این آیه میفرماید اگر امت تو راه خلاف را پیمودند و کافر شدند اهل بیت ترا شایسته این ایمان قرار داده ام که هرگز بآن کافر نمی شوند و مسأله رسالت تو از بین نمی رود و از خاندان تو گروهی را دانا بعلم و فرمانروا بعد از تو و اهل استنباط علم خود قرار داده ام که در

آنها دروغ و گناه و تبهکاری و خود نمائی و ریا وجود ندارد.

تفسیر عیاشی: ابو بصیر گفت از حضرت صادق شنیدم می فرمود: و لا تَتَّخِذُوا إِلهَیْنِ اثْنَیْنِ إِنَّما هُوَ إِلهٌ واحِدٌ منظور اینست که دو امام برای خود نگیرید همانا امام یکی است.

مناقب: ابو بصیر از حضرت صادق در باره آیه إِنَّما أَنَا بَشَرٌ مِثْلُکُمْ یُوحی إِلَیَّ أَنَّما إِلهُکُمْ إِلهٌ واحِدٌ فَهَلْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ آیا شما تسلیم می شوید نسبت بوصیتی که در باره علی علیه السّلام بعد از خود نمودم مسلمون با تشدید قرائت شده.

حضرت باقر فرمود در قرائت علی علیه السّلام که آن قرآنی است که بوسیله جبرئیل بر حضرت محمّد صلی اللَّه علیه و آله و سلم نازل شده فَلا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ یعنی تسلیم پیامبر خدا باشند در مورد وصیت امام بعد از او.

از حضرت صادق علیه السّلام در باره آیه وَ مَنْ یَبْتَغِ غَیْرَ الْإِسْلامِ دِیناً فَلَنْ یُقْبَلَ مِنْهُ وَ هُوَ فِی الْآخِرَهِ مِنَ الْخاسِرِینَ هر کس تسلیم بولایت ما نباشد.

از امام صادق علیه السّلام نیز نقل شد در باره آیه حَبَّبَ إِلَیْکُمُ الْإِیمانَ وَ زَیَّنَهُ فِی قُلُوبِکُمْ یعنی امیر المؤمنین علیه السّلام وَ کَرَّهَ إِلَیْکُمُ الْکُفْرَ وَ الْفُسُوقَ وَ الْعِصْیانَ بغض و دشمنی ما خانواده را نسبت بکسانی که مخالفت با پیامبر و مخالفت با ما نموده.

امامت، ج ۱، ص: ۲۶۲

ابن عباس در مورد آیه: أَمْ حَسِبَ الَّذِینَ اجْتَرَحُوا السَّیِّئاتِ أَنْ نَجْعَلَهُمْ کَالَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ

گفت منظور فرزندان عبد المطلب است.

از حضرت باقر علیه السّلام نقل شده در باره آیه و الَّذِینَ هُمْ مِنْ خَشْیَهِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ تا راجِعُونَ فرمود در باره حضرت علی نازل شده، سپس در

مورد مؤمنین و شیعیان او که در واقع آنها مؤمنند، جاری است.

غیبت نعمانی: عمرو بن ثابت از جابر نقل کرد که حضرت باقر علیه السّلام در باره آیه وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْداداً يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ فرمود: آنهـا دوسـتداران فلاـن و فلاـن هسـتند که ایشـان را امام خود قرار داده در مقابل امام و پیشوائی که خدا برای آنها قرار داده.

همچنین در باره آیه وَ لَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ يَرَوْنَ الْعَـذابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً وَ أَنَّ اللَّهَ شَدِيـدُ الْعَذابِ. إِذْ تَبَرَّأَ الَّذِينَ اتُّبِعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا وَ رَأَوُا الْعَـذابَ وَ تَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْـبابُ وَ قـالَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا لَوْ أَنَّ لَنـا كَرَّةً فَنَتَبَرَّأَ مِنْهُمْ كَما تَبَرَّؤُا مِنَّا فرمود بخـدا قسـم جابر این آیه مربوط بائمه و فرمانروایان ستمگر و پیروان ایشان است.

توضـیح: مشـهور بین مفسـرین اینست که انـداد بتهـا است، سـدی گفته است فرمانروایان و رؤسای آنهاینـد که از ایشان پیروی میکنند مانند اطاعت اربابان دلیل بر این تأویل ضـمیر يُحِبُّونَهُمْ است که ضـمیر جمع مذکر آمده شاهد است که منظور اشخاص است.

طبرسی می نویسـد: يُحِبُّونَهُمْ بنا بر این قول شاهـد بهترین است زیرا بعیـد است که بتها را مانند خدا دوست بدارند با اینکه می داننـد آنهـا ضـرر و نفعی نـدارد این قسـمت آیه نیز دلیـل دیگری است إِذْ تَبَرَّأَ الَّذِينَ اتُّبِعُوا که اربابهـا و رؤسای فرمانروا اظهار بیزاری میکنند از پیروان خود بتها که شعور بیزاری ندارند.

امام علیه السّـلام استشهاد باین وجه جسته برای اینکه گاهی ضمیر اشخاص باصنام و بتها نیز نسبت داده می شود گر چه خلاف اصل است.

امامت، ج ۱، ص: ۲۶۳

مرحوم طبرسی می نویسد: دوست داشتن آنها یعنی علاقه

بعبادت یا قرب بایشان است یا مطیع بودن نسبت به آنها یا همه این وجوه، کَحُبِّ اللَّهِ یعنی مانند دوست داشتن مؤمنین خدا را یا منظور حب مشرکین نسبت باو یا حب و علاقه واجب است نسبت بخدا داشته باشند.

بعد از این آیات در قرآن این آیه است: وَ الَّذِینَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ یعنی حب و علاقه مؤمنین بیشتر از آنها است چون آنها در عبادت خود اخلاص می ورزند و شاید چون خدا نعمت دهنده و پروردگار است و چون خدا را دارای صفات عالی و اسماء حسنی می دانند که حکیم و خبیر است نظیر و مانندی ندارد.

توضیح: بنا بر این تفسیر شاید منظور مانند حب اولیاء خدا و خلفای پیامبر باشد.

همچنین این قسمت آیه أَشَدُّ حُبًّا زیرا در اخبار وارد شده که خداوند آنها را قرین خویش قرار داده و اطاعت آنها اطاعت خدا است و معصیت ایشان معصیت خدا و آنچه بخود نسبت داده بایشان نیز منتسب کرده.

وَ لَوْ یَرَی الَّذِینَ ظَلَمُوا یعنی اگر بینند ستمگران بتها و فرمانروایانشان برای آنها نفع و سودی ندارند آن وقت خواهند فهمید که نیرو و قدرت اختصاص بخدا دارد هنگامی که عذاب را مشاهده می کنند و توجه به شدت عذاب خدا می نمایند.

زمانی که بیزاری می جویند اربابان از پیروان خود و عذاب را مشاهده می کنند ارتباط بین آنها (از پیروی و بخشش ها و سایر اغراض) قطع می شود پیروان می گویند: کاش ما بدنیا بر گردیم همان طوری که اینها از ما بیزاری جستند ما نیز از ایشان تبری جوئیم، (این خبر دلیل کفر مخالفین و خلود آنها در جهنم است).

کنز الفوائد: عیسی بن داود از موسی بن

جعفر و آن جناب از پدر خود

امامت، ج ۱، ص: ۲۶۴

در باره این آیه وَ مَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحاتِ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلا يَخافُ ظُلْماً وَ لا هَضْماً. «۱»

فرمود هر کس مؤمن به محبت آل محمّد صلی اللَّه علیه و آله و سلم و دشمن دشمن ایشان باشد.

کنز الفوائد: ابو الجارود از حضرت صادق علیه السّلام در باره آیه أَ إِلهٌ مَعَ اللَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لا يَعْلَمُونَ فرمود یعنی آیا ممکن است امام هادی و رهبری واقعی با امام و پیشوائی گمراه کننده در یک زمان از جانب خدا باشند.

کنز الفوائد: علی بن جعفر از برادر خود موسی بن جعفر علیه السّلام از آباء گرام از امیر المؤمنین نقل کرد که پیامبر اکرم فرمود یا علی کسی که با تو محبت می ورزد آنگاه چشمهایش روشن می شود که با مرگ روبرو گردد، بعد این آیه را قرائت نمود: رَبَّنا أَخْرِجْنا نَعْمَلْ صالِحاً غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ یعنی دشمنان اهل بیت وقتی داخل جهنم می شوند می گویند خدایا ما را خارج کن تا کارهای خوبی که همراه با ولایت علی علیه السّلام است انجام دهیم غیر از آن تبهکاریهائی که با دشمنی علی می کردیم.

در جواب ایشان گفته می شود: أَ وَ لَمْ نُعَمِّرْكُمْ ما يَتَذَكَّرُ فِيهِ مَنْ تَذَكَّرَ وَ جاءَكُمُ النَّذِيرُ مگر بشما فرصت ندادیم و وسائل هشیاری و توجه شما را فراهم نکردیم و پیامبر ما راهنمائی لازم را نکرد فَذُوقُوا فَما لِلظَّالِمِينَ مِنْ نَصِيرٍ عذاب را بچشید ستمگران آل محمّد را یاوری نیست که موجب نجات و خلاصی آنها شود.

کنز الفوائد: حضرت صادق علیه السّلام از پدر خود نقل کرد که فرمود شمائید که از پرستش طاغوت اجتناب ورزیدید

هر کس ستمگری را اطاعت کند او را پرستیده.

کنز الفوائد: حنان بن سدیر از پدرش نقل کرد که گفت شنیدم صامت

امامت، ج ۱، ص: ۲۶۵

فروشنده هر وی را که از حضرت باقر علیه السلام راجع بمرجئه پرسید فرمود با آنها نماز بخوان و در جنازه آنها حاضر شو و از مریضانشان عیادت کن اما اگر مردند برای آنها طلب مغفرت نکن.

زیرا وقتی اسم ما پیش آنها برده می شود در دل متنفرند ولی موقعی که دیگران را یاد می کنند شادمانند.

کنز الفوائد: ابو المشرقانی گفت من در خدمت امام بودم گروهی از کوفی ها حضور داشتند از این آیه سؤال کردند لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ فرمود آن طور که شما خیال می کنید درست نیست وقتی خداوند به پیامبرش وحی کرد علی علیه السلام را بعنوان جانشین خود تعیین کند معاذ بن جبل بایشان پیشنهاد کرد با علی علیه السّلام اولی و دومی را شریک بگردان در خلاف تا مردم بگفتار شما دلگرم شوند و تصدیق نمایند وقتی خداوند این آیه را نازل کرد: يا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ ما أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ پیامبر ما آنچه بتو دستور داده ایم بمردم ابلاغ کن (در مورد ولایت علی).

حضرت فرسول شکایت بجبرئیل نمود که مردم تکذیب می کنند و از من نمی پذیرند خداوند این آیه را نازل کرد: لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْخاسِرِينَ اگر شریک بگردانی آنها را عملت از بین می رود و زیان خواهی کرد.

آیه در این مورد نازل شده امکان ندارد که خدا پیامبری را برای جهانیان بفرستد با مقام شفاعت نسبت بگنه کاران آن وقت بترسد از اینکه مشرک بخدا شود.

پیامبر اکرم در نزد خدا مطمئن تر از این بود

که مشرک باو شود با اینکه مأموریت او از بین بردن بت پرستی و شرک است منظور از آیه اینست که دیگری از مردم را در ولایت شریک علی گردانی.

امامت، ج ۱، ص: ۲۶۶

کنز الفوائد: جابر بن یزید گفت حضرت باقر علیه السّلام در باره وَ کَذلِکَ حَقَّتْ کَلِمَهُ رَبِّکَ عَلَی الَّذِینَ کَفَرُوا أَنَّهُمْ أَصْحابُ النَّارِ چنین تصمیم گرفته خدا که کافران اهل آتشند منظور بنی امیه هستند که کافر شدند و اهل آتشند، بعد می فرماید الَّذِینَ یَحْمِلُونَ الْعَرْشَ کسانی که حامل عرش پروردگارند.

منظور پیامبر اکرم و اوصیای بعد از اویند که حامل علم خدایند سپس میفرماید: وَ مَنْ حَوْلَهُ یعنی ملائکه یُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ یُؤْمِنُونَ بِهِ وَ یَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِینَ آمَنُوا تسبیح خدا می کنند و استغفار می کنند برای کسانی که ایمان آورده اند که آنها شیعه آل محمّدند رَبَّنا وَسِعْتَ کُلَّ شَیْ‏ءٍ رَحْمَهً وَ عِلْماً فَاغْفِرْ لِلَّذِینَ تابُوا می گویند پروردگارا تو که دانای همه چیز هستی و رحمتت همه جا را فرا گرفته بیامرز کسانی را که برگشتند از ولایت بنی امیه وَ اتَّبَعُوا سَبِیلَکَ و پیرو راه امیر المؤمنین علیه السّلام شده اند.

وَ قِهِمْ عَذابَ الْجَحِیمِ، رَبَّنا وَ أَدْخِلْهُمْ جَنَّاتِ عَدْنٍ الَّتِی وَعَدْتَهُمْ وَ مَنْ صَلَحَ مِنْ آبائِهِمْ وَ أَزْواجِهِمْ وَ ذُرِّیَّاتِهِمْ إِنَّکَ أَنْتَ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ، وَ قِهِمُ السَّیِّئاتِ منظور از سیئات بنی امیه هستند و سایر پیروان ایشان بعد می فرماید: إِنَّ الَّذِینَ کَفَرُوا کسانی که کافر شدند منظور بنی امیه است.

یُنادَوْنَ لَمَقْتُ اللَّهِ أَکْبَرُ مِنْ مَقْتِکُمْ أَنْفُسَکُمْ إِذْ تُدْعَوْنَ إِلَی الْإِیمانِ فَتَکْفُرُونَ خشم خدا شدید است از خشم شما بخویش زیرا دعوت بایمان میشوید ولی کفر می ورزید.

بعد میفرماید: ذلِکُمْ بِأَنَّهُ إِذا دُعِیَ اللَّهُ زیرا وقتی دعوت

بولایت علی می شود کافر میشوید اگر با او شریکی قرار دهند ایمان می آورید یعنی اگر امام دیگریرا بگویند ایمان می آورید فَالْحُکْمُ لِلَّهِ الْعَلِیِّ الْکَبِیرِ فرمان در اختیار خدای برتر و بزرگ است.

سه روایت دیگر در مورد همین آیه نقل می شود که در یک روایت در مورد فَاغْفِرْ لِلَّذِینَ تابُوا یعنی توبه کنند از ولایت فرمانفرماهای سه گانه و بنی امیه و

امامت، ج ۱، ص: ۲۶۷

در آیه وَ قِهِمُ السَّیِّئاتِ تفسیر بآن سه نفر می شود.

کنز الفوائد: ابو حمزه از ابو بصیر نقل می کند که از حضرت باقر علیه السّلام پرسیدم راجع بآیه فَأَقِمْ وَجْهَکَ لِلدِّینِ حَنِیفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِی فَطَرَ النَّاسَ عَلَیْها فرمود آن فطرت ولایت ائمه علیهم السّلام است.

کنز الفوائد: از حضرت صادق علیه السّلام نقل می کند که در باره آیه فَلَنُذِیقَنَّ الَّذِینَ کَفَرُوا می چشانیم بکسانی که کافر شدند با ترک ولایت علی علیه السّلام عَذاباً شَدِیداً عذابی شدید.

در دنیا وَ لَنَجْزِیَنَّهُمْ أَسْوَأَ الَّذِی کانُوا یَعْمَلُونَ ببدترین کیفر کردار آنها را گرفتار خواهیم کرد در آخرت ذلِکَ جَزاءُ أَعْداءِ اللَّهِ النَّارُ لَهُمْ فِیها دارُ الْخُلْدِ جَزاءً بِما کانُوا بِآیاتِنا یَجْحَدُونَ آیات در این قسمت ائمه علیهم السّلام هستند.

کنز الفوائد: ابو عبد اللَّه از پدر خود از حضرت زین العابدین علیه السّلام نقل می- کند که در باره آیه شَرَعَ لَکُمْ مِنَ الدِّینِ ما وَصَّی بِهِ نُوحاً فرمود ما کسانی هستیم که خداوند دینش را برای ما در کتاب خود تشریح نموده همین معنی منظور شده از آیه شَرَعَ لَکُمْ یا آل محمّد مِنَ الدِّینِ ما وَصَّی بِهِ نُوحاً وَ الَّذِی أَوْحَیْنا إِلَیْکَ وَ ما وَصَّیْنا بِهِ إِبْراهِیمَ وَ مُوسی وَ عِیسی أَنْ أَقِیمُوا الدِّینَ دین را بپای

دارید ای آل محمّد و متفرق نشوید گران است بر مشرکین دعوتی که شما در باره ولایت علی علیه السّلام می نمائید وَ لا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ ما تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشاءُ وَ يَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ يعنی خداوند برمی گزیند و هدایت میکند کسی را که ولایت علی را بپذیرد.

همین روایت با مختصر اختلافی در متن بطریق دیگری از حضرت رضا علیه السّلام نقل می شود که در ضمن نامه ای نقل از زین العابدین علیه السّلام کرد.

کنز الفوائد: محمّد بن بشیر گفت محمّد بن حنفیه چنین بیان کرد: محبت با ما اهل بیت چیزی است که در قسمت راست قلب مؤمن نوشته می شود و قلب هر

امامت، ج ۱، ص: ۲۶۸

کسی را که خداوند با محبت و ولای ما نقش بست هیچ کس را یارای آن نیست که محوش کند در این آیه مبارکه توجه نکرده ای که می فرماید: أُولئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمانَ محبت با ما اهل بیت ایمان است.

تفسیر فرات: محمّد بن علی از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که در باره آیه صِبْغَةَ اللَّهِ وَ مَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً سرشتی است که خداوند بر آن سرشته است فرمود سرشتی که خداوند مؤمنین را بر آن سرشته است در میثاق ولایت است در این آیه می فرماید: مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوالَهُمُ ابْتِغاءَ مَرْضاتِ اللَّهِ کسانی که اموال خود را در راه علی بن ابی طالب علیه السّلام صرف میکنند.

کنز الفوائد: عبد اللَّه رمادی از حضرت رضا علیه السّلام از آباء گرام خود در باره آیه و رَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالدِّينِ مشاهده کردی کسی که دین را تکذیب کرد فرمود یعنی ولایت امیر

المؤمنین علیه السّلام.

تفسیر فرات: ابان بن تغلب گفت بحضرت باقر علیه السّلام آیه الَّذِینَ آمَنُوا وَ لَمْ یَلْبِسُوا إِیمانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولئِکَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَ هُمْ مُهْتَدُونَ فرمود ابان شما میگوئید شرک بخدا است ما می گوئیم این آیه در باره امیر المؤمنین علی بن ابی طالب و اهل بیتش نازل شده زیرا آنها یک چشم بهمزدن بخدا مشرک نشدند و هرگز لات و عزی را نپرستیدند و او اول کسی بود که با پیامبر نماز خواند و او اول کسی بود که پیامبر را تصدیق نمود. این آیه در باره آن جناب نازل شده.

تفسیر فرات: قاسم بن عبید از حضرت صادق علیه السّلام نقل میکند که در باره آیه الَّذِینَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِکْرِ اللَّهِ أَلا بِذِکْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ فرمود پیامبر اکرم از علی بن ابی طالب علیه السّلام پرسید میدانی این آیه در باره چه کسی نازل شده؟

عرضکرد خدا و پیغمبرش داناترند فرمود در باره کسی که مرا تصدیق کند و ایمان آورد بمن و ترا و عترت را بعد از تو دوست بدارد و تسلیم تو و ائمه بعد از تو باشد.

امامت، ج ۱، ص: ۲۶۹

تفسیر فرات: ابو الجارود از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد که فرمود حب ما ایمان و بغض و کینه ما کفر است، آنگاه این آیه را خواند: وَ لکِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَیْکُمُ الْإِیمانَ وَ زَیَّنَهُ فِی قُلُوبِکُمْ.

مناقب: ابو حمزه از حضرت باقر علیه السّلام در باره آیه: إِنَّکُمْ لَفِی قَوْلٍ مُخْتَلِفٍ شما دارای عقیده مختلفی هستید فرمود در مسأله ولایت است یُؤْفَکُ عَنْهُ مَنْ أُفِکَ هر که از ولایت کناره گیرد از بهشت محروم خواهد شد.

کافی: زراره

گفت: وقتى ابو الخطاب هنوز مرتد نشده بود برايم نقل كرد كه بحضرت صادق گفتم اين آيه چه معنى دارد: وَ إِذا ذُكِرَ اللَّهُ وَحْدَهُ اشْمَأَزَّتْ قُلُوبُ الَّذِينَ لا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ فرمود يعنى وقتى خدا را ياد كنند باطاعت كردن از كسى كه امر باطاعت او نموده متنفر مى شوند مردمانى كه ايمان بآخرت ندارند وقتى ياد آورند كسانى را كه خداوند باطاعت آنها امر نكرده خوشحال ميشوند.

تفسير قمى: ابو بصير از حضرت صادق عليه السّلام در باره آيه فَما لَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَ لا ناصِرٍ فرمود او را نيروئى نيست كه با آن با خدا همآوردى كند و نه ياورى دارد كه او را يارى كند اگر خدا برايش تصميم بدى بگيرد گفتم إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْداً فرمود نيرنگ با پيامبر اكرم و على بن ابى طالب و فاطمه زهرا عليهم السّلام زدند خداوند مى فرمايد يا محمّد إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْداً. وَ أَكِيدُ كَيْداً فَمَهِّلِ الْكافِرِينَ أَمْهِلْهُمْ رُوَيْداً من نيز بآنها مقابله بمثل مى كنم ايشان را مهلت بده تا وقتى ظهور حضرت قائم خداوند بوسيله او از ستمگران و جباران قريش و بنى اميه و ساير مردم انتقام مى گيرد.

تفسير قمى: لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتابِ منظور قريش است وَ الْمُشْرِكِينَ مُنْفَكِّينَ حَتَّى تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ فرمود آنها در كفر خود هستند تا بينه بر ايشان وارد شود.

در روايت ابو الجارود از حضرت باقر عليه السّلام نقل ميكند بينه حضرت محمّد صلى اللَّه عليه و آله و سلم است إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتابِ وَ الْمُشْرِكِينَ فِي نارِ جَهَنَّمَ فرمود قرآن بر آنها نازل شد مرتد شدند و كفر ورزيدند و مخالفت با امير-

المؤمنين عليه السّلام كردند أُولئِكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ و اين قسمت آيه إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ أُولئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ فرمود در باره آل محمّد نازل شده.

كنز الفوائد: جابر از حضرت باقر در باره آيه لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتابِ نقل كرد كه فرمود آنها كسانى هستند كه شيعه را تكذيب مى- كنند زيرا كتاب همان آيات است و اهل كتاب يعنى شيعه وَ الْمُشْرِكِينَ مُنْفَكِّينَ منظور مرجئه هستند حَتَّى تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ فرمود تا براى آنها حق واضح شود رَسُولٌ مِنَ اللَّهِ يعنى حضرت محمّد يَتْلُوا صُحُفاً مُطَهَّرَةً يعنى آنها را راهنمائى كند نسبت باامامان بعد از خود آنها صحف مطهره هستند فِيها كُتُبٌ قَيِّمَةٌ يعنى نزد ايشان است حق و واقعيت. اين قسمت آيه وَ ما تَفَرَّقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتابَ يعنى تكذيب كنندگان شيعه إِلَّا مِنْ بَعْدِ ما جاءَتْهُمُ الْبَيِّنَةُ يعنى بعد از آنكه حق براى ايشان آمد وَ ما أُمِرُوا اين گروه دستور نداده اند إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ مگر خداى را باخلاص پرستش كنند فرمود اخلاص ايمان بخدا و پيامبر و ائمه عليهم السّلام است.

وَ يُقِيمُوا الصَّلاةَ وَ يُؤْتُوا الزَّكاةَ نماز و زكات امير المؤمنين على بن ابى طالب است وَ ذلِكَ دِينُ الْقَيِّمَةِ اشاره بفاطمه عليها السّلام است اين قسمت آيه إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ فرمود كسانى كه ايمان بخدا و پيامبر و اولى الامر آورده اند و اطاعت از دستور ايشان ميكنند اينست ايمان و عمل صالح رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ.

حضرت صادق عليه السّلام فرمود خداوند از مؤمن راضى است در دنيا و آخرت مؤمن گر چه از خدا راضى است ولى در

دلش خلجانی است بواسطه بلاها و گرفتاری های دنیا اما موقعی که روز قیامت ثواب و پاداش را می بیند واقعا از خدا راضی می شود اینست تفسیر این قسمت آیه وَ رَضُوا عَنْهُ، ذلِکَ لِمَنْ خَشِیَ رَبَّهُ یعنی اطاعت خدا را بکند.

توضیح: شاید منظور اینست که نظر اهل کتاب و مشرکین در امر نبوت

امامت، ج ۱، ص: ۲۷۱

این گروه هستند که در امامت انکار دارند و شاید منظور از اتیان بینه ظهور دین پیامبر صلی اللَّه علیه و آله و سلم است در زمان حضرت قائم است. تفسیر «قیمه» نیز با همین معنی بدون تکلف در اضافه درست می شود.

تفسیر قمی: أَ لَمْ تَرَ إِلَی الَّذِینَ أُوتُوا نَصِیباً مِنَ الْکِتابِ یُؤْمِنُونَ بِالْجِبْتِ وَ الطَّاغُوتِ وَ یَقُولُونَ لِلَّذِینَ کَفَرُوا هؤُلاءِ أَهْدی مِنَ الَّذِینَ آمَنُوا سَبِیلًا فرمود:

این آیه در باره یهود نازل شده که سؤال کردند از مشرکین عرب آیا دین ما بهتر است یا دین محمّد؟ مشرکین عرب در جواب گفتند دین شما بهتر است.

راجع بهمین آیه فرموده اند که در باره کسانی نقل شده که حق آل محمّد را غصب کرده اند و بر مقام ایشان حسد برده اند خداوند می فرماید: أُولئِکَ الَّذِینَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ وَ مَنْ یَلْعَنِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ نَصِیراً. أَمْ لَهُمْ نَصِیبٌ مِنَ الْمُلْکِ فَإِذاً لا یُؤْتُونَ النَّاسَ نَقِیراً خداوند آنها را لعنت نموده و هر که خدا او را لعنت کند یار و یاوری نخواهد داشت آیا آنها را از ملک بهره ایست؟! که در این صورت بمردم باندازه نقطه ای که در پشت دانه خرما است نمیدادند.

أَمْ یَحْسُدُونَ النَّاسَ یا رشگ بر مردم می برند منظور از مردم امیر المؤمنین و ائمه هستند عَلی ما آتاهُمُ اللَّهُ مِنْ

فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنا آلَ إِبْراهِيمَ الْكِتابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ آتَيْناهُمْ مُلْكاً عَظِيماً منظور خلافت بعد از نبوت است و آنها ائمه عليهم السّلام هستند.

تفسير قمى: وَ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ مِيثاقَهُ الَّذِي واثَقَكُمْ بِهِ فرمود وقتى كه پيامبر اكرم پيمان گرفت از آنها بولايت امير المؤمنين گفتند شنيديم و اطاعت ميكنيم اما بعد پيمان شكنى كردند.

توضيح: مرحوم طبرسى مى نويسد در باره ميثاق چهار قول است:

۱- پيامبر اكرم در موقع ايمان و بيعت از آنها پيمان گرفت كه مطيع باشند نسبت بهر چه خدا واجب كند.

۲- آنچه در حجه الوداع بايشان عرضه نمود از تحريم محرمات و كيفيت

امامت، ج ۱، ص: ۲۷۲

طهارت و وجوب ولايت و چيزهاى ديگر كه از حضرت باقر نقل شده توسط ابو الجارود. سوم منظور بيعت عقبه و بيعت رضوان است. قول چهارم ميثاق و پيمان ارواح است.

تفسير قمى: وَ مِنْهُمْ مَنْ يُؤْمِنُ بِهِ وَ مِنْهُمْ مَنْ لا يُؤْمِنُ بِهِ وَ رَبُّكَ أَعْلَمُ بِالْمُفْسِدِينَ آنها دشمنان محمّد و آل محمّدند پس از آن حضرت.

توضيح: منظور از مفسدين دشمنان آل محمّد است كه حق آنها را غصب كردند زيرا بوسيله آنها فساد در بر و بحر آشكار شد.

كنز الفوائد: مؤلف نهج الامامه مى نويسد: كه صاحب شرح الاخبار باسناد خود از حضرت باقر عليه السّلام در باره آيه وَ وَصَّى بِها إِبْراهِيمُ بَنِيهِ وَ يَعْقُوبُ يا بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفى لَكُمُ الدِّينَ فَلا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ يعنى بولايت على عليه السّلام.

كافى: عبد الرحمن بن كثير از حضرت صادق عليه السّلام در باره آيه الَّذِينَ آمَنُوا وَ لَمْ يَلْبِسُوا إِيمانَهُمْ بِظُلْمٍ فرمود ايمان بآنچه پيامبر آورده از ولايت و مخلوط نكرده اند ايمان خود را

بولایت فلان و فلان، اینست ایمان آغشته بظلم.

کافی: نعیم صحاف گفت: از حضرت صادق پرسیدم راجع به آیه فَمِنْکُمْ کافِرٌ وَ مِنْکُمْ مُؤْمِنٌ فرمود خداوند آنها را بولایت ما شناخت و کفر نسبت بولایت هنگام اخذ میثاق در نهاد آدم که آنها بصورت ذره بودند.

توضیح: در قرآن آیه چنین است: هُوَ الَّذِی خَلَقَکُمْ فَمِنْکُمْ کافِرٌ وَ مِنْکُمْ مُؤْمِنٌ شاید این تغییر از نسخه برداران بوده یا در قرآن ائمه چنین است یا نقل بمعنی شده از طرف راوی اما توجیه اول ظاهرتر است، زیرا کلینی بسند دیگری از صحاف نقل کرده مطابق با قرآن.

بعضی گفته اند: خداوند در آیه کافر را جلوتر ذکر کرده چون آنها بیشترند معنی آیه اینست که کسی که کافر می شود یا در علم خدا او کافر است ظاهرا تأویل ائمه علیهم السّلام برگشت بمعنی دوم دارد یعنی در تکلیفی که اول بآنها کرد در وقتی

امامت، ج ۱، ص: ۲۷۳

که بصورت ذر بودند می شناخت چه کسی ایمان می آورد و چه کسی ایمان نمی- آورد چگونه نخواهد دانست وقتی که اجساد را خلق کرد مراد از خلق همان خلق اجساد است معنی آیه اینست موقعی که خداوند شما را آفرید بعضی کافر بودید بواسطه کفری که در عالم ذر داشتید و بعضی مؤمن بواسطه ایمانتان در عالم ذرو ذر جمع ذره است که مورچه های کوچک را میگویند که صد عدد آنها باندازه وزن یک جو است و ذره بآنچه در شعاع خورشید است دیده می شود نیز گفته می شود.

بعدها خواهد آمد که خداوند ذریه آدم از نهادش بصورت ذر خارج نمود و ارواح را بآنها پیوست و از آنها پیمان گرفت.

کافی: جابر از حضرت باقر

نقل کرد که جبرئیل این آیه را بر حضرت محمّد نازل نمود: بِئْسَمَا اشْتَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ أَنْ يَكْفُرُوا بِما أَنْزَلَ اللَّهُ بعد چیزی برای خود پسندیده اند که کفر باشد به آنچه خدا نازل کرده در باره حضرت علی از روی ستم.

و گفته است جبرئیل این آیه را بر حضرت محمّد صلی اللّه علیه و آله و سلم چنین آورد وَ إِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنا عَلى عَبْدِنا فی علی فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِنْ مِثْلِهِ.

و فرمود این آیه را چنین آورد جبرئیل یا أَيُّهَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتابَ آمِنُوا بِما نَزَّلْنا فی علی علیه السّلام نُوراً مُبِيناً.

توضیح: اینکه فرموده است اگر شک دارید در آنچه نازل کرده ایم بر بنده مان در باره علی شاید شک آنها در مورد آیاتی بوده که در شأن علی علیه السّلام پیغمبر میخواند بهمین جهت خداوند ایشان را رد می کند باین طور که قرآن معجزه است ممکن است که از طرف دیگری جز خدا باشد.

اما آیه سوم ابتدای آن در سوره نساء چنین است: یا أَيُّهَا الَّذِينَ أُوتُوا- الْكِتابَ آمِنُوا بِما نَزَّلْنا مُصَدِّقاً لِما مَعَكُمْ آخر همین آیه در این سوره چنین است: يا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جاءَكُمْ بُرْهانٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ أَنْزَلْنا إِلَيْكُمْ نُوراً مُبِيناً شاید قسمتی از خبر افتاده باشد و اسم آن جناب در دو قسمت آیه نزلنا و أنزلنا بوده

امامت، ج ۱، ص: ۲۷۴

آخر قسمت اول و اول قسمت دوم حذف شده است یا در قرآن ائمه یکی از دو آیه چنین بوده. البته نباید چنین گمان شود که این قسمت آیه مُصَدِّقاً لِما مَعَكُمْ منافات با این توجیه دارد زیرا ممکن است بنا بر این توجیه خطاب باهل کتاب

باشد زیرا آنها نیز با علی علیه السّلام کینه داشتند بواسطه تعداد زیادی که از آنها کشته بود از قبول ولایتش امتناع داشتند. اسم حضرت علی در کتابهای آنها هست مانند اسم پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله و سلم همچنین أُوتُوا الْكِتابَ گرچه ممکن است مراد از کتاب قرآن باشد.

کافی: جابر از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد در باره آیه وَ لَوْ أَنَّهُمْ فَعَلُوا ما يُوعَظُونَ بِهِ فی علی لَكانَ خَيْراً لَهُمْ.

توضیح: قبل از این آیه چنین است: وَ لَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جاؤُكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّاباً رَحِيماً. فَلا وَ رَبِّكَ لا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيما شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجاً مِمَّا قَضَيْتَ وَ يُسَلِّمُوا تَسْلِيماً.

در اخبار چنان رسیده که مخاطب در هر دو آیه امیر المؤمنین علیه السّلام است بقرینه وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ. ممکن است ما يُوعَظُونَ بِهِ پندی که بآنها داده می شود اشاره بهمین مطلب باشد احتمال تنزیل و تأویل هر دو نیز هست.

کافی: مفضل گفت: بحضرت صادق علیه السّلام عرض کردم معنی آیه بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَياةَ الدُّنْيا فرمود این انتخاب زندگی دنیا اشاره بفرمانروائی آنها است اما وَ الْآخِرَةُ خَيْرٌ وَ أَبْقى آخرت بهتر و پایدار است اشاره بولایت امیر المؤمنین علیه السّلام. إِنَّ هذا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولى . صُحُفِ إِبْراهِيمَ وَ مُوسى .

کافی: جابر از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد در باره آیه جاءَكُمْ آورد برای شما حضرت محمّد صلی اللّه علیه و آله و سلم بِما لا تَهْوى أَنْفُسُكُمُ چیزی را که میل نداشتید و آن موالات علی علیه السّلام است اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِيقاً كَذَّبْتُمْ وَ فَرِيقاً تَقْتُلُونَ

کبر ورزیدید گروهی آل محمّد را تکذیب کردید گروهی را کشتید.

امامت، ج ۱، ص: ۲۷۵

توضیح: در قرآن مجید آیه چنین است: أَ فَکُلَّما جاءَکُمْ رَسُولٌ بِما لا تَهْوی أَنْفُسُکُمُ اسْتَکْبَرْتُمْ فَفَرِیقاً کَذَّبْتُمْ.

شاید امام مفاد و منظور آیه را فرموده است یا در مصحف ائمه چنین است.

کافی: محمّد بن سنان از حضرت رضا علیه السّلام در مورد آیه کَبُرَ عَلَی الْمُشْرِکِینَ دشوار است بر مشرکین، نسبت بولایت علی ما تَدْعُوهُمْ إِلَیْهِ آنچه تو ایشان را بآن دعوت می کنی که عبارت است از ولایت علی علیه السّلام.

کافی: ابو بصیر از حضرت باقر علیه السّلام در باره آیه فَأَقِمْ وَجْهَکَ لِلدِّینِ حَنِیفاً فرمود منظور ولایت است.

کافی: عبد اللَّه بن کثیر از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد در مورد آیه إِنَّ الَّذِینَ آمَنُوا ثُمَّ کَفَرُوا ثُمَّ آمَنُوا ثُمَّ کَفَرُوا ثُمَّ ازْدادُوا کُفْراً، لَنْ تُقْبَلَ تَوْبَتُهُمْ.

کسانی که ایمان آوردند بعد کافر شدند سپس ایمان آوردند باز کافر شدند آنگاه کفر خویش را افزون نمودند هرگز خدا توبه آنها را قبول نمی کند.

فرمود این آیه در باره فلان و فلان و فلان نازل شده که ایمان آوردند اول به پیامبر صلی اللَّه علیه و آله و سلم وقتی ولایت بر آنها عرضه شد کافر شدند موقعی که فرمود:

«من کنت مولاه فعلی مولاه».

ایمان آوردند با بیعت برای امیر المؤمنین علیه السّلام باز کافر شدند موقعی که پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه و آله و سلم از دنیا رفت بیعت خود را انکار نمودند بعد در کفر خود افزودند چون بیعت گرفتند برای خود از کسانی که با علی بیعت کرده بودند آنها دیگر از ایمان ذره ای برایشان باقی نماند.

با همین اسناد از حضرت

صادق علیه السّلام نقل می کند در باره آیه إِنَّ الَّذِینَ ارْتَدُّوا عَلی أَدْبارِهِمْ مِنْ بَعْدِ ما تَبَیَّنَ لَهُمُ الْهُدَی کسانی که مرتد شدند پس از اینکه هدایت برای آنها آشکار شد فرمود فلان و فلان و فلان است از ایمان مرتد

امامت، ج ۱، ص: ۲۷۶

شدند در ترک ولایت امیر المؤمنین علیه السّلام پرسیدم این آیه چیست ذلِکَ بِأَنَّهُمْ قالُوا لِلَّذِینَ کَرِهُوا ما نَزَّلَ اللَّهُ سَنُطِیعُکُمْ فِی بَعْضِ الْأَمْرِ فرمود بخدا قسم این نیز نازل شده در باره آن دو و پیروانشان و همین است معنی آیه ای که جبرئیل برای پیامبر اکرم آورد ذلِکَ بِأَنَّهُمْ قالُوا لِلَّذِینَ کَرِهُوا ما نَزَّلَ اللَّهُ این بواسطه آنست که گفتند بکسانی که دوست نداشتند آنچه خدا در باره علی علیه السّلام نازل نموده (یعنی بعضی از بنی امیه از قبیل عثمان و ابی سفیان و معاویه گفتند به ابا بکر و عمر) سَنُطِیعُکُمْ فِی بَعْضِ الْأَمْرِ.

فرمود بنی امیه را با خود همآهنگ نمودند راجع به پیمانی که داشتند که خلافت بعد از پیامبر اکرم باهل بیت نرسد و از خمس چیز بما ندهند مدعی بودند که اگر خمس را بایشان بدهیم دیگر احتیاج نخواهند داشت و از نرسیدن بخلافت باکی ندارند.

بنی امیه گفتند ما بعضی از آن پیمان با شما همکاری داریم و آن مسأله خمس بود که بما ندهند این قسمت آیه کَرِهُوا ما نَزَّلَ اللَّهُ از آنچه خدا لازم نموده بود ناراحت بودند و آن وجوب ولایت علی علیه السّلام بود برای مردم.

با این دسته ابو عبیده نیز بود که نویسنده ایشان بشمار میرفت خداوند این آیه را فرستاد: أَمْ أَبْرَمُوا أَمْراً فَإِنَّا مُبْرِمُونَ، أَمْ یَحْسَبُونَ أَنَّا لا نَسْمَعُ

سِرَّهُمْ وَ نَجْواهُمْ پیمان می بندند ما نیز پیمان بسته ایم آنها خیال میکنند ما اسرارشان را نمیدانیم و آهسته نجوا کردنشان را نمیشنویم.

با همین اسناد از حضرت صادق نقل میکند در باره آیه وَ مَنْ يُرِدْ فِيهِ بِإِلْحادٍ بِظُلْمٍ فرمود این آیه در باره آنها نازل شد موقعی که وارد کعبه شدند و در آنجا پیمان بستند و قرار گذاشتند که کفر و انکار ورزید در مورد ولایت امیر المؤمنین علیه السّلام در خانه خدا مرتد شدند و قرار گذاشتند که ظلم کنند به پیامبر و جانشینش، چقدر بدبختند ستمکاران.

امامت، ج ۱، ص: ۲۷۷

توضیح: آیه در سوره نساء چنین است: إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ ازْدادُوا كُفْراً لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيَغْفِرَ لَهُمْ وَ لا لِيَهْدِيَهُمْ سَبِيلًا و در سوره آل عمران چنین: إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بَعْدَ إِيمانِهِمْ ثُمَّ ازْدادُوا كُفْراً لَنْ تُقْبَلَ تَوْبَتُهُمْ وَ أُولئِكَ هُمُ الضَّالُّونَ.

شاید امام یک قسمت از آیه را بقسمت دیگر آیه دیگر وصل نموده تا اشاره باین باشد که مفاد هر دو آیه یکی است این احتمال نیز هست که در مصحف ائمه چنین باشد.

این که امام میفرماید پیمان را قبول کردند که در بعضی از آن مطیع باشند شاید چنین بوده که جرات نمیکردند در مورد ولایت هم پیمان شوند فقط در مسأله خمس که بآل محمّد صلی اللّه علیه و آله و سلم ندهند قرار داد را قبول کردند بعد در هر دو قسمت عملا با آنها موافقت نمودند.

کافی: ابو بصیر از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که در تفسیر آیه فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ فِي ضَلالٍ مُبِينٍ.

فرمود ای گروهی که تکذیب کردید موقعی که

امر پروردگار را در مورد ولایت علی و ائمه علیهم السّلام بعد از او بشما رساندم خواهید فهمید چه کس در گمراهی آشکار است چنین نازل گردید و در آیه إِنْ تَلْوُوا أَوْ تُعْرِضُوا فرمود اگر تغییر دهید جریان را و برگردید از آنچه مأموریت دارید فَإِنَّ اللَّهَ کانَ بِما تَعْمَلُونَ خَبِیراً.

خداوند بآنچه انجام می دهید مطلع است.

و در باره آیه فَلَنُذِیقَنَّ الَّذِینَ کَفَرُوا خواهیم چشانید بکسانی که کافر شدند با ترک نمودن ولایت امیر المؤمنین عَذاباً شَدِیداً عذابی بسیار سخت در دنیا وَ لَنَجْزِیَنَّهُمْ أَسْوَأَ الَّذِی کانُوا یَعْمَلُونَ و بدترین کیفر کارهائی که انجام میدهند خواهند دید.

کافی: ابو بصیر از حضرت صادق علیه السّلام در مورد آیه سَأَلَ سائِلٌ بِعَذابٍ واقِعٍ

لِلْکافِرینَ فرمود کافران بولایت علی لَیْسَ لَهُ دافِعٌ فرمود بخدا قسم این طور جبرئیل آورد برای حضرت محمّد.

کافی: ابو حمزه از حضرت باقر نقل می کند در باره آیه هذانِ خَصْمانِ اخْتَصَمُوا فِی رَبِّهِمْ فَالَّذِینَ کَفَرُوا یعنی کسانی که کافر بولایت علی شوند قُطِّعَتْ لَهُمْ ثِیابٌ مِنْ نارٍ جامه ای از آتش بر پیکر آنها پوشیده می شود.

کافی: ابو حمزه از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد که جبرئیل این آیه را چنین آورد:

فَأَبی أَکْثَرُ النَّاسِ إِلَّا کُفُوراً یعنی بیشتر مردم نسبت بولایت علی کفر ورزیدند و این آیه را نیز چنین آورد: وَ قُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّکُمْ بگو حق از جانب خداست در مورد ولایت علی فَمَنْ شاءَ فَلْیُؤْمِنْ وَ مَنْ شاءَ فَلْیَکْفُرْ إِنَّا أَعْتَدْنا لِلظَّالِمِینَ ناراً هر که مایل نیست نپذیرد ما برای ستمگران آل محمّد آتشی تهیه دیده ایم.

کافی: عبد الرحمن بن کثیر از حضرت صادق در باره آیه وَ هُدُوا إِلَی الطَّیِّبِ

مِنَ الْقَوْلِ وَ هُدُوا إِلى صِراطِ الْحَمِيدِ.

فرمود آنها حمزه و جعفر و عبیده و سلمان و ابو ذر و مقداد بن اسود و عمارند که هدایت بجانب امیر المؤمنین علیه السّلام یافتند حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمانَ وَ زَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ یعنی امیر المؤمنین محبت ایمان را در دل شما انداخت و آن را بنظر شما آراست.

وَ كَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَ الْفُسُوقَ وَ الْعِصْيانَ و ناپسند نمود در نظر شما کفر و فسق و خطا را که مراد از این سه فقره اولی و دومی و سومی است.

کافی: نعیم صحاف گفت از حضرت صادق علیه السّلام در مورد آیه فَمِنْكُمْ كافِرٌ وَ مِنْكُمْ مُؤْمِنٌ پرسید فرمودم، خداوند آنها را شناخت در روز میثاق بموالات ما خاندان و انکار ولایت ما در صورتی که بصورت ذر بودند در نهاد آدم.

از این آیه سؤال کردم أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَإِنَّما عَلى رَسُولِنَا الْبَلاغُ الْمُبِينُ.

امامت، ج ۱، ص: ۲۷۹

فرمود بخدا قسم هلاک نشدند پیشینیان و نه کسانی که می آیند تا زمان قیام قائم، ما مگر بواسطه ترک ولایت ما و انکار حق ما پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه و آله و سلم از دنیا خارج نشد مگر اینکه بر گردن این امت لازم نمود حق ما را، خداوند هر که را بخواهد هدایت میکند براه راست.

کافی: حکم بن بهلول از مردی نقل کرد که حضرت صادق علیه السّلام در مورد آیه وَ لَقَدْ أُوحِيَ إِلَيْكَ وَ إِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ یعنی اگر دیگری را شریک در ولایت علی بکنی عملت از بین میرود بَلِ اللَّهَ فَاعْبُدْ وَ كُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ یعنی خدا را بپرست

باطاعت و از شکرگزاران باش که کمک تو قرار دادم برادر و پسر عمویت را.

کنز الفوائد: عیسی بن داود از ابو الحسن موسی از پدر خود حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد در باره آیه وَ قُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّکُمْ در باره ولایت علی فَمَنْ شاءَ فَلْیُؤْمِنْ وَ مَنْ شاءَ فَلْیَکْفُرْ خواند آیه را تا رسید باین قسمت أَحْسَنَ عَمَلًا آنگاه بیان نمود که خداوند به پیامبر اکرم فرمود اصدع بما تؤمر آشکارا بیان کن مسأله ولایت علی را این است حق از جانب خدا هر که مایل است بپذیرد و هر که مایل نیست نپذیرد.

خداوند ترک ولایت علی را معصیت و کفر قرار داده بعد خواند إِنَّا أَعْتَدْنا لِلظَّالِمِینَ ما آماده کرده ایم برای ستمگران آل محمّد ناراً أَحاطَ بِهِمْ سُرادِقُها سپس خواند: إِنَّ الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ إِنَّا لا نُضِیعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا منظور آل محمّدند علیهم السّلام.

کنز الفوائد: با همین اسناد از حضرت صادق نقل کرد که در باره آیه فَالَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَ رِزْقٌ کَرِیمٌ فرمود اینها آل محمّدند وَ الَّذِینَ سَعَوْا کسانی سعی میکنند در قطع محبت آل محمّد مُعاجِزِینَ أُولئِکَ أَصْحابُ الْجَحِیمِ فرمود آنها همان چهار نفرند یعنی ابو بکر و عمر و عثمان و معاویه

امامت، ج ۱، ص: ۲۸۰

(یا ابو سفیان).

کنز الفوائد: با همین اسناد از حضرت صادق نقل کرد که در باره آیه قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ تا هُمْ فِیها خالِدُونَ فرمود در باره پیامبر اکرم و امیر المؤمنین و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام نازل شد و این آیه إِنَّ الَّذِینَ هُمْ مِنْ خَشْیَةِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ. وَ الَّذِینَ هُمْ بِآیاتِ رَبِّهِمْ

يُؤْمِنُونَ تا وَ هُمْ لَها سابِقُونَ در باره امير المؤمنين و فرزندانش عليه السّلام نازل شده.

كنز جامع الفوائد: اسحاق بن عمار گفت: از حضرت صادق عليه السّلام پرسيدم معنى آيه چيست: إِنَّ اللَّهَ يُدافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا خداوند دفاع ميكند از كسانى كه ايمان آورده اند فرمود ما آنهائيم كه ايمان آورده ايم خداوند از ما دفاع ميكند هر چه را كه شيعيان ما افشا نمايند.

كنز الفوائد: ابن عباس گفت: وليد بن عقبه بن ابى معيط بحضرت على عليه السّلام گفت من از تو زبان دارتر و دليرتر و بيشتر از تو طرفدار و جمعيت دارم حضرت على عليه السّلام در جواب او فرمود ساكت باش فاسق! خداوند اين آيه را در باره او نازل نمود: أَ فَمَنْ كانَ مُؤْمِناً كَمَنْ كانَ فاسِقاً لا يَسْتَوُونَ.

كنز جامع الفوائد: ابن عباس در باره آيه: أَ فَمَنْ كانَ مُؤْمِناً كَمَنْ كانَ فاسِقاً لا يَسْتَوُونَ گفت اين در باره دو نفر نازل شده كه يكى از ياران پيامبر او مؤمن است و ديگرى فاسق. مرد فاسق بمؤمن گفت من از تو دليرتر و زبان آورتر و هوا خواهم بيشتر است. مؤمن گفت ساكت باش فاسق! خداوند اين آيه را نازل كرد:

«آيا كسى كه مؤمن است مانند فاسق خواهد بود هرگز برابرى ندارند» آنگاه آينده مؤمن را توضيح مى دهد: أَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْمَأْوى نُزُلًا بِما كانُوا يَعْمَلُونَ كسانى كه ايمان آورده و عمل صالح انجام مى دهند رهسپار بهشت برين مى شوند اين جايگاه بپاس كارهائى كه انجام داده اند به آنها

امامت، ج ۱، ص: ۲۸۱

ارزانى مى شود و آينده فاسق را چنين بيان ميكند: وَ أَمَّا الَّذِينَ فَسَقُوا فَمَأْواهُمُ النَّارُ كُلَّما أَرادُوا

أَنْ يَخْرُجُوا مِنْها أُعِيدُوا فِيها وَ قِيلَ لَهُمْ ذُوقُوا عَذابَ النَّارِ الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ کسانی که فسق را از پیش گرفته اند جایگاه آنها آتش است هر وقت تصمیم بیرون آمدن داشته باشند آنها را بر میگردانند و میگویند اینک بچشید عذاب آتشی را که تکذیب میکردید.

ابو مخنف ذکر نموده که بین حسن بن علی صلوات اللّه علیه و مرد تبهکار ولید بن عقبه پیش معاویه سخن شد امام حسن علیه السّلام باو گفت: من ترا سرزنش نمیکنم که علی را ناسزا بگوئی چون او ترا هشتاد تازیانه زد بواسطه شراب- خواری و پدرت را با کمال خواری کشت در پیشگاه پیامبر در جنگ بدر خداوند علی را در آیات بسیار زیادی مؤمن نامیده و ترا فاسق.

تفسیر قمی: داود بن کثیر از حضرت صادق در باره آیه قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ فرمود معنی آیه چنین است بگو به کسانی که منت نهادیم بر آنها که شناختند آنهائی را نادانند با همین شناختن از آنها چشم- پوشی میکنند.

کنز الفوائد: روایت شده که علی بن الحسین علیه السّلام تصمیم گرفت غلامی را تنبیه کند غلام این آیه را خواند: قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ.

امام علیه السّلام از شنیدن آیه شلاق را از دست رها کرد. غلام شروع بگریه نمود زین العابدین علیه السّلام فرمود چرا گریه میکنی عرض کرد آقا من در نزد شما از کسانی هستم که امید ایام خدا را ندارند؟! فرمود: پس از تو کسانی هستی که بایام خدا امیدوارند؟! عرضکرد آری مولای من.

فرمود: خوشم نمی آید مالک کسی باشم که امید ایام خدا را دارد

اکنون

امامت، ج ۱، ص: ۲۸۲

از جای حرکت کن برو کنار قبر پیامبر صلی اللَّه علیه و آله و سلم و بگو خدایا از خطای علی بن الحسین در گذر روز قیامت آنگاه آزادی در راه خدا.

کنز جامع الفوائد: ابن عباس در باره آیه: أَمْ حَسِبَ الَّذِینَ اجْتَرَحُوا السَّیِّئاتِ أَنْ نَجْعَلَهُمْ کَالَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ سَواءً مَحْیاهُمْ وَ مَماتُهُمْ ساءَ ما یَحْکُمُونَ

فرمود کسانی که ایمان و عمل صالح دارند بنی هاشم و بنی عبد المطلبند و کسانی که گنه کاری را از پیش گرفته اند بنی عبد الشمس.

در روایت بعد نقل میکند در تفسیر همین آیه کسانی که ایمان و عمل صالح دارند علی بن ابی طالب و حمزه و عبیده بن حارثند و کسانی که گنه کاری را از پیش گرفته اند عتبه و شبیه دو فرزند ربیعه و ولید بن عتبه هستند.

کنز الفوائد: ابن نباته از علی علیه السّلام نقل کرد که فرمود: در سوره محمّد یک آیه در باره ما است و یک آیه در باره بنی امیه.

و نیز از ابراهیم بن ابی الحسن موسی علیه السّلام نقل می کند که فرمود هر که مایل است فضل ما را بر دشمنان مان بداند این سوره را بخواند که در آن این آیه است: الَّذِینَ کَفَرُوا وَ صَدُّوا عَنْ سَبِیلِ اللَّهِ یک آیه در باره ما و یک آیه در باره آنها است تا آخر سوره.

کنز الفوائد: آیه وَ مِنْهُمْ مَنْ یَسْتَمِعُ إِلَیْکَ حَتَّی إِذا خَرَجُوا مِنْ عِنْدِکَ قالُوا لِلَّذِینَ أُوتُوا الْعِلْمَ ما ذا قالَ آنِفاً تأویل این آیه را از ابن نباته از علی علیه السلام چنین نقل میکند که فرمود ما در خدمت پیامبر اکرم بودیم ما را

از وحی مطلع میساخت من آن را حفظ میشدم اما آنها یاد نمی گرفتند وقتی خارج میشدند میگفتند پیامبر چه گفت الان.

کنز الفوائد: ابن عباس در باره آیه: فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَ تُقَطِّعُوا أَرْحامَكُمْ تصمیم دارید در صورت اعراض تبهکاری کنید و قطع رحم نمائید.

فرمود در باره بنی هاشم و بنی امیه نازل شده است.

امامت، ج ۱، ص: ۲۸۳

کنز الفوائد: محمّد بن علی حلبی از حضرت صادق علیه السّلام در باره آیه إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدُّوا عَلى أَدْبارِهِمْ مِنْ بَعْدِ ما تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَى فرمود هدی راه امیر المؤمنین علیه السّلام است.

کنز الفوائد: جابر از حضرت باقر و آن جناب از جابر بن عبد اللَّه انصاری که گفت وقتی پیامبر اکرم علی مرتضی علیه السّلام را بولایت در غدیر خم تعیین نمود بعضی گفتند پیوسته پسر عمویش را بالا می برد خداوند این آیه را نازل کرد:

أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ أَنْ لَنْ يُخْرِجَ اللَّهُ أَضْغانَهُمْ.

ابو سعید خدری در تفسیر آیه وَ لَتَعْرِفَنَّهُمْ فِي لَحْنِ الْقَوْلِ خواهی شناخت آنها را در بدزبانی.

گفت: بعضی از آنها در باره علی علیه السّلام چنین کرده بودند.

کنز جامع الفوائد: محمّد بن فضیل از حضرت صادق در تفسیر آیه: ذلِكَ بِأَنَّهُمْ كَرِهُوا ما أَنْزَلَ اللَّهُ فَأَحْبَطَ أَعْمالَهُمْ و این آیه ذلِكَ بِأَنَّهُمْ قالُوا لِلَّذِينَ كَرِهُوا ما نَزَّلَ اللَّهُ سَنُطِيعُكُمْ فِي بَعْضِ الْأَمْرِ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ إِسْرارَهُمْ پرسید.

فرمود: پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه و آله و سلم موقعی که برای امیر المؤمنین پیمان گرفت فرمود میدانید ولی و جانشین بعد از من کیست؟ گفتند خدا و پیامبرش می داند فرمود خداوند میگوید: إِنْ تَظاهَرا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلاهُ وَ

جِبْرِيلُ وَ صالِحُ الْمُؤْمِنِينَ اگر راه مخالفت با پيامبر را گرفتند خداوند ياور و مولاى اوست و جبرئيل و پاك مردم مؤمن فرمود منظور على عليه السّلام است كه او ولى شما است بعد از من.

اين مرتبه اول بود.

اما مرتبه دوم موقعى كه از غدير خم مردم را گواه بر ولايت على گرفت گروهى ميگفتند اگر خداوند محمّد را قبض روح نمايد هرگز نخواهيم گذاشت خلافت به بستگان او برسد و از خمس بايشان نخواهيم داد.

خداوند پيامبر اكرم را از اين راز مطلع نمود و اين آيه را بر او نازل فرمود: أَمْ يَحْسَبُونَ أَنَّا لا نَسْمَعُ سِرَّهُمْ وَ نَجْواهُمْ بَلى وَ رُسُلُنا لَدَيْهِمْ يَكْتُبُونَ خيال

امامت، ج ۱، ص: ۲۸۴

ميكنند ما اسرار و سخن پنهانى آنها را نمى فهميم كاملا متوجه هستيم مأمورين ما آنچه انجام ميدهند يادداشت ميكنند.

و اين آيه را نيز نازل كرد: فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَ تُقَطِّعُوا أَرْحامَكُمْ، أُولئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَ أَعْمى أَبْصارَهُمْ، أَ فَلا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلى قُلُوبٍ أَقْفالُها، إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدُّوا عَلى أَدْبارِهِمْ مِنْ بَعْدِ ما تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَى

.هدى راه امير المؤمنين عليه السّلام است فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ ميخواهيد اگر به ولايت رسيديد و قدرت بدست شما افتاد تبهكارى روى زمين براه اندازيد و قطع پيوند خويشاوندى را نمائيد.

فرمود: اين آيه در باره پسر عموهاى ما بنى اميه نازل شده خداوند در باره ايشان ميفرمايد: أُولئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَ أَعْمى أَبْصارَهُمْ، أَ فَلا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ آيا در باره قرآن نمى انديشند تا حق و وظيفه خود را انجام دهند أَمْ عَلى قُلُوبٍ أَقْفالُها.

حضرت صادق عليه السّلام فرمود پيامبر اكرم باصحاب خود

میفرمود خداونـد در باره هر کس تصـمیم خوبی را داشـته باشـد دعوت پیامبر را میشـنود و میفهمـد و نسبت بهر کس تصـمیم خوبی را نداشته باشد نمیشنود و نمیفهمد این است تفسیر آیه:

حَتَّی إِذا خَرَجُوا مِنْ عِنْدِکَ قالُوا لِلَّذِینَ أُوتُوا الْعِلْمَ ما ذا قالَ آنِفاً، أُولئِکَ الَّذِینَ طَبَعَ اللَّهُ عَلی قُلُوبِهِمْ وَ اتَّبَعُوا أَهْواءَهُمْ.

وقتی از خدمت تو ای پیامبر خارج میشوند میگویند بکسانی که دارای علم هسـتند پیغمبر الان چه گفت خداوند بر دلهای آنها مهر زده و پیروی هوای نفس خویش شده اند.

فرمود هیچ کدام از شیعیان ما خارج نمیشود مگر اینکه خداوند بجای او بهتری را بما عنایت میکند زیرا در این آیه میفرماید: وَ إِنْ تَتَوَلَّوْا یَسْتَبْدِلْ قَوْماً غَیْرَکُمْ ثُمَّ لا یَکُونُوا أَمْثالَکُمْ.

امامت، ج ۱، ص: ۲۸۵

توضیح: در تفسیرهای موجود نزد ما این اخبار باین صورت نیست.

کنز الفوائد: ابن عباس گفت: گروهی از پیامبر اکرم پرسیدند این آیه در باره چه کس نازل شده: وَعَدَ اللَّهُ الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَ أَجْراً عَظِیماً.

فرمود روز قیامت خداوند پرچمی از نور سـفید ترتیب میدهد و منادی فریاد میزند: سـرور مؤمنین از جای حرکت کند و بهمراه او کسانی که ایمان آورده اند، پس از بعثت حضرت محمّد صلی اللَّه علیه و آله و سلم بیایند.

علی بن ابی طالب علیه السّلام از جای حرکت میکنـد و پرچمی از نور سـفید در اختیار او قرار میگیرد در تحت این پرچم تمام سابقین اولین از مهاجر و انصار هسـتند، و دیگری با آنها مخلوط نمیشود می آیـد و بر منبری از نور رب العزه مینشـیند یکایک آنها بآن جناب معرفی می شوند بهر کدام پاداش و نور اختصاصی او

را میدهد تا نفر آخر بایشان گفته می شود بامتیازات و منزل های خود در بهشت توجه کردید.

خدای شما میفرماید که در نزد ما آمرزش و پاداش عظیمی است برای شما که منظور بهشت است.

علی علیه السّلام از جای حرکت میکند آن گروهی در زیر پرچم اویند تا داخل بهشت میشوند.

آنگاه بر می گردد بجانب منبر خود پیوسته تمام مؤمنین بایشان معرفی می شوند امتیاز خویش را می گیرند و بجانب بهشت میروند.

گروهی نیز بآتش سپرده میشوند اینست تفسیر آیه شریفه: وَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ رُسُلِهِ أُولٰئِكَ هُمُ الصِّدِّيقُونَ وَ الشُّهَداءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَ نُورُهُمْ منظور سابقین اول و مؤمنین و اهل ولایت علی هستند وَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ كَذَّبُوا بِآياتِنا

امامت، ج ۱، ص: ۲۸۶

أُولٰئِكَ أَصْحابُ الْجَحِيمِ یعنی کفر ورزیدند و تکذیب کردند ولایت را و توجه نکردند بحق علی علیه السّلام.

کنز جامع الفوائد: ابن عباس در باره آیه إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتابُوا وَ جاهَدُوا بِأَمْوالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولٰئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ گفت: علی علیه السّلام تمام امتیاز و فضیلت و شرافت این آیه را بخویش اختصاص داده.

کنز جامع الفوائد: صباح ازرق گفت: از حضرت صادق علیه السّلام شنیدم میفرمود این آیه إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهارُ فرمود متعلق بامیر المؤمنین علیه السّلام و شیعیان اوست.

کنز جامع الفوائد: یزید بن شراحیل کاتب و منشی حضرت علی گفت از حضرت علی علیه السّلام شنیدم میفرمود در حالی که پیامبر اکرم بر پشتم تکیه داشت و عایشه نزدیک گوش من آمده بود تا بشنود پیامبر اکرم چه میفرماید.

آن جناب فرمود: برادرم این آیه را نشنیده ای

که خداوند می فرماید: إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ أُولئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّهِ کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده اند بهترین افراد هستند فرمود آنها تو و شیعیانت هستند قرارگاه من و شما حوض کوثر است وقتی امتها محشور شوند شما با چهره ای درخشان و قیافه ای تابناک در حالی که نه گرسنگی دارید و نه تشنگی سیر و سیراب می آئید.

کنز الفوائد: یعقوب بن میثم همین روایت را نقل می کند اضافه مینماید که بحضرت باقر جریان را نقل کردم فرمود همین طور است در کتاب علی علیه السّلام.

توضیح: باید توجه داشت که اطلاق لفظ شرک و کفر بر کسی که معتقد به امامت امیر المؤمنین و ائمه از فرزندانش نیست و دیگری را بر آنها مقدم دارد دلیل است بر اینکه آنها کافر و مخلد در آتشند. در قسمت معاد این مطلب گذشت و در ابواب ایمان و کفر خواهد آمد ان شاء اللّٰه.

شیخ مفید: در کتاب مسائل مینویسد: دانشمندان شیعه امامیه اتفاق دارند بر اینکه منکر امامت یکی از ائمه و کسی که آنها را واجب الاطاعه ندانند کافر و

امامت، ج ۱، ص: ۲۸۷

گمراه است و مستوجب خلود در جهنم.

در جای دیگر مینویسد: دانشمندان شیعه اتفاق دارند بر اینکه بدعت گذاران همه کافرند لازم است امام بعد از دعوت آنها را بتوبه وادارد و بینه بر ایشان اقامه نماید اگر توبه کردند و راه حق را پذیرفتند آزادند و گر نه کشته می شوند بواسطه برگشت از ایمان هر کس با این عقیده بمیرد اهل آتش است.

ولی معتزله بر خلاف این عقیده دارند و می گویند: بیشتر بدعت گذاران فاسقند نه کافر بعضی از ایشان با بدعت خود

فاسق هم نمیشوند و از اسلام خارج نشده اند مانند مرجئه که از طرفداران ابن شبیب و تبری ها از زیدیها در اصول با آنها موافقند ولی در صفات امام با یک دیگر اختلاف دارند.

امامت، ج ۱، ص: ۲۸۸

بخش بیست و دوم بخشی اختصاصی در مورد تفسیر آیه قُلْ إِنَّما أَعِظُكُمْ بِواحِدَهٍ

ترجمه روایات

مناقب: حضرت باقر و صادق علیه السّلام در باره آیه: قُلْ إِنَّما أَعِظُكُمْ بِواحِدَهٍ فرمود: آن ولایت است که دسته جمعی و یا تک تک بدان توجه نمایند.

کنز: یعقوب بن یزید از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که راجع باین آیه از امام پرسیدم: إِنَّما أَعِظُكُمْ بِواحِدَهٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنی وَ فُرادی فرمود مربوط به ولایت است.

گفتم: چگونه؟

فرمود وقتی امیر المؤمنین علیه السّلام را پیامبر اکرم بولایت منصوب نمود بمردم فرمود:

«من کنت مولاه فعلی مولاه»

مردی در این مورد بدگوئی کرده گفت محمّد! هر روز چیز تازه ای می آورد از خانواده خود شروع کرده که ما را زیردست آنها قرار دهد.

امامت، ج ۱، ص: ۲۸۹

خداوند در این مورد آیه ای نازل نمود قُلْ إِنَّما أَعِظُكُمْ بِواحِدَهٍ من وظیفه خود را انجام دادم در خصوص آنچه بر شما واجب شده بود.

گفتم معنی أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنی وَ فُرادی فرمود اما مثنی یعنی اطاعت پیامبر اکرم و اطاعت امیر المؤمنین علیه السّلام اما فرادی یعنی اطاعت ائمه علیهم السّلام که از نژاد علی است بعد از آن دو بخدا قسم یعقوب جز این چیز دیگر از آیه منظور نشده.

توضیح: بیضاوی می نویسد: قُلْ إِنَّما أَعِظُكُمْ بِواحِدَهٍ یعنی شما را راهنمائی میکنم و نصیحت می نمایم در مورد یک خصلت و آن صفت از این قسمت آیه معلوم می شود: أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ منظور اینست که از مجلس پیامبر حرکت میکنید یا بدنبال دستورش میروید در حال

اخلاص و دور از تظاهر و خودنمائی و تقلید «مَثْنی وَ فُرادی » یعنی متفرق بتعداد دو نفر دو نفر یا یکنفر یکنفر زیرا ازدحام موجب تشویش خاطر و مخلوط شدن سخنان می شود ثُمَّ تَتَفَکَّرُوا بعد اندیشه کنید در باره کار محمّد و آنچه آورده تا واقع برای شما کشف گردد ما بِصاحِبِکُمْ مِنْ جِنَّةٍ که پیامبر شما را جنون وادار باین کار نکرده یا این سخن ارتباط بما قبل ندارد باین طور که عقل وزین پیامبر کافی است که معلوم شود پیامبر است، زیرا او هرگز مدعی کار بزرگ و مطلب عظیمی بر خلاف واقع و بدون اعتماد بدلیل و برهانی نمی شود تا میان مردم رسوا گردد و خود را بهلاکت افکند با اینکه معجزات بسیار زیادی نیز این مطلب را ثابت می کند.

اما تأویلی که در این اخبار وارد شده از متشابهات تأویل است که جز خدا و راسخین در علم نمیدانند. مراد از واحده یا خصلت و یا روش واحده است این برای رد کسانی است که مدعی شدند هر روز چیز تازه ای می آورد و اشاره باین است دستوراتی که می آورد با هم برابر نیستند أَنْ تَقُومُوا یعنی از جای حرکت کنید برای انجام کاری که دوتائی و یک یک انجام می دهید و (جنّه) در آیه همان نسبتی

امامت، ج ۱، ص: ۲۹۰

است که به پیامبر اکرم میدادند که او دیوانه عشق علی است، چنانچه خواهد آمد در سبب نزول آیه وَ إِنْ یَکادُ الَّذِینَ کَفَرُوا تا وَ یَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ و بنا بر آنچه در روایت کافی است ممکن است تفسیر آیه بولایت باین جهت باشد که حاصل معنی آیه را بیان میکند این مبالغه ها

برای قبول کردن پیامبر است چیزهائی را که آورده است و عمده آنها و پایه اساسی در آن دستورات ولایت است.

(پایان) از آنجائی که یگانه همّ دارنده و مدیر محترم کتابفروشی اسلامیه از لحاظ نشر کتابهابی مذهبی خدمت بدین مقدس اسلام بوده و این بنده را هم توفیق الهی و عنایت پروردگاری شامل شد تا در تصحیح اوراق چاپی این کتاب قدم خیری در راه این خدمت برداشته باشم.

باشد که ملحوظ نظر مبارک حضر ولی عصر (عجل اللّٰه تعالی فرجه) گردد.

حبیب اللّٰه بیاتی

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹